

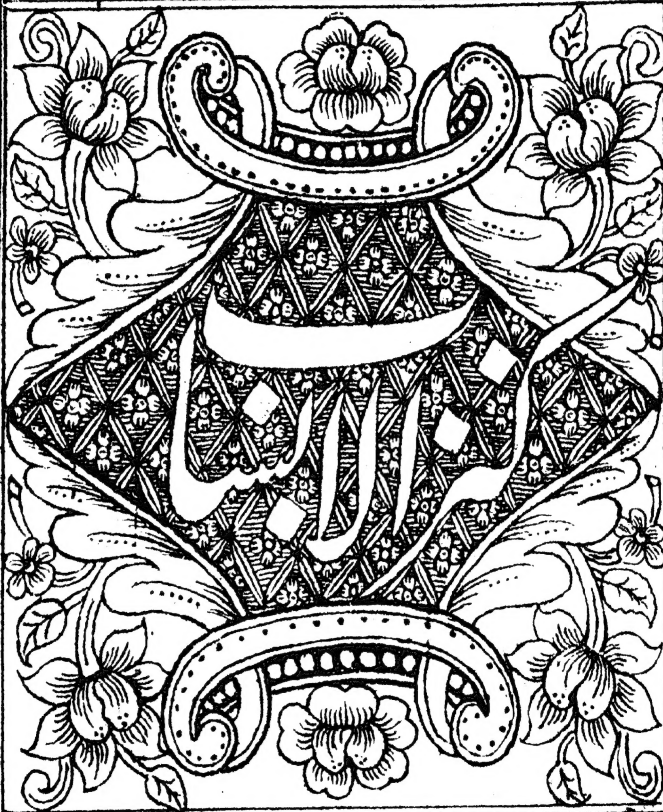
UNIVERSAL
LIBRARY

OU_232029

UNIVERSAL
LIBRARY

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي دَاوُدَ

بِمَقَرِّهِمْ أَهْلَ الْبَيْتِ الْحُسَيْنِ عِطَّائِينَ الْمُشْتَرِكِينَ لِعَبْدِ الرَّزَّاقِ عَمِّهِمْ مَسْمُومِي



بِاهْتِمَامٍ مَلَانُو الدِّينَ بْنِ جَبْرِ أَخَانَ مَهْتَمِّ مَطْبَعِ حَيْدَرِي وَصَفَرِي فِي أَقْبَرِ بَنْدِ بَلْبَلِي

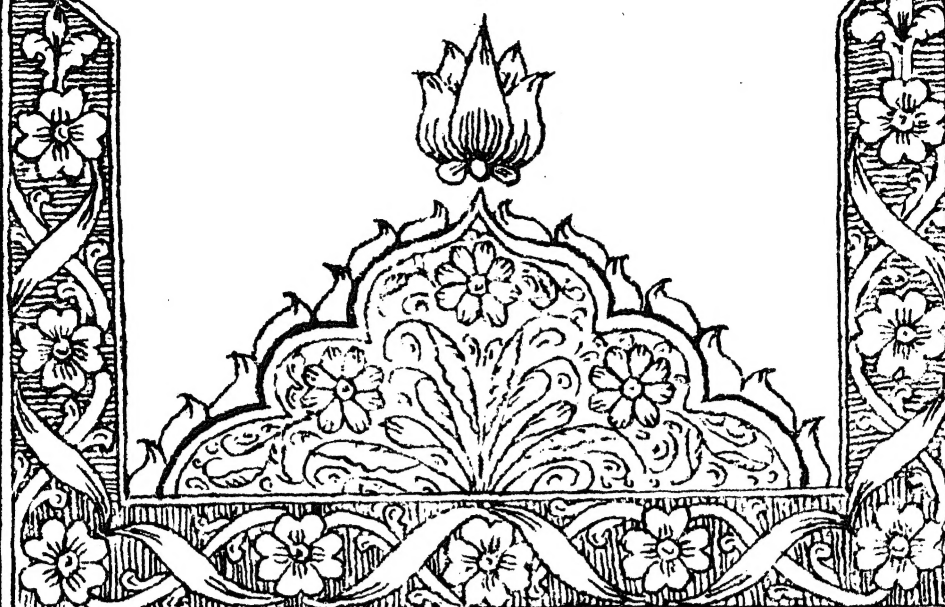
دَرْ مَطْبَعِ صَفَرِي طَبْعُ شَدُّ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا
وَالطَّلُوعَ وَالسَّلَامَ عَلَى رَسُولِهِ سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا
وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى خَيْرِ الْوَرَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ
مَنْعُوهُ الْحَقِيقَةِ مُحَمَّدِيَّةً وَبَرَزْخَ الْكَبَرِيِّ وَعَلَى آلِهِ
وَآهْلِ بَيْتِهِ سِرِّ عَيْنَةٍ أَمَّةِ الْهُدَى وَعَلَى أَصْحَابِهِ
مَوْصُوفٍ بِمَعْنِيَةِ تَحْمُوتِ بَنَاتِ الْعِلْمِ سَلَامٌ تَسْلِيمًا
كَثِيرًا كَثِيرًا



بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بقیاس حضرت رب الناس اوست موسی اساس عالم ایجاد
و تکوین و بانی خلقت بشر از ما و طین انسان را نسبت شرافت از خلقت دیگر
پایه اعتبار رسانیده و شرف را به سبب سیادت از خلقت عصمت و حیا
پیرایه افتخار پوشانیده در و نامعدود هدیه بارگاه حضرت رسالت نبینا
محمد المصطفی بنوت پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم زریب
بخش خلقت و عالم تحفه سلام و تحیات زریب بحسب ب العباد و بر صحاب
معلی القاب امجد الامجاد الی یوم التناوباد **هـ** حبیب اشرف انبیاء که
که عرش مجیدش لوح و مشکامه زبان تابود در دمان جا بگیرد شنای محمد بود و لذت

اما بعد گناس عتبه فیض رتبه حضرت رسول الثقلین سید عطا حسین ^{المشتمر}
 عبد الرزاق کترین مشایخین آفاق ولد حضرت سید المشایخین سید الساکین
 میر سید سلطان احمد قادری المنعم الحسن بن عمده المشایخین ^{صلین} ایوان
 حضرت سید شاه علام حسین حشمتی المنعمی باقری نسب خفی المذنب من الش
 سرهما متبجح فی الجنان لوصل ذات الرحمان برضمیر عطوفت تنویر ناظرین کتاب
 هذا الویاد چو که این خاکسار از متداد ایام خنیں آرزو داشت اگر انساب بزرگان
 دین متین چیران طریقہ راہ یقین باید منسلک سلسلہ مبین ساز و نصیبی بین به نصیب ^{تا بد}
 آخر کار آن دولت را سلسلہ ضیائی کرده بهم رسانید همه ایکیا کتاب هذا منسلک گردانند
 مطابق آنکه مَنْ جَدَّ فَوَجَدَ یعنی جو نیده یافت ستاره این سعادت در
 عین سفر حج بر پشانی ام تافت باید شنید در شهر ممبئی حین قیام کتابی دید
 بحر الانساب و نیز در معاینه در آمد بمقام **گلشن آریا** و کتاب
 حساب الانساب و نسخه اول ذکر اولاد و وارده امام علیہ السلام در
 ثانی نسب لیا و متقدمین عالی مقام که امام فلان می پیوند و نیز بخانه این فقیر
 بود کتابی نسب نامه تالیف حضرت عم الاعظم و شضمیر مولوی سید شاه
 وحید الدین احمد مبضه ساختند حسب الارشاه کلمات ارشاد ترک برادر
 از زبان فیض ترجمان والد یاجدشان **سید شاه علام حسین**
 قدس سره و نیز در این کتاب نسب نامه اکثر مشایخین متقدمین علت غائی

از تحریر جدید چنین نیز کتابی یافت منظومه نسب نامہ بزرگان دین عمده المشائخ
 که از تالیف شاه محمد دوم بخش متخلص وافی فردوسی البهاری و بعد
 این و کتاب در سفر یافت و نیز اینکه از وقت تالیف عم الاظم فرزند فرزند
 آنها شدند درج کتاب با نهمه را برتیباً مبذول ساخت و موسوم به کثر الانساب
 پرداخت درین کتاب تفریق تفصیل بحین عنوان گردید اول مقدمه کتاب
 بعده دو باب ضمیمه نسب ذکر نسب پیشینان بعده ذکر نسب خود زان بعد ذکر نسب
 سادات که بکدام امام پیوند و بعده سه فصل در نسب یونخ یعنی حضرات
 اصحاب ثلاثه و سلمی نمود و یک خاتمه و یک تتمه واضح باد این کتاب است برین
 یک مقدمه دو باب چند کینیت سه فصل اصل اصول مقدمه کتاب
 بذکر نسب سالت مآب ذکر نسب حضرت نبینا محمد صلی الله علیه و سلم
 رسالت مآب حضرت اسد الله الغالب العالی بن ابی طالب بذکر
 ذریع خواجہ عبد المطلب یعنی جلدی سرور ال غالب و دو باب
 ذکر حضرت حسین یعنی در یکی ذکر حضرت امام حسن مجتبی مع اولاد
 و در دیگری ذکر حضرت امام حسین شهید کربلا مع اولاد علیهما السلام
 حسب تفصیل ذیل ذکر جمیل و بجای تحقیق مصابرت بدین ترتیب فرین یافت

مقدمه الکتاب کثر الانساب

واضح باد بر هر کس فرو بشیر مسلم و مسلمة واجب است داشتن چهار کرسی آنحضرت

نبینا محمد علیه السلام هر قوت ایمان نیز هر کس چهار کرسی خود و نسیبتن بهر حکام
 تقویت مصابرت مستحب است جهت حجت نسب شرافت حالا چون کتاب
 نسب نامہ دست نموز ذکر نسب اعلا آنحضرت در تحریر مقصود مسکین بے تسکین فسانی
 نسب نامہ آنحضرت خاتمه صلی الله علیه و آله وسلم که
 یعنی سیدنا و مولینا محمد مصطفیٰ و زشی الهاشمی المطلب این سیدنا عالیجاه
 عبد الله بن علی بن عبد المطلب بن سدر یا ششم ابن
 عبد المناف در باب چهار کرسی آنحضرت است بهمین قدر که تحریر است
 بالانساب این که عبد المناف ابن قصی له کلاب مکدر ظهور شد تا عدنان نسب
 عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل و ابراهیم تا آدم است صورت اختلاف آنحضرت
 با عدنان کرده اند بیان بدانید عبد المناف را چهار راسی یکی نوفل جد چهارم
 حضرت حمیر صاحب بنی و ثانی مطلب جد هفتم حضرت امام شافعی رحمة الله
 ثانی یا ششم و عبد شمس شدند هر دو توأم بنشاستها پیوسته از ششم سر جدا
 در اولاد هر دو ششم شدند متها اخر ختم شد بر جناب سیدالشهدا عبد شمس بن کنانه
 اجداد امیر المومنین عثمان رضی الله عنه و نیز اجداد حکم پدر و روان وجد
 معاویه ابن ابوسفیان ازین قبل اجداد کل بنی امیه و یا ششم پدر جد آنحضرت
 و پدر جد حمیر را که یعنی جد جمله بنو عبد المطلب و نسب حضرات شیخین و اصحاب
 من بقیة از عشره مبشره ازین درجه بالاست که می پیوند یعنی از قصی بن

کلاب چنانچه نسب حضرت صداقت مآب از حضرت سید البشر رسالت مآب
 پیوندد بدرجه هفتم از مره بن کعب انجناب بنی تمیم اند و نسب حضرت عدالت مآب
 از آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرجه ششم می پیوندد از کعب انجناب بنی
 عدوی اند مشهور تفریق نسب خلیفه سیوم صاحب حیا بدرجه چهارم از آنحضرت
 که تحریر سابق نمود و نسب الی حسب یعثوب المؤمنین لقب حضرت ابوالحسن
 علی مرتضی اقرب الاقرب یعنی بیک اسطه از آنحضرت می پیوندد بمصدق
 حدیث بنی یاد خیر است اَنَا وَ عَلِيٌّ مِّنْ نُورٍ وَاحِدٍ یعنی فرمود آنحضرت
 نور من و نور علی واحد است باید دانست نسب مادری آنحضرت صلی الله علیه
 وآله وسلم بدینطور است جای غور است که بی بی آمنه خاتون بنت هب
 بن زهره بن کلاب بدانند کلاب را دوسپری که قضی دومی زهره هر دو
 نام سپران خود نهادند عبد المناف پس هر دو عبد المناف اجداد جدی و مادری
 آنحضرت شدند و حضرت سعد ابن ابی وقاص و عبد الرحمن بن عوف
 هر دو صحابه از عشره مبشره از اولاد زهره بن کلاب اند و دختر کلانی و هب
 ابن عبد المناف بی بی هاله یکی از زوجة خواجه عبد المطلب الدیه بی بی صفیه
 و حضرت سید الشهدا امیر حمزه رضی الله عنهما بایستیند اگر چه عم بنی حضرت
 عباس آوردند ایمان بر بنیم بنیم بنی بودند و از امیر حمزه حد خصوصیت
 برادر خالاتی برادر رضاعی بنیم است اعلم المؤمنین حضرت خدیجه الکبری

ثبت خویله بن اسد بن عبد الغزی بن قصى بن کلاب اندک و الصدروفیر الجبل
 ابن هشام و ختمه دختر هاشم و والده حضرت عمر فاروق هر دو برادر هشام
 و هاشم بن مغیره ابن حارث ابن عبد الغزی ابن قصى بن کلاب اند و ابو جمل
 از اعمام آنحضرت نیست غلط مشهور باعث مذکور ازین قرابت برادر بنی عام
 حضرت ام المومنین خدیجه است پس ریحال خسراده شده عم نشد تبصره باین وجه
 که ده است اکثر آنرا ابن عبد المطلب بجای برادر ابی لهب شمارند غیر باید دانست
 خواجه عبد المطلب اده فرزند آن مختلف الابطان هاشم بن عبد المناف را
 سپهر از آنجمله دو ولد نامی یک خواجه عبد المطلب جدا آنحضرت است
 و جد حضرت علی و سر لایت بودند و دومی اسد ابن هاشم جد مادری حضرت
 حیدر که اجداد حضرت حضرت مرتضی علی از جانبین نسب هاشمی دارند از نجبا
 تفصیل در بیت خواجه عبد المطلب نگاشته می آید بدیند سپهر اولین خواجه عبد المطلب
 حارث از یک بطن و کینت شان ابو الحارث بدین وجه و ضرار
 از یک بطن عبد الغزی سپهر سلیم از یک بطن چهارم ابواب پنجم
 مقوم هر یک از بطن مختلف بوده اند هاشم خواجه عبد الله و الداجد
 حضرت محمد رسول الله هفتم زبیر از اجداد حضرت امام تاج فقهه جد مخدوم
 شرف الدین هشتم خواجه ابریطال و حضرت مرتضی علی اسد الله الغالب
 و پنج خواهر ایشان برادران ثلاثه از یک بطن ماوراء ارومی عاتکه و میقا

و امیمه سمره خواهران ایشان بداند ولد زبیر بودند ابو فردا و اما حضرت
 ابو دودا الفزاری که حدیث مخدوم حکیمی منیری اند مرار فیض الوار حضرت
 امام تاج فقه در مکّه مشرفه موجود است متصل باب عمره از ذریه انجناب
 تاج فقه که اکثر اند اولیاء کبار خصوصاً در نجوار حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه
 شرف الدین قدس الله سره ابن مخدوم حکیمی منیری ابن مخدوم اسرار
 ابن حضرت امام محمد تاج فقه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام
 ابو القاسم ابن امام ابو الصّائیم ابن امام ابو الدّهبل ابن امام ابو الیث ابن امام
 ابو سمره ابن امام ابو الذّبن ابن امام ابو مسعود ابن امام ابو در ابن زبیر ابن خویجه
 عبد المطلب بن هاشم بن عبد المکناف که از اجداد آنحضرت اند علیه السلام
 واضح باد از یک روجه سیدنا عباس بن عبد المطلب نعم خیر الناس جدیخ
 عباسی خلفاء عباسی ابنان حضرت عباس مشهور است اند فیصل ابن عباس
 عبد الله ابن عباس فتم از طین سابقین مومنه بی بی اُمّ الفضل استند مادر
 خلفاء عباسیه از ذریه انجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه
 امون اند مرار واقع در موضع تسخیر لوی رخر و الوان علاقه بهار فیض آناء
 مرار در بنی نسب نامه منیو سید حضرت مخدوم شاه امون ابن مولانا شیخ ابراهیم
 ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمان ابن شیخ عبد الغفر بن شیخ سید
 ابن شیخ عبد الله چولوی ابن شیخ عبد الواحد حقانی ابن شیخ ابو القاسم

ابن شیخ ابو سعید صفهانی ابن شیخ ابو نجیب ابن امام ابو الولیس ابن امام ابو سعید
 ابن امام ابو الیث ابن امام ابو اسحاق ابن امام ابو زید ابن امام عبد الله ابن
 حضرت عباس ابن خواجه عبد المطلب جد نبی صلی الله علیه و سلم حضرت امیر
 حمزه ابو عماره یک پسر عماره و نام دختر فاطمه بنت حمزه و دیگر این نام یادمانند
 الاکسی مورخین فرمودیت ایشان تحریر نمود الا خواهر عیسا حضرت امیر حمزه بی بی
 صفیه بنت عبد المطلب مع منه سابقه مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویله حضرت
 زبیر و مادر حضرت صدیق اکبر از لطن بی بی بی سماء سسه پسر عبد الله ابن زبیر عروه
 ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروه محبت شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج
 بی بی سیکینه دختر حضرت امام حسین علیه السلام اندیشینوار عمارت نبی ایمان
 آوردند بی بی صفیه بی بی عاتکه و دو عم ایمان آوردند حضرت عباس و حضرت
 امیر حمزه آنحضرت چهار عم را دینار جمله اعمام ایمان آوردند و ابوالعباس کافر شد
 ابیطالب بین مذنبین اندوخت و از وراج نبی آنحضرت بنیام محمد المصطفی
 صلی الله علیه و آله و سلم اولین حضرت ام المومنین بی بی حدیجه الکبری
 بنت خویله که از لطن پاک ایشان کل ولادت بی علیه السلام غیر سیدنا ابراهیم که
 از لطن ماریه طیبیه شدند و بعالم صناعت تشریف بردند بسوی جنت عقیان نامند
 ثانی ام المومنین محترمه بی بی عاتقه صدیقہ رضی الله عنهما بنت حضرت
 صدیق اکبر رضی الله عنه اولاد نشد از ایشان ثالثه ام المومنین بی بی حفصه

بنت حضرت عمر رضی اللہ عنہ ابوعام المومنین حضرت زینب بنت جحش دختر
 عمه نبی بودند فامسه المومنین بسودده بنت رمعه بن قیس ساوس ام المومنین
 زینب بنت خزیمه لقب ام المساکین بن حارث سابعه ام المومنین ام سلمه
 بنت ابی امیه کنیت عاتکه عمه نبی بودند ثامنه ام المومنین ام حبیبه دختر
 یوسفیان خواهر امیر معاویه تاسع ام المومنین حضرت میمون بنت الحارث عشر
 ام المومنین صفیه بنت حمی ابن اخطاب زینت حضرت یارون نبی علیه السلام
 بودند یازدهم بی بی جویره بنت الحارث ابن سعد وازده بی بی مارقطیه
 بی بی شیرین سیزده شد و در چهارده یکی مطلقه شدند ذکر فرزندان
 آنحضرت سیدنا محمد علیه الصلوه والسلام که از بطن ام المومنین
 خدیجه الکبری بوجو آمدند در عالم شهود بنید و دو پسر چهار دختر از
 بطن خدیجه پاک ثمره سیر لولاک شدند و لد اول سیدنا قاسم پور پیغمبر اعظم
 بست هفت سالگی آنحضرت تولد یافتند بعمر سه ساله حلت کردند انالید و اناسه
 رجوع ثانی ولد سیدنا عجد الله که بعد غیب نبی بعمر چهل سالگی آنحضرت در
 آمدند بوجود لقب طیب و طاهر بودند از جناب برتعالی در ایام ضاعت بجلد
 برین شتافتند بعد حلت ایشان سوره کوثر شد نزول حبت ارتفاع ملال
 و گوینده ابتر شد و ولد بنت کلانی حضرت رسول ربانی بی بی زینب بعمر
 سنی سالگی آنحضرت تولد شدند و از خواهر برادره ام المومنین خدیجه الکبری

الی العاص کتخاشند از لطن آن بی بی دو اولاد شد یک پسر و یک دختر نام پسر
 شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامت زنیب
 که حسب وصیت بعد حلت جناب سیده فاطمه همراه بر زوجیت جناب حضرت علی
 مرتضی کرم الله وجهه درآمدند از لطن این عقیقه یک پسر شد محمد و سبط بن علی
 همراه برادران در میدان کر بلا براه شهادت جان بحق نمودند تسلیم فرزند
 بی بی زنیب پنج اقیام باقی دختر ثانی محبوب ربانی بی بی رقیه که بعد از سه سالگی
 عمر هفت آنحضرت متولد شدند بود و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
 درآمدند عبد الله که از لطن پاک ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند از پنجاه
 انتقال بعد انتقال حضرت رقیه دختر ثالث آنحضرت بی بی کلبثوم که بجز
 و شش سالگی آنحضرت تولد شدند در عقد و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
 درآمدند از لطن این بی بی عجب الله صغر وجود آمدند در طفولیت رحیل ملک بقا
 شدند عقاب نمازند قبل از نکاح حضرت با حیا در صغر سنی هر دو در نکاح هر دو
 برادر عقیقه ابنان ابولهب بودند که بعد از نکاح آنحضرت بعصب مشرف شدند
 ابولهب پسران کافر شدند در میان کفر و اسلام نکاح باطل خلع واقع شد هنوز
 هر دو خواهران ببلوغیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگری
 در عقد و نکاح حضرت با حیا عثمان غنی رضی الله عنه داخل شدند عقاب
 نمازند نسل حضرت رسول مقبول از حضرت تمول در زجر است که فرمود آنحضرت

بشیر و نذیر آینه محمود نسل نبوی در پشت بر بنی و نسب محمد در پشت علی و انج باد
 چون بسال دوم هجرت کردند عقد کاح واقع شد از جناب سیده النساء بتول
 فاطمه الزهرا رضی الله عنها با حضرت اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب
 در شان پاکدینی فرمود انحضرت آینه محمود الفاطمة بصفتیه منی یعنی فاطمه
 پاره جگر من بهت الحصول چون قران السعدین شد از حضرت علی و بی بی بتول سر بانی

یافت ظهور ابیات

بانت بنی چو یافت تزویج

چون گشت بحق و تران سعدین
 دو لعل ازین صدف بر آیند

هر مرتبه علی علا شد
 از چرخ نهم چنین ندا شد

مسرور علی ازین صدا شد

سر آینه کریمه لظهور رسید آیت

عَمَّ حَجَّ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ از لطن پاک نبت سر لولاک دو فرزند بوجو آید
 یکبار دیگر می مبصه شود و بذریعت نبی شد صورت سودناری شدند جود
 از رشک گل مقصود مطابق کلام بانی تخریج مِنْهُمَا اللّٰوُءُ وَالْمَرْجَانُ
 باید دانست مراد از لولوء یعنی مروارید نسبت انحضرت امام حسن مجتبی که مروارید
 سفید رنگ است نیز الماس بنین جبهه شهادت انحضرت است و مقصود از مرجان
 سرخ رنگ شهادت جناب انحضرت امام حسین علیه السلام است الحق
 بدانید بعد تولد این نیرین حضرت محمد مصطفی پسرویم نیز جناب انحضرت
 علی مرتضی تولد یافتند بایام ضاعت سدنا محسن بسوی جنت شتافتند

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین زنده ماندند و الهی
 اولاد شدند زینب دخت کلانی حضرت علی مقبول را بی که از حضرت عبدالمطلب
 ابن جعفر طیار برادر عمراد منسوب شدند و گوهر لطن آن بی بی نیز متولد شدند
محمد عیون محمد جعفر نوجوان جام شهادت نوشیده در کربلا گرفتند
 راه خدا و او یلار اعقاب ایشان ماند دختر ثانی حضرت شیر خدای بی کلثوم
 در عقد و نکاح حضرت امیر المومنین **عمر فاروق** درآمدند از لطن این بی بی فرزند
 زید نام تولد شدند و رایط طفولیت جان بحق کردند سلیم دختر سیوم جناب تبول
 بی بی رقیه به عمر و سالگی حلت ساختند ازینها عقاب نما نذخیر حضرت
حسین فرزند رسول مقبول واضح با نقل مشهور باین عام خاص مذکور
 مراد از ذریت سیادت از بی فاطمه است و اولاد مرثی علی چرا که
 لقب سیادت به پنج است پنج ای نکته سخ که آنحضرت چنین فرمود حدیث
 اَنَا سَيِّدُ الْبَشَرِ سَيِّدُ الْاَنْبِيَاءِ وَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ يَا عَلِيَّ أَنْتَ سَيِّدُ الْاَعْرَابِ
 وَ سَيِّدُ الْاَوْلِيَاءِ وَ الْفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ
 وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ فَضْلِ النِّجْمِهِ اَزین حکایت و روایت
 رسید به ثبوت پنج سیادت بدانند اولاد حسین معمور به پنج سیادت هستند
 الا سید علوی را یک سیادت است ابوی در بیان اولاد علی
 از لطن غیر تبول از اینجا ذکر سیادت علویت واضح باد از لطن پاک

سیده ششش فرزند سه سپیده و ختر داند بوجو باقی از البطان دیگر زوجه ها
 معروف است که سبت چهار اولاد شده سپیده باقی دختران جای ذکر به تفصیل
 خواند نگاشت بدانید از سه فرزند نسب علوی اولاد ماند باقی در وایت است
 که حضرت مخدوم نصیر الدین چران دهلوی را نسبت فرزندى بحضرت عباس
 بن علی که علمدار بودند همیشه مورالاد کرتب نیافت می نگاشت و از فرزند علی
 محمد حنیف ابن حیدر کرار اولاد است مشهور چنانچه سید محمود غازی
 ابن سید محمود ابن سید عبداللہ ابن سید محمد اللہ ابن سید عبدالکریم ابن امیر حمید
 ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولا علی کرم اللہ وجہہ و نسب مادری سید
 سالار غازی ابناء ملوک است سلطان محمود غازی خال ایشان بودند
 و نسب بدی حضرت خواجہ محمد السبوی رحمۃ اللہ علیہ کہ خلیفہ حضرت امام
 ابویوسف ہمدانی اند نیز پیوند بدینطور است خواجہ احمد السبوی
 ابن سلطان خواجہ ابراہیم ابن سلطان خواجہ امیر محمود ابن سلطان خواجہ
 عبدالفتاح ابن سلطان خواجہ عمر ترکستانی ابن سلطان خواجہ عثمان
 ابن سلطان خواجہ حمیرا ابن سلطان خواجہ موسیٰ ابن سلطان خواجہ
 اسمعیل ابن سلطان خواجہ موسیٰ ابن سلطان خواجہ یارون ابن سلطان
 خواجہ اسحاق ابن خواجہ عبدالرحمن ابن خواجہ عبدالرحیم ابن خواجہ عبدالقہار
 ابن امیر عبدالفتاح ابن حضرت محمد حنیف بن حضرت علی حیدر کرار و نیز

منقول است نسب حضرت مرزا منظر جان جاناان سرهند مجر و یه سبت لشت
 واسطه فرزندی بحضرت امیر محمد صغیر میرسد و نسب میرزای جانب ماوری
 بامیر تمور میرسد نسب نامه حافظ محمد یعقوب از حضرت عمر ابن علی
 حیدر کرار میرسد بدینطور که حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف
 ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح
 ابن امیر اورس ابن امیر لونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر
 عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاهوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکریا
 فقیه ابن مولانا محمد یحیی زاهد ابن میر سید زاهد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ
 سید منصو ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن
 حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبد اللہ ابن سید امان اللہ ابن سید
 علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سید ناصر ابن حضرت علی
 کرم اللہ وجہہ و انعم باد اکثر سیادت علوی نسب در استشار بہر امرار و دیار چون
 نسب نامه نیافت متعذر شد از تحریر و نگاشت ذکر ذریت حضرت
 عقیل ابن ابیطالب ذکر ذریت حضرت جعفر طیار میکنم الا اول
 بی بی ام مانی بنت ابی طالب که از آنحضرت بسیار محبت و عقیدت داشتند
 علاوه نسب عمر ادکی منقول بودند چنان که در خانه برکت نشانه ایشان
 واقع معراج نبی لبسوی آسمان دومی اولاد شدند کیفیت ذریت دریافت نشد

الاذريت حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه بر تیره شهادت
خون جسمی شان شد بطور سبیل و پدر و فرزند ایشان محمد و ابراهیم بیوجه
شدند براه حق قتل و کل ذریه شان در کر بلا همراه سید الشهدا بر تیره
شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار را سه سیزه لطن بی بی

اسماء و بنت عس کی عید الله بن جعفر که از حضرت زینب

و ختر علی رضی کرم الله وجهه کتخدا شدند و دو فرزند از لطن پاک آمدند بوجود

محمد و عون محمد جعفر هر دو لطف کر بلا شدند شهید قاتل شان مطیع

یزید و لاد باقی نماند الا هر دو اولاد برادر باقیست محمد و عون ابنان

جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چرا که ذریه حضرت

زینب را عقاب نماند واضح بود که از اولاد هر دو بزرگوار امیر عطاء الله

نامی منبر لنگرامی وارد بدین دیار شدند و در دیار شاهی و سوخت بهر سانی

مغز و ممتاز گشته فرامین و هیات حصول کرده یافته از جندی بسرنیدی

سکونت قصبه چلواری ضلع پینه کردند اختیار چنانچه اکثر مشایخین

این دیار نسبت نسب خود با امیر عطاء الله مدوح می پیوندند و آنچه که

باستماع آمده این خاکسار از زبان فیض ترجان جد بزرگوار خود و اولادین

عمده المشایخین جناب حضرت سید شاه علام حسین قدس سره دانا پوری

درین صنفه نگار و آنچه که در زینبیل خود و واروی دارد یعنی صاحبان ساکن

بمجملی شهر ضلع چنوپور یکی از رؤساء مشایخ مولوی علی کبیر و برادران
 و خوابزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچه ازین خاکسار هنگام عمده
 روزگار سرکاری ناپایداری غازی پور ملاقات شد از مولوی محمد ظهور
 صدر الصد و ضلع غازی پور و نیز حسین سفرچ ملاقات شد از برادر کلانی شان
 اندر حرین شیرین مولوی عبدالشکور عند التذکره کردند بیان ذریت
 خود بامیر عطاء الله جعفری نسب چنانکه جناب حضرت جد ماحد فرموده بودند
 و نیز ملاذمت خود بشهر الہ آباد از آنحضرت بیان میکردند و نیز مولوی
 محمد روح وقت مراجعت سفرچ پیراہ آمدند این فقیر حقیقتاً بے آورده
 بودند در ذکر آل ابطال بید بودم مگر در ذکر مشایخان پہلواری
 کہ خود را بذریعہ امیر عطاء الله نامند یعنی شاہ طہور اللہ رحمۃ اللہ علیہ
 والد ماجد شاہ مجیب اللہ کہ والد ماجد و پیر مرشد حضرت شاہ نعمت اللہ
 قادری پہلواری رحمۃ اللہ علیہ بودند و نیز مولانا عماد الدین قلندر
 قادری کہ خسر پیر مرشد جناب حضرت شاہ مجیب اللہ قادری بودند و
 نیز از ذریت امیر مدوح مولوی شاہ وحید الحق داماد شاہ مجیب اللہ
 علیہ الرحمۃ کیفیت ذریت ایشان خوب میدانند و تتمہ کتاب خواهد نوشت

تفصیل و احوال فرزندان ایشان بسیارند

باب اول ذکر اولاد حضرت ماحد حسن محبتی علیہ السلام بر دو نسبت

نسبت اول در ذریت } حضرت امام حسن علیه السلام
 نسبت دوم در ذریت حضرت } سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه

واضح باد از تحریر مورخین سابقین ازدواج حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و سید
 یسجانه ششتر و وجه آمده اند و شمار چهر که آنحضرت بودند کثیر النکاح بدست شریعی
 بعد دیگری چهار زن موفق شدند و نیکو و نیکو طلاق کثرت نکاح بود و تمنا می
 ارشاد آنحضرت صلی الله علیه و سلم آنحضرت شهر بانو بودند رضی الله عنهما
 و در کتب تواریخ کل سها از وجه آنجناب نیافت که می نگاشت الاسماء و چند جای یافت
 می نگار و بدانند و جدا و لین خوله بنت منظور بن حیدر از اولاد هاشم بن
 عبدالمطلب هاشمی نسب از لطن این وجه یک فرزند رتبه بلند جناب حضرت
 امام حسن مجتبی رضی الله عنه و از لطن بی بی صفوره بنت سعد بن زید بن
 خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی الله عنه یک دختر بی بی عایشه
 شاه کنیت نام عیسی فاطمه ثانی نام داشته اند مورخین بن بی بی و وجه حضرت
 علی ثانی امام زین العابدین ابن امام حسین علیه السلام که خدائی امام
 حسن مجتبی از دخت عم بزرگوار حضرت امام حسین علیه السلام کردند نام
 نامی این بی بی فاطمه صغری از لطن غنیفه تولد شد سیدنا عیسی علیه السلام
 المحض نیره حضرت امام حسن مجتبی و نواسه حضرت امام حسین شهید کربلا که از
 اجداد و امجاد حضرت غوث الثقلین سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنهم

و فرزند بی بی ام عبد الله عايشه ثانی حضرت امام محمد باقر بن حضرت
 امام زین العابدین نواسه سید الشهدا امام حسن مجتبی رضی الله عنه ذریات
 این حضرت ملقب ببیادات حسنی و حسینه و حسنه الحسنه اند کیفیت ذکر نسب بیشتر
 نگاشته خواهد شد و اینجا تفصیل از رواج حضرت امام حسن علیه السلام می آید ^{سید}
 باید شنید بی بی ام البشر دختر مسعود انصاری از بطن این بی بی متولد شدند
 سیدنا قاسم بستند و از زوجه رابعه بی بی ماهره تولد شدند سیدنا
 عبد الله بن امام حسن مجتبی و از بطن زوجه خامسه بی بی زاهده سیدنا
 ابوبکر بن حسن تولد یافتند و از بطن زوجه سادسه بی بی ام ولد سیدنا عمر
 بن حسن پدید شدند و از بطن زوجه سابعه بی بی سعدا تولد شدند سیدنا
 محمد بن حسن مجتبی از بطن بی بی انیسه ثامنه و از بطن بی بی طاهره
 چند دختران بوجود آمدند و نیز بودند چند زوجه بی بی فاضله بی بی محمود
 بی بی نصیه بی بی خدیجه بی بی عابده و دختران متولد شده باشند
 کل چهارده از رواج آمد بشمار الا واحده جعده بنعت شعث که اسماء بهم نام بود
 کانسه زینم نوشیده شهادت یافتند ان الله وانا الیه اجمعون و کفر زندان
 حضرت امام حسن متبنی در کتاب امامیه تا اینجا نگاشته اند و دختران
 بست تحریر میکند الا اهل سنتن موخرین معتمدین همینقدر نوشته اند که در تحریر
 و آید باینست سیدنا ابوبکر سیدنا ابراهیم و فرزند سیدنا عمر

سید جعفر و ابن سیدنا محمد و واندیک سید ابراهیم و دومی سید ادریس و فرزند سیدنا
عبدالله سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاسم دریافت نشد
باید شنید اولاد سید ابراهیم اولی سید نوح و سید ایمان سید داود اند و
فرزندان سید جعفر ابن عمر زید شهید و اولاد سیدنا محمد سید موسی
و سید یحیی و سید جعفر و سید ابو بکر بودند و اولاد سید عبدالله سید یونس
و سید اسمعیل و سید اسحاق ذریات ایشان وقت دوره امارت بنی امیه
و خلفاء عباسیه خروج کردند بعضی از صولت آنها فرزند بعضی شدند شبیه
نمره نسبت و م با ای ال فکر اولاد حضرت امام حسن مثنی جد
حضرت عوث الثقلیین باید دست بحضرت امام حسن مثنی پنج فرزند
شدند از آنجمله اولین سیدنا عبد الله محض ثانی سیدنا ابراهیم ثالث سیدنا
عمر رابع سیدنا حسن مثلث خامس سیدنا صغیر این همه از طبنجی فاطمه
صغری بنت حضرت امام حسین علیه السلام از طبنجی حبشیه و میمه سیدنا داود
و سید جعفر و سید صغیر عمر گویند اولاد حسن مثلث باقی نماند از دیگران باقی نماند
نمره سید موسی سیدنا عبد الله محض این پنج پسر شدند از طبنجی بی بی رقیه دختر
حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرزند سیدنا موسی اکنون و سید
محمد و سید ابراهیم و از طبنجی جاریه سید ادریس و سید یحیی ذریت ایشان علاوه
از ذریت حضرت موسی اکنون که تفصیلاً نرنگاشته خواهد شد اولاد سید محمد

شبیه بنی فرزند کلانی ایشان سید قاسم ثانی سید ابراهیم سیوم سید عبد الله
 بلکه بعضی اهل ندرت باطله و نواصب و خوارج سید محمد ابن سید عبد الله المحض
 را همه موعود و انشد چیرا که نام پدر عبد الله و نام مادر آمنه بود منصود و الفقه از
 خلفاء عباسیه بود اول سید محمد را محبوس نمود بعد شهید کرد و حال ذریت
 سید او ریس سید ابراهیم و سید یحیی کسی کتاب فیه نشد که می نوشت شمره چهارم
 نسبت و م باب اول سید ناموسی که بسبب نگ سیاه والده ایشان
 چون گفتند معنی چون سیاه رنگت که خدای ایشان یعنی سید موسی اچون از دختر
 نخست از خاتم محمد باقر علیه السلام شدند نام آن بی بی رقیه ثانیه و فرزند
 از لطن این بی بی شدند متولد یک سید ابراهیم که عقاب ایشان مانند ثانی
 سید عبد الله ثانی که ملقب بودند بشیخ صالح که خدای ایشان از بی بی
 ماله دختر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شد از لطن این بی بی پنج
 فرزند تولد گشتند سید سید موسی ثانی که بودند از اجداد حضرت غوث الثقلین
 ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید ابوصالح
 ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیار اند شمره پنجم
 نسبت و م باب دوم مذکور موسی ثانی کنیه ایشان ابو عمر که از دختر امام موسی
 کاظم علیه السلام که خدا شدند نام بی بی طیبه از لطن این بی بی بودند آمدند
 هفت سپریازده پسر از حاربه رومیه حضرت موسی ثانی در دو و بچری از شیر

از ششمین معتره شدند شهید قاتل حضرت مطیع نیز پادشاه ایشان از هم پیران
 آخر عقاب نماند جز حضرت شد داود ثمره ششم نسبت دوم باب اول
 خلف الرشید سید موسی ثانی سید ناداود و محمد لقب از اجداد حضرت غوث الثقلین
 بودند نام خوانشان یافت نشد که خدای حضرت شد داود از دختر خجسته اختر
 حضرت امام علی موسی ضا شدند نام آن بی بی بنیه بود و خبر یک فرزند کیفیت
 دیگر دریافت نشد ثمره هفتم نسبت دوم باب اول در ذکر سیدنا
 محمد کنیت ابو القاسم معروف رومی که خدای ایشان شد از دختر یکی از بی بی عالم
 سید حمزه نام سیده دخترشان بی بی مبارکه از لطن این بی بی سیدنا
 یحیی زاهد تولد شدند و وجه سید یحیی بی بی عصمت بودند ثمره ششم
 سیدنا یحیی از لطن بی بی روضه دو فرزند یکی سید عبد الله که عقاب نماند
 دومی عبد الله شدند ثمره هفتم که خدای سید عبد الله ثالث از دختر
 اخوان شد از بی بی رحمت گردید سه فرزند شدند از انجمله اولادیک باقی ماند
 ثمره دهم نسبت دوم باب اول واضح باد سیدنا ابوصالح کنیت موسی نام
 جنگ دوست خدا لقب کردند ابو الاولیا سید الاصفیا بسیار عابد و زاهد شیخ
 کاملین سید العارفین و طبه حضرت بی بی ام النخیر فاطمه ثانی دختر حضرت
 سید ابو عبد الله صومعی که این حضرت در قریه جیلان زاویه بنا کرده بعبادت
 الهی بودند مشغول کیفیت کرامات جد ماری حضرت غوث الثقلین بسیار است

به بسط و طول حاصل از بطن این غنی و دو فرزند یکی سید ابوالحسن ثانی معروف بانی
 ثانی حضرت غوث اقلید بانی محبوب سبحانی سید عبدالقادر حیلانی صاحب سلسله
 مغربی موجب طریقه قادریه که از نام پال حضرت منسوب است عقیدت انجباب بهر کس
 مطلوب است نام خواهر آن حضرت غوث پاک بود بی بی جلیله بی بی رقیه هارون
 پاک بی بی بصیر بی بی جمیل و فرزند انجباب بودند یازده رتبه بلند دریت هر یک
 پسران نیست الا اولاد ستم فرزندان در خوار رسیده اند از شاخ شجره ریافت شد
 اولین سیدنا سیف الدین عبد الوهاب ثانی سیدنا عبد الزراق
 شهاده آفاق ثالث سیدنا عبد الغفری سجاد نشین بغداد از فرزندان ایشان
 هستند همین بزرگوار اولاد رسیده اند در خوار و مصار باید شنید از سیدنا
 عبد الهادی خامس سیدنا عبد الجبار سادس سیدنا شرف الدین
 سبع سیدنا یحیی که حضور اند حسب رشا و والد ماجد خود شعب جلالی یار
 مغرب مخفی اند منتظر ملاقات حضرت عیسی علیه السلام هستند ثامن سیدنا
 موسی ناسع سیدنا ابوالسحاق عاشق سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا
 عبد الجلیل الوافر و نسب مشایخین اینجوار یافت است، این نسب بزرگوار
 الاحین اقامت مدینه طیبه مکه مشرف از بزرگی دریافت شد که بجز حضرت یحیی
 که حضور اند و یک برادران ذوی اولاد اند و الله اعلم حاصل نسبیه مشایخین اینجوار
 ازین سه فرزند منی میشود از دیگران نه یعنی ز راقیه اند و بابیه اند غریبه اند

بجمل نسب نامه آن بزرگوار خواهد نوشت الارزافیه کثیر اند و نسب نامه جانب مادی حضرت
 غوث الثقلین جعفری نسب اند و نیز نسب سب مادی جانا حضرت خواجہ بزرگ
 نیز جعفری اند و نسب مادی حضرت شیخ الشیوخ تیر جعفری

شجره نسب حضرت قطب الدین بنیادول جوینوری برادرزاده آن سید فضل الله

واضح باد سید قطب الدین بنیادول جوینوری و سید نصیر الدین والد سید فضل الله

عرف سید گوسائین هر دو برادر اعیانی از فرزندان میر سید حسن قادری ولد

میر سید علی قادری ابن میر سید امیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید

صدر الدین ابن میر سید رکن الدین له میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین

ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید عیسی قادری

ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد الله قادری

ولد حضرت سیدنا عبد الرزاق ولد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی

رضی الله عنه مخره آن باید شنید حضرت سید فضل الله عرف سید گوسائین

قدس سره برادرزاده و داماد و مرید و شتر شد و تلمیذ و خلیف حضرت سید قطب الدین

بنیادول جوینوری اند و از فاضل اللواتر سید فضل الله و در بهار است و نیز اولاد

شان و فریق اند مذہب بن کثر الاندھب بالمیہ بیشتر اند و فرزندان شان مشیت

و اولاد حضرت سید قطب الدین بنیادول جوینوری منع کرده مانکیو علامه شهر

الہ آباد و قطب سید مشهور اند سفت جماعت مذہب اند از انجمله جاب سید شاه

منظر علی ساکن کره بودند والد ماجد سید منظر کریم آله ابادی شمره شجره نسب
 قادری حضرت سید محمد قادری انجری معروف است استانه اجمهره
 بایدست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاه شمس الدین محمد درویش زویار
 مغرب شهر دہلی نموه معمریدان و خادمان در استانه اجمهر گنیه اول حسب
 بشارت جد بزرگوار سکونت الموضع کردند ختیار مزار فیض آستان است درین بار
 حالا طور نسب منیو لیسید اینجا کسار باید شنید سید محمد قادری ابن شمس الدین
 محمد درویش قادری ابن سید شاه عالم قادری طقب بشاه کلان کلان ابن سید
 شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الفتاح قادری ابن سید شاه عبدالوہاب
 قادری ابن سید شاه عبد الرحمان قادری ابن سید شاه عبد اللطیف قادری
 ابن سید شاه عبدالحق قادری ابن سید شاه عبد الحلیل قادری ابن سید شاه
 ابو القاسم لقب شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الرزاق قادری
 خلف ثانی حضرت محبوب بجانی سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه
 ذکر دریت این حضرات جای مصاحبت ایشان برفضیل خواهد نوشت بس نبند
 دو فرزند رتبه بلند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید
 معین الدین قادری حالا جانشین آنجا از اولاد سید معین الدین هستند
 چنانچه سید شاه اطیب الله قادری رحمه الله علیه و خلف الرشیدشان
 سید شاه عبد الرشید عرف شاه جمعی علیه الرحمته بودند دو برادر دیگر

سید شاه امیر الله عرف بُدِری و برادران عَمَراد شیان سید شاه عبد الرزاق
عرف کھوئی سید عبد الکرم الدسید عبد الحلیل تفصیل این جای کرده خواهد شد
ثمره دوم شجره نسب در حَضرت میر سید علی قادری دهلوی پیران
فرهادیه باید دانست ابن میر سید علی قادری پیر اجازت طریقه قادریه خبا محضرت
میرزا شاه فرهاد قدس سره ابو العلاء اندلس بداند میر سید علی قادری ابن
میر سید یوسف ملقب خاکی ابن میر سید ابو محمد قادری ابن میر سید اسمعیل قادری
ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری
ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری
ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن میر
سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن
حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جانی سید
عبد القادر جیلانی رضی الله عنه اولاد مجاد ابن بزرگوار بنور در شهر
دهلی موجود هستند ثمره سیوم شجره نسب در حَضرت میر سید عبد الرسول
قادری ساکن اناپور واضح باد میر سید عبد الرسول ابن میر سید علی قادری
از دیار ملتان اردهند وستان گشته بدینجا رسیده اقامت پذیر گشتند
چون شرافت و نجابت از چین نشان بود و هویدا در اناپور سادات رضوی
مصاهره واقع شد یعنی از دختر خجسته دختر میر سید عماد الدین ابن میر سید

عبد الفتاح عرف قاضی سید بزرگ که خدا شد ندی اولاد گشتند باید شنید
 میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری ابن میر سید عبد کلیل ابن میر سید
 محمد خلیل بن میر سید محمد جمیل بن میر سید بدر عالم بن میر سید اظهر عالم بن میر سید
 منظر عالم بن میر سید احمد قادری ابن میر سید ادریس قادری ابن میر سید

ابو الفتح قادری ابن میر سید حسن قادری

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید صدر عالم قادری ابن میر سید عبد الرحیم قادری
 ابن میر سید ابوالقاسم قادری ابن میر سید محمد یاشم قادری ابن میر سید سید بنا
 عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب بجانی سید عبد القادر حبیب
 شجره چهارم شجره نسب رزاقیه مذکور نسب میر سید محمد مهدی
 مشهور بآباد این میر سید محمد مهدی یکی از سیادت عظام عالم مقام ازار کین
 سلطنت شهر و پهل شاد جهان آباد و محمد شاه بادشاه بودند
 امیر الامر مخاطب ب خطاب عمده الدوله اوقات خود بسبب امانت ظاهر
 بکرو فرمید اشتند ابن بزرگ پدر بزرگوار والد ماجده قادری این فقیه حقیر بود
 حالا سلسله نسب بیان میکنم میر سید محمد مهدی ابن میر سید عسکری ابن میر
 سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید
 ابو محمد قادری ابن میر سید جمیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید
 قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری ابن میر سید احمد قادری

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی
 قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید
 یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن
 حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید محبوب جانی حضرت سیدنا عبد القادر جیلانی ^{رحمۃ اللہ علیہ}

شجرہ پنجم نسب قادریہ حضرت سید قمیص قادری

باید شنید حضرت قمیص قادری ابن سیدنا ابو الحیات ابن میر سید علی
 قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید احمد
 قادری ابن میر سید ابو المنصور فتاح ابن میر سید محمود جیلانی ابن میر سید ابو نصر بار یار
 ابن میر سید سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جانی سید
 عبد القادر جیلانی بواسطه نسب فرزند می در حبیب یازدهم میر سید بیعت و تربیت
 از بنی اعمام برادر است خاکسار شرف از زیارت فرار شده است بمقام معروف
 بیران شاه دوره حضرت سید شاه قادری قمیص ساخت کرده اند بسیار از عجب
 تا مشرق سیاحت کرده آخر بمقام خضر اباد توطن کرده اند بسیار و متاثر
 انجامی معروف بطور کلی کشتی است از انجام مسافر دیار مشرقی شدند مریدان و
 یاران بسیار چنانچه انتقال بحیطه بگال کردند حسب وصیت مریدان از انجام جنازه
 بردوش گرفته روانه دیار غربی شدند و بدو جنازه حسب وصیت بمقام خضر اباد
 شاپوره دفن کردند نقل کنند وقت برون جنازه سید پاک چند روز در قبه مبارک

ماند چنانچه جای معروف است و در بهار بمقام قلعه ستانه شان خدمت
 مریدان بجای تکیه پاک مجاور شدند و دیات نذر ستانه است عمر اعراس
 پیران بجای کردند این خاکسار و را بتدای زمانه دیده بود و در پیش آستانه شاه سلام الله
 بعد شاه شاد الله شدند حالا شاه شوال اند بتوکل خد شسته خدمات واد
 و صادر بجای آمدند بنام پیشینان خود سبقت برده اند بمجاصل قلیل صورت کثیر
 می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه فاضل قادری از انجا حطاب صوره آورده بودند
 کفاف بهر ایشان معین شده بود و موضع سناده میپوره پیر کنه تربیت این خاکسار
 ملاقات بود از حیل فرزندان لبتاه امام شاه صورت و سیرت بهتر داشتند
 و برادران شان را نیز دیده بود و علام شاه حسین شاه چون نسب زراقیه بود
 این کیفیت دانسته تحریر نمود و این بزرگ نیر پیران پهلوانی استند پیران شجره تبرکه

شجره ششم شجره نسب زراقیه قادریه سید علی قادری

سید اولاد حسین بنی شاه هر دو برادر فرزندی میر سید حسن قادری صحیح النسب
 در نیچو از عرصه دراز قیام پذیر شدند و قبل ازین قامت والد ایشان بود
 در شهر آله آباد که صورت مصاهرت گوید و نسب مادری والده ایشان
 به نسبت ابو العلامه است یعنی سید شاه علام علی جد مادری مادر ایشان بودند
 و پنج واسطه نسبت برزندی از میر سید محمد فضل که داماد حضرت میر سید
 نور الله ابن میر سید فضل الله ابن حضرت سید شاه ابو العلامه قدس سره بودند

نسبت جدی ایشان نسبت قادریه منو لید حالا هر دو برابر قضا کردند سید
 اولاد حسین ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
 عبد الحلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری
 ابن میر سید ناشتم قادری ابن میر سید شهاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین
 قاسم ابن میر سید محی الدین یحیی ابن میر سید نور الدین حسین قادری ابن میر سید
 علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین یحیی
 قادری ابن سید ظهیر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد اصغر ابن سید ابو نصر
 قاضی القضاات ابن سیدنا عبد الرزاق قدس سره خلف الرشید ثانی
 حضرت پیر دستگیر قطب بانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

شجره مفتم شجره نسب زراقیه قادریه سید حسین جموی

واضح باد سید حسین جموی پیر مرشد حضرت شاه قاسم سلیمانی اندکه فرمایند
 واقع بقلعه چپار گدّه از کتاب معتبر یافته نسب نامه آنحضرت تحریر نمود
 بدین طور است سید حسین جموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید
 محمد قادری ابن سید محی الدین یحیی قادری ابن سید محمد قادری ابن
 سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری
 ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سیدنا
 عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

شجره هشتم شجره نسب زراقیه قادریه

سید امیر علی شاه و سید مظفر علی شاه اکبر آبادی ابن سید منور علی شاه
برادر ثانی سید حیدر علی شاه ابنان سید محمد علی شاه متخلص صغری بن سید
احمد علی معروف به مولوی احمدی ابن شاه رکن الاسلام ابن سید موسی ابن سید
معین شاه ابن سید تیم شاه ابن سید محمدی شاه بچند واسطه و نسب حضرت
سیدنا عبد الرزاق میرند و نیز بسبب وج عمه شان حکیم سید نور الدین ابن
حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بحضرت سیدنا عبد الرزاق میرند
چونکه اسامی نسبت یافت که گاشت نیز در اکبر آباد بزرگی بودند نسب زراقیه

شجره نهم شجره نسب اقیه قادریه نسب سید حسن

سید حسن عرف پیر حیدر ابن سید فیض الله ابن سید شاه محمد مصیم ابن سید
تیمم ابن سید اسد الله ابن سید شاه برکت الله ابن سید شاه رحمة الله ابن
سید شاه نعمت الله ابن سید شاه محمد فیض ابن سید یحیی ابن سید محمود
ابن سید مسعود ابن سید امان الله ابن سید برهان الدین ابن سید ذکی الدین
ابن سید ابوالنضر ابن سیدنا عبد الرزاق متخلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبد القادر جمیلانی رسی الله عنه
شجره اول نسبت نسب قادریه و بابیه
نسب نامه سید شاه مظفر حسین قادری بلوی

سید شاه مظفر حسین قادری دهلوی ابن سید شاه غیاث الدین احمد کبیر ملتانی
 ابن سید شاه محمد داود ملتانی ابن سید موسیٰ قادری برادر سید یحییٰ قادری
 ملتانی ابن سید شاه حامد ملتانی ابن سید شاه عبد الزاق ثانی ملتانی ابن سید
 شاه عبد القادر ثانی ملتانی ابن سید شاه محمد قادری ملتانی ابن سید الدین
 قادری ملتانی ابن سید شاه میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر مسعود
 قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید الدین
 سید ناعیم الوهاب خلف الرشید کلانی محبوب بجانی حضرت سید عبد القادر ^{جلال}

شجره دوم شجره نسب اول بابیه قادریه
 در نسب نامه سید و حجه الله قادری میران بیکه

واضح باد مولوی سید جلال الله ساکن میران بیکه لکها و ابن میر سید احمد علی ابن سید
 امیر الله که چهار برادر بودند عیانی یکی نامی بمبرلت گرامی سید شاه باب الله عارف
 بالله دومی سید شاه عباد الله سیومی سید شاه نور الله چهارمی سید شاه امیر الله
 مذکور بالا پنجم سید شاه تیمم الله الا از کمالین بیکه معروف بودند شاه باب الله
 و تیر سید احمد علی بن شاه امیر الله را فرزند دو یکی سید نور علی والد سید حسن و
 ثانی خود مولوی و حجه الله ابن سید احمد علی سپه مولوی سید جلال الله را یکی سید
 ابو الحسن اما دوازده خدام حیدر که ادوی مولوی محمد اشرف یک لپه ایشان سیومی
 مولوی سید حیدر شرف باید شنید سید شاه باب الله ابن سید شاه نعمت الله قادری

ابن سید شاه محمد باقر ابن سید محمود قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر
 سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاه محمد فیروز ابن سید عثمان قادری
 ابن شیخ مسالدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاه ضیاء الدین
 قادری ابن میر سید فکی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت
 سید صفی الدین صوفی قادری ابن حضرت سید ناسیف الدین عبد الوهاب
 خلف الرشید کلانی حضرت محبوب بانی قطب بانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر حیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

نقره سیدوم شجره نسب دوم و پابیه قادریه نسب شاه عبد الکریم
 باید شنید سید شاه عبد الکریم و سید عبد الرحیم مانپوری قادری نسب هردو
 برادر فرزند سید شاه امیر اللہ ابن سید شاه رحمت اللہ ابن سید مغیر الدین
 قادری ابن سید شاه عبد الهادی ابن سید شاه ابو شمس بار ابن سید
 مختار ابن سید شاه عبد الشکور ابن سید شاه عطاء اللہ بغدادی که از
 بغداد تفرقه آورده مسکن در قبال پوره قبول کردند فرزند را اینجا است فیض آید
 و همیشه در اسطره بالا نسب است اولاد ایشان در انجوار اند بسیار خصوصاً
 سید شاه تراب علی ابن سید داود علی از فرزند ابن شان اند برادر سید

داود علی معروف اند سید شاه محمد تقی

نقره چهارم شجره نسب دوم و پابیه قادریه

باید دانست از خلفاء حضرت محمد صمد نصیر الدین چراغ دہلی چهار خلفا زمانه
معروف بودند سید محمد کی سید محمد گیسو زبندہ نواز فرار در گلگیر شریف است
ابن سید صدر الدین زیدی نسب دہلی سید محمد گیسو زبندہ ابن سید جلال الدین
کالپی باقری نسب از اجداد ابن خاکسار سیومی سید محمد ابن عبد اللہ
جعفری نسب اند چارمی سید محمد ابن سید احمد ملتانی مؤلف کتاب بحر المعانی
قادری و بابیہ نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتانی ابن سید بیابانی ابن
سید احمد ابن سید الدین صوفی ابن سید ناسیف الدین عبد الوہاب

خلف الرشید کلانی حضرت سید عبد القادر حیلانی

شجرہ نسب قادریہ غزنیہ نسب نامہ شیدہ عبد المنان قادری دہلوی
سید شاہ عبد المنان قادری ابن سید شاہ رکن الدین محمد سرور ملقب بہ ابو
ابن سید عبد اللہ ملتانی ابن سید شاہ عبد الغزیز ملتانی ابن شیدہ عبد اللہ
بیابانی ابن سید شاہ علی بہانی ابن سید شاہ حسن قادری بغدادی ابن
سید شاہ احمد قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری ابن سید شاہ محمد قادری ابن
شیدہ سلیمان قادری ابن ذکر یا قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری
بغدادی ابن سید شاہ عبد الغزیز عالم ربانی خلف الرشید ثالث حضرت سید
عبد القادر حیلانی واضح باد شیدہ مظفر حسین قادری راجون شریف
از پنجاہ گشت مہد اولاد لقطاع کردہ در خانقاہ دہلی سبحان شہین بودند یک شب

بالم رو یا جد آنحضرت پیر و تکمیل سید عبدالقادر جیلانی فرمودند مظفر در نصیب تو فرزند
نیست الا در نصیب پارسا خواهر تو یک فرزند است و خواهر را بجای دختر میخوانی عقد
نکاح او از سید محمد سرافراز که اولاد من است انجام کن احسان شاه مظفر حسین قادری
عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد سرافراز کردند بعد مدت نه ماه فرزند تولد شدند
شاه عبدالمنان شاه مظفر حسین قادری بعد خود ایشان را بجای خود

کردند جانشین خواهر را ده راف نرند خوانند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام معه ذکر فریت حضرت امام
زمانه که نسبت فرندی سیادت بکدام امام میرسد بر مشیت نسبت
باید دانست جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام سیوم اند آنحضرت فرزند
جناب حضرت علی مرتضیٰ نو اسعه پیغمبر خدا محمد مصطفیٰ صلی الله علیه و آله وسلم
اولاد این حضرت عین گنجینه سیادت است از بی بی فاطمه متول کل سیادات
حسنه الحسینه اند اصل اصول بنید در عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام
از و اج خمس رسد از لطن هر یک زوجه یک فرزند متولد شدند زوجه ولین
جناب معصی القاب بی بی شهر با لود دختر خجسته ختر نیز در دین شهر بار که بود
بادشاه سلطنت عجم از اولاد نو شیر و ان پادشاه عادل باید دانست از همه زوج
بمرتبه فضل و بصورت اجل بودند از لطن الشیخ متولد شدند امام زمانه سید صاحب دین
علی ثانی امام زین العابدین علیه السلام از لطن بی بی ام سحاق زوجه ثانی

دختر حضرت طلحه صحابه یکی از عشره مبشره متولد شد ندبی بی فاطمه صغری
 دختر حضرت امام حسین علیه السلام وجه حضرت امام حسن مثنی ابن جناب حضرت
 امام حسن علیه السلام نسبت سیادت حسنی الحسینی از لطن این بی بی بوجود اندر وجه
 ثالثه بی بی ام علی و نیز ام لیل میگویند از لطن ایشان تولد یافتند حضرت
 علی اکبر شبیه پیغمبر اعقاب ایشان نماد و واقع گردید همراه عم بزرگوار و والدین
 شهید شدند و وجه رابعه بی بی ریاب بنت قیس بن عد اقبلیه نبی کلید بودند
 محبوب ترین وجه بودند از لطن ایشان دختر پیدا شدند بی بی سکینه محبوب ترین
 دختر جناب سید الشهدا بیت بی بی است شان محبت ایشان ترجمه آن نیست
 اوس حکم که دوست تاهی حسین ۴ حسن کچھ بیچین سکینه اور رباب ۴
 حسین شهادت سید الشهدا العج مشیت له بودند وایت انتقال ایشان در الوقت
 غلط است از مصعب ابن زبیر کتخی شدند چون لشکریان عبد الملک شهر
 کوته آوردند تا تحت مصعب ابن زبیر اگر دند شهید نظم شدید در الوقت سکینه
 بر آوردند فریاد ای کوفیان ناشاد الی وقت درین میدان کردی مرا تیم بی بی
 این وقت کردید مرا بی شوهر و ایت است حضرت زبیر را بودند سه فرزند
 عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر سه برادر بجای آجات
 دعا بر چاه زمزم سرست مطلب عا خواهد شد امارت مکة خواستند حضرت عبد الله
 بعد واقع شهادت سید الشهدا تسلط بامارت مکة معظمه شدند عروه دعا کردند

که محدث شوند انچنان گردید و مصوب خواستند زوجیت حضرت سکینه انهم مطلب شد
 زوجه خامسه بی امم الاصفه یعنی والده حضرت علی صفه شهید شیر خواره شهید
 شد از تر مطیع یزید انالید و انا الیه راجعون قاتلان صورت زبون
 نسبت اول باب دوم ذکر اولاد حضرت علی ثانی سید الساجدین

امام زین العابدین علیه السلام بر سه نواز ذکر اولاد

واضح باد که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چهارم زین العابدین علیه السلام
 از صبیحه عم الا عظمی بی ام عبد الله کنیت بی بی عایشه ثانی بی بی فاطمه
 ثانی هم اسم بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام گردید و بی اولاد
 شدند بایستیند چهار فرزند حضرت سید الساجدین از لطن آن بی بی متولد
 شدند و از لطن زوجه دیگر نیز غیر الشیان اولین فرزند امام زمانه حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام که در حق امام فرمود انحضرت محمد نبیا علیه الصلوٰه و السلام
 انهم محمد ابن علی ابن حسین ابن علی هو انی یبقر فی علم الدین اسی جابر
 نوبه بینی فرزند می را که نامش بود محمد ابن علی ابن حسین علی که فرزند من است
 تیغ و تیغ بود و او را در علم دین من ثانی امام عبد الله با هر صنی الله عنه و ثانی
 امام ابو الحسن زید شهید رابع حسین صفه در کتاب بحر الانساب چنین
 مذکور بود ایت اهل السنه و فرقه مذاهب امامیه چنین می نگارند فرزند حضرت
 امام زین العابدین از دیگر منکوحه پیدا شد و چنین نام سید عمر اشرف

وسید عبد الرحمان وسید سلیمان وسید علی اشرف چهار فرزند اگر
روایت است صحیح پس عقاب ایشان ننماند ذکر اولاد امام زمانه در نسبت و هم
خواهند نگاشت که آنها منسوب بسیادات باقری اند و اینها منسوب بالقاب اجداد
خود در انوار ذکر هر سه بزرگوار مع اولاد میکنند با بری زیدی و حسینی
انوار اول نسبت اولی و دوم ذکر امام عبد الله بابر و اولاد و ثانی

امام امیر تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاه ابو العلا قدس سره
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلا ابن امیر سید
قدس سره ابن امیر سید عبد السلام ابن امیر سید عبد الملک ابن امیر سید عبد الباقی
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شهاب الدین محمود ابن امیر سید
عماد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید شرف الدین
ابن امیر سید اغر الدین ابن امیر سید اشرف الدین ابن امیر سید مجتبی ابن امیر سید
جیلانی ابن امیر سید یحیی ابن امیر سید باو شاه ابن امیر سید حسن ابن امیر سید
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبد الله ابن امیر سید حسین ابن امیر سید مهمل
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبد الله بابر ابن حضرت سید الساجدین امام
زین العابدین علیه السلام ابن جناب حضرت سید شهدا امام حسین
علیه السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید دانست امیر سید عبد السلام

جد امجد امیر سید ابو العلاء را چهار فرزند از انجمله یکم امیر سید ابو نصر والد امیر سید
 علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابو نصر را دومی امیر سید ابو الصفا
 فرزند ایشان امیر سید عبد الباقی والد امیر سید شاه عبد الماجد سیومی
 حضرت امیر سید عبد الله یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبد المنعم دومی
 امیر سید عبد الباسط و خواهر ایشان بی بی مدیحہ زوجہ سیدنا ابو العلاء
 چارمی امیر سید ابو الوفا والد ماجد سیدنا ابو العلاء و یکخواهر حضرت زوجہ امیر
 سید عبد الباقی و والدہ امیر سید شاه عبد الماجد بشنو حضرت سیدنا ابو العلاء
 را دو فرزند یکی امیر سید نور العلاء والد ماجد امیر سید تاج العلاء دومی
 امیر سید فیض الله و فضل العلاء نیز نام بودند خلف ایشان امیر سید نور الله
 که خدای مہر و فرزند سیدنا از بنات اعمام یا احوال شد و صبیحہ و آنحضرت سیدنا
 یکی بی بی رقیبہ زوجہ خواجہ عبد الرحمن ابن خواجہ سلیمان کہ از اولاد
 حضرت خواجہ بہا الدین نقشبند قدس سرہ بودند کیفیت فریت ایشان
 دریافت نشد ثانی صبیحہ حضرت سیدنا بی بی رقیبہ زوجہ خواجہ محمد عرف
 خواجہ فولاد ابن خواجہ محمد سجاد داماد ثانی حضرت سیدنا انجناب نیز از اولاد
 حضرت خواجہ نقشبند قدس سرہ بودند مزار حضرت خواجہ محمد فولاد در احاطہ
 مزار سیدنا موجود و در شجر اکبر آباد کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد

عثره شجره در نسب مادری از جانب خواجه عبید اللہ احرار

در اینجا ذکر نسب حضرت خواجه ناصر الدین عبید اللہ احرار قدس سره میکند
 حضرت خواجه احرار ولد خواجه محمود و ابن خواجه شهاب الدین شاشی
 ابن خواجه محمد مدعو خواجه نامی از اولاد عبداللہ انصار بایستند حضرت خواجه
 عبید اللہ احرار عم امیر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان متفق در شهر قندهار
 بودند با خود با بسبب نجابت شرافت جانبدار صورت مصابرت واقع شد
 یعنی که خدای امیر سید عبداللہ و امیر سید عبدالاول و امیر سید عبدالباسط هر
 فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران بهر سه خواجه عبید اللہ احرار
 گردید و نسبت نامانی سیدنا ابو العلاء از نسب خواجه ترتیباً واقع شد بدین طور
 امیر سید عبدالملک نبیره امیر سید تقی الدین نواسه حضرت خواجه احرار و امیر
 عبدالسلام ابن امیر عبدالملک نواسه خواجه عبداللہ عرف خواجه گما ابن خواجه
 احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبدالسلام نواسه خواجه ابو الفیض نبیره
 حضرت خواجه احرار و حضرت سیدنا ابو العلاء ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسه
 حضرت خواجه محمد فیض عرف خواجه محمد فیض ابن خواجه ابو الفیض ابن خواجه
 ابن حضرت خواجه احرار بشنو نام والده حضرت سیدنا بی بی عارفه دختر خواجه
 محمد فیضی واضح باد خواجه ابو الفیض از یک مادر سه برادر بودند یکی خواجه ابو الفیض
 و دیگری خواجه عبدالشہید سیومی خواجه عبدالعلیم ابنان خواجه گما و از زوجہ اولی

دختر امیر تقی الدین نیز پسری که خواجه عبدالحق دومی خواجه نظام الدین عبدالمادی
 سیومی خواجه خاوند محمود بودند و خواجه ابوالفیض سته برادر از دختر خواجه نظام محمد
 که از اولاد صاحب هدایت بودند هر یک شدند ذمی اولاد و حضرت خواجگار
 از هر دو زوج و دو دختر نیز بودند کیفیت ذریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا
 دریافت نشد الا بی بی محمد و مه صبیحه حضرت امیر نورالدین که از امیر محمد **فضل**
 ابن سید محمد جمال بن امیر سید علی رضا کتخا شدند کیفیت ذریت ایشان
 ترتیباً نیافت الا امید اند که سید شاه غلام علی ابن سید امام علی به
 واسطه فرزند امیر سید محمد فضل بودند و منشی علی حسین مصطفی پوری نسبت
 فرزندیت خود از حضرت امیر سید محمد فضل بیان می کردند و ابن نبت البنت
 سید شاه غلام علی سید اولاد حسین سید بنی شاه ابن سید حسن قادری
 بودند یعنی نواسه سید ابن علی داماد سید شاه غلام علی که زیارت آنحضرت
 کرده است این فقیر حقیر الا در شهر کبر آباد از اولاد امیر سید تاج العلاء ابن
 امیر سید نور العلاء از بیشتر زمان قیام اینجا کسار بودند سید اکرم الدین که
 شریان اینجا کیفیت مقبولی شان بحضرت سید نابیان میکنند از زوجیه شان
 کسی اولاد نشد الا از الطین خادمه یک دختر بودند لقب سیدانی صاحبه ه
 انوار دوم نسبت اول باب و هم در ذکر اولاد حضرت ابون
 رند شمسین بهر چهار شجره است شجره اول در ذکر سید محمد پیر مریا

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر مریا عظیم آبادی
 که انچه معروفست نسب فرزند ان شان نیز انجناب بن طورست انچه که یافت
 نگاشت بندگی سید نظام الدین ابن میر سید ممشاد پیر مریا ابن میر سید حمزه
 پیر مریا ابن میر سید رکن الدین پیر مریا ابن میر سید زین العابدین عرف سید
 محمد پیر مریا واسطه ابن میر سید احمد دهلوی واسطی ابن میر سید حسن دهلوی
 واسطه ابن میر سید قاسم واسطه ابن میر سید حامد واسطه ابن میر سید محمد
 جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید احمد ابن میر سید طاهر ابن میر
 سید ابو بکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن ابن میر سید اسمعیل ابن میر
 علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین
 ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیه نبی محدث زمانه ابن میر سید حسین
 زیدی ابن حضرت امام ابو الحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجد
 امام زین العابدین علیه السلام ابن حضرت امام حسین علیه السلام
 شجره دوم النوار دوم نسب اول باب دوم ذکر نسب سید محمد سرور دی
 واضح باد منوالا حضرت سید محمد سرور دی بموضع رهروی علاقه حضرت بهار
 است سید محمد سرور دی ابن میر سید احمد دهلوی ابن میر سید مجتبی دهلوی
 ابن میر سید مصطفی پشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن
 میر سید حسین طوسی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبداللہ طوسی

ابن میر سید اسد اللہ ابن میر سید علی ابن میر سید محسن ابن میر سید رحمۃ اللہ ابن
 میر سید حسین زاید ابن میر سید اسمعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارس ابن میر
 یحیی ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحیی شبیر رسول مقبول ابن
 میر سید حسین زند ابن حضرت امام ابو الحسن ندشہید بن حضرت امام زین العابدین بن امام حسین ^{علیہ السلام}
 شجرہ سوم النوار دوم نسبت اول باب دوم در بیان نسب نامہ عمومی حضرت سید شاہ یحیی ^{علی}
 حضرت سید شاہ یحیی علی رحمۃ اللہ علیہ ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید حسن ابن میر
 سید وجہ اللہ بن عرف سید بولن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا سید شاہ
 قطب الدین مصطفی پوری تار بیکہ ابن میر سید قاسم ابن میر سید عالم ابن میر سید مسعود ابن میر
 سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر بانسوی ابن میر سید فیض اللہ ابن میر سید
 مغز الدین ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید ابو الفتح ابراہیم ابن میر
 سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرج واسطی ابن میر سید محمد داؤد
 ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسیٰ ابن میر سید ابو الحسن ملقب بکنجدی ابن میر سید محمد اکبر زید
 ابن سید محمد منصور داغی عذراں ابن سید عمر علی ابن سید یحیی شبیر رسول مقبول
 ابن سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن ملقب بکنجدی ابن حضرت
 سید الساجدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین ^{علیہ السلام}
 شجرہ چہارم النوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر نسب حضرت سید محمد گداز
 حضرت میر سید محمد گداز بنده نواز ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید محمد

جاجیری ابن میر سید بد الدین مد امیر حاج ابن میر سید علی مسعود مد ابن
 میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر سید ابو الفرح ابن سید ابو الفوارس محمد فراس
 ابن سید ابو الفرح واسطی ابن میر سید داؤد ابن میر سید محمد جاجیری
 ابن سید عیسیٰ ابن سید داؤد بزرگ والی کوفه ابن سید حسن ابن سید حسین
 ملقب بضمید ابن میر سید ابو الحسن فراس ابن میر سید محمد اکبر منصور داعی غدان
 ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدان ابن میر سید اشرف الدین
 یحییٰ محدث نبویه رسول مقبول علیه السلام بن سید حسن ندیدی ابن حضرت امام
 ابو الحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجدین علی اوسط امامین العابدین ^{علیه السلام}
 انوار سیوم نسبت اول باب و م در ذکر اولاد حضرت علی
 علی صغرا بن امام زین العابدین علیه السلام و ذکر نسب
 حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی بهر دو شجره
 واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد
 یک جد اند بچند واسطه جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی صغری فرزند حضرت
 امام سید الساجدین زین العابدین علیه السلام نسبت سادات اند و حضرت
 سلطان ابراهیم او هم به نسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب
 اند از غلطی کاتبان تحریر نسب سیادات است الا نسب مادری اجداد مولانا
 مظفر بلخی از سلطان ابراهیم او هم پیوند و بسبب تخت سلطنت نیز از خا

اجداد مادری رسیده شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی باید دانست
 مخدوم شاه شمس الدین بلخی ابن سید شاه علی ابن سید شاه سلج الدین
 ابن میر سید محمود ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غمزید ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
 امام علی صغر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام شجره ثانی
 نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید
 شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن محمود
 ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غمزید ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن
 حضرت امام علی صغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین
 علیه السلام شجره پیوند نسب مادری از جانب حضرت ابراهیم ادهم بدینطورست
 باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نواسند سلطان محمود ابن سلطان
 ابراهیم نسب جدی حضرت سلطان ابراهیم بدینطور لغنی حضرت سلطان
 ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ادهم ابن سلطان ابوالناصر هاشم ابن عبداللہ
 اسلم ابن عبید اللہ ابن حضرت عاصم ابن امیر المومنین حضرت عمر خطاب
 رضی اللہ عنہ شجره نسب مرکی از خلفای این فقیر سید امین الدین
 ابن محمد السید ابن سید محمود ابن سید داؤد ابن سید جعفر ابن سید اکبر

ابن سید اجل ابن سید فضل ابن سید طاہر ابن سید مظاہر ابن سید حمزہ اللہ
 ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید لطف اللہ
 ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید اولیٰ ابن سید ابراہیم ابن
 سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
 امام علی صغیر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام
 شجرہ نسب نامہ کی از مریدان تفسیر بدین نسبت میر سید محمد یوسف
 ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیری ابن سید مخدوم حسین
 ابن سید اولیٰ ابن سید ابراہیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن
 سید زین الدین ابن سید فخر الدین ابن سید زاہد ابن سید عابد ابن سید
 مجاہد ابن سید یونس ابن سید سمیع ابن سید یحییٰ ابن سید فکر یا ابن
 سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید حسین ابن سید
 یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد
 ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی صغیر رضی اللہ عنہ ابن حضرت
 سید الساجدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ
 نسب دوم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام

انور باد که خدای حضرت امام محمد باقر علیه السلام از بی بی فروه دختر
 نخستین دختر حضرت قاسم بن محمد بن محمد بن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه
 گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب انداز حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بدین
 خطاب اسم محمد بن علی ابن حسین ابن علی هو ابی بقره فی علم الدین
 اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب از طین پاک بی بی فروه فرزند
 شد و چهار یکی امام زمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امام زمانه
 که فرموده اند شده مخاطب به رفاض قول لا تسبوا علی ابی بکر انا
 ولد نبی مرتین مراد از ولد تنی نسبت صوری و معنوی چرا که از حضرت
 قاسم جد مادی فیض یافتند بدانند که خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت
 اسماء بنت عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه
 ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام عبد الله لقب
 کتب الکریم سیومی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراهیم باید شنید
 نسب نامه کسی اولاد سید ابراهیم نیافت نیست با نجاب و ذکر حضرت امام
 جعفر صادق و ذریت شان در نسب سیوم جدا گانه تحریر خواهد شد
 اول فکر اولاد حضرت اسمعیل میکنند که جدا علی جا حضرت سیده خواجه
 ابو البرکات قدس سره اند بدین منط تحریر است باید دانست در کتاب مص
 آنحضرت مکتوب نسب نامه دیده است بخوبی این فقیر نسبت لبتی واسطه میرسد

حالا این کتاب است مفقود آنچه با اجتماع جلسه آنحضرت یاد هست مینویسد بزرگ
 بودند عمده المشایخین خواججه حسن که انجناب را بست و دو واسطه نسب بود از
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علاقه ولایت تیراه و بهرات
 وارد شهر هندوستان گردیدند مجرد و از بطور سیاحت قبل در مقام
 و هلی بدار السلطنت رسید ملاقات از بهر یکی مشایخین کرده متوجه دیار شرقی
 شدند موضعیت قریب شهر متحرا مشهور موضع دیوثانیه که جای معبد
 بود هندو و رانجا چند روز تشریف داشتند انجای بهر سکونت بنحاط شریف
 پسند افتاد مردمان ساکنان انجا قوم هندو معتقد شدند و نیز از زمزم اهل اسلام
 شیوخ انصاری که مسکن انجا بودند کرد بسیار الحاح و زاری بهر تقاضا
 انجا هرگاه انها باعث اقامت حضرت شدند رای انها بنظر شریف تحسن
 افتاد طرح اقامت پذیرفتند شیوخ انجا مقصدین اکثر مرید شدند بعد چند
 سال اصرار کردند بهر متاهل شدن آنحضرت به بسیار که در قبول شد از انجمله
 یکی از مریدان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح آنحضرت بزوجیت داد و بعد
 چند می الله تعالی از ان بی بی عقیقه اولاد بخشید بسبب اقامت و عدم کفویت
 خاص در شیخ زادگان نوبت مصابرت افتاد از زبان مبارک پیوستگی
 خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است
 که چنان حضرت خواججه ابوالبرکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان خود

از انجناب سید خواجه حسن ابن خواجه ابوالحسن ابن خواجه علی ابن خواجه احمد
 که بواسطه نسبت و سه پشت نسب از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیه السلام
 پیوندند بدانند سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
 ابن حضرت خواجه محمد شجاع ابن خواجه زرق الله که هفت و هشت
 واسطه نسب فرزندی بحضرت خواجه حسن قدس سره ساکن دیوثانه است
 مزار خواجه بسیار فیض آثار زیارت نموده است این خاکسار چند بار چپه
 کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری الارقام چرا که مرشدان مرشد و از پیران
 احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
 بعد تحصیل علم ضروری چندی نوکری سرکار نواب و راجه آن دیار بود مدتی بعد
 قلعه داری هرگاه طلب براه باطنی شد ترک کرده در شهر عظیم آباد رسیده
 بعد حصول بیعت انزلیت و صحبت جناب حضرت شاه رکن الدین
 متخلص عشق قدس سره ابوالعلامی مشرف بخلافت شده رخصت شدند
 هرگاه صاحبزاده حضرت عشق قدس سره شاه احمد حسین عرف چھوٹے
 حضرت عریفه نوشته محرک تشریف آوری آنحضرت شدند به نسبت حصول
 بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزاده مشرف به بیعت و تربیت
 معنوی شدند و نیز خواجه زادگان اکثر مجبور شدند به اقامت آن شهر
 آنحضرت پذیرا گردیدند و اهل و عیال از انجناب طلب داشته صورت اقامت

این شهر گردید هرگاه راجه دولت رام گویا رنجید می رسید علی شاه
 سبب تشریف بری اینجا خواست انحضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه و مقام
 گویا چون حضرت صاحبزاده خورد خواجه ابوالحسن قاصد شدند بسوی
 گویا راجه چند اسرار و تشریف بردند چونکه بودند فرزند چشم و چراغ در
 مفارقت بر خود داشتند به تیار خود نیز مع تبعه و لحقه آتش برودند جانب
 گویا در زمانه راجه مذکور بارت گذشت چند سال بعد به گشتگی زیانه
 چون بیجا بانی رانی ان راجه از اینجا جای تیرت معبد خود پندیده اقامت
 شهر آله آباد کردند خستیار انحضرت نیز مع تبعه و لحقه فرزند ان و اینجا
 تشریف آوردند از گویا و اقامت پذیر گشتند و اینجا مدت حیات
 تشریف خود چنانچه در ان شهر بسال یک هزار و دویست و پنجاه و شش هجری سبت
 هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سه ماه در ان شهرین
 بطور سبزه کردند تدفین بعد از اینجا آورده در شهر عظیم آباد پائین میرشد
 یافتند تدفین عمر تشریف به نود و هفت رسیده بود ذکر اولاد انحضرت
 راسته دختر و دویست و پسر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین
 بودند و دختر ثانی از میر در ان علی ساکن شهر نارس که خدا شده ذی اولاد
 شدند و دختر سیوم انحضرت والده میر محمد علی و خواهران ایشان بودند
 و فرزند کلانی خواجه ابوالنحیر رحمه الله علیه تنه دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از میر محمد علی که خدا باقی جای دیگر و فرزند کلانی خواجه ابو محمد ثانی خواجه
 ابو احمد فرزند دارند و خواجه حضرت خواجه ابو الحسین فرزند ثانی آنحضرت
 ایشان را دو فرزند و یک دختر صاحبزاده قضا که فرزند الا فرزند کلانی خواجه
 علی حسین عرف میر نواب که خدای ایشان از دختر کلانی خواجه سلطان خان
 گردید یک پسر و یک دختر که هشتده خورشید سال کردند انتقال بسال یکیزاد و صد و نود
 و پنج هجری ثانی صاحبزاده خورد آنحضرت را هم عالی خواجه علی حسن عرف
 خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه وحید جان ابن خواجه
 میر بخان که خدا شد و پسر کلانی خواجه حسن نواب نام ثانی را تسیمه خواجه
 نواب حسن است بنور که خدای بر دو برادران نشده و بجای تقریر تعیین یافته
 شجره نسبت دوم باب اول در ذکر امام عبد الله و اولاد ایشان
 ابن امام محمد باقر علیه السلام - بیان نسب و اولاد آنحضرت و شجره
 پیاید و نیست سیدنا امام عبد الله را دو فرزند که از بهر و نسبیت پدید است
 یکی میر سید ما ششم دومی سید حبیب الله ذریت بر دو برادر بسادات باقری
 منسوبند و ذکر اولاد فرزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است
 بنده مسکین فانی الا ذکر ذریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت
 از جانب بالا مینماید بطور تحریر سید حبیب الله خلف الرشید سید برکت الله پسر
 شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صوفی صادق

پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولد سید احمد آلی ولد سید محمد معروف ابن
 میر سید جنید ولد سید عثمان ثانی ابن سید عبد الوهاب ولد سید عثمان
 شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف برقع پوش ابن سید عبد القاسم
 الحصول این بزرگوار از مدینه طیبہ حرکت کرده نسل بعد نسل سفر کردند دیار
 و امصار ہرات و بخارا و لاہور آخر در دہلی رسیدہ چندی اینجا اقامت
 گزین شدند چہر کہ جای تخت سلطنت بود و اجماع در و ایشان و مشایخین
 حصول ملاقات ازامرار اراکین نمودہ بطور سوخت دربار شاہی منصب
 قضا کردند اختیار از اینجا رحلت گزین شدہ بسبب استقامت صیغہ قضا
 اینجا در موضع جونپور اقامت پذیر گشتند تا چند شبست فرزندان اینجا
 اقامت گزین شدند بعدہ خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی
 عبد الرحیم ولد سید عبد الرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولدہ
 سید محمد فرید فرزندشان سید ابراہیم از اینجا مراجعت کردند بسوی
 دیار شرقی قریب بہار موضع سرالوان پیرانہ ارول طرح اقامت
 انداختند معاہل و عیال خود در اینجا موضع مسکن ساختند از اینجا کہ در
 دربار شاہی بود سوخت کمال پذیرایہ امر اراکین چند موضع و بیات
 بحصول فرمان شاہی بہر مدد معاش یافتند و جامی سکونت انہام جد
 بزرگوار موسوم فرید پور کردند بالاشد از صد سال کہ سکونت این بزرگوار

است در آن دیار هر یک که از آنجا کردند سفر اختیار بسبب حصول عهد با
 ذی اقتدار یار یارند و ذی اقتدار فی الحال بفضل الهی کمال القصد سید ابوالاعلیٰ بن سید محمد فرید و پسر
 شان سید محمد اود و دلشان سید محمد کبیری بن سید نجم الدین بن سید محمد علی ولد سید عبدالکیم بن سید
 عبدالقدوس بن سید محمد حسن بن سید محمد یوسف ولد مولانا سید محمد
 اسحاق که در اخلاق بسیط شهره آفاق از ایشان شد ذریت اولاد بسیار
 حالا منویس باید شنید سید محمد اسحاق راد و فرزند یکی سید کرم علی
 و دومی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی و دویس ایشان یکی
 سید صغیر علی و دویس ایشان سید اسماعیل علی و محمد بهرام سید اسماعیل علی
 راد و پسر و دو دختر یکی زوجه خواجه محمد حسن فی اولاد هستند و دومی زوجه
 میر محمد قاسم ساکن کهر ایشان نیز ذی اولاد سه پسر و دو دختر و نام پسران
 یکی سید علی محمد و دومی سید منور علی فی اولاد هستند همه حالا باید شنید
 سید فیض علی را پسر دوم سید صابر علی ولد ایشان قاضی سید مبارک حسین
 که از دختر قاضی نادر علی کد خدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور حسین
 جامع کمالات در منویلا بمنصب رعیتهای اندیک پسر ایشان مولوی انوار احمد
 ذی اولاد است ترقی مدارج باد باید دانست قاضی نادر علی کد خدا از خواهر
 میر حسام حیدر ساکن کهر او نیز میر حسام حیدر از خواهر قاضی نادر علی صاحب
 قاضی صاحب مدرع راد و پسر یکی قاضی امیر حیدر که بسیار مردم معقول و

و خواص و خوش مزاج در تحصیل علمی عربی فارسی حصول دویمی قاضی
 وزیر حیدر اینهم ذی لیاقت و ذی علم از ایشان ملاقات است کلائی را
 ندیدم اوصاف شنیدم هر دو برادر از بهر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن کهر
 ابن میر حسام حیدر که خدا شد ناولاد نشد باید دانست سید مبارک علی
 ابن سید محمد اسحاق اینج فرزندی بهر یک عالمی در ولتمند لیسر کلانی
 سید برکت علی یک دختر ایشان و سه پسر دختر و وجه میر امانت علی
 که لیسر هم رفت بودند یک دختر از آن دختر شد لاولد رفت از جهان و لیسر کلانی را
 نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سائین که خدا شدند
 سید امجد علی چند دختران فرزندی یک دختر محمد ظاهر یک دختر از مولوی خیر علی
 منسوب لاولد و یک دختر از مولوی محمد فرید الدین پسنشی سید اولاد علی که خدا
 اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و لیسر ثانی مولوی سید امان علی
 و لیسر سیوم مولوی سید فضل علی هر دو برادر بعد جلیل سرکاری بعد
 دپٹی بودند ممتاز و سر از سید امان علی راد و لیسر دو دختر یک حافظ سید
 احمد رضا دویمی سید محمد بجی که از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی
 عبد العلی که خدا شد ذی اولاد است و دو خواهر آن یکی زوجه مولوی عبد الحق
 ابن مولوی واعظ الحق و یک دختر زوجه مولوی فخر الدین و شادی اولین
 حافظ احمد رضا از دختر عم کردید یک دختر شد از آن عقیقه او را دو فرزند

و مولوی سید فضل علی رانیز دلیپر دود دختر یک زوجه حافظ سید احمد رضا
 مذکور به بالا دوم زوجه محمد ظهیر الحق نواسه سید امجد علی مرحوم و پسر کلانی
 مولوی سید فخر الدین که از دختر مولوی سید امان علی که خدا ثانی سید
 محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول که خدا از منی
 اند و شادی حافظ سید احمد رضا بموضع مفتی گنج از خواهرزادی میر
 شراح حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کند اسناد ایی باشد خورم و شاد
 باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظیم علی پنج پسر ایشان یکی مولوی
 منظر علی دومی مولوی نیاز علی سید می صاحب علی چارمی میر محمد علی
 پنجمی سید احمد علی پسر سید می مبارک علی مولوی اشرف علی فرزند
 رتبه بلند ایشان مولوی اظہر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی
 میر مراد علی ایشان اشرف فرزند ذی اقبال رتبه بلند یک از ان
 مولوی وارث علی لیاقت ظاہر باطنی ہر دوی مولوی شیر علی
 دختر ان ایشان از ہر یک جای قرابت کہ خدا و از نکوحہ و پسر شد بد پسر
 سید می میر مراد علی مولوی میر علی چارمی سید سجان علی پنجمی مولوی نظر علی
 ششم مولوی قادیلی کہ از خواہر مولوی فضل حسین مولوی قد حسین فرزند
 شیخ نادر علی کہ خدا شد نہ یک دختر و یک پسر مولوی محمد نسیر باقی پنجمی پسر سید
 مبارک علی میر اسد علی لا اولاد کنند از نیجان بی بنیان بی باغ چنان

از اینجا که این صاحبان به نسب سیادت واحد باقری بودند به مجرد کیفیت
 ایشان تصریح نگاشت و ترتیب نسب سلسله بدینطور بخیر تحریر می آرد
 هر یک ازین خود را به نسب بدینطور شمارد مولوی نورالحسین ابن قاضی تبارک ^{حسین}
 ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق
 ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد محسن ابن سید عبدالقدوس ابن سید
 عبدالکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد محیی ابن سید
 محمود او د ابن سید محمد ابراهیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید
 عبدالرحمن ابن سید عبدالرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف
 برقعہ پوش ابن سید عثمان شیر سوار ابن سید عبدالوهاب ابن سید عثمان
 ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد آبی ابن سید
 شهاب الدین لالی ابن محمد صوفی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید
 شهاب الدین نور الانوار ابن سید برکت اللہ ابن سید حبیب اللہ ابن
 امام عبداللہ کتب الکرم ملقب ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام
 ابن حضرت امام زین العابدین علیہ السلام الوارسی و مسمیت دوم
 باب دوم در ذکر اولاد سید محمد یاشم ابن امام عبداللہ
 ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام باید دانست حضرت
 امام عبداللہ را دو پسر ذکر اولاد پسر ثانی تحریر شد بانوار دوم حالا ذکر

فرزندان حضرت میرسید ہاشم لکھنوی امام عبد اللہ مینو لیسید بالاجمال
 وبال تفصیل در شجرہ ثانی کہ ہست ذکر طولانی و کیفیت اخوان عم زاد سید
 عطا حسین عبد الزقاق ابن حضرت میرسید سلطان احمد ابن حضرت
 سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید
 شاہ محمد حسین ابن میرسید محمد باصر ابن میرسید حسین ابن میرسید اولیا
 ابن میرسید صدر جہان ابن میرسید قطب الدین ابن میرسید تقی الدین
 عرف سید بوڈھی کہ از کالپی تشریف آوردند بجامی پور مسکن ساختند
 ابن میرسید جلال الدین ابن میرسید محمد کالپی ابن میرسید جمال الدین کالپی
 ابن میرسید علاء الدین کالپوی ابن میرسید تاج الدین بھوی ابن میرسید اسماعیل بھوی
 ابن میرسید محمد اسحاق لاہوری ابن میرسید داؤد لاہوری ابن میرسید
 محمد یعقوب لاہوری ابن میرسید یوسف طوسی ابن میرسید عبد اللہ
 طوسی ابن میرسید حسن طوسی ابن میرسید ابو القاسم طوسی ابن میرسید
 ابرہیم مدقرشی ابن میرسید اسماعیل مدنی ابن میرسید حسین مدنی ابن میرسید
 عبد رسا مدنی ابن میرسید جعفر مدنی ابن میرسید محمد حسن مدنی ابن میر
 سید ہاشم ابن امام عبد اللہ کتب الکرم ابن حضرت امام محمد باقر
 علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل کتاب احتساب الانساب حضرت
 میرسید ارشد کالپی ابن میرسید جمال الدین کالپی

که در اکتساب سامیان زوجه های بزرگان و ذکر مصاهرت نیز است مکتوب
 بود و هوالم را دینا بدین بیان باید دانست نام و والده ماجده آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم سیدنا محمد بی بی آمنه دختر وهب ابن عبد المناف که معروف
 است اسم و والده ماجده عبد الله بن عبد المطلب وجه اولین آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم که ذی ولد شد نام المؤمنین خدیجه الکبریٰ دختر خویلد فاطمه
 بنت اسد نام و والده حضرت حیدر کرار علی مرتضیٰ ابن ابیطالب زوجه
 پاک سیدنا علی اسد الله الغالب بی تبول فاطمه الزهرا بنت حضرت
 محمد رسول مقبول بکذا نام و والده ماجده حضرت سید الشهدا امام حسین
 علیه السلام حضرت بی بی تبول بنت رسول نام و والده حضرت علی امام
 زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شهر بانو کنت
 ام عبد الله و اسم و والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بی بی ام عبد الله
 و عایشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام
 و نام و والده حضرت امام عبد الله ابن امام محمد باقر علیه السلام بی بی فروه
 بنت حضرت قاسم بن محمد ابن صدیق اکبر نام و والده میر سید ماشم
 بی بی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوجه میر سید ماشم
 بی بی زینب بنت سید احمد و والده میر سید محسن بودند زوجه میر سید محسن
 بی بی رضیه بنت سید حسن ابن سید علی که والده سید جعفر بودند زوجه سید

محمد جعفر بی بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والده میر سید علی رضا
 بودند زوجه ایشان بی بی صفیه بنت سید علی ابن سید محمد که والده میر
 سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی بنیه دختر سید عبد الرزاق ابن سید
 عبد الکرم که والده سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی ناظمه بنت سید
 جعفر ابن سید محمد اکبر که والده سید اسمعیل بودند زوجه ایشان بی بی
 صفیه والده میر سید ابوالقاسم بی بی رضیه دختر فقیه عبد الله قریشی
 نسب والده میر سید حسن زوجه میر حسن بی بی رقیه دختر سید طاهر ابن میر
 سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیب آمده بهر سکونت کردند اختیار در آنجا
 از لطن این بی بی اولاد شدند که میر عبید الله کتخی ایشان در شهر
 گردید از بی بی خدیجه دختر سید محمد صدیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن
 احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی
 رحمت بنت سید کمال الدین از لطن ابن عقیقه میر سید یعقوب بوجود
 آمدند از شهر طوس شهر لاهور آمده آقامت کردند اختیار کتخی
 ایشان از بی بی شفقه دختر سید احمد رضوی در آنجا شدند رتبه بلند
 ایشان میر سید داود زوجه ایشان بی بی سلیمه دختر سید محمد آفاق
 فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مبارکه دختر میر
 سید ابن عبد الواحد فرزند ایشان میر سید محمد اسمعیل قادی

زوجه ایشان بی بی کلثوم از مقام لاهور آمده بشهر دہلی اقامت کردند
 اختیار فرزند رتبه بلند شان میر سید تاج الدین کتختائی ایشان
 از بی بی عالیشہ دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد اللہ ابن سید الرحیم
 ابن سید عبد الشکور گردید نسب علوی از انجا در دارالخیر احمر حاضر شد
 در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس اللہ تعالیٰ سر
 شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم باطنیہ مشرف شدہ فیض یافتہ
 شرف خلافت یافتند و حسب اجازت پیروستگیر در دہلی طرح بود باش
 ساختند و در صحبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی
 قدس سرہ در انجا ماندند بایستیند میر سید تاج الدین را یک فرزند
 میر سید علاء الدین و یک دختر مسماۃ بی بی رحما از مولانا عبید اللہ
 ابن سید عبد اللہ کتختا شد ند از لطن بی بی مذکورہ دو پسر یک سید
 دو بی سید عبد العلیم و یک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حصول
 شرف بیعت بطریقہ عالیہ چشتیہ و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت
 شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بودہ بمقام
 مالسی حاضر شدہ از انجا معاودت کردہ در شہر کالپی بمنصب
 ولایت انجا اقامت پردختند بمجلہ محمود پورہ در عہد سلطنت آن دیا
 محمود شاہ بادشاہ کہ خدائی ایشان از مسماۃ عصمت النساء دختر

میر سید محمد بن میر سید محمد دہلوی شدہ بود و دو فرزند رتبہ بلند
 از لطن ابن بے بی متولد شدند یکی سید جمال الدین دومی سید
 کمال الدین میر سید جمال الدین در دہلی رفتہ مرید حضرت سلطان
 المشائخین سید نظام الدین اولیاء شدند تربیت باطنیہ یافتہ
 مشرف بخلافت شدہ مراجعت بسوی شہر کالپی کردند واضح باد
 شادی میر سید جمال الدین از بی بے ز نایب دختر عمہ گردید و کتخدائی
 سید کمال الدین کہ مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی
 گردید نام آن بی بے معلوم نشد الا آنکہ دختر از دختر سید عالم علی شدند
 ہر یکہ ہر یکہ برادران عمزاد کہ خدا شدند باید دانست میر سید جمال الدین
 راستہ فرزند رتبہ بلندی میر سید محمد کالپی دومی میر سید احمد
 سیومی میر سید ارشد کالپی این ہر دو برادر مرید و خلیفہ برادر
 کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیہ و خلافت میر سید محمد کالپی را از حضرت
 مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی قدس سرہ حصول و ایشانرا بعد
 اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب بسید محمد گیسو دراز
 ساختند بایستینہ بحضور مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی چہار خلیفہ
 بودند بنام سید محمد کیے جدا علی این خاکسار کہ مذکور شد دومی میر سید
 محمد گیسو از مخاطب بندہ نواز زیدی نسبہ الفاضل الانوار شان

بسوی دکن بمقام گلبرگ شریف سیومی میر سید محمد مؤلف کتاب
 بحر المعانی از فرزندان سید عبدالقادر جیلانی چارمی میر سید محمد
 بهدانی بهر رفع اشتباه انقدر تصریح تبحر نموده تا باز نام از ره مقصود
 باید دانست و نیز میر سید محمد کالپی مرید و خلیفه سید جمال ولیا و نیز
 مستر شد و خلیفه حضرت سیدنا سید شاه ابوالعلا قدس سره
 که در عهد عالمگیر بادشاه بودند ساکن شهر کالپی محله را محوره حالا
 فرزندان شان بعبور و رایمی جمن میاتند ان را نام علی پور چوره
 ساخته اند یعنی فرزندان سید شاه ابوسعید عرف خیرات علی سید شاه
 نور احمد و سید شاه طه و احمد و سید شاه سلطان احمد از مشایخین کالمین
 وقت مراجعت سفر حج ملاقات هست بخوبی ازین خاکسار الغرض آن
 سید محمد کالپی از اجداد این فقیر هستند مسکن حضرات اجداد بنر گوار
 بمحله محمود پوره هست مسجد و خانقاه حالا غیر آباد عمارت است در آنجا کس
 از فرزندان نماند در زمام خدام آنجا بودند در امضای مدت بالا از سیال
 اینهم نیست معلوم که وجود انها باقیست نامعدوم نور باد که خدای میر سید
 محمد کالپی از دختر عم میر سید کمال الدین گردید از مسامه بی بی عزت
 و که خدای میر سید احمد از بی بی حرمت و که خدای میر سید ارشد
 کالپی از بی بی عصمت هر سه خواهران اعیانی و خیران میر سید کمال الدین

ابن میر سید علاء الدین بدایند هر سه برادر شدند ذمی اولاد حسب الامر
 دو پسر میر سید احمد را یکی میر سید حسن و دیگری میر سید حسین هر دو ذمی ولد
 شدند و میر سید ارشد را یکی پسر میر سید محمود و یک دختر بی بی حمید
 نام اولاد ایشان در انچه ارا نذند و سید محمد کالپی را نیز دو پسر شدند
 یکی سید جلال الدین و دیگری سید نهای الدین که خدای ایشان از
 دختران عم گروید یا حال دریافت نشد مفصل حال لایسید نهای الدین دو
 پسر شدند یکی سید معین الدین و دیگری سید رشید الدین و یک دختر نام
 بی بی خدیجه مدعو پچول بی بی و سید جلال الدین را نیز دو پسر و یک دختر
 از لطن بی بی اسماء دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلانی میر سید
 تقی الدین عرف سید بوڈھی جد علی ابن خاکسار و ثانی میر سید
 عبدالحی یک پسر ایشان میر سید عبد المجید یک خواهر ایشان بی بی
 نعمت النساء دختر سید عبدالحی و زوجه میر سید قطب الدین ابن میر
 سید تقی الدین و سید تقی الدین عرف سید بوڈھی راسته فرزند از لطن
 بی بی خدیجه عرف بی بی پچول یکی سید قطب الدین مذکور الصدر
 و دیگری سید حامد عرف سید چاند سیومی سید علی ذکر اینها بمجل خود
 نوشته خواهد شد اینقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود
 و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاه محمد حسین که جد المجذبان فقیر حقیر

بودند باقی از کتاب نسبتاً متفصیل خواهد نوشت و سبب تشریف آوری
حضرت میر سید تقی الدین مع اهل و عیال این بود که داود شاه بادشاه دیار
شرقی بمقام حاجی پور ابن محمود شاه بادشاه کاپلی بمقام کاپلی از مقام
حاجی پور بمقام صاحبزادگان انجا بدین معنی عریضه پرداخت از حاضری
سبب حب جابه معذور معاف نمایند قصور اگر کسی از صاحبزاده گان
در اینجا مع اهل و عیال زند تشریف خاکسار نوازی که مشرف از بیعت شوم
و از معاش و جبه کفاف مقرر سازم بدین سبب تشریف آوردند حضرت میر

تقی الدین عرف سید بودهی معزز نندان

نسبت یوم باب و م در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام و ذکر اولاد انجناب که باولیا الله است نسبت جعفری
بر شجره و عمره نسب واضح باد مورخین سابقین خصوصاً مذاهب امامیه در
ذکر اولاد انحضرت نوشته آمد بسیار الا از تحقیق کتاب بحر الانساب یافت
که این کتاب بالفعل هست نایاب نوشت و از احتساب الانساب نقل این کتاب
مینویسد که انحضرت صادق علیه السلام بودند هشت فرزندشش سپرد و دو
دختر سپرد اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام امام زمانه رضی الله
وثانی حضرت اسمعیل سیوم حضرت اسحاق چاری حضرت محمد
پنجم حضرت عباس ششم حضرت علی دهمای صاحبزادیان بعلی

امام فرموده بی بی ام فاطمه نوشته اند پس بدانید از هر یک که فرزند جاست
اولاد بسیار درین فرقه اهل تشن بسیار و نیز فرقه امامیه نیز جعفری نسبت دارند
ذکر امام زمانه در نسب چهارم خواهد نوشت تفصیل الا اول نسب نسبت درسی اولیا و کیا که
از فرزندان حضرت شد می نویسد خصوصاً نسب نامده درسی حضرت غوث الثقلین محبوب بجانی رضی الله عنه

شجره اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی الله عنه سید ابو عبد الله صوفی
جیلانی ابن سید ابو الجمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاهر
ابن سید عبد الله ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین

ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

شجره دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجه معین الدین
خواجه ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجه بزرگ ابن حضرت
سید عماد الملک ابن سید عبد الله ابن میر سید علی ابن سید ابو القاسم
ابن سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید یحییٰ ابن سید محمد ذکریا
ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه
باید شنید الله حضرت غوث الثقلین و الله حضرت خواجه بزرگ
هر دو خواهر خالاتی پس بدان نام جد و مادری حضرت غوث الثقلین
بی بی عازمه نام جد و مادری حضرت خواجه بزرگ بی بی معصومه

هر دو خواهر عیانی دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن
میر سید عبد الرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین
ابن میر سید نور الدین عمر ابن میر سید مجد الدین ماطر ابن حضرت سید

عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیوم نسب نامه مادری حضرت شهاب الدین سیرورد
باید دانست جد مادری حضرت شیخ اشيوخ شهاب الدین سیروردی قدس سره
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل الله
ابن سید عبید الله ابن سید عبد الله ابن سید اسد الله ابن سید
محمد طاهر ابن سید احمد مظهر ابن سید حیدر ابن سید محمد رفیع القدر
شرف سید رفیع الدین ابن سید مظهر ابن سید مظفر ابن میر سید
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی الله عنه علیه السلام
شجره چهارم در بیان نسب نامه حضرت علی احمد صاحب قدس سره
مخدوم سید علاء الدین علی احمد صابر ابن سید علی کلان ابن سید احمد
حقانی ابن سید سمیع الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی
ابن سید مرتضیٰ ابن سید محمد کلانی ابن سید حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن
سید عمر ابن سید اغر الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
نسب مادری نجاشی نجاشی فادغی خواهر زاده حضرت بابا فخر الدین شکر گنج اندام الله حضرت سید احمد ربانی

حلیمہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بر وایت ثمانے نام والدہ

انجنا سببی بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

شجرہ نیچم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری
ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید حمزہ
ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسیٰ
ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید کن الدین
ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام
جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوجہ پیر جگوت بی بی نور دختر سید وجہ الدین
چار دختران حضرت بودند بی بی رضیہ عرف پُرمی بواسلے جمیع عرف بی بی
جیبہ بی بی جمال بی بی بدیہ زوجہ حضرت سلیمان لنگرزمین والدہ بی بی کمال اللہ
اکثر نام آن بی بی نیزولی بی کمال گویند جای حیرت کہ نام مادر و دختر و
انچہ کہ سند یافتہ تحریر مخدوم بی بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن
مخدوم سید آدم صوفی این بی بی والدہ مخدوم شاہ تیم اللہ سفید بار بودند
و بی بی جیبہ زوجہ مخدوم سید موسیٰ بدانی ابن مخدوم سید شاہ مبارک این
بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش اند و بی بی رضیہ زوجہ حضرت
مخدوم شاہ احمد کھسی منیری ابن مخدوم شاہ اسماعیل نبیرہ حضرت امام

محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین
قدس سرہ و اسم والدہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر حکمت بے

راحت النساء و دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری
حضرت سید فرید الدین عطار ابن سید اسمعیل بن خواجہ محمد رقی ابن سید نجم الدین
و اصل حق ابن سید نصیر الدین ابن سید نور اللہ ابن سید ابوبکر غلجی ابن سید
عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسمعیل بن حضرت جعفر صادق علیہ السلام
سید محمد غوث گوالیاری ابن سید خلیل الدین ابن خواجہ عبد اللطیف
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتش نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

بار باری ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

شجرہ اول در نسب مادری حضرت بابا فرید الدین گنج شکر
والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بے بی جمیلہ بنت سید وجہ الدین خجندی
ابن سید عماد الدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید احمد
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید حامد ابن سید محمود ابن سید
ابن سید عارف ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین عالم
حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم ابن سید ظہیر الدین صدر عالم ابن سید فخر الدین فخر عالم

ابن سید یونس ابن سید ادریس ابن سید عمر زید ابن سید حیدر اطهر ابن
 سید محمد طغر ابن سید شهاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین
 ابن سید خواجہ بقاء اللہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد الجبار ابن
 سید ثناء اللہ ابن سید محمد شریف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطهر
 ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
 شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید شرف جہا نگیر قیس
 حضرت سید سلطان اشرف جہا نگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ
 عماد الدین نور بخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید
 ابن سید محمد ہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارز الدین ابن سید جمال الدین
 ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید حمزہ ابن سید علی اکبر
 ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابوالحسن محمد ابن سید اسمعیل ابن ج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

عمر دوم نسب نامہ سید امین الدین بیجا پوری یکی از خلفاء سید محمد سیو
 سید امین الدین بیجا پوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین
 بیجا پوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد الفتاح
 ابن سید فہیم الدین محدث ابن سید ذکر یابیلانی ابن سید احمد کاشانی
 ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید داؤد

ابن سید محیی بن سید یوسف ابن سید ارشد با خدا ابن سید احمد ہمدانی
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہمدانی نسب میر سید علی ہمدانی

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید محمود ہمدانی ابن سید احمد ہمدانی ابن سید
امام الدین ہمدانی ابن سید نور الدین ہمدانی ابن سید نصیر الدین ہمدانی
ابن سید ظہیر الدین ہمدانی ابن سید طاہر ہمدانی ابن سید جلال الدین ہمدانی
ابن سید جمال الدین ہمدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضاۃ ہمدانی
ابن سید یعقوب ہمدانی ابن سید محیی ہمدانی ابن سید قیام الدین ہمدانی ابن
سید قاسم ہمدانی ابن سید برہان الدین ہمدانی ابن سید امام محمد دیباج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیدوم نسب امام سید لایت علی میر سید از حضرت علی ہمدانی
سید شاہ ولایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاہ
حسن علی ابن سید محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن
سید عظیم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجع محمد ابن سید عبد اللہ ابن
سید اثر ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین
ابن سید شمس الدین سیاہ پوش ابن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد

ہمدانی ابن سید علی ہمدانی

شجره چهارم نسب مادری محمد اجمل دام لطفه

تقاضی سید محمد اجمل خال لا عظم ایشان شاه محمد واعظ عرف سید شاه ابدان شرف
 ابن سید شاه پیر علی ابن سید شاه میر علی ابن سید شاه حسن علی ابن سید
 محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن سید شاه عظم ابن
 سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد الله ابن سید اشرف ابن حضرت
 سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین ابن سید شمس الدین سیاه پوش
 ابن سید علاء الدین بهدانی ابن سید محمد بهدانی ابن امیر کبیر سید علی
 بهدانی جامع کتاب اوراد فحیمه **حقیقی نسب مذکوره بالا** حقیقی نسب
 اکثر مشایخین انجوار اند چونکه نسب نامه علی الترتیب سلسله نیافت نگاشت
 خصوصاً اهل شیعه خود را اکثر بدین نسب نامند یکی ازان در قرابت و مصاهرت
 این خاکسار میر رمضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر یوسف علی درین نسب اند
 و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیه السلام نیز ذکی حسین ابن داروغه
 سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابوالحسن ابن میر بهادر علی این سردو
 بهجتند حکیم سید عابد حسین ابن داروغه سید لطیف حسین ابن میر نصر الله
 ابن میر وارث علی ابن میر حسین ابن سید لطف الله ابن سید احمد عرف چولهای
 ابن سید شاه غلام عطا ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین
 ابن سید شاه غلام شرف ابن حضرت سید شاه دعاء الله ابن حضرت سید شاه

عطار الله ابن حضرت سيد شاه وجه الله ابن سيد شاه نظام الدين ابن
 سيد شاه هدايت الله ابن سيد شاه محمد حسين ابن سيد شاه رحيم داد ابن سيد
 شاه كريم داد ابن حضرت سيد محمد فرید ابن سيد محمد اسماعيل ابن نبیره حضرت
 سيد محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه که دو نام
 مانند واضح باد و از غم سيد لطف حسين اينج پسر کي سيد اکبر حسين و پسر
 ايشان سيد محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکيم سيد عابد حسين ايشان را
 دو پسر کي سيد جعفر حسين ثانی ابو الحسن سيومی سيد اوسط حسين
 پدر سيد سلطان چارمی عسکری حسين پدر محمد تقی پنجمی سيد ذکی حسين و می
 اند و مير مبتلا حسين بنی عم ايشان پسر ايشان سيد عطا حسين سيد منظر حسين
 و غيره انقدر داشت ننگاشت نسبت چهارم باب و دم در ذکر اولاد
 حضرت امام موسی کاظم عليه السلام و نسبت نسب الی الله زمان
 خصوصاً حضرت خواجه معين الدين چشتی قدس سره شجره و شجره
 واضح باد مورخين مذکور مايمه فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی الله عنه
 شخصت فرزند کرده اند تحریر يعني سنی هفت پسر نسبت سه دختر از سیزده
 فرزند اولاد جاری در باقی عقاب نمائند بترقيم بن نقل از عقیده تا ناگزير
 الا انچه در کتاب است کبر الانساب و حساب الانساب مینويسد انفقير
 حقير عقدهت پدیر سامی فرزندان انحضرت انيست حضرت علی موسی رضا

امام زمانه کلانی و حضرت اور پس ثانی و سیدنا ابراهیم و سیدنا موسی ثمنی
 و سیدنا عبید الله و سیدنا عبید الله و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا
 اسمعیل و سیدنا یحیی خیر انجیکه در نسب نامہ اولیاء الدیافتہ من نسبت گار و اولاد
 شجرہ اول نسب چہارم در نسب حضرت خواجہ بزرگ معین الدین چشتی قدس سرہ
 حضرت خواجہ معین الدین چشتی سنجرى اجمیری ابن حضرت خواجہ غیاث الدین
 سنجرى ابن خواجہ نجم الدین طاهر ابن خواجہ عبدالغفریز مطہر ابن خواجہ سید موسی
 مصفا ابن سید ادین لد حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام ابن حضرت امام جعفر صادق

عشرہ اول بر ذکر اولاد حضرت خواجہ قدس سرہ

آورده اند بعد تکمیل فقر کمال حضرت خواجہ بزرگ بکبر سنی متاہل شدند اولاد شد
 حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبیاً محمد صلی اللہ علیہ وسلم نو و سالگی عقد و
 نکاح کردند از دختر خجسته اختر سید و جہہ الدین مشہدی رنومنی زوجہ ثانی
 بی بی آمنہ اللہ دختر راجہ اند یار و نام دختر سید و جہہ الدین بی بی عصمت النسیا
 سہ پسر یک دختر در آن عمر شریف حضرت خواجہ در نیالہ بوجود آمدند میگویند
 بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از طبع بی بی آمنہ اللہ متولد شدند و با شیخ
 رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوری سواکی کہ
 اجل خلفاء حضرت خواجہ بودند گتخذ شدند و فرمودند حضرت خواجہ بزرگ
 اولاد حمید الدین عین اولاد معین است و فرزند کلانی خواجہ ابو سعید حلیت کند

قبل از ایام جوانی ثانی خواجه حسام الدین که حضرت خواجه ولایت ایشان بمقام
 سنا بنهم داده بودند حضور مآذ تاحیات خطاب یافتند حسام الدین بیونخته
 با خر عمر با ابدالان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجه فخر الدین
 ذبی او لاوشند خواجه فخر الدین را دو فرزند یکی خواجه کن الدین کلانی
 خلف ایشان خواجه زرین الدین آینده کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد
 الا فرزند ثانی خواجه حسام الدین ابن خواجه فخر الدین که نام فرزند خود
 بنام برادر خود نهادند خواجه حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجه معین الدین
 خور و کلانی که بعد ابا و اجداد راجع به شریف زبیب سجاده گشتند و نام فرزند
 ایشان خواجه زرین الدین ثانی بود ثانی خواجه قیام الدین ملقب بر مال خلف
 ایشان خواجه نجم الدین پس ایشان خواجه احمد کمال ولد ایشان خواجه
 شهاب الدین فرزند ایشان خواجه بایزید ثانی مقبول ربانی حضرت ایشان
 عمر خود در سیاحت تمام گذرانیدند در امصار و دیار بعد مدت مدید تشریف
 آوردند و راجع به شریف در آنوقت خدمت شناختند و انکار از فرزندگی
 خواجه بایزید نکردند آخر به شهادت خواجه حسام الدین ناگوری که اولاد
 سلطان التارکین بودند بادشاه وقت اعتماد بنود خدمت و یوانی تفویض
 نمود خواجه حسام الدین عرف خواجه حسین ناگوری زبیب سجاده انحضرت
 ایشان را کردند و دختر خود در عقد و نکاح ایشان دادند و اولاد جاری شد

باید شنید ثمره دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین
 بود فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه غیاث الدین پسر ایشان
 خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو النخیر مطهر این بزرگ شدند کثیر الاولاد
 هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین
 ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم
 خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمود هشتم خواجه شاه محمد مسعود از انجمله
 چهار فرزند شدند ذی اولاد باقی چهار را عقاب نماند می نگارند اولاد چهار
 برادر در اجمیر شریف ماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه
 شاه محمد و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یک زیب سجاده حضرت
 خواجه گشتند بعضی از اولاد مسافرت کردند خستید بسیار مصار و دیار هرگاه
 به زیارت مزار رسید با جمیع شریف این خاکسار در سال بکیر رود و صد
 و شصت هجری خپین دریافت شد که در زمان چهل و هشت هجری بمنصب
 دیوانگی زیب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب حال بجای ایشان
 برادر زاده شان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت انجانب
 انچیکه بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین ^{علیه} پسر خپش
 بودند اکنون دریافت نشد که فرزند شاه سراج الدین زیب سجاده بخطاب
 دیوانگی اند مامور مبارک باد ثمره سیوم روایت می نمایند هرگاه

خواجہ علاء الدین ابن خواجہ علیم الدین مذکور الصدر قصد سفر کردند از اجیمیه
فرزند یانیریشیان شمس العارفین خواجہ محمد داؤد حشمتی از دیار مغرب قاصد
دیدار مصر شرقی شدند از شهر بلخ سیر کرده بدین لواح رسیدند جای اقامت
در محال کلپه پسندیدند و حسب مجوزی و الحاح راجه بنجا بدینجا تکیه ساختند
بوضع کندوی پرگنه اکیل ضلع بهار در انجا خبر گیر فقره وارد و صادر
کردند حاکی وقت بهر کفایت معین گردید و اتفاقاً شد پیداعرسل اعراض پیران
که هست شیوه ایشان خصوصاً حاصل در ایشان شامل شدند و اولاد شد
پیدا الا خود را شیخ گویند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود و مقصود
حالا اولاد اند فرزندان خواجہ داؤد خواجہ محمد یوسف بودند بطریقہ
آبائی قائم ماندند پس ایشان خواجہ عید الترقیب پس ایشان خواجہ محمد جمیل
خود را شیخ گویند و ولد ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان جا بجا در بیات
اقامت نمود بسبب جهه معاش صورت کفایت دانی چنانچه قاضی جعفر علی
ساکن موضع کندوی از فرزندان شیخ محمد جمیل اند و شیخ محمد لطیف ابن شیخ
محمد جمیل در موضع جان پور قریب جهان آباد جایگزین مقیم شدند فرزندان
شیخ محمد لطیف شیخ محمد سبحان در جا چیری صورت معاش پیدا کردند شیخ
اقبال حسین غیر و حاصل پسرت شاه محمد سبحان بودند شیخ محمد شرف پس ایشان
شیخ محب الله پس ایشان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان پس ایشان شیخ

محمد زمان والد ایشان شیخ محمد باسط لیسر ایشان شاه عبد الرحمان عرف شیخ
 رحمان بخش خلف ایشان شاه محمد و اهب حسین که از دختر خجسته اختر مولانا
 غلام قادر رحمۃ اللہ علیہ که خدایند مولانا مفتی عدالت بودند علاقه صلح بها
 ابن شیخ غلام حیدر شاه و اهب حسین از دختر مولانا شته فرزند مولوی
 منیر الدین احمد لیسر کلانی با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کردند
 انتقال مولوی امیر الدین احمد لیسر ثانی بعد از سرکاری بنوراند موجود
 سیوم نصر الدین احمد رفت از نیال عالم جوانی الامولوی امیر الدین احمد
 کتخا شده اند الله تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم
 باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت خواجه نور الدین امیر کللال
 باید دانست خواجه نور الدین امیر کللال پیر شد حضرت خواجه بهاؤ الدین نقشبند
 قدس سره اند خواجه نور الدین امیر کللال بن خواجه امیر حمزه ابن امیر سید ابراہیم
 ابن امیر سید محمد قصوری ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد اللہ
 شہید ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر سید عثمان ابن امیر سید ابن امیر محمد حسین
 ابن امیر سید احمد بلقب حسین ابن امیر سید محمد علی ابن سید شریف موسی ابن
 سید ابراہیم تمیزی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام باید دانست
 فرزند حضرت امیر نور الدین کللال چهار بودند یکی سید حمزه دومی امیر
 برهان الدین سیومی امیر محمد شاه چارمی امیر عمر اولاد بهر فرزند نامدار

چهاراند بامصار و دیار بسلسله نسب برین نیافت کسی که منی نگاشت الا خواجه
 عترت خواجه میر جان داماد حکیم غلام نبی خان از اولاد از یک فرزند ان خواجه
 امیر کلال اند چهار فرزند شان اند یکی خواجه احمد حسین بیوی خواجه محمد حسین
 عرف خواجه محمد امان خلف ایشان خواجه عبد السلام سیومی خواجه محمد حسین
 عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبد الله هر یک اند محبت پناه و به
 شجره سیوم نسب چهارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید
 احمد ملقب چرمپوش معتمد و اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش
 ابن سید موسی همدانی ابن مخدوم سید مبارک همدانی ابن میر سید جعفر ابن
 سید ابراهیم همدانی ابن سید سلیمان همدانی ابن سید عبد الکرم ابن سید
 عبد الحکیم ابن سید عبد الشکور ابن میر سید نعمت الله ابن میر سید عبد المجید
 ابن سید عبد الرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود
 ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبد الرحمان ابن میر سید قاسم ابن میر سید نور
 ابن میر سید یوسف ابن میر سید کن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر سید
 یحیی ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید قلی ابن سید عمر ابن میر سید

عبد الله ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

شجره در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد

مخاطب چرمپوش قدس سره

باید دانست حضرت مخدوم سید احمد چرمپوشش نواسه حضرت مخدوم سلطان
 سید شهاب الدین پیر جگجوت اندام والده ماجد انجناب بی بی جمیده مدعو جیه
 بودند و نام زوجه انجناب بنیه اندالاد و فرزند رتبه بلند بودند انجناب را یکی
 مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دومی مخدوم سید شاه سراج الدین
 ثانی علاوه این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید
 شاه عبد الرحمان که از دختر عم کلان بی بی و اسعیم بنت مخدوم شاه تاج الدین
 که خدا شدند دیگر دختر و پسر نبود و برادر یک پسر و یک دختر پس سید شاه
 عبد الرحمان بعد عم کلان و والد خود زب سجادده مانند بعد خلف شان سید
 شاه علی عرف مخدوم بده جانشین شدند بعد ایشان پسر ایشان
 سید رکن الدین مدعو منجهن ولد ایشان سید شاه محمود اعلا زب سجادده
 شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجادده نشین باند
 پسر ایشان سید شاه حبیب الله ولد ایشان سید شاه محبوب الله پسر ایشان
 سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمود ولد ایشان سید شاه
 سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الدین ابن ایشان سید
 محیب الله ابن ایشان سید شاه علی صغیر ابن ایشان سید شاه
 محمد ثانی واضح باد سید شاه علی صغیر را یک پسر سید محمد ثانی و
 یک دختر شاه مجیده که از سید شاه غلام مخدوم زبیری نسب اند ابن سید شاه

محمد حفیظ که خدا شدند دختر ایشان مسماة الطیبه عرف بے بے اطوار و الدہ
 شاہ امیر علی ابن شاہ کریم بخش ابن شاہ محمد وصل ابن شاہ علام بدر ابن شاہ
 وجہ الدین فردوس سید محمد ثانی است پسر یکے سید شاہ نجف علی ایشان را
 دو دختر یکے مسماة دُہوین الدہ امیر علیخان ابن بہت علیخان ویسی مسماة
 سوین روجہ حاجی شاہ الطاف علی یک پسر ایشان شاہ نور الحسن سرور
 کہ از دختر قاضی صابر علی کہ خدا شدہ ذمی ولاد اند و خواہر ایشان از قاضی
 وصی احمد ابن قاضی صابر علی کنخدا ذمی اولاد اند پسر و مہر سید محمد ثانی
 سید شاہ احمد علی دو پسر ایشان شدند یکی سید شاہ احمد حسین ویسی سید شاہ
 محمد حسین ایشان را دو پسر باو شان چند دختر سید مخلف الرشید سید محمد ثانی
 سید شاہ پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاہ محمد دوم بخش
 شاہ کلن کہ بعد عرصہ رونق خاندان زیب مشایخی دادند پسر ایشان دو
 سید ولایت حسین و سید نور الحسین ہر دو موجود اند اللہ تعالی ترقی بخشد
 و شاہ نور الحسن ثانی ابن شاہ برکت حسین نیز از فرزندان اند کہ جد بزرگوار
 ایشان در آل حضرت محمد و مہر سید شاہ احمد چرمپوش بودہ اند بدین سبب
 سکونت نیز است و نیز متفقہ حکیم محبت حسین از فرزندانند و دیگران نیز میگویند
 چون سلسلہ نیافت نوشت نسبت پنجم باب و مہر ذکر حضرت
 امام علی موسی ضیامنو کہ فرزندان آنحضرت بر چہار شجرہ است و شجرہ ان

باید دانست حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام اینچ فرزندان رتبه بلند و یک
 دختر خجسته اختر بی فاطمه ثانیه از بر فرزندان سلسله نسب باقیست
 خود را رضوی سید میگویند از امامزاده فرزندانند و الله اعلم فرزندان و این حضرت
 امام محمد تقی علیه السلام امام زمانه فرزند دوم امام سید حسن فرزند سیوم
 سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند اینهم
 اجداد سیادات رضوی و خنج باد نسب حضرت پیر و سنگیز خواجه قطب الدین
 آوشی ملقب بختیار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام
 علی موسی رضا علیه السلام می پیوندند و خواجه قطب الدین بختیار کاکی
 ارشد الخلفاء حضرت خواجه عیسیٰ الدین حشمتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین
 آوشی ابن سید محمد آوشی ابن سید احمد آوشی ابن سید حسام الدین ابن
 سید رشید الدین ابن سید رضی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد
 اسحاق ابن سید محمد جواد ابن سید علی سجاد ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت
 امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه واضح باد حضرت خواجه
 قطب الدین ابدیه سابقه را با اشاره آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم طلاق و آن
 باز تافی متاهل شدند از لطن زوجه ثانیه که در اقران بودند و فرزند شدند
 یکسید احمد دبی خواجه محمد سید خواجه احمد لیم سیزده سالگی بجوار حجت حق پیوستند
 پسر ثانی خواجه محمد را یک پسر بودند خواجه کبیر زان بعد عقیاب حضرت نمادند

نام والده حضرت خواجه قطب الدین بی رضیہ بنت سید محمد ابن سید علی
 ابن سید احمد ابن سید ابراہیم ابن سید آدم ابن سید عالم ابن سید صدر عالم ابن سید
 عبد المجید ابن سید عبد الحمید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن لد حضرت
 امام علی موسی رضا علیہ السلام نسبت دوم ضومئی نسب نامہ سید
 شاہ ابو العلی مشہدی جد امجد حضرت مولوی حسن ضاقدیسرہ
 سید شاہ ابو العلی ابن سید شاہ محمد حیات ابن سید شاہ محمد برکات ابن سید شاہ
 مبارک ابن میر سید جعفر ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاہ ابو الحیو
 ابن سید شاہ ابو البرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد اللہ
 ابن سید عبد الجلیل ابن سید محمد خلیل ابن سید جمیل بن سید علی بزرگ ابن سید مصطفیٰ بن سید
 عبد اللہ اکبر ابن سید مجتبیٰ ابن سید ابراہیم مرقع پوش ابن حضرت امام علی موسی رضا
 رضی اللہ عنہ علیہ السلام ذکر ذریت حضرت سید شاہ ابو العلی طویل است نسبت
 قرابت و مصاہرت ازین فقیر حقیر غیر تحریر کرامات بعد ازین خواند نوشت
 نسبت یوم نسب نامہ قاضی عبد الفتاح عرف قاضی بُرمی دالالو
 جد امجد میر سید محمد قاضی سید عبد الفتاح ابن میر سید عالم ابن سید ابو الفتح
 ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک
 ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی صفیر ابن میر
 سید عبد اللہ ابن سید زین العابدین ابن سید محمد اعلیٰ ابن میر سید نوح

ابن میر سید ابراهیم بن میر سید زین العابدین بن میر سید حسین عرف سید
 عبد المطلب بن حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه النورانی
 سیادات رضوی نسب هستند بسیار شهر و امصار و دیار بلکه اکثر اند و بنحو
 از اولیا کبار چون نسب نامہ اولادشان مسلسل نیافت بدین وجه نگاشت
 متعذر ماند و نیز اکثر مذہب مامیل اند سیادات رضوی عویدار چنانچه و بنحو ابر و سواد
 ساکنان موضع ^{طین} اچکله که نسبت مصاہرت دارند واضح باد در زمان ماضی ^{طین} سلاطین
 بزرگ بودند مشاہیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبد الاحد عرف قاضی بڑی
 رضوی نسب بودند و فرزندشان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار
 مصاہرت واقع شد از اولاد ایشان شرفاء موضع بہت ہو و حضرت بہار
 مذکرہ ذریعہ ایشان در تئمہ کنا بخاند نگاشت و نیز در موضع ساشین
 ضلع پٹنہ بزبانہ قریب بزرگ بودند منصب قاضی سید اولاد علی والد ماجد
 قاضی سید فضل حسین صدر اعلیٰ مرحوم سپہریشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم
 و از بنی اعظام ایشان میر احمد حسین میر محمد و مخشیل بن سید شجاعت علی
 در ان موضع از سیادات رضوی اند و نیز صاحبان موضع نیالوان و نیز سید
 شاہ اہل اللہ رضوی را در ان موضع مصاہرت واقع شد سید شاہ اہل اللہ
 جد مادری سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ حمی ابن سید شاہ اطیب اللہ
 قادری چنانچہ منقول است دو سید زادہ بزرگ از سیادات رضوی نسب

از ولایت تشریف آوردند بصیغه طالبعلی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین
بدر عالم در بهار وارو شدند مشغولی تدلیس بودند روزی کرامات ایشان
بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را
نام بود حضرت مخدوم دختر خجسته اختر بی ابدال خود را خواستند بزوجه
یکی از اینها دهنه کلانی عذر آوردند و تجرد کردند اختیار چنانچه مزارشان
واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع
معافا واقع است از بطن بی بی ابدال اولاد شد ساکن موضع بی بی پور شدند
که جای چپ بی بی مدوخته مشهور است چنانچه انوضع و دیگر دیهات معانی بقبض
اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ راسته فرزند بود و بدانچکه
فرزند یک فرزند سید شاه اهل شد مذکوره بالا و فرزند برادر دیگر سید عنایت علی
بودند خلف ایشان سید فرزند علی که تازی ایشان از دختر میر مظفر حسین محرم
ساکن شیخ پوره شد سید فرزند علی را و فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر
میر اولاد علی ابن سید شاه وارث علی که از اولاد ویو ان سید جعفر قدس سره
بودند گردید اولاد ازین عالم فتنه و لپش ثانی میر فرزند علی میر اسمعیل علی از
دوستان شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید واجد حسین
دو بی سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان زوجه شاه اظهر حسین تانیه زوج
سید امیرالدین نوابادی ثالث زوجه پیاری صاحبان قاضی محمد بخش محرم

و نواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر
 معروف بودند حاصل از انجلا از سته برادر فرزند یکی سید رمضان علی
 بودند خلف الرشید ایشان میر سید غلام حسین سلمی و دو پسر ایشان شدند
 از دوز و وجه یکی میر محمد حسین و اما سید محمد حسین نوآبادی پسر ایشان سید حسین
 و از زوجه ثانی خلف الرشید ایشان سید حسین سته خواهر ایشان ذی اولاد اند شاد
 علی حسین در بهار از دختر میر حسین ساکن باروری شده بودند و دختران ایشان را
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام مغروریت
 باید دانست از تحریر مؤرخین سابقین نیز از کتاب بحر الانساب شش فرزند آنحضرت
 سته پسر سته دختر فرزند اول حضرت امام علی نقی علیه السلام مام زمانه ثانی حضرت
 موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد ابن مهر و بزرگوارایی اولیا و کبار اند جابجا
 ولی الله صاحب لایت آسوده اند بزارشان فایض الانوار به شجره اولی
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشائخین
 سید نظام الدین احمد بدایونی حضرت سلطان الاولیاء
 سید نظام الدین محبوب بانی ابن میر سید احمد بدایونی ابن سید خواجه علی بخارا
 ابن سید عبداللہ ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبداللہ ابن
 سید صفیر ولد حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام
 باید دانست حضرت خواجه علی حضرت سید انبیا عرف خواجه عرب از جوار عرب

سیر کرده مصادره دیار به بخارا شریف آمده سکونت کردند اختیار پس بدن
 هر دو بزرگوار در انجالتا بل شدند نسبت شرفاء انجوار سید بخاری را و فرزند
 شدند یکی سید احمد بدایونی ثانی سید محمد بدایونی و نیز دو دختر شدند خواجه عرب سید
 دانیال یکی موسوم بی بی زلیخا زوج سید احمد بدایونی نام ثانیه معلوم نشد
 از بخارا نوبت سکونت به شهر بدایون رسید و له حضرت سید احمد سید
 نظام الدین اولیا و کنجو اهرشان بی بی زرنیب نام حضرت محبوب
 الهی حضور بودند الا فرزند بی بی زرنیب دو یک سید تقی الدین نوح
 و دومی سید رفیع الدین باون هر دو ذی اولاد شدند سید محمد بدایونی
 را یک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیفه حضرت محبوب الهی برادر عماد
 بودند فرزند رتبه بلند ایشان سید شاه ابراهیم ایشان را تربیت طاهری
 و باطنی از پدر بزرگوار خود بود و خلف الرشید ایشان سید شاه فرید عرف
 سید طویل بخش مرید و خلیفه حضرت مخدوم نور قطب عالم پندی بودند
 سید فرید طویل بخش در بهار حسب بیت چشتیان اقامت پذیر شدند مجله چاند پور
 اولاد این برک بسیار از مشایخ کبار فرزند رتبه بلند آنحضرت سید معین الدین
 بهاری خلف الرشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از جاد و فریق
 شدند سید سببیت دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی جدا مجدداً
 چاند پور و سید بهار الدین فرزند ثانی از اجداد صاحبان تکیه خود

اولاد ہر کے موجود اند

لمعه اول در ذکر اولاد صاحبان چاند پورہ

باید دانست فرزند سید محمد سلطان سید شاہ مظفر ولد الشیخ سید شاہ منصور
 ابن ایشان سید شاہ محبوب پر ایشان دیوان سید محمود ولد الشیخ دیوان سید
 شاہ عنایت اللہ ابن ایشان سید شاہ امیر اللہ ایشانرا چہار فرزند رتبہ بلند
 کہ پیدا شد شاخ ہر یکی سید شاہ صفی اللہ ولد کلانی و جناب حضرت سید شاہ
 احسان اللہ فرزند ثانی سجادہ نشین بجای پدروی سید اہل اللہ چارے
 سید شاہ فخر اللہ عرف شاہ فخری این نیز ذی اولاد اند و سید شاہ اہل اللہ
 را دختران بودند و سید شاہ صفی اللہ را بودند یکہ دختر بی بی صبیحہ نام دختر
 این بی بی را نام بی بی مسیحاز و سید شاہ محمد و اصل کہ جد شاہ امیر علی
 فردوسی بودند جناب حضرت سید شاہ احسان اللہ را یک دختر موسومہ
 بی بی سلطانی کہ از میر مظفر علی ابن میر سید حسن زیدی نسب کتھا شدند
 از بطن این عقیقہ دو دختر بی بی رحمانی بی بی امانی و یک پسر جناب حضرت
 سید شاہ یحیی علی قدس سرہ زوج بی بی رحمانی شاہ محمد سلطان
 نبیرہ سید شاہ احسان اللہ و دو خلف انحضرت شاہ محمد بخش دو بی
 شاہ قطب بخش شاہ محمد بخش را دو فرزند یکی شاہ محمد سلطان غد کو اللہ
 دومی شاہ محمد جان و یک دختر بی بی واجن کہ از شاہ محمد سجان ابن شاہ

قطب بخش کتخا شدند پس دومی شاه قطب بخش شاه درگاه‌ی والد ماجد شیده
 خید بخش و شاه محمد سبحان را دو پسرسید شاه مجاهدی که ذی اولاد شدند از دختر
 پسرنانی سید محمد اکبر و فرزند شاه محمد سلطان از بطن بی بی رحمانی شیده محمد باقر
 و سید شاه اسمعیل ایشان یک پسرسید علی حسن که از دختر مولوی سید شرف علی ابن
 سید شاه یحیی علی کتخا شدند یک پسرسید ایشان را سید حسن نام که از دختر شاه
 تبارک حسین ابن شاه تیم الله منسوب شاه محمد باقر چهار فرزند اند سید مسعود
 و سید مقصود و سید مودود و فرزند کلانی سید محمود حلت کردند هر یک را بهترین
 جای نسب مصاهرت واقع است و پس شاه محمد اسمعیل سید علی حسن نام از دختر مولو
 سید شرف علی کتخا شده یل ملک بقا گشتند پس گذشتند سید حسن نام از دختر
 شاه تبارک حسین مرحوم کتخا است دومی ولد هست و از شادی دیگر حضرت
 شاه محمد سلطان رحمه الله علیه افزندی نام نامی شاه امجد حسین که از دختر
 شاه قطب الدین منیری کتخا شدند یک دختر و پسرازند و شاه محمد جان را چهار
 سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید صفت حسین و سید کبیر حسین یکی ازین حلت نمود
 باقی ذی حیات ذوی اولاد اند

لمعه دوم در بیان واقع ثانی بذریت سید شاه بهاء الدین
 ابن حضرت مخدوم نصیر الدین واضح با و فرزند ثانی و حضرت بنده
 سید نصیر الدین دیوان شیده بهاء الدین بودند خلف ایشان بنده گی دیوان سید

شعیب الحقی ولد ایشان سید شاه عبید الله ابن ایشان دیوان سید شاه
 عبد الوهاب چهار فرزند ایشان کلانی دیوان شیخه عبد الواحد
 بودند و دو دختر بودند ایشان ثانی سید شاه جمال الدین سیومی سید شاه
 حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر
 سید شاه جمال الدین از دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از صبیحه حضرت دیوان شاه
 عبد الواحد مذکور القدر که یکی از اجداد حضرت شاه محمد آفاق عرف شاه
 جٹا و نیز اجداد دیگران الانسبت سلسله ایشان دریافت نشد شاه ذکی الدین
 ثانی که پسران شاه نصیح الدین دو فرزند ایشان یکی شاه مراد علی پسر ایشان
 شاه فرزند علی دومی شاه چمن پسرشان نعمت الله داماد میر موسی علی و از محل
 دوم شاه ذکی الدین شاه محمد محیی بودند و نیز شاه صغر حسین الدیاجه سید شاه
 عبد الکریم و یکده هجرت سید شاه رحیم بخش نبیره ایشان سید عبد الکریم نام
 است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الانسب جدی و مادری حضرت شاه
 محمد آفاق نسبت قرابت قریبه از خسر پاره این خاکسار دریافت شد تبصریح مینویسید
 باید دانست سید شاه جمال الدین راد و پسر یکی سید محمد ثانی سید شاه کمال الدین
 ایشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد
 ایشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر
 ایشان سید شاه علیم الدین ولد ایشان سید شاه محمد آفاق عرف شاه جٹا

پسر ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دمڑی که از دختر سید نجف حسین
 ساکن محله باره درمی که خدا شدند ایشانرا چند دختر و یک پسر سید شاه عطاء الدین
 ذبی اولاد هستند سجاده آبا اجداد زینت بخش اند و ذکر نسب مادری حضرت
 شاه آفاق و آبا اجدادشان که از حضرت سید محمد سحر درمی
 منشست انور اجداد مادری پسر حجاز شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد
 فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محی الدین که نسب بسادات کاظمی بودند و شادی
 سید محمد روشن علی از دختر سید شاه غلام محمد بن سید نور الدین بن سید محمد دوم عالم
 ابن سید صدر عالم ولد میر سید محمد سحر درمی زیدی نسب گردید و زوجه سیده
 غلام محمد دوم دختر قاضی سید فتح الله خطیب که شادی ولی بود ساکن مقام
 شیخ پوره از ایشان سه پسر شدند یکی سید نور الدین دومی سید محمد صالح سیوم
 سید فقیر محمد عرف فقیر سید محمد صالح لا ولد الا سید نور الدین رانیر سه پسر یکی سید
 غلام مجتبی دومی سید غلام مرتضی سیومی سید غلام محمد پس بدانید سید غلام
 مجتبی را یک پسر سید غلام منبری که از دختر عم خود سید غلام محمد کتبی داشتند و سید
 غلام مرتضی رانیر یک پسر سید برخوردار و دو دختر یکی زوجه شاه محمد مبارک
 ساکن محله چاند پوره دومی زوجه سید علی اکبر ساکن موضع شیخ پور و سید
 غلام محمد رانیر سه پسر یکی سید غلام حامد عرف پانچود دومی میر سید میر عرف
 چکوری سیومی سید تاج محمد لا ولد و جد مادری سید شاه علیم الدین پدر

شاه محمد آفاق سید محمد حفیظ ابن سید سیف الشون سید فقیر محمد فقیر ابن سید
 محمد دم عالم بن سید محمد سرور دی مذکور بالا و جد مادری شاه نور الله جد
 شاه محمد آفاق میر سیف الله مذکور صدر و سید فقیر محمد اود و لیسر یک دختر
 کلانی لیسر سید سیف الله ثانی سید روح الله لیسر سید سیف الله سید محمد حفیظ
 و یک دختر زوجه شاه نور الله دومی دختر زوجه سید زین العابدین ساکن
 محل مفتیان و دختر سید سیف الله والد شاه نور الله دم حوم و لیسر سید
 محمد حفیظ سید غلام محمد دم جد مادری شاه امیر علی فردوسی ابن شاه
 کریم بخش ابن شاه محمد اصل شاه امیر علی خسرو ابن خاکسار و سید روح الله
 ابن سید فقیر محمد لیسر لیسر سید محفوظ نام و دو خواهران ایشان یکی بی بی
 ناجو زوجه شاه غلام حیدر ابن شاه وجه الدین که لا ولد و بعد ازین عالم دیو
 بی بی بخدیا عرف ناجو زوجه شاه غلام بدر برادر شاه غلام حیدر فرزند
 رتیه بلند شاه غلام بدر شاه محمد اصل جد شاه امیر علی شادی شاه
 محمد اصل بجله چاند پوره از بی بی مسیحی بنت بی بی صبیح و دختر شیده صفی الله
 و خواهر شاه محمد اصل ابن شاه غلام بدر بی بی بیکانی زوجه سید فضل علی
 ساکن محل باره درمی که از اولاد سید فضل الله عرف سید گوسائین بودند
 نواسه میر فضل علی سید خیر الدین حسین ابن سید شاه فتح علی ابن شاه
 غلام عبد الله فرزند حضرت خواجه مودود حشقی ساکن شیخیه خور پرگز مرط

ویک خواہر الشیاء بی بی لطیفہ زوجہ شاہ علی بخش برادر شاہ کریم بخش و الدشاہ
 امیر علی واضح باد سید محفوظ را نیز دو پسر یکے سید رضا علی ابن سید ناصر علی پسر
 شان شاہ غلام محمد و مثنائی ولد الشیاء سید احمد اما و خور دشاہ انور علی
 بلخ پسر الشیاء سید علیجان ذوی اولاد شدہ لا ولد ازینجاں قندل پسر و بی
 سید محفوظ بودند سید معصوم پسر الشیاء سید غلام محمد و م پسر شان سید شرف علی
 و سید مشرف علی پسر الشیاء داود علی عرف و اہو و پسر سید اشرف علی سید
 امام علی پدر سید مردان علی و اما دشاہ تراب بحق دانا پوری دو خواہر ایشان
 یکے زوجہ سید داود علی دومی زوجہ سید الفت حسین ابن سید شاہ فخر الدین
 و چہار و ختر سید اشرف علی بودند یکی زوجہ شاہ فخر الدین مذکور و دوی
 مادر شاہ منگن سیومی را ذکر معلوم نیست الا چارمی زوجہ میر محمد عاصم نواسہ
 حضرت شاہ طیب اللہ موڑوی خسر شاہ محمد سجاد دانا پوری ؒ
 شجرہ نسب نیاں حضرت میر خلیل الدین ابن حضرت سید
 ابوسعید جعفر حضرت باڑہ واضح باد سید خلیل الدین ابن سید ابوسعید
 دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اہل اللہ عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید
 اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال دشمنڈا ابن میر سید حامد عرف سید
 چاند ابن سید محمود عرف سید پیاری بن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید ضیاء الدین
 ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شہاب الدین ابن حضرت سید عبد الرزاق

ابن سید عبد الرحمن ابن سید عبد الغزیز ابن میران سید حسین خنگ سواراجی
 ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه ابوالموئید ابن حضرت سید ابراهیم
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذکر در بیت این حضرات تبصریح اینک
 سید خلل الدین ابن سید محمد جعفر راسه فرزند یکی سید جان عالم پسر ایشان
 سید محمد جاهد و بی سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد ماه سیدی که از بهر لود
 کلانی سید صاحب عالم یک حبیب ایشان بی بی زهره که از سید ابراهیم خوانند
 سید صاحب عالم منسوبند یک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی مخدومه و
 میر مظفر حسین شیخ پوری بود و پسر میر مظفر حسین سید امید علی که از دختر شاه احمد علی
 کتبی شدند سید سعادت علی پسر ایشان هستند و دختر از میر فرزند علی ابن میر عثمان
 رضوی کتبی شدند و دو پسر عالیقدر ایشان کلانی میر فرحت علی که از دختر میر سید
 اولاد علی ابن سید شاه ارت علی کتبی شدند و اولاد ازین عالم رفتند پسر ثانی
 میر اسمعیل علی از چند شاد می ایشان سه دختران و دو پسر یکی سید واحد حسین
 داماد مولوی سید اشرف علی نوآبادی دوی سید احمد حسین فی ولد اند
 و از دختران کلانی زوج شاه اظهر حسین بهاری ثانی زوجه سید امیر الدین نوآباد
 ثالث زوجه بیاری صاحب پسر بی بی زهره زوجه سید ابراهیم حضرت شاه
 سید وارث علی بودند سه پسر ایشان یکی لا ولد ازین عالم رفتند و بی
 میر فالض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخ پوره ساکن ولد میر فالض علی

نواب الطاف حسین خان که از دختر خال خود نواب تفضل حسین خان
 کتخدا شدند بی اولاد ازین جهان رفتند و یک خواهر ایشان نیز بودند لا ولد رفتند
 بدانید خلف کلانی جناب حضرت شاه دارث علی صاحب نام نامی بمنزلت گرامی سید
 اولاد علی صاحب که زینب سجاده آبا بی بودند دو دختر ایشان یکی زوجه میر فرحت علی
 مذکور الصدر لا ولد ثانی زوجه سید قادر احمد ذی اولاد شدند یک دختر و چهار پسر
 ایشان و دختر زوجه قاضی سید محمد اجل بن قاضی احمد علی و پسر کلانی سید شاه
 امیر الدین زینب سجاده جدادری شده نام سجاوت برده لا ولد ازین عالم
 رفتند و وی سید منیر الدین از پنجهان رفتند بی اولاد سیومی سید شاه
 احمدی حسین که بخوبی تمامی موصوف اند از محل ادبی یک پسر دارند سید احمد حسین
 نام چارمی پسر برلیاقت و هنر سید شاه لطافت حسین مروت و سخاوت
 معروف اند که خدای ایشان از دختر سید سجاوت حسین مرحوم گردید که داماد
 دختر شاه ابراهیم حسین نواب ادبی بودند الحاصل یک پسر است بشاه لطافت بن
 سید شاه حسین که برلیاقت است خاکسار شاه بدکشی زای آن از دختر مولوی
 شاه حسین گردید دختر آن اند پسر و پسر پسر و الله تعالی مسرور دار و میر حسین
 جدادری عزیز بی سید حسین بن میر فرحت حسین کن موضع بهبهواقامت بنو آبا
 لیس کردند باعث انتظام معاش علاقه درگاه پیر و مریا که شجره نسب
 نسبت ششم باب دوم و ذکر نام و جد الدین چاکش قدس سره

که خواهرزاده حضرت خواجه نجیب الدین فردوسی و داماد این حضرت شرف الدین
 بودند قدس سره سید وحید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاه حسن
 مصدق ابن سید شاه عباس لد میر سید علی ابن سید شاه حیدر ابن سید تمام
 ابن حضرت موسی مرقع پوش این حضرت امام محمد تقی علیه السلام رضی الله عنه
 باید دانست سید وحید الدین چلک کش کتخدا شدند از بی بی بار که دختر حضرت
 مخدوم شاه ذکی الدین ابن این حضرت مخدوم شاه شرف الدین قدس سره
 بدانید پدر سید وحید الدین شیخ علاء الدین شه برادر بودند سید سکندر علی
 و سید مسالدین ابنان شیخ حسن مصدق شیخ مسالدین عم شان کتخدا شدند
 از بی بی رقیه بنت مخدوم شاه طلیل الدین که برادر کلانی حضرت مخدوم الملک
 قدس سره بودند از بطن این بی بی و دختر یکی بی بی ماه خاتون دومی
 بی بی جمال که از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتخدا شدند ذوی اولاد
 و کلانی دختر که از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتخدا شدند لا ولد رفتند
 از پنجمان و فرزند بی بی جمال حضرت مخدوم بزمی بودند معروف ابن مبارک
 فرزند ایشان بوضع کهرانت موضع اوترا لاری موجود اند میر شارت علی
 کهرانت و میر ابو القاسم اوترا باقی کیفیت سید وحید الدین چلک کش این است
 معروف است که از بطن بی بی بار که یک دختر موسوم به بی بی ترمه به نسب
 شدند از سید شهاب الدین جویری علوی نسب بطن بی بی بار که بی بی

یکه خرم و یک پسر مخدوم عبداللہ عرف سید سجاد اکبر کتخدا ای ایشان از بی بی مخدوم
دختر سید مبارک بن سکندر گردید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف پیاری
و پسر سید شهاب الدین جویری سید زین العابدین کتخدا ای ایشان در آفران
شد یک دختر ایشان بی بی حفیظہ کتخدا شدند از سید ابو محمد پیاری خلف سید
سجاد اکبر پسر سید ابو محمد پیاری را چهار پسر شدند یکی سید سیح الدین و دومی سید
فیصح الدین ہر دو لا ولد الا سیومی سید امام الدین ساکن موضع شیرہ بلاسی
ذی اولاد شدند اولاد ایشان در انجوار قبضہ ہما موضع آ رہ و موضع بلاسی بزرگان
مولوی آل احمد و ہمای مخدوم پور کور و ایرکنہ ارول یکی از ان شاہ امیر حیدر
و شاہ خمیر حیدر و غیرہ و در پنجپار میر تقی بخش و محمد بخش و غیرہ الا خلف
چارمی علیم الدین عرف شاہ بھیکہ از انجا در قبضہ ہما آمدہ اقامت پذیر شدند
رواق بخش سجادہ حضرت مخدوم الملک شدند اولادشان کثیر ہمہ مخدوم زادہ
سایہ حضرت اولاد ایشان ہستند مفضل و ضمن احوال حضرت مخدوم الملک
خواہد نوشت کہ طول است شجرہ نسب نامہ حضرت خواجہ ابو یوسف
ہمدانی منقذ سلسلہ نقشبندیہ تقوی السب بدانید حضرت خواجہ
ابو یوسف ہمدانی ابن خواجہ عبداللہ ثانی ابن خواجہ قطب الدین یوسف
ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد مظہر ابن سید عبداللہ ابن حسین
ابن سید یحیی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن

سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی
 علیه السلام از اولاد حضرت خواجه ابو یوسف بهدانی وردیاز فارین مستند الادب و بی
 خواجه فرید الدین و حاجی غلام الدین و سید نجم الدین مدعو شاه قد حسین سولشاه
 مشرب اند و از فرزندان خواجه فرید الدین و سیرالدوله خواجه وحید الدین
 و خواجه زین العابدین بودند

لمعه نسب نامه حضرت خواجه محمود الخیر فقهوی سمرقندی سلسله نقشبندی

خواجه محمود الخیر فقهوی ابن سلطان امیر کجی ابن امیر سلطان ابن سید کریم الدین
 ابن سید اسد الله ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید
 مطهر ابن سید عبد الله ابن سید حسن ابن سید کجی ابن سید موسی ثانی ابن سید
 احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرقع پوش
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام دریت ایشان شیر در نجار است
 لمعه ذکر نسب نامه سید مخدوم شاه درویش بیهومی تقوی نسب معه
 بیان دریت ایشان که موجود اند مخدوم سید شاه درویش بیهومی
 ابن مخدوم سید شاه مبارک ابن مخدوم شاه ابوسعید ملقب کشته نواز ابن
 مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمود ابن سید شاه صغی الدین
 ابن سید اغر الدین ابن سید حامد ابن سید حسین ابن سید موسی ابن سید
 ابن سید محمد عرج ابن سید احمد ابن سید موسی مرقعی ابن حضرت امام محمد تقی

واضح باد جدا جدا محمد دوم شاه درویش مخدوم البوسعید که نواز نواز سید
 ابو جعفر لاؤ که نواز نسب نامہ سید ابو جعفر بن مطور سید ابو جعفر لاؤ که نواز
 ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبدالرزاق کہ از اولاد حضرت
 غوث الثقلین محی الدین سید عبدالقادر جیلانی اند چونکہ نسب بالا نام حضرت
 بادراک نرسید از تحریر متغذر گردند الا حاجی نور العین خواہن زادہ و پسر خواندہ جانشین
 حضرت سلطان اشرف جہانگیر اند کہ آنجناب نسب جعفری دارند بالا این صفحہ
 تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چونکہ حضرات کچھ جوہیم موضع بشپور اسلسلہ نعمت
 و بیعت از آنجناب است خود را بذریعہ آنحضرت نامند مقصود از اولاد حسین است
 و آنجناب بذات خاص حضور بودند مجرد متاہل نشدند پس بدانید اولاد سید حسین
 قتال در مقام کچھ جوہیم الا اولاد سید البوسعید موضع بقیو ضلع گیا است باید دانست
 مخدوم شاه درویش را چہار پسر و یک دختر بودند بی بی لاؤ و کہ از مخدوم خود شیخ
 منسوب شد اند از انجملہ پسران یک پسر مخدوم سید سکندر مغضوب پدر کہ در جوار
 پدر آسودہ اند لاؤ و بی سید حامد عرف سید چاند موضع شیخوہ متقل پنجپورہ
 سکونت کردند اختیار و جوامع و مخدوم شاہ میارک جد بزرگوار ذوی اولاد دفعہ
 شیخوہ مشہور است سید می مخدوم شاہ محمود کہ در پائین مزار پدر نامہ آسودہ اند جناب
 مغرب جنوب و لاؤ شان نیز یک فریق چارمی مخدوم شاہ محمد پسر کلانے
 جانشین پدر کہ بعد مرقد والد ماجد ہم پهلوی مزار است جانب شرقی

ملحه اول در ذکر اولاد مخدوم شاه محمد قدس سره مولوی حکیم سید نواز شمسول
 چهار برادر کلانی ایشان ثانی سید وحید اشرف سیدی سید هادی اشرف
 ایشان زاد و پسر دو دختر چارمی سید هاشم مغفور یک دختر ایشان از بنی عم منسوب است
 یعنی از پسر سید وحید اشرف مذکور مولوی سید نواز شمسول از محل و از یک دختر
 ذی اولاد و از محل ثانی سه دختران این حضرات فرزند مولوی سید شاه
 غلام رسول رحمه الله علیه که دو برادر و چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد از این
 خواهد نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک پسر ایشان سید نادر علی
 ذی اولاد اند و دو دختران یکی از سید هادی اشرف کتبی زاد و یکی سید نسیم الدین
 ابن سید نظام الدین احمد کتبی اند همه ذی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن
 سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سید شاه غلام مبارک
 سید شاه مجتبی را و دختران بودند فرزند دختران سید مجبوری معروف و سید شاه
 غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول این هر دو پدر پسر را دیگر یک یک برادر
 بودند اولادشان هستند الا نام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه
 عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد اسمعیل ابن سید شاه علی ابن
 مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد
 سید اسمعیل حکیم منظر حسن تمبوی و از اولاد سید حافظ سید خرم حسین ابن سید کریم
 و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاد و سید غلام رسول

سید مبارک اشرف سته برادر دومی سید مخدوم اشرف سیومی سید نثار اشرف
 دومی خواهر مولوی صاحبزاد مولوی سید کاظم علی نقسوب بودند اولاد شدند
 اولاد سیومی سید ادا اشرف عرف اچین میان دومی برادرشان سید
 امانف اشرف سیومی سید سلطان اشرف چارمی سید مقصود اشرف اولاد خواهر
 چارمی سید محمد واسع و سید سلامت اند لمحه دوم در ذکر اولاد سیده محمود
 سید منظر احمدی ابن سید غلام حسن ابن سیده غلام حسین ابن سید امیر الشبان
 سید صمیمی الشبان سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید
 شاه محمود ابن مخدوم شاه دولش منبوی باید دانست سید غلام حسین ابن سید
 امیر الشبان سید کلائی سید شاه غلام حسن الشبان زاد و پسر دختران فرزند کلائی
 حکیم سید منظر احمدی یک پسر الشبان سید منظور احمدی ذوی ولد دومی سید
 احمدی بهشت الیمردود و دختران یکی خواهرزاده خود سید محمد حسن کتخا کردند
 دختر دومی از سید حسن رضا ابن سید رحمت حسین شادی شد ذی اولاد اند برادر سید
 منظر احمدی سید راحت حسین اما سید شاه عبدالکریم مانپوری اولاد ایشان
 چهار یک سید حسن رضا نکورد و بی سید رضا سیومی سید محمد رضا چارمی سید رضا
 نوجوان بمرد دلیپش ثانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان
 مولوی سید رضی الدین حسن و پسر دود دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث
 سیده غلام حسین مرحوم و فرزند ایشان سید امیر الدین سید نسیم الدین ثانی

اکثر مشایخ خان ساکن موضع هتورا واسطه جانب جد مادری است و
نسبت به نهم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیه السلام سلسله وراثت
باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی الله عنه سه فرزند و یک دختر با اتفاق و تفریق
از هر فرزند اولاد اند انور باد لیسر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
امام زمانه ثانی حضرت حسین اصغر ثالث حضرت جعفر نسب نامه اولاد
ایشان یافت نگاشت که از هر یک اولیا و نامدارانند شجره اولی نسبت به نهم
باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت سید جلال الدین حسین
مخدوم جهانیان جهان گشت سیادت بخاری منسوب ایشان اند مخدوم
سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیر بخاری شیر سوار ابن سید
جلال الدین بخاری بزرگ صاحب توشه ابن سید ابو المود بخاری ابن سید محمد
جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید عبد الله ابن
سید احمد ابن سید علی اصغر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی
علیه السلام واضح باد صاحبزاده ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمد بخاری بزرگ
و حضرت مخدوم بهاء الدین ذکر یا ملتانی قریشی خلیفه سید جلال الدین بزرگ
بخاری اند فرزند ایشان مخدوم صدر الدین نبیره ایشان مخدوم ابو الفتح
رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسوده اند و سید جلال الدین بزرگ
بخاری بمقام اوجه آسوده اند مخدوم جهانیان در چاشکام اند

شجره دوم نسبت به هفتم باب و م ذکر نسب و اولاد خواجہ قطب الدین
 مودود چشتی واضح باد سید قطب الدین مودود چشتی ابن خواجہ ابو یوسف چشتی
 مامر الدین که خلیفہ خال خود خواجہ ابو محمد چشتی بودند خواجہ ابو یوسف چشتی ابن
 خواجہ سمعان ابن خواجہ سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید عبد اللہ ابن سید
 ابن حضرت امام علی نقی رضی اللہ عنہ مشہور حضرت خواجہ عبد اللہ چشتی ابن
 خواجہ سید اسد اللہ چشتی از اولاد حضرت خواجہ مودود چشتی از مقام مہر بہر
 وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان شنیدہ بزرگوار ایشان
 نیز مع اہل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشانرا مشہور یافتند بقبریہ
 شجرہ خود برگزینہ بہر ضلع بہار آخر کار در آنجا صورت اقامت مریہ
 معتقد شدند آنجا رخا نقاہ مسجد کردند طیار مراہین بطور آمیہ حاصل کردند
 دہ یازدہ چلوگ جہت اوقات صرف وارد صادر چون نذر گذرانیدند سلاطین
 وقت تصوریہ بہر کفایت اہل و عیال کردند قبول نسبت نامہ ایشان
 تا حضرت خواجہ مودود چشتی و ذکر ذریات شیدہ عبد اللہ ابن
 شیدہ اسد اللہ ابن سید بر بان الدین ابن سید عبد الرحمان ابن خواجہ محمد جان
 ابن خواجہ محمد سمعان ابن خواجہ منظور ابن خواجہ قطب الدین مودود چشتی
 الحاصل فرزند خواجہ سید عبد اللہ ابن سید اسد اللہ خواجہ قطب الدین ثالث
 بودند و لد ایشان سید تاج الدین محمود ابن ایشان شیدہ عنایت اللہ

انور باد که انجمن ثانی سیده تاج الدین محمود اولاد کثیر انداز هر یک ملاقات
 است حاصل الا خلف الرشید سیده عنایت الله را خلف سیده محمد فصیح
 الدلیر ایشان یکی سید محمد وجه الله و لیسر ایشان سید کریم الدین جد مادی
 سید شاه مرد الفیله ابن سید امام علی ساکن بنوی و دومی سید رمضان علی
 لیسر ایشان میر بشارت علی پدر سید محمد مدی ولد دوم سیده محمد فصیح سیده
 غلام عبد الله له ایشان شاه فتح علی عرف بهووری شادی اولی ایشان
 بی بی سحر از خواهر سید شاه عسکری عرف لشکری بلخی گردید از لطن
 این زوج یک لیسر یک دختر شدند نام دختر بی بی و صیحه زوج میر محمد علی
 مادر میر عباس علی و خواهر ایشان مسماة شرف از وجه سید حمایت حسین آنگلوی
 یک دختر ایشان که از خواهرزاده ایشان سید اله بخش کتخا شده دی او الا و اند
 لیسر سیده فتح علی شاه انور علی که از مسماة ذاکره بنت شاه محمود اصل فردو
 که عمه شاه امیر علی فردوسی بودند کتخا شدند سیده لیسر ایشان عابد حسین احمد سید
 زاهد حسین بطفولیت مرد اند الا سه دختران ایشان یکی مسماة حیات بن وجه
 میر رضا علی ابن میر یوسف علی غنیم آبادی لیسر ایشان سید فردا علی یک دختری
 دارد باقی سه خواهر اند سید فردا علی و دختر اوسط مسماة عطیه فاطمه عرف
 خنشا زوج شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش خسرین خاکسار سه دختر ایشان
 و یک لیسر شاه وزیر علی یک لیسر یک دختر موجودی و دختر مسماة براتن

زوجه سید شاه علی احمد ابن سید غلام محمد دوم ساکن رهومی که خدا شدند
 چند دختران ایشان و خلف ایشان سید شاه علیجان رحلت کردند نوجوان
 اعقاب نماند الا سید شاه فتح علی را از شاد می نائی که از دختر سید فضل علی
 ساکن محله یاره در می شد یک پسر یک دختر بود و آمدند نام دختر بی بی
 لطیف النساء زوجه شاه علی بخش ابن شاه محمد وصل فردوسی از بطن این بی بی
 دو پسر یک دختر یک پسر و دیگر نوجوان رحیل ملک بقا گشتند الا دختر بی بی
 مراد ن النساء زوجه میر مقرب حسین ابن مولوی ابوالهسین علی کا بری راسته فرزند شد
 دو طفل یکی نوجوان بشیرت حسین نام بی که خدائی فوت شدند عقاب نماند
 و نام پسر شاه فتح علی شیاه خیر الدین حسین که بدیار مغرب بجایه روزگار عمر
 بسر کردند نام آبروی پیدا کرده بکمال عزت و جاه در شهر متبر ارجت کردند
 کسی اولاد نشد پسر دوم شاه محمد فصیح بودند شیاه محمد یحیی ایشان را نیز دو فرزند
 رتبه بلند یکی سید ابوالهسین و پسر ایشان یکی سید حممت علی پدر سید مصطفی علی
 دومی سید امجد علی پسر عباس علی ابن هر دو و اما د شاه فخر الدین حسین
 لا ولد رفتند از نی عالم پسر دوم شیاه محمد یحیی شیاه رحمان حسین با ایشان تیر
 دو فرزند رتبه بلند یکی شیاه فخر الدین حسین و یکی شیاه لطف حسین با ایشان
 یک پسر سید وزیر علی و یک دختر که از سید موسی رضا ابن شاه علی رضا که خدا
 شدند آخر تا ولد رفت ازین عالم و شادی شیاه فخر الدین حسین از خواهر

سید امام علی بن سید اشرف علی ساکن موضع رهوی شد و دو دختر و سه پسر
 کیفیت دختران مذکور شد پسر او سید سخاوت حسین نوجوان بمرد و پسر سیوم
 سید جماعت حسین داماد شاه امیر علی بنزلف راقم التحریر و دو دختر ایشان
 هستند نام پسر سید احمد حسین سید فرحت حسین پسر کلانی شاه فخر الدین حسین سید
 الفت حسین که از دختر امون خود میر امام علی که خدا شدند از لطن آن عصفه
 چند دختران اند واضح باد میر امام علی مذکور را چهار خواهر یکی زوجه فخر الدین
 دومی والده شاه منگن تپه سیومی دریافت نشد الا چارمی زوجه سید محمد عام
 که نواسه شان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند دانا پوری ازین بزرگان
 واسطه قرابت و مصاهره بود کیفیت میدانست تبصریح تحریر نمود و بقیه اولاد
 محل ثانی سید تاج الدین محمود که دعوه و یم اند کیفیت دریافت نشد و
 نسبت هشتم باب و م در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه
 بیان درایت شان واضح باد در بیان فریقین مذمیه اهل سنن و
 نیز اهل شیعه اولاد این امام الهام بنجر حضرت امام محمد مهدی علیه السلام
 دیگر نیست زعم اهل تشیع که آن امام زمانه صاحب الامر اند غیوبیت اند بمقام
 سر من رومی بوقت موعود ظهور خواهند نمود از ان غار و بیان اهل مذمیه
 سینان اینکه آن امام را فرزند می بگویند آمدن مسیحی محمد نوجوان رحلت نمودند
 از میغال و آنچکه در ظهور آیند این محمد مهدی موعود اند ابن سید عبد الله و اعلم

بالصواب از اینجا که این خاکسار و نسب نامه یافت منسوب آنحضرت و آن نسب
 است یک از اولیا کبار عالی تبار آنرا مینویسد یکی نسب نامه حضرت خواجه محمد بهاء الدین
 نقشبند و یکی نسب نامه سید شاه صادق حسینی یا غلطی کاتبان باشد نسب حضرت
 امام علی نقی علیه السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند آنچگونه نزد این فقیر حقیق بود
 موجود تحریر نمود شجره اول در ذکر نسب نامه حضرت خواجه محمد
 بهاء الدین نقشبند قدس الله سره خواجه محمد بهاء الدین نقشبند ابن خواجه
 محمد عبد الله بخاری ابن خواجه سید جلال الدین بخاری ابن سید ربان الدین
 بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین بلقب محبوب ابن سیدین اکبر
 ابن سید عبد الله ابن سید فخر الدین ابن سید محمود رمی ابن سید حسین مقبول ابن
 سید حسین محمد تقی ابن سید عبد الله ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت
 امام حسن عسکری رضی الله عنه علیه السلام باید دانست هنوز اولاد حضرت خواجه
 در بخارا شریف اند و درین نواح بزرگے تشریف آورده بودند خواجه معدن الدین
 تمام بود عرصه چهل و پنج سال بود و همنقد ر عمر نیر شستند خود را از اولاد آنحضرت
 میکردند بیان خواجه محمد میر عرف خواجه میر در متخلص ابن خواجه ناصر از اولاد اند
 آنحضرت دبلوی از کتاب رشحات و شجرة الیقین چنین دریافت شد که حضرت
 خواجه راد و لیسر چهار دختران شدند نابالغ و نابالغ از سیغالم خت ملک بقا بستند
 جز صاحبزادی خورد که نام بود فاطمه ثانی نسبت از خواجه علی شدند که بلقب بودند

از خواجه عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد و خلفا ثانی دو فرزند از ایشان
 شدند یکی خواجه حسن عطار ثانی خواجه حسین عطار و لد خواجه حسن عطار خواجه
 یوسف عطار بود و نذران ابجد معلوم نیست کیفیت بالتقریر شرح شیخ دوم
 و نسب نامه سید شاه صادق حسینی رحمة الله علیه
 که مشرب طریقه قادریه و دانشمند از فاضل آثار بدایر خوب لقبه گلشن آباد است سید شهاب
 محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید
 محمد اجماع ابن سید اسد الله ابن سید علی راجو ابن سید امین الدین مدنی
 ابن سید محمد صفی ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن
 حضرت امام حسن عسکری علیه السلام واضح باد سماع است عمر این بزرگ یکصد و
 شصت سال بود با شغال ملاریه فرزندان این بزرگ در قصبه گلشن آباد و عرفانک
 اندکثیر الاخلفه این خاکسار سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی مدرس مدرسه
 معموره بمبئی هستند از اولاد این بزرگ اند از بیان شان نسب نامه منیگار و مولوی
 سید عبد الفتاح اشرف علی ابن سید عبد الله کاهمی ابن سید شمس الدین علی
 ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی عبید الفتاح عرف سید امام الدین ابن میر
 سید اسد الله عرف سید شیر محمد قادری ابن سید محمد صادق حسینی
 سید اشرف علی نیز مقیم شهر بمبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد هر امام بیان
 شد از اینجا ذکر اولاد بزرگان بلعات می نویسد

المعمر ذکر اولاد سید فضل الله گوسائین بهارقی سرکه که مر واقع باره دری
 باید دانست حضرت سید فضل الله را دو فرزند مرتبه بلند یکی سید احمد مدعو عرف
 سید پرمی که از بهار پجاسته خاطر گشته سکونت کردند اختیار بمقام کوثره اولاد
 شان آنجا هستند دومی سید نصیر الدین محمود در قصبه بهار رونق بسجاده لی دادند
 اولاد اند در آنجا منسوب به دو فرقی سنیه امامیه اکثر الحاصل خلف سید نصیر الدین
 بودند سید محمود را دو فرزند سید نصیر الدین از بهر دو اولاد شدند پس بدانید از بطن
 اولی سه پسر یک دختر بے بے مریم نام دختر بے بے مریم شیده اهل السجاده قادی
 مبارک حسیفه و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی کے سید تقی الدین
 که بودند سجاده نشین دومی سید صفی الدین سیومی سید زین الدین پسین اند اولاد
 سید تقی الدین سجاده نشین در مقام شجره تبصریح نسب دریافت نشد الا اینکه
 میر ظفر حسین پسر ایشان میر میر علی پسر ایشان میر سعادت علی نواسه شیده
 احمد علی بهاری و سید صفی الدین را دو پسر کے سید رکن الدین دومی سید
 صابر علی سید رکن الدین را نیز دو پسر کے سید تاج الدین لا اولاد دومی سید
 منهاج الدین پسر ایشان سید برهان الدین خلف ایشان میر مهر علی و سه خواهر
 ایشان اولاد کے ازین دختران سیده مخدوم بخش ابن سید کریم بخش فرزند
 و اولاد یک دختر میر افضل علی داماد شاه محمد و اهل فردوسی بدانید میر افضل علی
 ابن میر اکمل علی که از ذریه سید فضل الله بودند و سید صابر علی ابن سید رکن الدین

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الا دو دختران بودند بسید علی
 از یکی دختر سپید شد سید محمد اسلم نام ایشان سید محمد تقی و سید محمد خلیل که موضع
 کشن پور بوجه عروج کام سکونت کردند خستیار و اولاد دختر ثانی محمد اسلم
 سید صابر علی و سید محمد مکمل بود باش بقصبه باوه کردند خستیار و اولاد ایشان
 در آنجا و باقی اولاد از وجه ثانی سید نصیر الدین که پس از آن شدند چهار یک سید عاشق علی
 و سید طالب علی سیومی سید مطلب چارمی سید نفی سید محمد تقی اولاد ایشان
 در قصبه بار بعد ازین تصریح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الا ملا قبان ابن خاکسار
 بسیار یکی از عمائد زمان سید امام الدین حسین سید امام حسین سید غلام نجف و میر شاه علی
 و میر فرزند علی و میر کبر شیر ندرت امامیه لاسیده و ارث علی ندرت بنیه داشتند از آنجا که
 ذریت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت نوح ثقلین سید عبدالقادر حبیلانی اند
 ملو و م و ذکر نسب نام میر سید محمد قادری امجیری تفصیل ذریت حضرت
 مابعدشان باید دانست سید شاه عبدالرشید عرف شاه جمی ابن سید شاه
 الطیب قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد ولی قادری
 ابن سید شاه عبدالرشید قادری ابن سید شاه ابوالمعالی قادری ابن سید شاه
 عبدالرزاق قادری ابن سید شاه ابوالمظفر قادری ابن سید شاه معین الدین
 قادری ابن سید شاه محمد قادری امجیری نسب بالا نشان نوشته شد حاجت تحریر
 نیست چنانچه اولاد یکی از اولاد سید محمد عیسی ابن سید بن علی امجیری اند

و یکی از ان سید موسی رضا قادری و سید شاه غلام بهیکه لیسر الشیان سید امین الدین
اند واضح باد جناب سید شاه اطیلس بودند برادر چهار نواسه برادر کلانی سید شاه
کمال لایزال و اولاد برادر ثانی سید عبدالرزاق عرف شاه کھوی دومی سید
عبدلکریم پدر سید عبدالجلیل و خاص شاه اطیلس را دو پسر دو دختر لیسر کلانی سید شاه
عبدالرشید عرف شاه جمی از دختر غم خود و کتخا شدند و دختر الشیان شدند
یکی از سید فضل حسین ابن میر سید احمد بن نوآبادی کتخا شدند که خواهر زاده نیر اند
دومی از سید محمود ابن میر عسکری حسین ساکن موضع کارا اولاد یکی نماند برادر دوم
سید شاه جمی سید امیر الله عرف بودی بودند از محل اولی الشیان اولاد نشد الا
محل ثانی و اولاد یک خواهر سیده فضل حسین مذکور الصد و خواهر الشیان هر یکی ذی و اند
لمعه در ذکر نسب فریت مخدوم سید شاه تیم الله سفید باز ابن مخدوم شاه حمید الدین
واضح باد سیده عبدالرشید عرف شاه دومن ابن عبید الوحید عرف شاه ابن
سید صدر عالم ابن قطب سید عالم ابن سید احمدی ابن سید الاحد ابن سید محبوب عالم
ابن سید عزیز الله ابن سید حبیب الله بن سید محمد فرید ابن سیده رحیم الدین سید شاه
فہیم الدین سیده اسمعیل ابن سید محمد جمیل ابن سید کریم الله عرف حاجی محمد بهیکه
ابن سید شاه نعیم الدین ابن مخدوم شاه تیم الله سفید باز نسب بالا و نسب نامہ حضرت
آدم صوفی جد امی الشیان در نسب دوم تحریر یافت حاجت نیست تحریر اکثر مشایخ
نسب ماہری از جانب مخدوم شاه تیم الله سفید باز نسبت الا اولاد ان حضرت حضرت

شاه دوم بود و شادی ایشان از خواهر شاه نورالحق ابن شاه عبدالحق ولد
 حضرت شاه مجیب قادری شد یکسپیشان شاه محمد شرف عرف اچھویان که از
 خواهر مولوی شاه عبدغنی گنجداشند و سلسله سپیدند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی
 محمد رضی و دومی مولوی محمد ابراهیم لاوله سیومی مولوی محمد جلال الدین داجد شاه و حیدر
 و دختر شاه دوم علیہ الرحمۃ مسماة وصیة النبی از سید شاه اولیاء علی عم المحترم
 این خاکسار که خدا شد یک دختر ایشان که از منشی سید عبدالحق خوشنویس گشته شد
 لاولدند از نیالام رفتند و در بیان نسبت نسب بلخیان که از اولاد حضرت
 مولانا مظفر بلخی اند واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلخی ابن مخدوم شاه
 شمس الدین بلخی برادر ایشان مخدوم سید شاه مغرب بلخی ابن سید شاه شمس الدین را
 فرزندار جمند مخدوم سید شاه حسین بلخی مخاطب نوشته التوحید سه فرزند
 رتبه بلند کی از آن مخدوم شاه سلیمان که لاولد رفتند از نیخان فوجان
 دومی مخدوم سید شاه سیف الدین فرزندان ایشان در موضع کھیری بازید لو
 اند و نیز در انجوار از اولادشان نامی نمبرت گرامی شاه رستم علی بودند
 سیومی فرزند که از جمیع بودند در جبهه بلند مخدوم شاه حسن بلخی که جانشین پدر عالی بابا
 شد و فرزندان ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لنگر دیا ابن
 مخدوم شاه حسن بلخی سمند رتوحید بودند فرزندان ایشان چهار از هر یک شاخ
 نمودار چنانچه دو فرزند نمودند و جوار اما اجداد بلند کنیده در انجا ماندند و در محل بلخی

که قریب خانقاه مخدوم معروف است و دو برابر متفرق شدند و یک جاسکوت
 کردند اختیار اولاد ایشان هم کثیر شد و در آن دیار اناکه سکونت کردند اختیار اولاد یکدوشاه
 فیض علی الدشاه ولی احمد بنجی و بی سیده عسکری عرف شاه لشکری خال الاعظم سیده
 انو علی حال آدرا بنجا انهم مانند انخل از ذریت بلجیان غیر آباد است و در انجا سکونت مردم نابال
 است الا یک فرزند حضرت مخدوم احمد لنگوریا مخدوم شاه جنید در موضع محی الدین پور
 کردند اقامت اختیار ذریت شان در انجا ترتیب سامی بزرگوار انها معلوم نشد الا از انجا
 شاه غلام شهنشاه با ایشان سپهر یکی سیده احمد حسین که پسر شان سیده ابراهیم
 و بی سیده احمد حسین بیومی سیده عبد علی پسر ایشان سید محمود اند و دفعه ثانی
 سیده فخر الاسلام که بنحیدر اسطه نسب حضرت مخدوم احمد لنگوریا میر خلف الرشید
 ایشان سیده فهم اسد چهار پسر ایشان کلانی سید شاه نوشته التوحید و دو دختر ایشان
 یکیز و جبه قاضی احسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر
 معلوم نشد خلف ثانی شاه فهم اسد قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر
 ایشان دختر نسوب از شاه محمود اعظم مرحوم و پسر قاضی محمد حسن التوحید داماد
 عم کلانی خود شاه نوشته التوحید مذکور الصدیک پسر ایشان محسن التوحید داماد
 مولوی محمد واجد ابن قاضی طهارت التوحید و دختر قاضی احسن التوحید
 که خدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر بیوم قاضی طهارت التوحید
 پسر بیومی شاه فهم اسد قاضی طهارت التوحید

ایشان داماد شاه محمد واعظ ابن سید شاه فیض السداد حاصل یک دختر و چهار
 پسر ایشان پسر کلانی مولوی محمد واجد سلسله پسر ایشان چهار دختر و دو پسر یک بعد
 دیگری از مولوی محمد باقر ساکن پیر بگیه منسوبی اولاد اندازان دو یک دختر
 زوجه میرا شد ابن میر خادم حسین یکی زوجه سید محمد محسن التوحید مذکور الصمد
 ذمی ولد اند دختر قاضی طهارت التوحید مرحوم زوجه قاضی سید فضل حسین ابن قاضی
 سید اولاد علی والد قاضی سید محمد رننا و سید محمد کاظم پسر و ننی قاضی طهارت التوحید
 مولوی حمید الدین عرف منگن داماد شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد نور
 پسر چارمی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد واعظ الحق و پسر سیوم شاه فہیم اللہ
 سید طیب التوحید داماد سید فرزند علی ساکن گورگین سلسله پسر ایشان یکی سید
 حبیب التوحید و دیگری سید قمر التوحید پسر ایشان دو یک نعمت التوحید و دیگری نعمت التوحید
 و یک دختر ایشان زوجه سید عمر دراز خواہزادہ اینجا کسار و پسر سیوم از نام نسب التوحید
 هست نام پسران شاه محمد واجد سید عبد الغفریز سید شرف الدین و محمد غوثی
 ذکر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد مادری واضح باد
 والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه ابدال بخش ابن شاه پیر علی
 نواسہ سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد عاقل بلخی ابن شاه سید شاه عبد اللطیف
 بلخی ابن سید شاه ولی بلخی ابن سید شاه درویش بلخی ابن سید شاه ابراہیم بلخی ابن سید
 شاه سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد نگر دریا و نیز جد مادری خاص سید

شاه ولایت علی بلخی نسب اندر فیض شاه هدایت علی بلخی چنانچه بجای فرزند
 جبرادری خود اند شاه صاحب مدوح ذکر نسب بشاه عسکری عرف شاه
 لشکری ساکن محل بلخی از اجداد بزرگان خسرویه باید دانست سید
 شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مهملعلی ابن سید شاه
 حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه صدر الدین عرف شاه بدین ابن سید
 حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد وردیش
 ابن حضرت مخدوم سید احمد ننگر دریا سید شاه حسن عسکری از دختر عم خود بی بی
 دختر شاه محمد اشرف که خدا شد ندو لا و ایشان نشد الاد و خواهران ایشان بودند
 یک سماء نصیر از وجه شاه درگاه لاولد و بی سماء مسیحی از وجه شاه فتح علی مرحوم
 از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر سماء و مسیحی از وجه میر محمد علی مادر میر عباس علی
 و سماء شرف از وجه میر حمایت حسین نام پسر شاه نور علی زوج سماء ذاکره بنت
 شاه محمد و اصل فردوسی تنه دختر ایشان یکی از ان خوشدامن اینجا کسار
 مذکور الصدر انیمه ساکنان محل بلخی بودند که لمعه ذکر نسب بشاه
 ولی احمد بلخی یکی از ساکنان محل بلخی منحلالت بهار سید شاه ولی احمد ابن سید
 شاه فیض علی ابن سید محمد طاهر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد المجید
 ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه صیف الدین
 ابن سید شاه سلطان محمد وردیش ابن حضرت مخدوم سید احمد ننگر دریا و اصح باد

سید فیض علی دو برابر بودند و بی شاهی رجم علی عرف سید شاه در گاهی از
محل ثانی پسر ایشان شاه تصور علی و سید فیض علی را نیز دو پسر که سید شاه
ولی احمد و بی سید شاه وصی احمد و الد سید نور الحسن و سید شاه ولی احمد که داماد
شیخ محمد سعید ابن شیخ محمد واسع بودند از بطن این زوج مسماة رحیما دو پسر
و دو دختر پسر کلانی سید شاه علی احمد بلخی داماد منشی سید محمد طلیل خوشنویس
نوابادی زوج شاه علی احمد مسماة وجهبا الفسا چند دختران ایشان ثانی
شاهیه حسن احمد بلخی از محل اولی ایشان دو دختر که زوجه سیده مبارک حسین
دو بی زوجه سیده محمد کاظم حسین که هر دو داماد خواهرزاده ایشانند و از محل
ثانی یک دختر که از شاه صاحب حسین نواسه شاه فرزند علی که خدا و دلپس و
یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین که خدا و دختر کلانی
مسماة ریاض النساء بنت شاه ولی احمد زوجنا بحضرت سیده قمر الدین حسین
والده جناب سید شاه مبارک حسین دختر ثانی سید شاه ولی احمد مسماة حیات النیسا
زوجه عم المحترم ابن خا کسار یعنی سیده مراد علی دانا پوری والده باجده برادر
عالیقدر حکیم سیده محمد کاظم حسین انیمه ذی اولاد اند و کبر بلخیان که نسب
بصره معلوم نیست الا در قرابت و مصاهرت این فقیر اند که سیده جمال علی
که جزوی نسب ایشان نیز از فرزند محمد و م احمد نگرد ریاست پسر شاه صاحب
سید مظفر نام دارند و دو خواهران ایشان یکی سیده شجاع علی بلخی بسیار صاحب

مجاہدہ بودند سید شاہ امام بخش بن شاہ بندہ علی ابن شیہ محب الباہ ابن
 شیہ فصیح الدین از اولاد لیسر چارم مخدوم سید احمد لنگہ دریا و سکونت ایشان نیز
 بموضع بہار پورہ متصل مناز فیض آثار حضرت مخدوم شیہ حسین توشہ التوحید
 قدس سرہ بلکہ اکثر مناز بلجیان در انجوار بہت لمعہ در بیان نسب حضرت
 سید شاہ محمد تقی رحمۃ اللہ معہ ذکر ابا جہاد و اولادشان شیہ
 غلام مظفر ابن سید شاہ علیم الدین ابن سید شاہ محمد تقی بلخی ابن سید شاہ غلام
 ابن سید شاہ برہان الدین ابن شیہ علیم الدین بزرگ ابن سید شاہ نور محمد بلخی
 ابن شیہ دولت ابن سید شاہ محمد فرید ابن سید شاہ جیون بلخی ابن شیہ
 محمد حافظ ابن حضرت مخدوم سلطان ابراہیم ابن حضرت مخدوم سید شاہ
 احمد لنگہ دریا قدس سرہ واضح باد حضرت شاہ برہان الدین را دو
 بودند یک سید شاہ غلام مغزو الداجہ حضرت شاہ محمد تقی دومی سید شاہ غلام
 والداجہ سید شاہ مخدوم بخش بالیشان یک لیسر مولوی کفایت علی پدیر سید
 ابراہیم حسین و خواہر شاہ مخدوم بخش ز وجہ قاضی بہکیاری
 کشمیری دو لیسر ایشان یک قاضی مظہر حسین داماد جناب حضرت
 مولوی سید حسن رضا لیسر قاضی مظہر حسین الدار کو نام دومی
 قاضی ولایت حسین کہ شادی اولی از دختر شاہ مخدوم بخش کردند از محل
 یک لیسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاہ

محمد تقی کردند از انهم یک پسر سید الدین نام و دختر قاضی بهکیاری از حکیم فیض علی
 کتخدا ساکن محله شجی پسرشان حکیم محمد امیر یک دختر زوجه سید ابراهیم حسین ابن
 مولوی کفایت علی هم فری اولاد اند و دختران شاه مخدوم بخش یک مادر شاه
 بجل حسین ابن سید میان و دومی زوجه شاه امجد حسین بلخی مادر سید و ابراهیم
 سیومی زوجه قاضی ولایت حسین بن کوثر حال دیگر دریافت نشد ذکر اولاد حضرت
 شاه غلام مغر حضرت شاه محمد تقی خلف شاه غلام مغر چهار خواهران حضرت
 شاه محمد تقی یک زوجه شاه غلام شهنشاه بلخی مذکور الصدر دومی زوجه شاه
 مخدوم بخش مذکور بالا سیومی مسماة آمنه بی بی زوجه حضرت شاه غلام حسن
 قدس سره خلف حضرت مولانا سید حسن رضا قدس سره چارم را
 حال معلوم نیست والده حضرت شاه محمد تقی خواهر مولانا سید حسن رضا ابن سید
 شاه عبید الله شادی اولی حضرت شاه محمد تقی از دختر خال خود سید شاه حیدر علی
 گردید اولاد نشد بعد دوم شادی از دختر دوم شد یک فرزند رتبه بلند مولانا محمد میر
 که شادی ایشان از خواهر سید شاه جمال علی بلخی پسر دختر شد که زوجه سید شاه
 بجل حسین بن نام پسرشان شاه محمد نصیر شاه ولی الحسن شاه احسان فرزندان
 ایشانند نواسه حضرت سید میان و از شادی سیوم حضرت شاه محمد تقی رحمة الله
 چهار دختر و سه پسر شدند یکی دختر زوجه شاه نور الحسن ابن سید شاه محمد و اعط
 دومی زوجه قاضی ولایت حسین کشمیری سیومی زوجه قاضی مولوی امیر الحسن

مادر مولوی امین الله چارمی زوجه مولوی حمید الدین عرف مولوی منگن ملخی
 پسرشان نورالدین پسر کلانی شاه صاحب سید شاه علیم الدین اما دجناب حضرت
 سید شاه غلام حسن قدس سره دویمی سید شاه غلام شرف پدر شاه حاجی
 سیومی امین الدین خورده سال وفات یافت یک دختر سید شاه علیم الدین ز تن
 محمد اسمعیل که خدا شد از آن فرزند موجود است محمد رشید و سید شاه غلام مظفر را
 چهار سپهرند ترقی عمر باد وصل در بیان اولاد حضرت سید شاه
 حاجی حافظ ابوتراب مشهدی رحمة الله علیه باید دانست جدا جدا
 حضرت حافظ ابوتراب سید شاه ابو العلی مشهدی از سمت مغرب سیاحت
 کرده بجوار حضرت بهار رسید بموضع کونین که مقام هست آب بهوا آنجا سپند
 خاطر افتاد مقیم گشتند مع اهل و عیال فرزند ارجمند در آنجا تولد شد سید شاه
 عبد السلام شادی ایشان بجانه شرفا بموضع موڑا گردید چندی مقیم در آنجا
 ماندند هرگاه به تحصیل علوم اوقات پرداخته و بصلاحیت طبیعت ساخته بجوالی
 رسیدند فرزند ایشان گردید سیدی سید شاه عجمد الحکیم که خدای ایشان انداخت
 حاجی شاه غلام محمد گردید واضح باد این حاجی غلام محمد از اولاد یا یا
 فرید الدین شکر گنج بوده اند و بمسعودیار و امصار سید شاه ابو العلی بودند
 طریقه چشتیه داشتند از سید شاه ابو العلی قادری اقامت حاجی غلام محمد
 بموضع دریا پور متصل فتومه که هنوز سکونت آنجا هست الحصول سید الحکیم را

فرزند حافظ البوتراب شدند چون سایه الدین از سر ایشان درگذشت
 سکونت انجانا گوار افتاد اکثر آمد و رفت به ملاقات امون خود بموضع دریای پور بند که
 بسبب البطمی نمودند آخر برای تحصیل علم ظاهر و باطن سفر کردند اختیار مردانه و ارجح
 عمر ایشان بسبب سال بود و رغبت ایشان شاه مصطفی خاں ایشان را یکده ختر تولد
 شد پنجساله عمرش بود که حیل ملک بقاء شدند بزوجه خود وصیت کردند که روزی از
 روزها سید البوتراب درینجا از سفر خواهد رسید این دختر را با و منسوب کردم و زوجه
 او خواهد داد و سید البوتراب بعد از سی سال بحصول کسب کمال در وطن رسید کیفیت
 سفرشان بدینطور در آن سفر در دلی تحصیل علم نمودند و حفظ قرآن مجید چون
 قریب فراع شدند بادشاه وقت خواست که بر سر ایشان دستافضیلت
 بپوشد و وجه کفاف مقرر سازد و بدین در بدره شاهی بانند پذیرا
 خاطر مفتا و از انجا سفر کردند اختیار روانه شدند بسوی حجاز قریب هشت سال
 در حریم شریفین مقیم بوده هفت حج ادا کرده صحت حدیث کردند و خپد سال
 مجاور می روزه اقدس حضرت سرور کائنات کردند و روزی از روزها در اثنا
 حریم شریفین اقامت نمودند تنها جای تشنه کام شدند آب ناپید بود
 مضطر شدند کمال در آنوقت بزرگی خضر وقت شدند پیداکمال بزرگی از لشکر
 پاک هویدا مشکیزه در بغل برآید و جام در دست پرسیدند ای سید چه
 میخوانی گفتند آب تشنه دهنم بستم فرمودند چیزی نداری گفتند هیچ ندارم

فرمود آن بزرگ عمامه بر سر داری و خرقه و میگوئی هیچ ندارم در غلبه تشنگی عمامه
از سر بر آوردند بطلب آب و آن بزرگ کاسه آب از مشکینه بر آورد و گفت کمال
بصیبه بی یک کاسه آب عمامه میدهی سید پاک عمامه خود بر سر نهادند و گفتند مرا طلب
نیست صابر خواهی یافت از اولاد امام صابروین حضرت زین العابدین هفتم
که بعد واقعه کربلا گاهی آب نخوردند و بسیار تشنه گاهی غریزان و والد ماجد خود
می آرند قریب چهل سال بعد این واقعه بودند متاهل شدند گاهی آب نخوردند
بوقت کمال تشنگی بدعوت شیر می نوشیدند سبحان الله عجب بزرگ صاحب کمال
بودند چون مراجعت از سفر نمودند در وطن بمقام کسی را نیافتند چون بموضع
دریا پور رسیدند بعضی از قزاقان یافتند از احوال و زوجه شاه مصطفی بودند
موجود معه دختر منسوب بیان کردند احوال هر چند تجربه غریبت داشتند و متاهلی
ناپسندیدند بصره اقراران صورت عقد مناکحت شرعیه واقع شد از سکونت
موضع کوتن برخاسته خاطر شده در نیموضع دریا پور رحل اقامت انداختند
بسبب موافقت بزرگان ایجاد در عمر شخصت الکی از بطن آن عقیقه متولد شدند
دو فرزند یکی سید شاه محمد الد و دیگری سید شاه فیض الد از هر یک اولاد
شدند ذوی علم و مشایخ عظام سید شاه عبداله سه پسر کلانی مولوی سید رضا
ثانی سید هجده علی سید شهاب علی سید تخلص سلیم بکمال بودند لاولد گفتند از بیغلام العیال
چهل سال سید فیض الد سید یکی سیدی الد و دیگری سید محمد و غط سیوه

سید قدرت الله لاولد لیسر سید ولی الله میر فقیر الله بالیشان سہ لیسر و دو دختر کلانی
از میر علی سجاد پھلواری کہ خدا ذی ولد شد ثانی زوجہ دوم حضرت سید شاہ
غلام حسن لیسر دختر ایشان مبارک حسین لیسر کلانی میر فقیر الله سید امیر الله کہ در
وانا پور از خواہر کلانی راقم التحریر کتبخدا سہ دختر و سہ لیسر وجود آمدند لیسر ان نوجوان
وقات یافتند و یک بطفلک لادختر ان ذمی اولاد اند جانی بتصریح نگاشته خواہد
الایسر ثانی میر فقیر الله سید محمد وزیر لاولد الایسر سیومی سید محمد سمیع زاد و دختر
و یک لیسر یک دختر فسوب ز سید فضل حسین نو بادی یک دختر است نواسی سید
محمد اسمعیل و شاہ محمد و اعظ لیسر دوم شاہ فیض الله اول لیسر و دو دختر کلا سہ
مولوی سید صفدر حسن نائب قاضی شہر عظیم آباد باوصاف با کمال از دختر
حکیم بیکن بی بی بصیر النساء خواہر زادی حضرت شاہ غلام حسن کہ خدا شدند
اولاد شد و ثانی سید نور الحسن اماد حضرت شاہ محمد تقی ذمی اولاد و دو لیسر
و سہ دختر ان دختر کلانی شاہ محمد و اعظ از قاضی طہارت التوحید کہ خدا و ثانی
والدہ قاضی مولوی امیر الحسن و سید بہادر حسین سید محمد حسین ایشان لاولد و یک
دختر سید بہادر حسین کتبخدا از مولوی امین الله ابن مولوی امیر الحسن کہ اولاد قاضی
طہارت التوحید مذکور بالا شد الایسر و خور و ایشان سید طیب التوحید از دختر
میر فرزند علی ساکن گونگین برگنہ پھلواری کہ خدا شدند و سہ فرزند ایشان سید
حبیب التوحید و سید قمر التوحید و سید نصر التوحید ذمی اولاد اند ایشان

ذکر اولاد حضرت مولانا حسن ضامن سره و برادرشان سید شاه
 حیدر علی باید دانست سید شاه حیدر علی را یک پسر سید حسن خوشنویس
 با کمال اولاد نشد و دو خواهر ایشان حضرت شاه محمد تقی که خدا یکی بعد دیگری
 و خواهر سوم کتمه از سید شاه یار علی ابن سید شاه ضیاء الحق معروف رتین چند
 دختران ایشان و یک پسر نام محمد یوسف جابجا که خدا شد ندیکه از مولوے
 و اعظا الحق پدر مولوے عبدالحق دویلی از محمد اکبر سیومی از پسر مولوے محمد
 چارمی مادر شاه فیاض نجفی زوجه میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پهلواروی دختر
 ایشان از سید علیم الدین خلف سید هدایت حسین و اناپوری که خدا شد رحیم الدین
 نام پسر است چند خواهران ایشان و جناب حضرت مولانا سید حسن رضا
 قدس سره را دو دختر یک زوجه حکیم بختین دویلی زوجه قاضی مظفر حسین خلف اثر
 جناب حضرت سید شاه غلام حسن از خواهر حضرت شاه محمد تقی یعنی از بی بی
 آمنه که خدا شد از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر دختر خجسته اختر زوجه
 سید شاه علیم الدین لمخی ابن جناب شاه محمد تقی رحمه الله علیه که مذکور اولاد بالا
 تحریر شد الا خلف الرشید جناب حضرت سید شاه غلام حسن قدس سره سید
 شاه محمد حسن عرف سید میان ذی غروشان بودند و زیادت عمر
 و فارسی از خواهر مولوے کفایت حسین ابن شاه محمد و منجش که خدا شد ندیعنی
 از سماء بی بی سعید با وجودیکه جناب انج المرحوم بودند اهم الاجمع کمالات

ظاهر و باطن بود و حصول بقید مراقبه و مشغول جفا کشی بود و بر انجناب اتم بیعت
 بایشان از جناب والد ماجد خود الا تحصیل تربیت باطنی و صحبت جناب حضرت
 خال الاعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود الا و بروی والد
 خود کردند انتقال بعمر سی و پنج سال و دو فرزند و یک دختر یار و خود گذشتند دختر
 شان زوجه شاه محمد نصیر ابن مولانا محمد بنیر یعنی از مسماة زینب و فرزند ایشان
 یکی شاه ولی الحسین و دیگری سید حسان علی تزاید عمر کنند و خلف کلانی از اعظم
 سید شاه تجمل حسین و ثانی سید امانت حسین که تحصیل علم ظاهر و باطن کرده
 نوجوان رفتند بسوی ملک بقا و که خدائی سیده تجمل حسین اول از دختر سیده
 احمد حسین بارتثانی جای شد از هر دو اولاد نه الا شادی ثالث از خواهر سیده
 محمد نصیر شد و سیکول شد سیدی و میان آنهم در زمان طفولیت رحیل ملک بقا
 شد بعد رحلت پدر بزرگوار که آنهم نوجوان کردند انتقال سجادگی سجاده علی
 غلطان شد عقاب نامند جز اولاد بنات ۵ آ یا برادران عزیزان کجا شدند
 رفتند در بقا ولی از ماجدا شدند که واضح باد سیده شاه تجمل حسین را بیعت
 از جد ماجد خود الا تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد سید شاه
 قمر الدین حسین قدس سره و چند سال صحبت بابرکت جناب حضرت سیده
 مبارک حسین رحمة الله علیه بوده مجاز اجازت و خلافت طریقه ابو العلالی
 شدند و نیز همه برادران را تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد است مولانا

محمد زینیر سید شاہ علیم الدین سید امانت حسین را از تربیت صحبت کامیاب
 شده اند فقط کیفیت نسب و حالات این بزرگوار از تالیف کتابت سید
 متخلص سلیم دریافت شد و نیز سلسلہ نسب بالا استماع از حضرت جد الامجد سید
 شایہ غلام حسین قدس سرہ دانا پوری و انجناب را از مولانا حسین ضا تحقیق
 شد ازین صاحبان جرمصاہرت اخوت معنویت ذکر اولاد حضرت مخدوم
 سید علی احمد صابر جامی یافت تحریر نمود یکے از بزرگان
 موضع بیتہولند واضح باد اگر چه پسرزند بودن حضرت مخدوم سید
 صابر کسے جائز کو نیست الا از دختر پیر مرشد خال المحترم جناب حضرت بابا شیخ
 فرید الدین گنج شکر است در کتابت کو چون یافت جائی درین اوراق نگاشت
 اگر چه این بزرگوار خود را فریدی نامند الا نسب آنحضرت است باید دانست
 نام فرزند آنحضرت حضرت مخدوم شایہ شعیب الدین ولد ایشان مخدوم
 سید شاہ بدر الدین پسر ایشان سید شاہ رکن الدین خلف ایشان حافظ
 عبد الرحیم پسر ایشان حاجی سید محمد مختار پسر ایشان سید عبد الکرم ولدشان
 حافظ عبد الواب پسرشان حافظ عبید الشکور ولدشان حافظ عبد العلیم
 پسرشان سید امام الدین پسر ایشان سید محمد عیوض پسر ایشان سید فضل احمد
 دو برادر یکے میر فضل اللہ و میری سیاح محمد باسط عرف میر فہیم اللہ پسرانند
 کہ حافظ سید عبد الشکور داد و پسر یکے سید عبد العلیم

دویمی سید عبد المنعم لیسر ایشان سید عبد العظیم ولد شان محمد مقیم پسر ایشان سید
 ہمت زمان ایشان را سہ پسر سید حاتم زمان و سید علی زمان نام سیوم یادیت
 دو پسر سید حاتم زمان یکی میر طفیل علی پسر سید عبد الغنی صاحب بان متوسط و خواہر
 ایشان زوجہ مولوی سید نواز شہ رسول و تیز خواہر سید حاتم زمان والدہ ماجدہ
 مولوی سید نواز شہ رسول و برادر میر طفیل علی محبوب زمان پدر محمد زمان اند ذکر
 اولاد سید عبد العلم و دو پسر ایشان سید امام الدین و سید جمال الدین پسر ایشان
 سید کفایت اللہ ولد شان سید عبد الرحیم لیسر شان سید عبد الکیم لیسر شان
 سید عطا کریم و پسر سید امام الدین سید محمد عیوض ولد ایشان سید فضل اللہ
 سہ لیسر ایشان سید فرخ حسین سید احمد حسین سید صغر حسین لیسر ایشان
 محمد حسین کہ از خواہر خواجہ محمد حسن منسوب شہد لا ولد و سید احمد حسین را دو فرزند
 سید محمد کجی دویمی سید بدر الحسن عرف جمن ہر دو لا ولد الا سید فرخ حسین او دو
 فرزند یکی شرف حسین عرف دار و غدا عالم علی لا ولد برادر ایشان سید آل حسن
 بایشان دو پسر و دو دختر کلانی سید امجد حسین و دو پسر ایشان یکے مفقود
 دویمی فضل حسین موجود و ثانی سید غانت حسین والد سید اکبر حسین و پسر
 خواہر کلانی سید محمد ولی و ثانی زوجہ شاہ حسین علی والدہ مولوی عبد الغنی
 و برادر ایشان ہما نند آما و از اولاد کہ

ذکر در میت حضرت محمد و م سید بدر الدین بدر عالم

واضح باد مخدوم بدر عالم را یک دختر بی بی ابدال که از سید محمد منسوب ذوی اولاد
 و فرزند مخدوم رتبه بلند مخدوم شاه سلطان بودند فرزند ایشان سید محمود
 عرف سید جلگن زاهدی ولد ایشان سید احمد پُری اینده ترتیب کیفیت ذریع
 ایشان دریافت نشد الا بسا مشایخین اینجوار نسب بقرا بت انجناب نامند یک
 بزرگ سید حامد عرف سوپن از فرزندان انجناب بوده اند خواهر ایشان مسماة
 بی بی جلگن الدہ جناب شاه تراب الحق و شاربہا الحق موروی بودند و شاه
 محمد فیاض ساکن بسوہ منجملات بہار از فرزندان نامی انجناب اند ایشان بعض
 فرزندان مخدوم بدر عالم دریافت شد کہ این مخدوم محمد و مخدوم شاه سلطان
 جانشین اولاد نشد الا از دو برادران بیاتی اولاد یکی را بفرزندی خود قرار داد
 زیب سجاده کردند فرار آنها واقع موضع سُوہ ہست جد مادر سی جناب شاہ
 امیر الدین فردوسی سجاده نشین بودند و دو دختر و یک پسر شاہ فیاض داماد
 ایشان پسر حاجی نصیر الدین شیخپوری و دختر کلانی ایشان از شاہ بہادر علی
 ساکن شیخپوہ کہ خدا و ثانی از جناب حضرت شاہ ولی اللہ فردوسی والد ماجد
 شاہ امیر الدین سجاده نشین شاہ بہادر علی را دو دختر کلانی زوجہ شاہ محمد علی
 شعیبہ شیخپوری برادرزادہ ثمان فرزند ارجمند ایشان چند یک شاہ عبد العلہ
 داماد شاہ امیر الدین حمۃ اللہ علیہ ثانی و دختر شاہ بہادر علی از جناب شاہ امیر الدین
 کہ خدا از لطن این بی دو پسر یک شاہ امین الدین احمد دومین شاہ محمد تقی

و سیه خواهر آن ایشان یکی منسوب از شاه بنده علی ابن شاه حسین علی و دومی زوج
 شاه عبدالعلی سید زوجه شاه محمد جعفر بنیر شاه سلامت علی فردوسی ذی ولدند
 و یکی شاه تهمورحوم از فرزندان مخدوم بدر عالم بود معروف خواجه ایشان زوجه
 میر مهدی علی عظیم آبادی ابن میر یوسف علی پسرشان سید اوسین عرف بهون
 موجود اند و دختر شاه تهمورحوم از شیخ اکبر علی ساکن بڑی که خدا پسرشان شیخ
 اولاد علی اند باقی مولوی سید وزیر الدین صاحب نیز از نسب آن مخدوم فرزندی
 خود میکردند بیان سلسله نسب دریافت نشد که منی نگاشت و نیز منتهی عنایت
 و نسب از فرزندان حضرت میگویند و نیز در ضلع شرقی اکثر مردمان عالی تبار خود را گویند
 چون از ذکر النساب سیادات فراغت یافت ذکر نسب اولاد حضرت خلفاء
 ثلاثه منهای تفصیل این بر فضل و ضمیمه تحریر نمود و بعد از ذکر اولاد انصار نویسد

فصل اول در بیان نسب نامه حضرت عتیق ابا بکر صدیق رضی الله تعالی عنه و اولاد بر دو وصل و دو ضمیمه باشد

حضرت سیدنا ابا بکر صدیق عتیق و عبید الله نام این حضرت عثمان ابوقحافه
 کنیت شان ابن عامر ابن کعب ابن سعد بن تمیم ابن مره از اولاد نضر بن کنانیه
 قریش که از فرزندان حضرت اسمعیل بیچ الله علیه السلام بودند و تفرقه
 نسب را تا حضرت صلی الله علیه و سلم و آنحضرت از پشت هفتم است و والده ماجده

حضرت صدیق اکبر بی بی ام النجیر بنت صفه بن عامر انداز دخت غم کتخت ابو دند
 و این ذکر در کتاب تذکره صدیقیه کرده است تسطیر فقط در اینجا مقصود بیان
 از فریت آنحضرت است باید دانست بحضرت صدیق اکبر رضی الله عنه سه پسر و سه دختر
 بودند از همه بهتر حضرت عائشه صدیقه زوجه محبوبه حضرت سید المرسلین و ثانی بی بی
 اسماء زوجه حضرت زبیر بن عوف بن ابی ذلیله کتختی افریدان ایشان یکی عبد الله بن
 زبیر و دیگری عروه بن زبیر سیومی صعب ابن زبیر که از بی بی سکینه دختر حباب
 سید الشهدا امام حسن علیه السلام کتختی شدند و کیفیت دختر ثالث دریافت نشا
 الا از فرزندان یکی عبد الله که از محل اولی بودند و خواهر عیالی ایشان بی بی اسماء
 مذکور و از لطن بی بی ام رومان حضرت عائشه صدیقه و حضرت عبد الرحمن
 و از بی بی اسماء بنت عمیس فقط حضرت محمد پس نسل هر دو جاریه

قبل غازی و بعد غازی مشهور است نوشته می آید

وصل فصل اول در ذکر اجداد سیدنا عبد الرحمن قبل غازی
 خواجه ابو نجیب صیاء الدین سهروردی و شیخ عماد الدین دالد حضرت شیخ
 شهاب الدین سهروردی هر دو برادر اند و شیخ الشیوخ برادر زاده ایشان ضمیمه
 در ذکر نسب حضرت شیخ شهاب الدین ابن شیخ عماد الدین ابن شیخ نجم الدین
 ابن شیخ مجید الدین ابن شیخ رفیع الدین ابن شیخ صدر الدین ابن شیخ محمد متین
 ابن شیخ محمد مبین ابن شیخ امین ابن شیخ عبید الله ابن شیخ عبد الله ابن شیخ

عبد الجلیل بن شیخ ابوبکر ثانی معروف شیخ عبد الفتاح ابن شیخ محمد آدم ابن
 شیخ محمد مسلم ابن شیخ محمد نوح ابن شیخ محمد یوسف ابن شیخ اسمعیل ابن شیخ
 ابرہیم ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ محمد عتیق ابن حضرت عبد الرحمن ابن
 حضرت صدیق اکبر ابن ابو قحافہ رضی اللہ عنہم واضح باد کیکہ از دریت
 شیخ شیوخ باشند ابن نسب نامہ ہر او کافیست و دیگر ہر کہ خود را صدیقی نامند
 در بنجر شیخ صدیقی در نسب ہستند الا شیخ صدیقی کہ بردست خلیفہ اول ایمان
 آوردند از صدق دل بچنین است تحریر از پیشوایان این حقیر فقیر انچنان نمود

تحریر ہر کہ اند صدیقی ازین نسب قبل غارے اند

وصل دوم فصل اول در بیان اولاد حضرت محمد ابن ابابکر صدیق
 بعد غارے رضی اللہ عنہ واضح باد حضرت محمد بن ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ
 از اطن بی بی اسماء بنت عمیس تولد شدند و برو آنحضرت صلی اللہ علیہ السلام
 الحاصل شادی محمد ابن ابی بکر صدیق در طبقہ انصار مان گردید پس ایشان
 خیر التابعین قاسم ابن محمد از دختر عم سیدنا عبد الرحمن کہ خدا شدند
 از بے اسماء ثانیہ یک دختر ایشان و یک پسر دختر بی بی فودہ
 والدہ حضرت امام جعفر صادق و حضرت عبد اللہ و اسمعیل سر زندان
 حضرت امام محمد باقر علیہ السلام ام سیادات باقری و جعفری نام پسر
 سیدنا عاصم اولاد ایشان شیوخ بعد غارے معروف اند کہ

ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت مخدوم حسام الدین جالسی

قدس سرہ کہ اولاد آنحضرت اند

حضرت مخدوم حسام الدین جالسی ابن شیخ امام الدین و لد شیخ قیام الدین ابن
 شیخ بدر الدین ابن شیخ محمد اعظم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ محمد مکرم ابن شیخ
 محمد ماہ ابن شیخ محمد جاہ ابن شیخ ظہیر الدین ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ صدر عالم
 ابن شیخ دانیال ابن شیخ عبد اللطیف ابن شیخ محمد جمال ابن شیخ احمد کمال
 ابن شیخ سلیمان ابن شیخ داؤد ابن شیخ مسعود ابن حضرت عاصم ابن
 حضرت قاسم ابن محمد ابن ابی بکر فی الصدیق رضی اللہ عنہ چون نسب نامہ بالا
 تحریر شد از اینجا ذکر اولاد مخدوم حسام الدین مینویسد صاحبان موضع جلال کوی
 از اولاد حضرت مخدوم حسام الدین جالسی اند میر محمد قاسم ابن میر حسام حیدر
 ابن مولوی غلام نجف ابن شیخ محمد عارف اللہ و میر محمد کاظم و میر محمد ہاشم و میر محمد
 ناظم ابنان میر فدا علی ابن شاہ ہدایت علی ابن شیخ عارف اللہ نسبت
 سادات ایشان از جد اوری است شیخ محمد عارف اللہ ابن مولانا محمد جمال اللہ
 ابن شیخ عبد الرحیم ابن شیخ عبد الغنی ابن نواب اولیس خان خان خطابی ابن
 قاضی شیخ محمد ابن قاضی شیخ محمد سعید خان عرف قاضی چاند ابن قاضی شیخ
 چاند عرف قاضی چلدہ ابن شاہ حسام الدین ثانی ابن حاجی الحرمین شیخ
 رکن الدین ابن مخدوم شاہ حسام الدین جالسی دو برادر بودند دومی شیخ صدر الدین

اولاد ایشان چای اند باید دانست قاضی محمد سعید عرف قاضی چاند برادران
چهار بودند یکیشان دومی قاضی بدر جهان سیومی قاضی مبارک چارم
قاضی احمد ذریات ایشان نیز حاجی باشند شیخ عبدالغنی نیز ابن نواب لیس خان
سہ برادر یکیشان دومی شیخ حمید سیومی شیخ عبدالرسول و سپران شیخ
عبدالغنی نیز چار شیخ عبدالرحیم و شیخ ابوالقاسم و شیخ عبدالرسول ثانی و شیخ
عبدغفور شیخ عبدالرحیم را نیز چار فرزند یکی مولانا محمد جمال دومی شاہ محمد عبدالم
سیومی شاہ عبدالجلیل چارم شیخ ہدایت اللہ از اجداد میر سلامت علی مولانا
محمد جمال اللہ را نیز چار پسر شیخ محمد عارف اللہ و شیخ محمد فضل و شیخ اہل اللہ
و شیخ مولانا داغظ اللہ مولوی عارف اللہ را دو پسر یک مولوی غلام مخف
پسر ایشان شیخ حسام حیدر و شیخ مصام حیدر و شیخ ذوالفقار حیدر و دو دختر
یکے جدہ مادرے شاہ حسین علی دومی زوجہ قاضی نادر علی ساکن شہر گہاٹی
پسر دومی مولوی عارف اللہ شیخ ہدایت علی پسر ایشان میر فدا علی چند خواہر
ایشان یکے از ان والدہ میر کرم حسین سپران میر فدا علی شیخ ہاشم از محل اولی
محمد کاظم و محمد ناظم و یک دختر از زوجہ ثانیہ زوجہ شیخ ہادی حسین ابن منشی
رجب علی و محمد کاظم ہر شہ برادر ذی اولاد اند و نیز شیخ ہادی حسین نیز حسام
را یک فرزند میر محمد قاسم و سہ خواہران یکی زوجہ مولوی ابوالحسن ابن مولوی
سید وجہ اللہ دومی زوجہ قاضی امیر حیدر و سیومی زوجہ مولوی وزیر حیدر

ابن قاضی ناد علی احمری ساکن شهر گمانی میر قاسم علی راسته پسر
 دختر سپهر کلانی محمد حسن دومی محمد قمر الدین سیومی میر نجم الدین بر ما که خداوند
 جا بجا و میر محمد قاسم را از عقد کلح ثانیه اولاد یک پسر است و باقی از اولاد
 بزرگان بالا جای تبه خواهد یافت بر شایه این کتاب خواند گاشت شیخ
 محمد جمیل بن شیخ رحمت الله بن شیخ هدایت الله نیز بیان نسب خویش بعد غاری میگرد
 فصل دوم در ذکر اولاد و نیز نسب نامه حضرت عمر خطاب رضی الله
 و تحت این ذکر ذریت بدو وصل و چند ضمیمه کی حضرت بابا

فرید دومی حضرت شمس الدین حقانی

نسب نامه حضرت امیر المومنین عمر خطاب رضی الله

امیر المومنین حضرت عمر بن خطاب بن نفیل ابن عبد الغری ابن ریاح ابن
 عبد الله ابن فطر ابن فلاح ابن عدی ابن کعب بن بوی بن غالب النسب
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و از حضرت عمر تفریق از کعب است جد هشتم
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و جد نهم ایشان و و الله حضرت عمر ختم نبت هاشم
 ابن مغیره بن عبد الله بن عمر بن محمد بن قصی بن کلاب ابو جبل بن هشام
 ابن مغیره برادر عمزاد و در ایشان بود از بنی اعمام المومنین خدیجه الکبری
 بنت خویلد بن اسد ابن عبد الغری ابن قصی بن کلاب کسانیکه ابو جبل را
 از عم انحضرت شمارند غلط است واضح باد حضرت عمر را اولاد کثیر از پسر

دختر صغیر و کبیر یعنی عبد اللہ ابن عمر و خواہر اعیان الیثان نام المؤمنین حفظ
از یک لطن اندوزید بن عمر از لطن دختر حضرت علی اولاد نماند و عبد الرحمن اکبر و
عبید اللہ و عاصم بن عمر و عبد اللہ اوسط و عبد اللہ صغیر و عبد الرحمن صغیر و عیاض
و ابو شحاز الطان مختلف خواہر جنید بغدادی ابن خواجہ زید ابن شیخ عمر ابن
شیخ ابوبکر ابن شیخ عبید ابن شیخ محمد سعید ابن شیخ زید صغیر ابن حضرت

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

وصل اول فصل دوم در ذکر نسب حضرت شیخ المسلمین

بابا فرید شکر گنج قدس سرہ

حضرت شیخ فرید الدین ابن شیخ جمال الدین سلیمان ابن تفرج شاہ
والی کابل ابن شیخ محمد داؤد ابن شیخ محمد خلیل ابن شیخ عبد الجلیل ابن
شیخ عبد الجبار ابن شیخ عبد اللہ صحرائی ابن شیخ عمر عطار ابن شیخ محمد ذکریا
ابن شیخ ابراہیم ابن شیخ قاسم ابن حضرت عبد اللہ ابن حضرت عمر خطاب
رضی اللہ عنہ باید دانست حضرت بابا فرید را دوز و جہ فرزندان کثیر ہر یک
کامل فقیر الا اولاد جاری مانند از ہار یکے شیخ نصیر الدین کلانی ثانی شیخ
بدر الدین سلمان سیومی شیخ کبیر الدین چارمی شیخ یعقوب شیخ
بدر الدین سلمان زریب دہ سجادہ حضرت شدند و ضمیمہ اول در
ذکر حسام الدین مانکیومی کہ مرید و خلیفہ حضرت نو قطب عالم

نپند وی بودند واضح باد مخدوم حسام الدین ابن شیخ احتشام الدین حر
 خواجه دانشمند ابن شاه بلال الدین ابن بزرگ نیز از خلفاء حضرت سلطان
 الاولیا نظام الدین محبوب سجانی قدس سره بودند شیخ جمال الدین ابن شیخ
 معین الدین ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین
 سلیمان ولد حضرت بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره اولاد حضرت حسام الدین
 اندب یار بر دیار الالبفت واسطه یا هشت ایشان شاه کریم الدین بودند معروف
 شاه کریم این بزرگ از مقام مانکیور درین دیار لقب به حمیره معه اهل و عیال
 وارد شدند در اینجا تکیه ساخته محله صاحب گنج معه اهل و عیال باز بسوی وطن حرکت
 کردند الا یک پسر خویش را اسمی شاه کبیر الدین بر آن تکیه جانشین کرده رقتند مزار
 در وطن است شیخ کبیر الدین بدان سزین یک چک آباد کردند بنام والد ماجد
 خود کریم چک ترتیب نام معلوم نیست الاحضرت شاه عزت الله و حکیم
 مسیح الله از فرزندان ایشانند هر دو برادر طریقه چشتیه گذاشته مرید حضرت
 شاه عصمت الله قادری که مرید و خلیفه حضرت مولانا وارث رسول نما
 بودند تربیت و خدانت یافتند پسر شیخ حکیم مسیح الله شیخ قاسم یک خواهر
 ایشان در مقام کهکبه از حکیم شیخ با سو که خدا شدند و شیخ قاسم از دختر عم خود
 شاه عزت الله که خدا شدند اولاد یک شیخ عسکری والد حکیم شاه مهدی حسین
 دومی شیخ غالب علی پدر شیخ محمد جعفر دومی منشی عنایت حسین پدر شیخ

احمد حسین شیخ شرف الدین چارمی شاه فضل علی پدر شیخ حبیب بن پنجی شاه
 شجاعت علی لاولد بانند حضرت شاه غرت الله راد و دختر و چپا راسپر کی
 مذکور الصد ثانی مادر شیخ قطب الدین پدر شیخ قاسم علی داماد حضرت حکیم مظفر حسین
 قدس سره خلف کلانی حضرت شاه حکیم فرحت الله قدس سره طویل الذکر ثانی
 شیخ امیر الله سیومی پدر شیخ محمد عوض چارم پدر شیخ ولی الله حضرت حکیم شاه
 فرحت الله مخا طیب بابا حسن دست یک از مریدان و خلیفه اجل
 محمد و شاه حسن علی قدس سره و دوسی الایو العلانی چار فرزند حضرت ایشان
 کلانی شیخ محمد الدین حسین و پسر ایشان شیخ خیراتی و شیخ علی حسین باقی فرزند و پسر
 ثانی مقبول ربانی حضرت حکیم شاه مظفر حسین با کمال خوش خصال قدس سره
 چند دختران بانحضرت کلانی از منتهی قاسم علی که خدا و خلف ایشان حکیم محمد حاج
 و مقبول حسین دختر ثانی از شیخ مظفر حسین برادر زاده انحضرت که خدا خلف ایشان
 حکیم محمد نصیر تالف از حکیم محمد مهدی حسین که خدا شش فرزند ایشان و یک دختر باقی
 در اقران که خدا الا خلف الرشید انحضرت حکیم خورشید حسین معروض فی کمال پسر
 ایشان شاه فرحت حسن چند خواهران ایشان و خلف سیومی انحضرت حاج
 شمس الدین لاولد چارمی حکیم سعادت علی صاحب پسر ایشان شیخ مظفر حسین و شیخ
 مرتضی حسین و شیخ اظهار حسن هر سه برادر بجمع صفت موصوف بودند
 ضروری ذکر نسب لانا شیخ عبد الحق بلوی محدث که فرزند برادرانند

مولانا شیخ عبدالحق محدث دہلوی ابن شیخ سیف الدین ابن شیخ فتح الدین
 ابن شیخ کریم الدین ابن شیخ سیف الدین برادر محمد دوم شیخ حسام الدین بانکپوری
 ابن شیخ احتشام الدین خواجہ دشتی ابن شیخ جلال الدین ابن شیخ معین الدین
 ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین سلیمان ابن حضرت
 بابا فرید الدین گنج شکر قدس سرہ ضمیمہ سوم فصل دوم محل اول شیخ
 نصیر الدین عرف شیخ پیاری واضح باد شیخ نصیر الدین پیاری ابن شیخ
 فیض الدین ابن شیخ امان اللہ ابن شیخ کبیر الدین ابن محمد دوم نصیر الدین خلف
 کلانی حضرت مقبول ربانی بابا فرید الدین گنج شکر قدس سرہ باند و انست شیخ
 امان اللہ رحمہ اللہ علیہ جد شیخ نصیر الدین از حضرت پاکشن شریف بطریق حسیا
 در پنجوار محاسب کم ولایت درین دیار مبرضی جد بزرگوار شریف آوردند در
 دہلی چندی اقامت کردہ آخر بمقام کالی رسیدند در اینجا از حضرت سید
 جمال الدین ابن سید علاء الدین کہ جدا علی اینجا کسار بودند و طرلقہ چشتیہ داشتند
 بسبب ارتباط ملاقات دست داد حضرت سید جمال الدین خود استنفا قامت نمایند
 بدینچوار فرمودند در جواب حضرت شیخ امان اللہ ای برادر دو قطب در یک دایرہ
 نمی گنجد آخر کار از اینجا محافل و عیال بنواح حضرت بہار رسیدند در اینجا جای
 پسند ساختہ بنا رومہ و خانقاہ نمودند مزید و مستر شدند و در اینجا پدید آمدند
 نام آن محلہ چشتیانہ شد مشہور از شرفا و انجانب توب صورت مصاہرت یافتند

الحاصل بعد چندی شیخ فیض الله از اولاد ایشان بجای خاسته حاضر گشته مع اهل و عیال
 قریب و اناپور بموضع سید پورد میگه که مردان ایشان در آنجا بودند اقامت
 ساختند برگنه پهلوار سی ضلع یکنه در آنجا آمدن ایشان فرقه رسیداران آن
 قوم بخی منصب چو دهری داشتند شتر خدمت بجای آوردند بعد مصای
 چند سال در اولاد پیر و اولاد مرید بصورت ظهوری ادبیان صورت نفاذ پیدا
 بسبب عتنائی که پیشین نهاد ناگوار طبع آنحضرات گشت قصد رجعت بسوی
 بهار اقامت ایشان ساختند چون عزیمت اینطور شد پیدای مریدان شیخی ساکن
 کوزحی این مضمون شد بهویداشیوخ آنجا حاضر شده با کمال در آنجا بودند ایشان
 فرمودند آخر از شما نیز روزی چنین اموز قوع آید سر بر قدم پیران نهاده عرض
 ساختند مادر آنجا بطور عایا خواهم ماند حضور مالک مختار و من تا بعد از
 چون بطور غریب در آنجا بودند صورت قیام افتاد نام انموضع بنام یک از فرزندان
 خود شیخ عنایت الله چشتی پور عنایت الله ساختند همیشه بهار و اناپور
 قریب یک و نیم کرده فاصله دارد باید دانست شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله
 را علاوه دختران یک پسر بود شیخ رحمة الله و دو دختران سه شیخ عنایت الله را
 از پسران برادر ایشان شیخ نصیر الدین پیاری که خدا شدند و نام پسران شیخ رحمة الله
 شیخ اغر الدین و شیخ تاج الدین و شیخ عزیز الدین و پسران شیخ نصیر الدین که از
 خواهران شیخ رحمة الله که خدا شدند یکی از آن شیخ منهاج الدین سله پسران

ایشان هر یک از دختران عم که خدا شدند کلانی پسر شیخ معزالدین ثانی ایشانرا
 تیر سه پسر یک شیخ معز الاسلام دویم شیخ رکن الاسلام سیومی شیخ فتح الاسلام بدو
 شیخ معز الاسلام جدا علی شاه اطهر حسین ابن میر حسین نجش سادات مادریت
 با ایشان میر حسین نجش ابن شیخ قلندر علی ابن شیخ ابوتراب ابن شیخ الاسلام
 ابن شیخ عبدالسلام ابن شیخ معز الاسلام ابن شیخ معزالدین ابن شیخ منہاج الدین
 ابن شیخ نصیرالدین پیاری ابن شیخ فیض الدینی نسب بالا ازین معلوم باد باید
 متیند پسر دوم شیخ معزالدین شیخ رکن الاسلام بودند جدا علی مولوی معز الدین
 مرحوم کورجی ابن شاه قطب الدین عرف شاه بساون ابن شیخ محمد مراد
 ابن شیخ محمد جواد ابن شیخ محمد ذکریا ابن شیخ محمد یحییٰ ابن شیخ رکن الاسلام ابن
 شیخ معزالدین مذکور الصدراصح باد شیخ محمد مراد و پسر یک مذکور بالا شاه
 قطب الدین عرف شاه بساون که یک از مریدان و خلفای نامدار حضرت
 قطب العالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره بودند ثانی پسر شیخ برکت حسین ابن
 شیخ الفتح حسین پسرشان شیخ عبدالحمید ابن عالم الاولد قلندر شادی حضرت
 شاه قطب الدین بساون از دختر میر سید علی ارشد گردید نام آن بی بی لعل
 بنت بی بی علیمه دختر میر سید محمد باهر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا ابن میر
 صدر جهان و نسب نامہ میر سید علی ارشد بدینطور ابن میر سید عبدالشکور
 ابن میر سید محمد فضل ابن میر سید عبدالواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور الصدرا

که خدای میر سید عبد الواحد از دختر خال خود قاضی عماد الدین ابن قاضی سید
 عبد الفتاح عرف قاضی بڑی گردید و شادی پسر ایشان نیز از دختر عم گردید
 و شادی میر سید عبد الشکور از دختر میر غنایت الله بی بی پور شد الحصول حضرت
 شاه قطب الدین بسا دن را دو پسر یک دختر پسر کلانی منشی محمد غوث که از بی بی
 نعیم بنت بی بی واصل که زوج شاه وحید الاسلام بودند که خدا منشی محمد غوث
 عرف دومن را یک پسر و یک دختر مسماة منیرا عرف سونین که از منشی امیر الله
 پسر کلانی مولوی غفر الله ابن شاه قطب الدین که خدا شد ندلا ولد ماندند الا
 پسر منشی محمد غوث مولوی فرحت علی کاشف سرخفی و جلی از دختر شاه
 ابراهیم حسین نو آبادی که خدا نام آن بی بی مسماة بیکن یک دختر ایشان بی بی
 حریم زوج اولی سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن حضرت
 شاه یحیی علی از بطن این بی بی دو پسر یک دختر زوج میر واجد حسین ابن میر
 اسمعیل علی و نام پسران سید شاه محمد قاسم که از دختر میر عبد الحسین بن اسمیر جی
 که خدا شد یک پسر اسمی محمد حسین پسر دومی شاه محمد واجد اند ایند فخریت
 منشی محمد غوث اند و پسر دوم شاه قطب الدین عرف شاه بسا دن مولوی غفر الله
 رحمه الله علیه که بعلم عربیت و فارسی تبحر داشتند و ذی فنون و ذی جمال سعیت
 هر دو برادر را از جناب والد ماجد خود است الا مولوی صاحب عمر اخیر تربیت علم
 باطن از برادر زاده خود حضرت شاه قمر الدین حسین یافتند فرزند مولانا چاهار

یکے منتی میرا شد کہ در علم قاسمی نظیر بودند از نکاح ثانی یک پسر احمد نام و یک دختر
 محمودست موجود و پسر ثانی مولوی صاحب مدوح مولوی محمد اکبر کہ در عرب و فارسی
 داشتند مهارت تمام کد خدا از دختر خالاتی مسماة محمد و مرشدند و پسر ایشان
 بوجود آمدند امید علی و نظیر حسین بہر دو لا ولد و پسر سیوم شاہ محمد ضحہ شادے
 ایشان در مقام منیر گردید از دختر شاہ لطف علی مرحوم یک پسر بایشان بوجود
 آمد محمد خلیل کد خدا ان ایشان از دختر مولوی اشرف علی نو آبادی شد یک دختر
 و یک پسر شد شاہ اعجاز حمید رطال اللہ عمرہ و قدرہ و پسر چارمی حضرت مولانا
 شاہ محمد خیرانی کہ ازید جوہر صفائی از زبہ سلیم ایشان اولاد اند و شادی مولو
 عزیز اللہ رحمۃ اللہ علیہ از مسماة حسین بیختر بی نامہ زوجہ شاہ تاج الدین نو آبادی
 شد و از عقد ثانیہ دختران پسران بوجود آمدند و از جوان فوت شد و اند موجود
 امداد حسین و ممدی حسین و یک خواہر شان واضح باد پسران شیخ فتح الاسلام
 ابن شیخ مفر الدین یکی شیخ وارث علی و دیگری شیخ فخر الاسلام سیومی شیخ بدرالاسلام
 چارمی شیخ الاسلام نجمی واقف مدرسہ خفی حضرت شاہ محمد علی لاریب دلی و شیخ
 وقت بودند بارشاد مرشد طریق نقشبندیہ شہتند ذکر اولاد ایشان بجای تحریر
 خواہم کرد و در اینجا ذکر پسران شیخ رحمۃ اللہ ابن شیخ غیاث اللہ ابن شیخ فیض اللہ
 مینام بداند شیخ اعز الدین اولین و دختر ایشان بودند از بی اعمام کہ خدا شدند
 و دیگری شیخ عزیز الدین کد ایشان شیخ ابو الفتح ایشان را چار فرزند بہر تربہ

یک شیخ ابو الفیث دومی شیخ ابو الیث سیومی شیخ ابو الویس چارمی شیخ محمود ویش
 باید دانست این همدردان را بنحرفرزند دختر نبیره با مانند چنانچه از اولاد دختر
 شاه محمود ویش شیخ محمود و جود لوی عزیز الله بودند و از اولاد دختری شاه
 ابو الویس چند دختران و از اولاد دختر شاه ابو الفیث شیخ هارون ساکن
 شیخ پوه کلان و کیفیت زندان شیخ ابو الیث دریافت نشد الا شیخ تاج الدین ابن
 شیخ نصیر الدین ادا پسر شدیدی شیخ منهاج الدین دومی شیخ سراج الدین پسر
 شیخ منهاج الدین شیخ رفیع الدین پسر شیخ سراج الدین شیخ محمدی پسر ایشان
 شیخ فیروز عبد الجبار شیخ امام بخش کوزلشت زبان درشت کورجوی از نیجا ذکر ذریت
 شیخ فتح الاسلام معنوی سیدی کی زان پنج برادر شیخ وارث علی با مدنا کتخا و حجاب
 یک شاه محمد دلی مذکور الصدراست فرزند ایشان پسر اول شیخ غلام علی لاولد
 دومی شیخ کرم علی از دختر شیخ الاسلام شدند کتخا عقاب ایشان مانند سیو
 شیخ نور علی که در دریا شد بد غرق رحمت از دو دخترشان اولاد ماند و یک پسر
 شیخ فہیم الله لاولد نام دختران بی بی ناطقہ بی بی واحدہ مذکورہ بالا سیو
 شیخ فتح الاسلام را پسر شیخ الاسلام والد ماجد شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی
 والد میر حسین بنشیند پسر سوم شیخ بدر الاسلام شیخ خطمت الله پدر شیخ رفعت الله
 پسر ایشان شیخ غوث الله و پسر چارمی شیخ فتح الاسلام شیخ فخر الاسلام و پسر
 ایشان شیخ حسن علی پدر شیخ ہدایت علی و نیز دختران ایشان بودند

دربنی اعمام و احوال که خدا شد و پسر دوم شیخ فخر الاسلام بودند شاه حمید الاسلام
 دو دختر ایشان یکی از بنی اعمام که خدا دویمی زوجه میر حسین بخش از ان بطن
 یک دختر مسماة بخشا النساء زوجه مولوی اشرف علی لوابادی مادر میر حسین علی
 پسر پنجم شیخ فتح الله شیخ الاسلام مذکور بالا از دختر میر سید رکن عالم دانا پورے
 که خدا شد از بطن آن عقیقه شیخ البو تراب پدر شیخ قلندر علی دویمی دختر منسلط
 از شیخ احمد شاه لپیشان محمد شاه دختر سیومی منسوب از پسر شاه محمودی از شیخ
 کرم علی درینجا ذکر فرزند ان باشد تمام وصل دوم فصل اول در بیان
 احوال نسب حضرت مخدوم شمس الدین حقانی ادهمی
 واضح باد حضرت مخدوم شمس الدین حقانی کابل مزار موع بلور می علاقہ
 بہار فریت ایشان اند بسیار اکثر صاحب قبال بعض اولاد ایشان نسب
 ایشان سیادات شمارند بسبب دہمت حضرت مولانا منظر قدس سرہ باید دانست
 نسب دہمت حضرت مولانا باجد او ایشان است جانب مادر لیست جدی سیادت
 ہستند از اولاد حضرت حسین صغرا بن حضرت امام زین العابدین رضی اللہ عنہ
 و حضرت سلطان ابراہیم مخدی نسب دقتی دارند و نواسہ اند ابنہا دملوک کہ

نسب نامہ حضرت مخدوم شمس الدین حقانی

مولانا مخدوم شمس الدین حقانی ابن شاه ابو محمد ابن شاه محمود عالم بن مخدوم
 شاه قاضی احمد ابن مخدوم شاه عبید اللہ ابن شاه عبد الاحد ابن شاه

علی اکبر ابن مخدوم شاه علی صغیر ابن مخدوم شاه عبدالفتاح جبول ابن مخدوم
 شاه محمد اسحاق ابن شیخ محمد یونس ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمود ابن حضرت
 سلطان ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ملقب بسلطان ادبم ابن سلطان ابو ناصر
 محمد باشم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ عبد الله ابن حضرت عاصم ابن حضرت
 امیر المومنین عمر ابن الخطاب نسب نامه حضرت امیر المومنین عمر فاروق در ذیل
 ذکر فریدیان تحریر شد ابن نسب فاروقی حقانیه ادبیه است در دو ضمیمه یکا شته می
 شجره ضمیمه اول در ذکر نسب حضرت قطب العالم مخدوم شاه
 محمد منعم قدس سره باید دانست فرزند حضرت مخدوم شمس الدین
 حقانی شاه کمال الدین بودند یاد نیست نام ثانی الحصول پسر شاه کمال الدین
 شیخ نجم الدین پسر ایشان شیخ بدیع الدین ولد ایشان شیخ محمد ابن ایشان شاه
 محمد مجد ابن شاه بچول مقبول رسول ولد ایشان شیخ عبد الاحد عرف میران صاحب
 پسر ایشان دو یکی شیخ محمد نعیم ابن شیخ عبد الکریم ابن شیخ امان الله ایشان را دو
 پسر یک دختر مساقه بی بی صابره با کمال و کلانی پسر شیخ رحمه الله حریت
 ایشان شد چنانچه نبره یا نواسه ایشان شاه محمد سدا بودند پسر ایشان شاه محبت الحسنین
 والد ماجد قاضی مولوی امیر الحسن او لا و دختری شاه محمد سدا قاضی مردان علی
 بودند اسلام پوری و ولد ثانی مقبول ربانی حضرت شاه محمد منعم قدس سره

پیران ابن خاک ار فقیر حقیر

خیمہ دوم در ذکر پشتری شیخ عبداللہ عرف میران فرستایشان سید
 پشتری شاه عبداللہ عرف میران قاضی عبدالغفر ولد ایشان قاضی محمود
 فرزند ایشان از انجملہ کفایت و سپہر مینو لید کیے قاضی شیخ ہدایت اللہ پیر قاضی
 محی الدین مبارک پسر ایشان شیخ مسیح اللہ سپہر ویمی قاضی محمود ابن شیخ
 لطف اللہ ایشان از نیر و سپہر کیے شیخ عاشق محی الدین ابنہ شیخ غلام محی الدین
 پسر ایشان قاضی پیر علی والد قاضی اسد علی دولت پوری و پشتری شیخ
 لطف اللہ شیخ غلام بدر الدین خلف ایشان شیخ غلام حیدر کہ خدائی ایشان
 در اولاد حضرت خواجہ زین الدین برادر خواجہ کمال الدین علامہ خلیفہ و خواجہ
 حضرت محمد و منیر الدین چراغ دہلوی گردید کہ انحضرت در نسب علوی بودند
 بشیخ غلام حیدر سپہر یک دختر نام دختر بے بیہیاتن روجہ مولوی بدیع الزما
 دختر ثانی بی بی و جوجہ میر عابد علی دانا پوری الحاصل پسر کلانی مولوی
 غلام قادر مفتی کیے دختر ایشان از شیخ و امب حسین اولاد حضرت خواجہ بزرگ
 کہ خدا شد سپہر کیے مولوی منیر الدین احمد افضل و کمال موصوف اردنیا
 محصور رفتند و دویمی مولوی امیر الدین احمد و ثالث نصیر الدین نوجوان رفت
 از نیعالم و پشتری شیخ غلام حیدر شیخ مادر علی ایشان را و سپہر و دختر کیے
 روجہ میر قادر علی والدہ نصر الدین و دویمی والدہ مولوی ال احمد و محمد حید
 فرزند کلانی مولوی فضل حسین و ثانی مولوی اشرف حسین عرف مولوی حسین

از خواهر قاضی محمد بخش که خدایک فرزند محمد امین و پسر سیوم شیخ علام حیدر
 شیخ صفدر علی فرزند ایشان شیخ محمد جعفر ذی اولاد هستند واضح بادیک
 از رؤسا اینجوار شیخ نواز شحسین و برادر ایشان شیخ ارادت حسین از فرزندان
 مخدوم حقانی معروف اند شادی اول شیخ نواز شحسین از خواهر مولوی
 و اعطای حق شده بود از ان یک دختر بے بے وزیرین روجه شیخ محمد حیات
 لاولد و پسر شیخ ولایت حسین اما دشاہ شرافت علی فردوسی از محل اولی یک
 پسر محمد حسن لاولد رفت از نیالام و از شادی ثانیہ شیخ عبدالصمد که موجود اند
 و شادی ثانیہ شیخ نواز شحسین از صبیہ کلانی شاہ واجد علی فردوسی ساکن
 موضع سانبہ برادر کلانی شاہ شرافت علی فردوسی بودند گردید از لطن آن
 زوجہ دو فرزند و یک دختر زوجہ شاہ فیاض الدین ابن شیخ ارادت حسین
 و پسر کلانی شیخ تجمل حسین ذی ولد اند و ثانی مولوی محمد اجمل مرحوم که از دختر
 عم خود شدند که خدا یعنی از دختر شیخ ارادت حسین سه فرزند بہ بہ بلند کلانی
 مولوی احمد حسین ثانی شاہ ظہور حسین ثالث شیخ نور الحسن اند ذی اولاد هستند
 و شیخ ارادت حسین را از شادی اول یک پسر شیخ محمد حسین داماد قاضی اسد علی
 لاولد و از شادی ثانی که در سہرام گردید از صبیہ شاہ تمس الدین یک دختر
 رز و جہ شیخ محمد اجمل مذکور و یہ شاہ فیاض الدین اولاد نشد باقی اولاد حضرت

شمس الدین حقانی در جوار بہار هستند

فصل سیوم در بیان حالات و نسب امیر المومنین عثمان غنی رضی الله عنه
 بیک وصل و ضمیمه باید دانست حضرت امیر المومنین عثمان غنی ابن عفان
 ابن ابی عاص ابن امیه بن عبد الشمس بن عبد المنان تفرقه در نسب را مختصر
 صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت عثمان رضی الله عنه از چهار شپت نسب است
 این بنی امیه و آنحضرت اند بنی هاشم و آله حضرت عثمان بنی بی اروی و بی ختر
 کمریز بن ربیع بن حبیب بن عبد شمس مذکور الصد و مادر بی بی اروی بی بی
 بیضا عمه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب اذان و اوج حضرت عثمان
 کثیر الادب و دخترا آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم یک بعد دیگری زوجه بنی آ
 شد ندیکی بی بی رقیه دومی بی بی ام کلثوم از هر دو اولاد شد عقاب مانند
 جزئیات حضرت نبی شش وجه بودند از هر یک اولاد از نسل آنها معروف
 به شیخ عثمانی نام فرزندان حضرت امیر عمر و عبد الله اکبر و عبد الله صغیر و ابان
 و خالد و سعید و عقیقه و ولید و شیمه و مغیره و عبد الملك یازده پسر نوشته اند مورخین
 و شش دختر نسب نامه از ذریات هر فرزند یافت و نه از ترتیب سلسله الانساب
 ولی کاملین حضرت محمد و جلال الدین کبیر اولیا پانی تی و از فرزندان آن
 بزرگ در اینجا نیز رسیدند حضرت جلال الدین کبیر اولیا ابن خواجه
 شاه محمود ابن خواجه شاه یعقوب ابن شاه خواجه علی ابن خواجه اسمعیل
 ابن خواجه محمد ابن خواجه عبد الله معروف بخواجه ابوبکر شبلی ابن حضرت عثمان

ابن خواجه عبد الغزیز ابن خواجه عبد الرحمان ابن خواجه دریاالحق ابن خواجه
عبد الغزیز ابن خواجه خالد ابن خواجه عبد الغزیز ابن حضرت عبد الرحمان
ابن حضرت امیر غم ابن امیر المومنین حضرت عثمان الکنون ذکر نسب تحت میثاق

نسب نامه شاه حسین علی مولوی علی رضا

از ذریت اجمالا و تفصیلا است مولوی عبد الغنی ابن شاه حسین علی ابن مولو
دارث علی ابن شاه محب الله ابن شاه هدایت الله ابن شاه رحمة الله ابن شاه
ماهر و ابن شاه محمد ابن شاه معروف ابن شاه منصور ابن مخدوم شاه
برهان الدین عرف بندگی شاه خوند میان دیورومی ابن شاه بر خوردار
ابن شاه محمد اسحاق ابن شاه سلیمان ابن شاه داود ابن شاه عبد القدوس
ابن شاه شعیب ثانی ابن مخدوم شاه جلال الدین کبیر الاولیا با حشمت الصابر
یعنی خلیفه بودند حضرت خواجه شمس الدین ترک یابی بنی که مرید خلیفه حضرت مخدوم
سید علی احمد صابر بودند نسب نامه بالا تحریر شد ما سبق حاجت تحریر
مکر نیست باید دانست جد البی شاه ماهر و شاه سلیمان از پانی پت و او ایندیار
گشتند مجرد و از بطور سیاحت تا در حضرت بهمار رسیدن بیعت حصول در
طریقہ فردوسی نمودند حصول و متاهل شدند از فرزندان ایشان بندگی
شاه خود میان از انجا بر خاسته خاطر گشته قصد سفر دیار مغرب کردند
چون ب مقام بتهور رسیدند چندی مقیم شدند چون مخدوم شاه در ویش

از جمال ایشان صورت نجابت یافتند دختر خود بزوجه ایشان دادند آخر بقا
 دیوره تکیه ساخته مقیم شدند بعد مضای چند از انجا شاه ماهر و بطور سیاحت
 و رینولج آمدند را جانیجا معتقد شده از زمین چاکن قریب صد یگیه معافی نذران نمود
 حالا آن علاقه موضع چاکن مشهور پیر یگیه است و مزار شاه ماهر و موضع
 سعدی پور است حالا بتفصیل کیفیت ذریه ایشانست بحضرت شاه ماهر و
 دو فرزند بودند که را نام شاه رحمة الله دویمی شاه عزیز الله ایشان را
 دو پسر شدند نام پسر شاه رحمة الله شاه هدایت الله بخشید و تعالی ایشان را
 پسر چهارم هر یک عالی تبار که شاه حبیب الله دویمی شاه محب الله سیومی
 شاه اهل الله چارمی شاه کریم الله بفضله هر یک ذی اولاد بدادید شاه
 حبیب الله راسد پسر که شاه کمال الحق دو پسر ایشان یکی شاه کاظم علی پسر
 ایشان محمد اشرف دویمی شاه نور علی ذی ولد اند سیومی شاه مقبول علی
 انیم ذی اولاد و متوسط خلف شاه حبیب الله مولوی علی رضا از دختر شاه
 کریم الله که خدا یک پسر و یک دختر اولاد دختر علی حسن موجود و پسر شاه موسی رضا
 مرحوم لا ولد فرستند و شاه اهل الله را دو دختر که از برادرزاده شاه سجد علی
 کتخاد دویمی جای دیگر در اقصایان و شاه کریم الله را یک پسر شاه احمد حسین
 لا ولد فرستند از نیغال و دختر زوجه مولوی علی رضا و شاه محبت را چند
 دختران و دو پسر که شاه بنده علی ایشان را دو پسر و دو دختر نام پسران

شاه برکت حسین و شاه امیرالدین حسین پسر الشیطان مولوی عسکری پسر شاه
 برکت حسین شاه طور پسر ابن کیسری و یک دختر شاه بنده علی زوجه شاه داود علی
 پدر شاه تراب علی ساکن میریکه تکیه و دختر ثانی زوجه قاضی قاسم علی ساکن
 پالی پسر شدند قاضی تبهو لاولد رفتند از بیغال و خلف دوم شاه محب الله
 مولوی وارث علی و دو پسر الشیطان و دو دختر یکی منسوبه شاه منور علی ابن شاه
 فضل کریم پسر الشیطان شاه اکرم علی دیگری که خدا از شاه رمضان علی
 ذی اولاد اند و پسر کلانی مولوی وارث علی شاه حسین علی پنج پسر الشیطان
 و یک دختر زوجه شاه شجاعت حسین ابن شاه امجد حسین ابن شاه امام علی
 انصاری که خدا یک دختر و پسر دارند و از پسران کلانی مولوی عبد الغنی
 یک پسر الشیطان مولوی عبد الرشید داماد دارند و غم فدا حسین ساکن شایون بگیه
 چارمی نیز مولوی محمد تقی داماد ایشان ذی ولد اند و مولوی محمد تقی پسر سیدم
 داماد میر علی حسن ساکن میران بگیه ذی ولد اند و پسر خضر مولوی محمد ذکی
 داماد غم خورد اند باید دانست مولوی باقر علی برادر خورشاه حسین علی
 از دختر مولوی محمد اجد بلخی کتخدا از بطن این زوجه یک دختر و مولوی
 عزیز اسد ابن شاه ماهر و راد و پسر کی شاه محمد و اعظم پسر الشیطان شاه
 مبارک علی پسر الشیطان شاه فضل کریم که از دختر شاه محب الله که خدا پنج
 پسران شاه منور علی و شاه امیر علی و شاه عباس علی و یک حاجی اند و والد

ابو الحسن فیصل سیوم بعد وصل در ذکر اولاد حضرت عثمان جا بجا ایستادند
 باید دانست مولوی غلام امام متخلص شهبید نسب نامه خود عثمانیه میگرداند بسیار
 وزیر و فتحپور سکر می شیوخ عثمانی اند و در دیار عرب بسیار تبرکستان در بخوار
 بمقام سهرام یکی از فرزندان شاه محمد کبیر الدین بودند شاه قیام الدین
 شاه شمس الدین پسر نبود الا اولاد دختر یکی از برادر زادگان خود را می
 شاه کبیر الدین منبئی کرده جانشین و بر خود نمودند چند شادی ایشان شد
 از کسی اولاد نشد الا اولاد و برادر ایشان برادر متوسط شاه فخر الدین از
 خواهرزادی شاه تراب الحق که خدا و پسر ایشان یکی شاه محی الدین عرف
 لالامیان که حالا سجاده نشین اند و دیگر شاه غزیر الدین و یک خواهر ایشان از شاه
 فرید الدین که خدا فی اولاد و برادر خود شاه نجم الدین را و پسر یک شاه فرید الدین
 دومی شاه حمید الدین باقی اقارب ایشان در موضع رحمت بر کشته بخرو گهی اند
 باید دانست هرگاه ذکر نسب حضرت خواجه ابو بکر شبلی قدس سره گردید بزرگوار
 عثمانیه لازم افتاد ذکر نسب حضرت خواجه ابو القاسم جنید بغدادی
 که نسب فاروقی دارند بدین منط حضرت خواجه جنید بغدادی ابن خواجه زید
 ابن شیخ عمر ابن شیخ ابو بکر ابن خواجه عبید ابن شیخ سعد ابن شیخ زید ابن
 امیر المومنین حضرت عمر خطاب رضی الله عنه اکثر مشایخین خود را نسب
 نسب جنیدیه میکنند الا اختلاف است در شیخ و سیادت مولوی سید

اولاد علی جوینوری مخلص کاهش نسب خود منسوب بحضرت جنید میکروند الا
حضرت خواجه جنید را سید میگفتند این غلط فهمی شان هست که میگفتند نسب ما
حضرت جنید همین است و مولوی عبد اللطیف که منصب حکومت در کلکته
اند و پوٹی مجسٹریٹ ہر خید از او شان ملاقات نداریم الا عضد الدولہ خواہ زاده
شان یکی از مردان است اینجا کسار او بیان نمود کہ از جانب مادری نسب
جنید یہ ہستم الا شیخ فاروقی بودند حضرت خواجه جنید اکثر نسب میدیم

بدر شریقی ہستند واللہ اعلم

شجرہ نسب نسبت حضرت خواجه ناصر الدین عبید اللہ احرار

بذکر فاروقی و انصاری

باید دانست یکے از صاحبان مصنف کتاب شجرہ طیبہ کہ از فرزندان حضرت
خواجه نسبت دارند خود را احرار می نسب بیان مینمایند و اولاد شان اکثر
منصب قضا بوده اند ذکر نسب بالابہ نسبت سادات و بہ نسب فاروقی کرده اند
فقط نسبت خود بہ نسب انجناب و ذکر اولاد و دیگر یک طبقہ اولاد انجناب است
در عظیم آباد بلکہ معروف اند بخواجه زاده بعض از مینا سب سادات مینمایند
غرض تیفق حقیر از حجت و بحث بہست انجہ کہ معلوم است بیان میناید دلیل
از کتاب رشحات و تحفۃ الابرار و نیز سماع بزرگوار از کتاب رشحات
بیان مینایم جد علی حضرت خواجه احرار خواجه محمد نامی را وطن قدیم و غیر

بود و بعضی از خواهرم میگویند چون مولانا ابوبکر بن مولانا محمد سمیع
 از قیفال وارد شهر بغداد شدند که علمای ربانی بودند و حاجه محمد نامی
 در خدمت آنحضرت حاضر شده و صحبت تربیت یافته و مشرب نعمت شدند چون
 مولانا جانب شاش آمده اقامت پذیر شد و چند سال ایشان نیز بیت
 و رک صحبت و در مقام شاش رسیده مقیم شدند و در کتاب تحفه الابرار که
 تصنیف یلی از یاران آنحضرت است دیدیم که حضرت حاجه محمد نامی
 بچند واسطه اولاد حضرت حاجه عبداللہ انصاری اند و آنحضرت حاجه از اولاد
 سعد بن معاوی انصاری اند که از اهل صحاب و انصار حضرت سعد سید البر
 بوده اند و السلام و نسبت نسب فاروقی از جانب جد مادری است
 که حاجه داود جد مادری حضرت حاجه احرار فاروقی نسب دارند و خال ایشان
 حاجه ابراهیم بن حاجه داود ابن حاجه خاوند ظهیر بن شیخ عمر
 باغستانی که هفده یا شانزده واسطه در نسبت نسب آنحضرت فاروقی
 اعظم دارند و شیخ عمر قدس سره از اولیاء کاملین بوده اند از اولاد حضرت
 عبداللہ ابن عمر رضی اللہ عنہ این ذکر در رشحات نیز هست و والد
 حاجه داود و جد آنحضرت حاجه احرار نسبت بیادات دارند و هم مذکور در کتاب
 رشحات است که میفرمودند حضرت جائیکه سیادات علوی میباشند
 اقامت فقیر بسد شوارنجیال آداب ضمیمه شجره واضح باد و فرزند ترتیبند

خواجه محمد نامی خواجه شهاب الدین شاشی بخواجه شهاب الدین شاشی
 دو فرزند کلانی خواجه محمد شاشی ثانی خواجه محمود شاشی والد ماجد حضرت
 خواجه عبید اللہ احرار قدس سرہ و سکونت جد مادری ایشان شیخ داؤد
 در تاشکند علاقه دیهم با غستانی حضرت خواجه احرار نشو و نما ظاهر و
 تربیت از جد مادری و خال خود حصول کردند تحصیل علم ظاهر بنوده بیعت
 از حضرت مولانا یعقوب چرخمی که یک از اجل خلفاء حضرت خواجه نقشبند بهاء اللہ
 قدس سرہ بودند الحاصل بعد حصول فیضانی دیدار جناب ظاهر باطن آنحضرت
 را شغل کشتکاری بود حصول معاش از زراعت بودند تجارت در سبب
 ظاهری از مال و اموال عزت و جاه اہل دنیا تو نگہ متمول میدانند حالانکہ
 مقولہ حضرت خواجه احرار است این میخ زرد رگل است نکہ در ول
 چو فقر اندر قبائی شاستہ آمد کہ بتدبیر عبید اللہ سبب آمد کہ
 مقولہ حضرت مولانا جامی رحمۃ اللہ است منقول است در اقامت موضع
 تاشکند آنحضرت متاہل شدند فرزند ان بوجود آمدند و دو پسر و چند
 دختر و انجبا از لطن زوجه اولی خواجه عبید اللہ عرف خواجگار رحمۃ اللہ علیہ
 عالم و فاضل حضرت خواجگار رحمۃ اللہ علیہ تربیت تعلیم بہ نسبت بطون از
 والد ماجد خود بہست بحبت صوری و معنوی و سہ خواہران ایشان ہر گاہ
 ہر گاہ اقامت حضرت احرار مجوزی سلاطین وقت تیموریہ بمقام مقرر

گردید در آنجا از عرصه اقامت حضرت عمده السالکین سید سیادت
 امیر تقی الدین کرمانی بود با خود با صحبت و مجالست ربطا رونمود بلکه
 نوبت مصابرت رسید یعنی سه دختر آن حضرت خواجه عبید اللہ حرّ
 بسفرزند امیر تقی الدین کرمانی کنی شدند و فرزند حضرت خواجه خواجگاناماد
 حضرت تقی الدین بودند از لطن آن عقیقه سه فرزند ایشان کلانی خواجه
 نظام الدین هادی دوی خواجه خاوند محمود سیو خواجه عبدالحق مشتری
 محی الدین بخیرت جانشین جد بزرگوار شده فیض بخشی خلق اللہ مشهور بودند که
 سلسله نسب صوری و معنوی از ایشان جاریست و شادی ثانی حضرت
 خواجگان از دختر خواجه نظام الدین اولاد حاصل بدایه گردید سه پسر ازین زوج
 نیز شدند خواجه عبد العیلم خواجه عبد الشمید خواجه ابو الفیض پدر
 بزرگوار خواجه محمد فیض معروف بخواجه فیضی که جد مادری جناب حضرت سید
 ابو العلا قدس سره بودند نسب نامہ حضرت محبوب جلّ علا در ذکر اولاد امام
 عبد اللہ با سابق تحریر شد منقول است چون انتقال حضرت امیر تقی الدین
 کرمانی در سمرقند شد حضرت خواجه عبید اللہ حرّ انصاری امیر تاملین بر دوش خود
 بردند و نماز جنازه ادا کردند باقی ذکر فرزندان حضرت خواجه محمد یحیی
 خلف ثانی حضرت خواجه سه فرزند ایشان خواجه محمد ذکریا خواجه عبد الباقی
 خواجه محمد امین دو فرزند حضرت خواجه محمد یحیی شهید که همراه بودند خواجه محمد

وخواجه عبدالباقی بهر دو معیت پذیر بزرگوار شدند شهید رسیدند بدرجا
 مجید الاخواجه محمد امین که محض طفل بودند از مملکت جانبر شدند تربیت و تعلیم ظاهر
 و باطن از برادر عمزاد خواجه عبدالحق یافتند اولاد ایشان کثیر است سبحان الله
 این واقعه مثل کربلا و باقی یک فرزند مثل حضرت امام زین العابدین علیه السلام
 پدر جمله سادات اندا حاصل فرزند خواجه محمد امین خواجه نور العین پسر ایشان
 خواجه النور ولد ایشان خواجه محمد امین ایشان خواجه محمد احمد پسر ایشان خواجه
 عبد الفتاح ابنه خواجه علی دوست رحمت الله علیه سه پسر ایشان یکی
 خواجه محمدی خان که از سماء بر نیایی بیگم دختر خواجه برهان الدین نظام الملک
 صوبه ملک و کهن بودند که خدا شدند بدین نسبت بر مراتب عز و جاه رسیده آخر
 اولاد گذشته بمعز نصرانی و سلطانی شهید شدند ذریات ایشان کثیر مثل
 ثم حبت النعم و فرزند دوم خواجه علی دوست خواجه رحمة الله ولد ایشان
 خواجه نصرت الله ابن خواجه امین الله ولد خواجه محمد امین عرف خواجه ذاکر
 اولاد شد کثیر و یکی آمدند حقت پیر از دختر خجسته اختر میهنون رئیس شهر
 که بمنزل شاه حیر الدین زبده المشایخین بودند که خدا شدند حسب
 تماینت و ارثیت بر کل ملکیت شاه صاحب موصوف اولاد ایشانند خواجه که
 صاحب پانچ پسر و پنج دختر خواجه ابو الحسن پسر کلانی ذمی ولد شده لا ولد
 شدند پسر ثانی خواجه محمد حسن بودند پسر ایشان سید حسن اند سیوم خواجه

احمد حسین حافظ چهارم خواجه علی حسین دختر گزشته رحلت کرد که از سید حسن
 منسوب شد پنجم خود رسال کرد انتقال باقی دختران کلانی از میر رعایت حسین
 رئیس شهر که خدا شد و چند دختران ایشان الایک پسر میر احمد حسین ثانی
 کتخدا از شیخ بشارت حسین رئیس شهر یک دختر و یک پسر ایشان پیاری صاحب
 که از دختر خاله کلانی کتخدا ذی ولد نیست سیومی از حکیم خواجه محمد حسین عرف
 خواجه امان ابن خواجه میر بخان نو اسه حکیم غلام نبی صاحب بودند چون یک فرزند
 گذاشته روجه شان رحیل ملک بفا شدند نام ولد حکیم خواجه عبد السلام که
 موجود اند دختر چارمی روجه اخی ام حضرت سید شاه مبارک حسین ذوی ولد
 شش پسر شد از انجمله سه موجود شاه عزیز الدین حسین و سید شرف الدین حسین
 و سید رضی الدین حسین و دختر پنجم خواجه ذاکر حرم روجه خواجه علی مرزا
 ابن خواجه اشرف علی ذی ولد اند و فرزند سیومی خواجه علی دوست
 خواجه عبد الله فرزند ایشان حکیم خواجه عبد الله ایشان ترکی تمام شد

از اینجا ذکر نسب ذریات خواجه محمدی خان میکنیم که

واضح باد خواجه محمدی خان از بطن بی بی برتانی بیگم چهار پسر و دو دختر
 از انجمله زوج یک دختر میر مولا بخش که پسر شان میر الهی بخش نو اسه خواجه
 محمدی خان بنجر روجه ایشان حال اولاد دریافت نشد دختر کلانی از
 خواجه محمد و جهه الله خان که خدا بفضله شدند اولاد کثیر یعنی سه پسر

از انجمله یک خواجه محمد شاه والد خواجه محمود شاه که از دختر میر باقر علی کتخدا شده
 خلف ایشان خواجه عزیز خان بودند که از دختر خواجه فخر الدین خواجه
 مابتاب که خدا بودند دوی خواجه آفتاب از محل اولی دویسری که خواجه
 محمد یوسف که شادی قبل ایشان از خواهر خواجه حسین علی خان شده بودند
 دختر یک پسر خواجه علی رضا ایشان منسوب از دختر خواجه حسین علی خان
 دویسری و دختر شدند اولاد یک پسر و یک دختر باقی دویسری خواجه محمد حسن
 که از صبیح جناب حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره که خدا شدند یک
 دختر که اولاد و فرزند رتبه بلند جناب خواجه لطیف علی رحمة الله علیه شادی
 ایشان از دختر خاله خود شده بود یک پسر شده دوازده ساله عمر رحلت کردند
 و از لطن ثانی و فرزند یک خواجه علی مرزا اولاد کلانی خواجه لطیف علی
 عرف شاه میا بخان که از دختر شاه اقبال حسین کتخدا شده سه پسر ایشان
 و یک دختر و دویسری خواجه آفتاب از محل ثانی بودند خواجه محمد امین و خواجه خسرو
 و پسر سیوم خواجه محمد و جبه خواجه مابتاب بودند و لد ایشان خواجه فخر الدین چون
 از ذکر اولاد دختری خواجه محمدی خان فراغت یافت از نیا ذکر اولاد پسر
 مینامی شمره و ذکر پسران خواجه محمدی خان مرحوم امضاباد
 خواجه محمدی خان را چهار پسر کلان خواجه علی عظیم خان ثانی خواجه
 عاصم خان سیوم خواجه محترم خان چهارم خواجه مکرّم خان سیوم چهارم

لا ولد خواجه علی اعظم خان را یک دختر زوجه میر غلام نجف ساکن باره در سی پیشان
میر نجف حسین و میر کا حسین و نام نامی پسر خواجه مدوح خواجه کاظم خان
دو دختر ایشان یکی والده خواجه علی رضا مذکور بالا و دوم والده خواجه
امام الدین عرف میر عزرا ابن مرزا ولی محمد خان ابن مرزا بهادر بیگ خان
دو پسر شدند ایشان یکی خواجه بدر الدین خان ثانی خواجه شمس الدین خان
عرف محمد نواب هر دو لا ولد و برادر خورد خواجه میر مرزا خواجه امیر جان انهم لا ولد
شدند و سه فرزند خواجه کاظم خان کلانی خواجه فرزند علی خان دو پسر
ایشان یکی خواجه نور جان عرف خواجه خوجم دویی خواجه محمد نجف ثانی پسر ایشان
خواجه شرف علی دسیوی خواجه نجف علی خان لا ولد ثانی خواجه
حسین علی خان که از دختر میر باقر علی مدوح کتبی شدند پنج فرزند و یک
دختر زوجه خواجه علی رضا نام پسران خواجه محمود جان دو پسر یکی مسعود جان
فرزند کلانی خواجه صاحب خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان که از دختر
عمه خود که خدا شدند لا ولد رفتند ازین عالم فرزند ثانی خواجه طالب علی خان
عرف خواجه سلطان جان و اما از خواجه خان بهادر خان سه پسر شدند زنده نه مانند
الا و دختران چهار یکی زوجه خواجه علی حسین عرف میر نواب ابن حضرت خواجه
ابو الحسین ابن حضرت سید شاه ابوالبرکات الغرض از بطن آن زوجه
یک پسر و یک دختر موجود و دختر ثانی زوجه نواب وزیر علی خان لا ولد و دختر

سیوم لاولدت از نیالم و دختر چهارم و زوجه خواجه محمود جان ابن خواجه علی رضا
 و فرزند سیوم خواجه ابو الحسن خان عرف خواجه حسن جان که شادی
 ایشان از دختر خواجه محمود شاه شده بود و اولاد نشد و سپهر چهارم خواجه
 محمد حسن خان عرف خواجه میر نجان ایشان که خدا از دختر خواجه عین الدین
 ابن شاه ناصر الدین خلف حضرت مولانا برهان الدین قدس سره یک سپهر
 ایشان خواجه وحید جان و دو از محل ثانیه محمد جان و قدرت جان چون رحلت
 کردند خواجه محب بلی لطف مودت خاندان ایشان شد خیمه گویا خیمه خواجه جان
 و برادر خور و ایشان خواجه وزیر جان بودند لاولد و از عقد ثانیه خواجه
 حسین علی خان جیبا خواجه علی حسین اند شمره و کرا و لاولد خواجه
 عاصم خان مرحوم سه سپهر ایشان و یک دختر و زوجه ثانی خواجه محمد یوسف
 که یک دختر از ایشان مسماة بادشاه بیگم زوجه ثانیه حضرت سید شاه
 قمر الدین حسین باقری نسب قدس سره فرزند بی وجود آمدند سید
 سلامت حسین نام بطفولیت رحلت نمودند و نیز خواجه محمد آفتاب
 را از محل دوم و دو دختر و دو پسر یکی خواجه محمد امین و دیگری خواجه خسرو لاولد شدند
 از نیالم علی نه کیفیت دختران نیز همین و خواجه محمد باهتاب را یک پسر خواجه
 فخر الشریک دختر ایشان زوجه خواجه عزیز جان ابن خواجه محمود شاه
 ابن خواجه محمد شاه ابن خواجه محمد و جبه مورث اعلیٰ هر سه برادر و برادر

ذکر اولاد خواجه علی اعظم خان

باید دانست خواجه علی اعظم خان فرزند کلانی خواجه محمدی خان و ثانی
 خواجه محمد عاصم خان سیومی خواجه محترم خان چارمی خواجه مکرم خان
 این هر دو برادر سیومی و چارمی لاولد از فرزند ان خواجه محمدی خان
 الا ماند اولاد کلانی و ثانی خواجه علی اعظم خان یک دختر زوجه سید
 غلام نجف که از ذریات حضرت سید فضل الله قدس سره لیسپر
 غلام نجف دو شند یکی سید نجف حسین دومی سید کلب حسین و خلفا
 خواجه علی اعظم خان خواجه محمد کاظم خان بایشان دو دختر دسه لیسپر
 خواجه فرزند علی خان کلانی و خواجه حسین علی خان ثانی
 سیوم خواجه نجف علی خان که لاولد ماند خواجه فرزند علی خان لاولسپر
 یک خواجه نوزحان عرف خواجه خوجم دومی خواجه محمدی ثانی ولد ایشان
 خواجه اشرف علی زیاده کیفیت معلوم نشد خواجه حسین علی خان
 که خدا شدند از دختر میر باقر علی یک از روسا و شهباز پنج لیسپر و یک دختر ایشان
 که خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان از دختر عمه خود که خدا شدند
 بی اولاد رفتند از پنهان ثانی لیسپر خواجه طالب علی خان عرف خواجه
 سلطان جان که از دختر راجه خان بهادر خان که خدا شدند چهار دختر
 ایشان یکی زوجه جناب خواجه علی حسین عرف میر نواب یک دختر و یک لیسپر

ایشان دومی نواب وزیر علی خان که خدا اولاد نیست سیومی لاولد رفتند از ایشان
 چارمی زوجه خواجه محمود خان ابن خواجه علی رضا و پسر ایشان
 پسر سیومی خواجه ابوالحسن عرف خواجه حسن جان که از دختر خواجه
 محمود شاه که خدا شدند لاولد مانند چارمی خواجه محمد حسن خان
 عرف خواجه میرنجان که از دختر خواجه عین الدین ابن شاه ناصر الدین
 که خدا شدند یک پسر از انجمله باقیست می خواجه وحید خان
 دو پسر از محل ثانیه خواجه محمدنجان و قدرت خان موجود اند و پسر چارمی
 پسر پنجمی خواجه علی حسین عرف خواجه وزیر خان لاولد رفتند و عین
 جوانی و از محل دیگر خواجه حسین علی خان یک پسر خواجه علی حسین
 موجود ذی اولاد اند باقی از یک خواهر خواجه صاحب زوجه خواجه
 محمد یوسف پسر ایشان خواجه علی رضا که از دختر خواجه صاحب که خدا
 شدند دو پسر و دو دختر شدند ذکر اولاد دختر چه نویسم پسر خواجه
 محمود خان نام دومی خواهر خواجه صاحب زوجه مرزا ولی محمد خان
 ابن مرزا بهادر بیگ خان و دو فرزند ایشان شدند یکی خواجه الم الدین خان
 عرف میر مرزا دومی مرزا امیر خان لاولد از نیکان بی بنیان رفتند کلانی را
 که که خدائی از دختر عمر شده بود و دو پسر شدند بدر الدین خان دومی
 شمس الدین خان هر یک لوجوان از نعیالم رفتند اعقاب یکے مانند

فرزند ثانی خواجه محمدی خان خواجه عاصم خان سه پسر ایشان و یک دختر
 خلف اولین خواجه جعفر و دومی خواجه اکبر سیومی خواجه اصغر و دختران
 بودند هر دو برادران الایسر خواجه اکبر خواجه امیر علی عرف خواجه کلو
 و دومی خواجه وزیر نو جوان رحلت کردند اعقاب نمائند الا اولاد خواجه
 امیر علی صاحب شد باقی نمائند و خواهر ایشان از جناب حضرت خواجه ابوالخیر
 رحمه الله علیه نسو شدند و دو فرزند ایشان خواجه ابو محمد و خواجه ابو احمد و خریکی
 از ان هر دو برادر خواجه جعفر یا خواجه اصغر زوجه عالیه جناب حضرت خواجه
 ابوالحسن قدس سره الله و فرزند و یک دختر بوجود آمدند کیفیت تبصریح
 و به ذکر انساب جناب حضرت صاحب قدس سره شد نوشته نیست احتیاج
 تسوید تکریر الحاصل بعد حلت محبه و مشفق خواجه محمد حسن خان عرف خواجه
 میرخان اوخل فی وضعه الجنان گویا شد تمام و ختم خواجگان اخلاق
 که داشتند بند و لاین فقیر حقیر گنجد در بیان و نه بحیطه تحریر مرحوم مغفور
 کیفیت احرار یان بزرگان قصبه شهر کهائی سکونت که اکثر
 داشتند منصب قضا در کتاب شجره طیبه تبصریح تحریر است احتیاج مکرر شد
 بسیار عماید بزرگان بوده اند شجره اصل فصل بلکه وصل
 در ذکر جناب حضرت شاه فرهاد قدس سره و
 حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره

باید دانست از آنجا که ذکر نسب پیران سلسله دهب این خاندان تبصریح
 بموقع خود شد بیان الکیفیت مسلسل معلوم نشد انحضرات چند آنکه
 دانست درین کتاب تحریر نمود جناب حضرت شاه رکن الدین عشق
 قدس سره المعروف مرزا شاه کسبی قدس سره شیخ فاروقی اند و نسب بدی
 و نسب مادری جناب حضرت شاه فرید قدس سره جدی انصار شیخ اند
 و جانب نسب مادری مرزائی جانب تیموریه سلاطین اصف بادی که از رؤساء
 علاقه کابل باشد پیشا و ریاضی درینجا صاحب نصف در انجناب بدینطور
 نوشت الحوصله شیخ محمد افاق ابن شیخ محمد اسحاق انصاری نسب نسب
 پیشه تجارت از وطن آمد و رفت تا به شهر و بلی داشتند پس درین آمد و رفت
 بمال تجارت منتفع گشتند و در سوخت بدر بار شاهی پیدا شد از بر صغیر گیر
 و نیز فرزندان ایشان شیخ محمد سمیع مرتبه رفیع همراه والد ماجد خود می آمدند از قضا
 الی چون والد ایشان گذشتند سرشته حیات و رفتند در حیطه مات بعد قضای
 والد ماجد این نیز آمد و رفت بدان شغل داشتند بلکه از آن زیاده رسوخیت
 بدر بار شاهی کردند پیدا آخر نوبت مصاهرت افتاد بمعاینه صورت نجابت
 و شرافت زیاد از فریاد تیموریه از دختر مرزا فیض الله ابن مرزا عبد الله
 گردید شادی نام نامی عظامه بود بی عهده بیگم بعد ازین کیفیت
 سرور بمرو را بطه منصب امیر الامرای یافتند صوبه برهانپور نیابت نواب

برهان الدین خان مخاطب نظام الملک بهادر وزیر مخاطب شدند شیخ صاحب
 مدوح امین الدوله حفاظت للملک از آنجا که مضطرب علی یافتند بسیرت اخلاق
 داشتند بتواضع و منکری و نیز از درویشان زمان عقیدت داشتند کمال بهر جا
 می شیندند نام درویشان مشایخان میرسیدند بهر ملاومت چون رسیدند
 در نواح شهر اورنگ آباد شهر فیاضی جناب حضرت میرسید دوست محمد
 قدس سره شیندند از حد ازدیاد روزی از روزها رسیدند بهر ملاومت رسیدند
 و صحبت الیه بهر یاب شدند چون چند بار شد حاضری در بار یکروز همراه خود
 فرزند رتبه بلند خود را نیز بردند در الوقت سن به دوازده سالگی بود آغاز جوانی
 حضرت میرسید دوست محمد در الوقت منجورند بر یک تنبول یک گلوری پان
 از دست مبارک خود بشیخ محمد سمیع دادند و دیگر گلوری از دست پاک خود در
 دهن صاحبزاده ایشان نهادند گویا در الوقت در فیض کشادند پرسیدند
 نام عرض ساختند بآداب کمال عقیدت محمد قمری و حضرت با شماع این متبسم
 شدند و بوالد بزرگوار ایشان دادند مبارکباد فی الحال کیفیت قلب شد در گون
 اینچنین احوال نوشت بالا حضار از رساله اسباق ثلاثه من تصنیف شاه چراغ
 که از یاران حضرت بودند حضرت شاه فرمود قدس سره کیفیت بیان میکردند
 بجز خوردن بر یک تنبول آنچکه کیفیت در انجملای قلب شد پیدا از خاطر محتر
 بیرون است فلاندم پیدا شد از آنحضرت اعتقاد بلکه بجلسه و هم سیوم از آن زیاد

چون الداجد ایشان نواب امین الدوله بسوی برهانپور حجت بند و بست ملکی
 و مالی میفرستد لعل گزیده همراه برفتند درین شهر ماندند و غشت پدر بزرگوار
 بحجت چند نوبت رفت بلند شد نوبت بیعت رسید و تربیت استغراق
 شد و امنیکیر کمال از کار دنیاوی باز ماند بسبب ضحلال و از اوستاد نیر
 بدین مدرس رسید احوال از آنجا که حضرت باری را بوده افضال درین بن
 شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمود
 از قصیه برهانپور کیفیت صاحبزاده دیده حیرت شد پید او از اوستادشان
 جمله حالات غیبت شد هویدا در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا
 را بدنیاداری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند بهر ملازمت
 بعد جلسه چند بلب خود آوردند کلمه شکایت یا حضرت منم یکے از مجرائے دربار
 بادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد از صحبت با برکت گویا کشتی رسید
 در تباہی لایق خدات سلطنت در بارشاهی نماز حضرت فرمودند در
 جواب ای شیخ صاحب منجواہی کہ این طفل باشد یکی از مجرای شاهی فردم هست
 بخوبی آگاہی کہ امر او سلاطین را نہ پیش این دولتش سیرت در آید بحجری
 ای صاحب این واقع کہ بسا نہ هست جای نلال بلکہ صورت است دولت
 برای جاہ بخیر صنا و تسلیم هیچ مانند چارہ شکریہ بجا آوردند تسلیم میکردند
 بعد چندی وصحبت چنان شد فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

نوشته نمودند نافون جای اقامت ولایت شد تجویر شهر دلی
 درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دلی بجای سکونت پدري
 بجله مغلیه که دران زمان بسیار آباد اقامت پذیر شدند جناب حضرت
 شاه محمد فرزند مشغول شدند بر شد و رشاد و خلاق به تعلیم اسرار و قایق هر یک
 از ان از دیگر شدند خالق آخر قبول کردند خلفای به چهار کی شاه ضیاء الدین
 دومی شاه محمود گاهی این هر دو زیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دلی
 کردند بسیار سیومی حضرت میر سید اسد الله خلفا را می آخ شدند جان نشین
 چارمی از خلفا عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی
 تیر گردید و زمره امرا را الین تیموریه از دختر خجسته اختر مرزا سعد الله
 نجیب الله و له مخاطب نام آن بی بی بوده مسماة فرحانه بیگم جناب حضرت
 قطب الارشاد شاه محمد فرما و لا از لطن آن عقیقه پیدا شد یک
 دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النساء بیگم عرف بو بوصاحبه
 هنگام سن بلوغیت دادند باز دواج از شیخ محمد کریم ابن شیخ طفیل علی
 که نسب نسبت استند فاروقی از اولاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله
 چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب مسلسل نیافت آنچه دانست تحریر نمود
 الحصول از لطن زنان عقیقه پیدا شد کمال فسرزند رتبه بلند زیب ده
 فیضان حضرت خواجہ نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین تخلص عشق بودند

شاید در حین طفولیت از پیار و محبت دایه پند باید گفته باشد مرزا گسیما معرو
 شدند القصد آنحضرت را تربیت باطنی و حصول سعیت بطریق عالیه نقشبندی
 از حضرت مولانا برهان الدین خدا ناست که از خلفاء جلیل جد مادی
 ایشان بودند و نیز در حین اقامت بیک شهر در شهر تپه عظیم آباد تا دوازده
 سال ماند حصول صحبت و تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم
 جناب حضرت شاه محمد منعم قدس سره که این حضرت نیز از یازان جد مادی
 آنحضرت بوده اند الحاصل جناب حضرت عشق قدس سره کمال ترک و مرفوشی
 باین وجاهت و لیاقت گذرانیدند در ویشته مقدیه بود صرف خانقاه و روبرو
 خود مکان درست ساختند چنانچه فیض شد حضرت عشق قدس سره
 خطاب آتاهای دلپس بر دم ای عشق که مبارک ہو به تبه کومیر زانی که
 در شهر عظیم آباد در ویشته را بگرد و فرار رسد و از مشایخین باخوار و خجسته اطوار
 سلسله پیرانند هرگاه رسید خبر که مولانا برهان الدین کردند رحلت پیوستند
 بجوار رحمت در علاقه لکنو بمقام اقامت داشتند بمحرو استماع این خبر
 چند مریدان معتمد را فرستاد بهر آوردن اهل عیال بسوی لکنو خالص بوج
 بالاخر مریدان عالی مقام معه خدام آوردند بسواری رتبه و پاکلی با عز از و
 آرام و اضح با حضرت مولانا برهان الدین خدا ناست بودند و
 دختران نوجوان و صاحبزاده همه پشاه ناصر الدین دوازده ساله بود

بیلوغیت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را ترو و نسبت شریف
 تلاش مصابرت لبشر فاد اینجوار آخر فقر نسبت صاحبزادی خورد از شاه
 قل احمد ابن جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که یکی از خلفاء حضرت
 عشق قدس سره بودند یافت باصرار مجان و معتقدین صلاح این امر بشود
 از جناب مولوی سید حسن رضا قدس سره نمودند آخر باصرار تمام که خدا
 صاحبزاده کلانی از آن حضرت شد انجام حاصل از لطن زوجه حضرت یک دختر
 شدند و دو پسر انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر
 و یک پسر در آمدند بوجد دختر از میر حیدر علی منسوب شد از پنجهان لای
 رفتند و نام نامی سپهر الیقدر خواجه لطف علی ملقب خواجه مرزا و صاحبزاده
 ثانی که از شاه قل احمد صاحب که خدا شدند پیدا شد یک دختر منسوب شدند
 از میر غلام رسول بایشان نیز شد یک دختر مسماه حسینه بیگم از جناب
 خواجه لطف علی صاحب شدند که تخته او یک پسر در آمدند بوجد مسماه خواجه
 التفات علی مدعو نور خان بخیر زمانه بلوغیت رحیل ملک بقا شدند الاولاد
 فرزند رتبه بلند از محل شدند یکی عظامی نام نامی خواجه لطیف علی
 عرف شاه میا بخان ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا
 شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن
 مخدوم شاه بدر الدین مرزا شاه باز پور اند ثانی از میالام لاولد رفتند

الاسیر دیک ختر اندر صاحب کلانے خدا یا تکیه آباد باشد شمره و ذکر
 نسب انصار که آمدند و نیز جو از معروف است شیخ انصاری مخصوصا
 در بهار باید دانست بندگان مخدوم و ششمند که اقامت خود ساختند
 بموضع منوره علاقه بهار میگونی چرب خود در اینجا نصب کردند و گفتند این
 مور اچا پنجه بدان نام معروف شد الغرض انجناب و نسب انصاری شیوخ
 اند از اولاد حضرت ابودردا انصاری که صحاب کبار آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 بودند و فرزندان این بزرگ بندگان شاه عبداللطیف از دختر
 مخدوم شاه دوست منیری که خدا شدند ذی اولاد شدند نام پسر بزرگی
 شاه عبداللطیف شیخ عبدالوهاب ابنه شیخ صدر الدین ابنه شیخ برطی
 طیب ابنه شیخ عبدالغنی ابنه شیخ عبدالاحد ابنه شیخ عبدالجلیل ابنه شیخ
 محمد خلیل ابنه شاه غلام محمد والد شاه سیف اللہ موروثی نواسه
 ایشان شاه اطیب اللہ ابن مولوی شاه امین اللہ شاه طیب اللہ را و پسر
 چهار دختر همه در اقران که خدای اولاد الافرنده کلانی شاه محمد بهاء الحق
 معدن جود و سخا نشند که خدا اولاد شد پیر اورثانی شاه
 تراب الحق که زوج عمه این خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر
 فرزندان حضرت جد ماجد خود خواهد نمود

ضمیمه در نسب انصاری مهاجران اول

واضح باد یکی از مشایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد اینجا شدند
 و برادر اعیانی شاه شمس الدین عرف شاه سمن مخدوم نام دیگر برادر معلوم
 نشد در حضرت بهار سیده بیعت بطریق حشمتیه نصریه حصول آن
 خلفاء مخدوم شاه تیم الله سفید باز و در صحبت و تربیت یافتند و فیضان کمال
 در مقام اول تکیه ساختند اقامت پذیر شدند اولاد ایشان بابرادر ایشان
 شد جاری بچند واسطه شاه امام علی عرف شاه بدلو صاحب سجاده پنجم
 پسر ایشان شدند و یک دختر مسماة قدرا شادی از میر جان علی شد از محل
 اولی برادر میر سلامت علی ساکن جوین پور پرگنه اول از آن دختر شد و نام پسر
 کلانی شاه امجد حسین بعد پدر خود زیب سجاده بودند شادی ایشان
 در اول شد یکی از دختران عمه او شاه حسین علی ابن مولوی وارث علی
 پسر شاه امجد حسین شاه شجاعت حسین داماد مولوی شاه حسین علی
 مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاه امجد حسین بودند شاه
 مراد حسین یک دختر یک پسر ایشان شاه سخاوت حسین دختر زوجه
 اولی شاه راحت حسین بنیره میر احمد علی مرحوم شاه امجد حسین پسر ثالث
 شادی ایشان در موضع قاضی چک پرگنه مسوذه ضلع پٹنه شد در کفویت
 مولوی غلام قادر مرحوم مفتی چک پسر و یک دختر ایشان چهارم پسر شاه امام علی
 اند شاه نیر حسین یک دختر و دو پسر ایشان هستند پنجم پسر شاه امام علی

شاه رحمت علی ذی اولاد هستند باقی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد
از اینجا که بزرگان نامی بودند اینچنین آنچه که دانست تحریر نمود و بانی در حضرت
بهار شهر محلہ انصاری است شیوخ انصاری بوده اباد از اینجا یک بزرگ
بودند شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد بشیر زوج خواهر منشی سید محمد خلیل خوشنویس دیگر
بزرگے از اولیا و کبار متصل جهان آباد اند اهل فزار اولاد ایشان ذی اقتدار
یکے از ان شیخ عبد القادر وکیل و از نو اسگان مولوی عبد القادر ابن حکیم
مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دارند عم ایشان
کلانی مولوی محمد سمیع ثانی مولوی محمد فرید اند و ثالث مولوی فدا حسین الایک
برادر مولوی عبد القادر حافط ابو احمد هر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی
افضل علی حکیم مجلس دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواهر حضرت شاه
غلام حسن ابن جناب حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نام نامی
مسماة بصیر از وجه مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقاً اصل نسل مبنی بر سلسله فرعی در ذکر فرزندان
حضرت امام محمد تاج فقیه

فرع اول مذکور فریت مخدوم شاه اسمعیل قدس سره
فرع دوم مذکور اولاد مخدوم شاه اسماعیل قدس سره
فرع سیوم در ذکر اولاد مخدوم شاه عبد الغفری قدس سره

رده و ثمره ثمره اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیری والد مخدوم شاه
 شعیب رحمه الله علیه ثمره دوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لنگرین
 قدس سره باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیه که ذکر نسب نامه ایشان بالا تحریر شد
 قریشی هاشمی مطلبی انداز اولاد عم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سبب ورود
 ایندیار حسن است در قصبه منیرستان کفار بود و ملت شد مدغلط راجه مینار
 نام داشت در حق مسلمانان از عالم غیب با حکم حضرت بنیادین پناه مع اهل
 و دو لیسر خود وارد شدند بدین دیار راجه مینار چون در جنگ شکست یافت
 فتح اهل اسلام نصیب شد حضرت امام تاج فقیه در انوضع طرح اقامت انداختند
 هرگاه از وجه شان کرد و انتقال پیدا شد حزن و ملال و لایت این دیار
 بهر دو فرزند ان تفویض نموده و از آن لبوی مکه معظمه گشتند فرزندان
 مخدوم شاه اسرائیل ثانی مخدوم شاه اسمعیل هر دو برادر با خود
 بموافقت ولایت میقیم شدند و حضرت امام محمد تاج فقیه در مکه معظمه رفته
 از خواهرزوجه عقد کاح پرداختند یک لیسر شدند مخدوم شاه عبد العزیز
 نام حسب وصیت پدر بعد انتقال شان به ملاقات برادران رسیدند بعد
 او را که تعرف و نشان خاندان بمراجعت پرداختند چنانچه مخدوم شاه عبد العزیز
 بمهره برادرانند و مخدوم شاه اسمعیل حسب تقسیم ولایت عبور گنگ در ضلع
 تربت اقامت پرداختند اولاد از هر یکی برادران جاری شد حالا تحریر نمائیم

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسمعیل بن حضرت امام
 محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسمعیل راشد و فرزندان
 چهارم هر یک صاحب مقام عالی تبار یکی ازان جمله کلانی مخدوم شاه ابراهیم
 ثانی مخدوم شاه منهاج الدین سیومی مخدوم شاه صلاح الدین چکر
 مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه منهاج الدین
 و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد لشه الا هر دو برادر ذمی اولاد شدند پسر
 مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه علی اولاد ایشان بمقام کجائوه موجود است
 الا از نام آنها خبر دانست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه
 جلال میری ابن مخدوم شاه عبد الغزیز که خدا شدند و له الرشیدشان
 مخدوم شاه شعیب قدس سره شیخیومی صاحب ولایت الا مخدوم شاه
 صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علاء عرف شاه قاض بود و دو
 پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله سرست اولاد ایشان
 مشایخین موضع سیئوره هستند پیش ازین نام دریافت نشد و پسر ثانی
 مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه
 علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشایخین موضع جنده از اولاد این
 بزرگ هستند یکی ازان مشایخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا
 پیر جناب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

خلف ایشان بودند شاه بنده علی داماد کلانی جناب شاه امیر الدین
ممدوح انقدر دانست نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریه مخدوم شاه اسرائیل بن امام محمد تاج فقیه کسره

واضح باد حضرت مخدوم شاه اسرائیل را دو فرزند رتبه بلند کلانی بودند مخدوم
یحیی منیری ثانی مخدوم شاه مظفر که در جوانی رحلت کردند اولاد مندانند
حضرت مخدوم یحیی را کتختائی از بی بی رضیه بنت مخدوم شاه شهاب الدین
پیر جگوت گردند از لطن آن مخدوم چهار فرزند مراتب بلند شدند از همه
برادران خورد مخدوم شاه حبیب الدین که همراه برادر زاده خود مخدوم شاه
ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکر و رحلت کردند اولاد بودند
کلانی مخدوم شاه خلیل الدین که مرید و خلیفه الداجد خود بودند سکونت در
مقام منیر داشتند نیز در انجامزار موجود دو فرزند ایشان یکی مخدوم شاه اشرف
خلف کلانی حضرت مخدوم یحیی منیری قدس سره مخدوم شاه خلیل الدین دو
پسر ایشان مخدوم اشرف الدین و مخدوم منور الدین هر دو برادر مرید و فیض یافته
عم المحترم حضرت مخدوم شاه شرف الدین بهاری بودند اولاد مخدوم شاه
اشرف الدین جاری شد بدرجه هفتم انجناب و رنسب حضرت مخدوم شاه
دولت منیری عالی تبار فیض آثار شده اند عقاب مانند برادرشان شاه

جلال الدین را فرزند شدند نسب بعد نسب علی الترتیب سجاده نشین
 قائم است چنانچه بزمان ابن فقیر شاه قطب الدین احمد ابن شاه مبارک حسین
 عرف شاه دهمون بودند حال ادا داد شاه قطب الدین بعد شاه امجد حسین
 ابن حضرت شاه محمد سلطان بهاری محله چاند پوره جانشین فی اولاد اند
 برادر شاه مبارک حسین شاه لطف علی را دو پسر شاه منور و شاه بهیکرین دو
 خواهر ایشان یکی زوجه شاه محمد منور کوجوی سپهرشاهان محمد خلیل پسر ایشان
 احتشام حیدرونیریک دختر و دو فرزند دختر ثانی شاه لطف علی شاه اولاد علی
 و شاه فرزند علی درینجا نسب بالا حضرت شاه مبارک حسین منو بسید و ارض با
 شاه مبارک حسین عرف شاه دهمون شاه لطف علی ابنان شاه محمد محمود
 ابن شاه محمد ملی ابن شاه عنایت الله ابن شاه اشرف منیری ابن شاه
 محمود حافظ ابن شاه محمد ابن شاه جلال الدین که برادر اعیانی مخدوم شاه
 دولت منیری بوده اند ابن شاه عبد الملک ابن شاه محمد اشرف منیری ابن
 شاه محمود ابن شاه سلطان ابن مخدوم شاه حسام الدین عرف شاه
 جهان ابن شاه اشرف الدین ابن مخدوم شاه خلیل الدین ابن مخدوم
 شاه یحیی منیری ابن مخدوم شاه اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره
 فرزند دوم مخدوم شاه خلیل الدین ابن مخدوم شاه یحیی منیری بودند و خلیفه
 برادر خود مخدوم الملک شاه شرف الدین احمد چنانچه در بالین مزار برادر آسوده اند

یک دختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین
چلک شش که خدا شدند و دختر شدند با ایشان بی بی ماه خاتون دو
بی جمال هر دو از برادران عمزاد که خدا شدند از سید سکندر رسید که اولاد
سید سکندر جاری شد بموضع اوترالاری موجود اند و نیز در موضع گهرات
سید بشارت علی و غیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند
متوسط حضرت یحیی سنیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد
صاحب ولایت علاقه صوبه بهار با حضرت یک فرزند مرتبه بلند مخدوم شاه
فکی الدین بحالت مستی در عقب پدر بزرگوار جان بحق نمودند تسلیم بمقام شکر
کتبخانه سیادت شده بودند یک دختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین
چلک شش ابن مولا ماسید علای الدین که خدا شدند نسب نامه ایشان
در سیادت تحریر شده است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یک دختر
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جوهر
که خدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریت فرزندان برادر و خواهر و
در ذیل گفت مخدوم الملک دارمست چرا که ذکر طویل است از اولاد مخدوم الملک
از در باب ایشان مراد است

فرع سوم اول و بیان اولاد مخدوم شاه عبدالعزیز نمیشی بر دو
شمار اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال سنیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

شمره دوم فرج سوم در ذکر اولاد محمد دوم شاه سلیمان لنگر مین
 بیان شمره اول و حالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه
 عبدالغفور واضح باد که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیحه مخدوم شاه
 ابوبکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه
 اسمعیل گرد نام آن بی بی سعیده از لطن این بی بی یکفرزند ترسید بلند
 مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد احوال مخدوم شاه شعیب
 قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه مای
 جد مادری ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا فوان رحلت پدر شد بمقام

قصیده منیر

بیان حالات شیخ المسلمین حضرت مخدوم شاه شعیب سال سره شنبه پوری
 واضح باد وقت رحلت پدر بزرگوار بعمر هفت ساله بودند هرگاه بس شعور رسیدند
 روز بروز در جسم لاغری عیان شد از والده ایشان کیفیت خورش و نوش
 پرسیدند در جواب گفتند در طعام خوردن نوش و نوش دروغ نیست الا خایان لا خیر
 شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری جسم و التفات نمودن و خوردن و نوش
 عرض ساخت هرگز مرا غم تنبیه نیست و نه شکایت زرق میکنم الا ماجرایی بکرد
 چنین ست سوی گورستان رفته بودم دیدم چند مردگان قبر مبتلا بعبادت
 در حق ایشان دعا و مغفرت نمودم از آن روز مرا سبب خدا تعالی طاریست

و سلسله اشک جاری میخوام عزت اختیار کنم بگوشه شوم ستواری در آن روز
 جدادری ایشان بظفان مانع شدند شعیب را همراه گبورستان مبر و گفتند
 و بنوقت این طفل را کیفیت کشف القبور پیدا شد و تاکید بر معلم ایشان نیز
 گفتند زهر و تویخ هرگز باین عزیز رواندارید این ولی الصدق یکله از و اصدان
 گرچه بعمر خود است حکایت است روزی همراه او ستاد خود بهر کاری
 میرفتند در آن راه دیدند کمنه دیوار حبت کرده بر دیوار شدند سوار چون
 معلم از پس ایشان دو آن بحکم ایشان دیوار شدند و آن نقل میکنند هنوز
 موضع کجا نوان آن دیوار همچنان موجود است مردمان زیارت او میکنند
 بر خاص و عام میشوند فائز المرام هرگاه جدادری ایشان یافتند وفات
 عمرشان زده ساله در الوقت بود از اجازت مادر خود روانه بسوی منیر شدند چند
 در آنجا قیام کرده از زیارات فرار پدر و جد بزرگوار فراغت یافته از آنجا مراجعت
 کرده در قصبه وانا پور جاے عافیت یافته گوشه نشین ماندند و ریاد الهی
 مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از آنجا روانه شدند بسوی
 راجگیر خبر برادر معظم خود شنیده بودند که در آنجا مخدوم الملک گوشه نشین اند
 چون اندر چله حضرت مخدوم را مدن ایشان منکشف گشت بیروان آمده
 ملاقات کردند و گفتند ای ماتمها درین جنگل بیابان میانم و تو نو جوان هستی
 جای خطر است از شیر و اژدها و پناه را اینجا مباش اما دان روانه سر باطن

تلقین کرده ایشانرا خست نمودندی آرد از آنجا جانب دیار شرقی عازم
 سفر شدند در اثنا راه بمقام شیخپوره در دامن جبال بیرون آبادی
 جائے عزلت نشین گردیدند چون ساکنان آنجا ملک زادگانرا خبر شد مجوز
 بهر استقامت آبادی و معتقد از کرامات شدند فرمودند ثمانیزدین بیابان
 اگر جوار معیت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از غم
 مفارقت شده بود بهر دیدار نورالابصار تشریف آوردند ایشانرا انکشاف
 این امر دست داد بهر ملازمت والده ماجده بطور استقبال رفتند بمقام
 تورپکنه غیاثپور ملازمت شد حصول عرض کردند جائیکه میباشم بر خطرات
 از فرزندگان تشریفبری آنخدمه در آنجا مناسب نیست در اینجا تشریف
 دارند امروز پنجشنبه در آنجا به زیارت خواهم رسید میگویند تاحیات والده
 ماجده همین معمول داشتند به زیارت میرفتند هر چند وفات والده آنجناب
 در آن موضع است زیارت عام و خاص القصه چون ازین تعلق طمانینت
 قلب شد از شیخپوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام
 که کوچ بهما زمانند الی آنجا راجه بود از قوم هندو او معتقد جوگی سید
 بود جناسی چله بامیکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله یکیشی یا چلی گفت
 چله میدانم الا چلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی دوازده سال را گذرانیده
 و چله چهل سال باشد آخر بمقابله راجه آنجواردن او هر دو قصد چله کردند

بی آب و دانه بنیت چهل سال بیرون شهر جدا جدا هر دو غزل نشین شدند
 بی آب و دانه و هر دو جای را از هر چهار طرف دیوار کرده راه آمد و رشت کردند
 مسدود و نقل نمایند این ماجرا را بالا شد از چهل سال را اکیں در الوقت و نیز
 راجه بمرد الا در آن زمان نمیره راجه مذکور بجویمت راجگی بود بعض کسان
 دیرینه الوقت ما کیفیت شنیده این شرط چله راجه را کردند خبردار راجه در الوقت
 این کیفیت شنیده معماران را حکم جای هر دو چله و اگر دن دادند چون جا
 جوگی کشا و دند خراستخوان بوسیده چیزی نیافتند الا چون جای غزلخانه آنحضرت
 و اگر دند آثار حیات یافتند ذکر انفاس بود جاری فوراً راجه با احتیاط تمام آنحضرت
 را جامی محفوظ و اگر ده داشت و از مایش روغن و غذای حقیقت مهمتم خدمت
 شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود و عا کرده در حق
 شان از انجام مراجعت سوی موضع شخمپوره نمودند و درین حال انتقال مخدوم
 قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مظفر است از دیاد زمانه منقولست که حضرت
 مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا مظفر بلخی قدس سره چنین فرمودند
 که روزی از روزنا برادرم شاه شعیب درین نواح خواهد رسید خبر تربیت چند
 نوبت بیعت نرسیده است این تبرکات و خرقة فقیر با و رسانی و هر که گوید و این
 مدانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تقویض به مخدوم شاه حسین
 کرده بودند بدان وصیت هرگاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام شیخپوره

دریافتند حال انتقال این بزرگوار قصه کرده بهر زیارت هزار در آنوقت مخدوم
 شاه حسین نیز معتکف بودند این حال دریافتند فرزند خود مخدوم شاه حسن را
 مع خرقة و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می آرند در آنجا
 راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیر درختی معانقه و مصافحه با خود باگشت
 بعد ساعتی تبرکات آورده خویش مع خرقة پیش کردند چنانچه با وضو شده آن
 خرقة را پوشیدند و سرنجیب در مراقبه شدند گفتند البته ازین خرقة فیض کمال
 شد حصول آلاهنوز امر بیعت بجا نآورده ام بدستور معمول دست خود بسیار
 بیعت نمایم مخدوم شاه حسن کمال عجز و اعتذار شامل شدند فرمودند آنچه که
 والد بزرگوار گفته بودند از آن دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین
 قدس سره است احاصل بعد حصول امر بیعت هر دو بزرگوار از یکدیگر می رخصت
 شدند مخدوم شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و مخدوم شاه حسن بسو
 بهار آمدند و ماجرای از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت
 مخدوم شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حال که جای مزارست مشهور کما سن
 واضح باد حضرت مخدوم یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از بطن آن زوج
 سه پسر و از بطن دختر سلاطین یک پسر از هر دو زوج اولاد شد جاری حرکات
 کرامات و حالات آنحضرت بسیارست از کتاب تصنیف یکی از خلفا نشان
 انتخاب کرده نوشت بطور اختصار از اولاد آن مخدوم و فریق اندسینه مذہب

و امامیه مذہب سکونت ایشان فریب فرار و سکونت اہل سنن بیرون آبادی
 قصبہ جانب مغرب معروف است بیگنہ شیخپورہ در انجا مشایخان میمانند باید
 دانست لقب چہار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسر شہار الدین
 ثانی شاہ محمد منصور سومی شاہ مظفر این ہر سہ از یک مادر اند و لا ولد سومی
 دومی ولد الا جانشینی ترتیباً و امزیت در برادران یکے بعد دیگری ماند چارمی
 شاہ حیدر عرف شاہ خدا بخش اہل حاصل شاہ مظفر را پسر شاہ نظام الدین
 کہ از دختر عم خود شاہ خدا بخش شدند کہ خدا و بعد شان زیب سجادہ گشتند و
 پسر شاہ خدا بخش شاہ غلام حیدر ہر دو دومی اولاد الا طبقہ اہل تسنن از اولاد
 شاہ نظام الدین اند و طبقہ اہل تشیعہ از اولاد شاہ غلام حیدر در اولاد ایشان
 امرامی دومی جاہ و صاحب منصب اند زائر حسین خان و محمد حسن خان و محمد کیمی
 خان خلف ثواب ابو القاسم خان و غیرہ چنانچہ زائر حسین خان و محمد کیمی خان
 و یکی از نواسہ محمد حسن خان ثواب الطاف حسین خان و برادر علی قاسم خان ثواب علی
 ابراہیم خان خلف ایشان ثواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان
 ثواب عنایت حسین خان و ثواب غلام علی خان و علی محمد خان و غرت علی خان
 و علی بخش خان و نیز اولاد برادر ثواب نصیر الدین علی خان موجود اند و اولاد
 در اطراف موضع تیلادہ شاہ احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اند بدین مذہب
 و آنانکہ در مذہب سنیہ اند سکونت پذیر بیگمہ اند شاہ تراب علی سجادہ و ذوال

وخواهرزاده ایشان شاه جمال علی سپه‌ایشان شاه مظفر و یکی از فرزندان
 مخدوم مظفر حسین جان و میر امید علی صاحب و میر سعادت علی نسب جدی ایشان
 بحضرت سید شاه فضل الله عرف سید گوسائین و میر شاه محمد علی صاحب
 و شاه لطافت علی صاحب و میر عبدالحسین و اخوان نیز ایشان اند که نام هر یکی
 یا ذمیت الا ترتیباً واسطه نسب و و بزرگ که به یکی نسبت قرابت و دوی سلسله
 بیعت است مینویسد آنچه که یافت دریافت یا بداند است یعنی از فرزندان
 حضرت شاه نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب
 قدس سره جناب شاه ابراهیم حسین نوابادی که در قرابت برادر جداجد
 این فقیر حقیر اند اول کیفیت نسب شان تحریر میسازد یعنی شاه ابراهیم حسین
 ابن شاه فتح علی ابن شاه محمد صفی ابن شاه محمد رفیع ابن شاه عبد الغفر
 ابن شاه عبد الرزاق ابن شاه جلال ابن شاه فیروز ابن شاه نظام الدین
 ابن مخدوم شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره ابن مخدوم
 شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد الغفر نیز ابن مخدوم شاه
 امام محمد تاج فقیه ذکر اولاد و برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرت
 نوابادی خواهند نوشت در اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاه حسن علی
 قدس سره مینویسد واضح باد حضرت مخدوم شاه حسن علی و شاه عالم علی
 هر دو برادر فرزندان حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره اند یعنی مخدوم

شاه حسن علی ابن شاه محمد امام ابن شاه اکرام ابن شاه ابوالفتح
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه محمد جلال ابن شاه محمد فیروز ابن شاه
 نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره
 این مخدوم شاه جلال نسیری و شاه عالم علی علیه الرحمۃ را یکدختر و یک پسر
 شاه جلال الدین لا ولد الا اولاد دختر سه پسر یکی شاه ممدی علی
 که بعد خال خود شاه جلال الدین علیه الرحمۃ سجادہ نشین شدند چون پسر
 نداشتند بعد ایشان برادر خود ایشان شاه واعظ علی صاحب
 سجادہ نشین کردند حالا موجود می اولاد اند و برادر متوسط ایشان را
 امام یاقوت الابرار ملاقات کرده است از آنجا که پیران طریقت بودند
 و تحریر کیفیت نسب بر خود واجب دانست نوشت و شاه واعظ علی صاحب
 جدی نسب از حضرت شمس الدین حقانی دارند

شمره دوم فرع سوم اصل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت
 مخدوم شاه سلیمان لنگرزمین که سکونت در موضع نواآباد
 خور و عظیم آباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاه سلیمان لنگرزمین ابن مخدوم شاه عبدالعزیز
 ابن حضرت امام محمد تاج فقیه فرزند کلانے یثانی حضرت مخدوم شاه عبدالعزیز
 اند شادی ایشان از دختر مخدوم شاه شهاب الدین عرف پیر جگوت

گرویده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه مخدوم بخش
 فردوسی بی بی هدیه و از بیان صاحبان نوآباده که اولاد اند بی بی کمال
 الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند نام دختر بی بی
 کمال روجه مخدوم شاه حسام الدین والده مخدوم شاه حسین غریب
 دهر گروپوش که در پورینه فرار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسماة
 بی بی دولت الحاصل فرار همه مخدوم شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر
 دختر ایشان در موضع کا کو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد
 پسر عین اولاد بی بی کمال اند

شمره سوم فرع سوم اصل اول در ذکر اولاد مخدوم شاه عطار الس
 قدس سره واضح باد مخدوم شاه عطار الس ابن مخدوم شاه سلیمان
 لشکر زمین که نواسه حضرت پیر چنگیز است و یک خلف الرشید ایشان مخدوم شاه
 شجاع الدین ابنه مخدوم شاه عبدالملک ابنه شاه عبدالغنی ابنه شاه عبدالوهاب
 ابنه مخدوم شاه احمد چشتی قدس سره و فرار ابن همه بزرگوار در جوار جد و پدر
 بزرگوار است باطراف موضع کا کو آلا مخدوم شاه احمد چشتی رابعیت و تربیت
 از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاند پوری محله نمحلات حضرت بهار
 که بنیره این مخدوم دیوان شاه فرید طویله بخش ابن دیوان سید شاه بهرام
 ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بدونی که برادر عم زاد حضرت سلطانی

الاولیا محبوب الهی نظام الدین لویا بودند طریقہ چشتیہ نظامیہ
 سراجیہ بودند القصد حسب تفویض ولایت از امیر خود سکونت در نوآباد نمودند
 قریب موضع بیکٹہ پور سه فرزند حضرت مخدوم شاه احمد چشتی بودند یکی مخدوم
 شاه حسن عرف مخدوم شاه بڑی و دخترین با ایشان بودند هر یک
 از برادرزادگان کتخادومی مخدوم شاه حسین متوسط برادر فرزند ایشان
 مخدوم شاه عبدالرزاق پسر ایشان مخدوم شاه عبدالمجید ولد ایشان مخدوم
 شاه عبدالحی یک دختر ایشان بی بی تاجا روجه میر سید محمود ابن میر سید محمد
 ابن میر سید صدر جهان یا قری نسب دانا پوری و نیز حضرت مخدوم شاه
 عبدالمجید ابن مخدوم شاه عبدالرزاق را یک دختر بی بی شرفه و هم
 میر سید محمد اکبر ابن قاضی سید عا و الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح و
 قاضی بڑی رضوی نسب دانا پوری سه فرزند حضرت میر سید اکبر و
 میر سید جهانگیر که بیعت و تربیت ایشان را از جد اداری مخدوم شاه عبدالمجید
 بودند دوم میر سید مکارم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی
 سید رکن عالم حالا اولاد دختر می این هرسه برادر اند از انجمله این خاکسار
 و برادران عم زاد را نواسکی میر سید محمدا بن میر سید جهانگیر قدس سره و
 از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم حیرین بخش
 کوچوی والد ماجد شاه اظهر حسین دومی شیخ محمد یار جد شاه داود مرحوم

گفت این بزرگوار بصریح در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد بسیاری فقط
مخدوم شاه خوند شیخ هنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ
از انجا براسته قریب یک کروه موضع آبا و کرده تکیه ساخته معروف نوا آبا و
خورد و آن معروف نوا آبا و کلان است ضمیمه شمره سوم خلف الرشید مخدوم
مخدوم شیخ دیوان شاه تیم الدار بنه شاه تاج الدین محمد بنه شاه عنایت الدار
که از نام ایشان چک آباد است و و فرزند ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه
طیفور الدار خواهر زاده ایشان میر سید احمد و دختران ایشان یکے بی بی
ترتیباً زوجه شاه برالحق دومی ترکیبا زوجه میر سید حامد محمود ابن میر
سید محمد ثانی نوا آبا و کلان اولاد دختر می ایشان شد و مولوی شاه طیفور الدار
لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور الدار بن شاه عنایت الدار
اولاد شد حالا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور الدار زوجه ایشان
عمه میر سید وجه الدین عرف سید بولن بودند سه پسر مولوی شاه منور الدار از آن جمله
یکے شاه خلیل الدار اولاد ایشان نشد و دومی شاه مسیح الدیک دختر ایشان
مسماة جمیله زوجه شاه نورالحق پسر کلان مولوی شاه امین الدار و پسر
شند بشاه مسیح الدیکے شاه مطیع الدار دومی شاه ثناء الدار و اولاد
الا پسر کلان شاه منور الدار مولوی شاه امین الدار بودند الا کلان
پسر شاه امین الدار شاه نورالحق بودند سه پسر ایشان یکی شاه محمد غیب الدار

زوج بی بی بلاقن لا ولد دومی شاه منیر الحق و دو دختر ایشان هر دو
 لا ولد و یک پسر شاه محی الحق عرف بالوکسی پسر و دختر ایشان نیست
 الا پسر کلان شاه نور الحق شاه ضیاء الحق بودند از سماه بچین دختر
 میر سید حامد محمود ابن میر سید محمد که خدا سه دختر از بطن این بی بی یک مسماة
 مخدومه زوجه جناب حضرت سید شاه یحیی علی ذی اولاد دومی مسماة مستقمة
 لا ولد دومی مسماة سکینه زوجه شاه معین الحق عرف شاه محمد یعقوب
 ابن مولوی شاه پدر الحق ابن مولوی شاه امین الله مذکور الصدرا از بطن
 این بی بی یک دختر و سه پسر شدند بجز دختر همه ذی ولد اند نام دختر مسماة
 حسینا زوجه اولی میر سید هدایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین
 لا ولد این جهان وفات یافتند پسر کلانی شاه ظهیر الحق از دختر
 میر سید حامد حسین شادی کردند یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاه
 فرید الحق از دختر خال کلان خود که خدا یعنی از دختر سید محمد حسین
 هنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید محمد حسین ابن
 سید شاه غلام حسین شملوی الا شادی دوم ست سید الفت حسین بسترانی
 شاه مظفر الحق از دختر خالای خود منسوب شدند نام زوجه ایشان مسماة
 فضیلت النساء مدعو فجو از بطن این بی بی چهار پسر و سه دختر و پسر
 در ایام صغری رحلت یافتند لا دو پسر ذی ولد اند کلان شاه نصیر الحق

شادی اولی از دختر غم خور و خود گردند اولاد هست یک پسر محمد کبیر و دختر
 نیز اند بعد رحلت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصبه منیر از دختر شاه
 اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه ضعیف الحق
 از دختر سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی که خدا شزند
 بفضل ذی اولاد اند و خواهران ایشان یک زوجه اولی سید الفت حسین
 مذکور که خدا از ان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه
 غفور الحق که خدا پسر و دختر ان موجود یک زوجه شاه محمد واجد ابن
 شاه حسین علی دومی هنوز ناکند خدا پسر حافظ حسام الدین طال السعمر
 و علمه همه و جوه یقیق است پسر سوم شاه غفور الحق که خدائی ایشان نیز
 از دختر خور و خاله ایشان گردید مسماة بصیر النساء عرف بسو دختر جناب حضرت
 سید شاه یحیی علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین مذکور بالا از دختر
 عم اوسط که خدا نکور پسر دختر ایشان ماقبل کرده الاد و خواهران ایشان
 یک زوجه اولی شاه نصیر الحق مذکور ثانی زوجه پسر دیوان مولانا بخش
 نام در وقت یا نماید بفضل ذی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه
 بنیده زوجه
 عم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن
 جناب حضرت سید شاه یحیی علی و هر دو برادر شاه نصیر الحق و شاه ضعیف الحق
 و شاه محمد نظام الدین تو اسه جناب حضرت شاه یحیی علی قدس سره اند و

انحضرت بقربت عم المظفر امین خاکسار بودند و هر دو برادران شاه مظفر الحق
 و شاه غفور الحق میرد بطریقه عالیستثنیه نظامیه از پدر بزرگوار خود اند
 الا تربیت یافته باطنه و خلافت نعمت بلسله ابوالعلایه از جناب حضرت سید
 شاه یحیی علی قدس سره اندکست تعالی مع ذریات ایشان را فائز مرام دارد و
 ثمره فرخ دوم اهل اولی بقیه ذریت حضرت امام تاج فقه پسر سوم
 مولوی شاه ایدین از شاه طیب الدنوا سه حضرت شاه سیف الدنوا

مولوی منجلیات بهار

واضح باد حضرت شاه طیب الدنوا پسر ثالث مولوی شاه امین الدنوا در موضع
 موڑه در کنار و تربیت جدا داری خود شاه سیف الدنوا رحمه الله علیه مانند
 کتخانی ایشان در اولاد مخدوم شاه بدر الدین بدر عالم زاهدی گردید از
 مسماة جگن دو برادر ایشان یکم میر سیف الدین عرف میر سوبخ نام
 دیگری یازدست احاصل جناب طیب الدنوا از بطن امین بی بی چهار دختر
 و دو پسر یکم شهنشاه اندکست شاه بهار الحق که صاحب جود و سخاوت
 تکلف نه لباس داشتند و نه درخورش نوش مجروح مانند نه پذیرا گردند تعلق
 اهل و عیال اولاد و برادرشان اولاد بسیار هستند برادر ایشان شاه
 تراب الحق روح عمه امین خاکسار ذکر اولاد ایشان در ضمن اولاد جدا
 خود خواهند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی ولد شدند

و خواهر ایشان یکی والده میر محمد عاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاه
 محمد سجاد ابن جناب شاه تراب الحق مذکور و اولاد دختر ثانی بودند و دختر یک
 بی بی مبارک زوجه شاه فخر الدین برادر اوسط شاه کبیر الدین سجاد شین
 مقام سهرام والده شاه محی الدین عرت لالامیان ذی اولاد اند
 و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رحبت در اقران که خدا آنهم ذی اولاد
 اند باقی حال که دختران بخوبی معلوم نیست شاید یکی از میر عنایت علی که خدا
 بودند ثانی اولاد شاه طیب السمر حرم از محل ثانیه یک دختر و سه پسر یکی
 شیخ صادق علی والد ناظر دلاور علی و دیگری شیخ خورشید علی والد شیخ قربان علی
 سومی دارنده ولایت علی بود

فرع چهارم اصل اول شجره اولاد حضرت مخدوم الملک شاه
 شرف الدین فردوسی برخیزد شمر و یک شجره که طویل الذکر است
 بتصریح بیان میکند

باید دانست حالات و کرامات آنحضرت مخدوم الملک و کتاب مولود شرفی
 بخوبی بیان کرده است این فقیر حقیر چونکه این کتاب نسب نامه بود و درینجا
 حاجت تحریر نبود و نسب نامه بالا حضرت امام محمد باج فقیر با قبل تحریر شد
 احتیاج مکرر تحریر نیست باینشید حضرت مخدوم الملک در مقام سنا
 گانون متاهل شدند از لطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شدند

شاه ذکی الدین حسب روایت بمقام شکر و سپه اقامت بود و خانه شرفا
 از سیادت عقد نکاح نمودند یک دختر خجسته اختر متولد شدند بی بی بار که نام
 بود چون از غنیمت و جلال والد خود رحلت بدان مقام کردند چند کسان از آنجا
 آن بی بی موصوفه را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشده بود و عرض کردند
 آنها که یا مخدوم این دختر پسر آنحضرت است فرمودند اگر همچنین است خود بخود
 نزد من آید می آرند آن صغیره تر زمین را نوا کرده بزانو مبارک حضرت مخدوم
 الملک آمده نشیند مخدوم بر حال تیمی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگویند بر
 پشت مبارک حضرت مخدوم الملک یک مسه سرخ رنگ بود آنرا آن قرقه لعین
 از لب خود می میکشد شیر می برآمد از کرامات اولیا عجب نیست اصحاب این
 ناز پرورش یافتند و بالغه شدند از سید و حید الدین چلکاش ابن سید
 علاء الدین کتخدا کردند و سید و حید الدین خواهر او نیز مرشد حضرت
 مخدوم بودند یعنی همشیره زاده خواجه نجیب الدین فردوسی قدس سره بنفوس
 از بطن بی بی بار که سید و حید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک
 دختر اسم مبارک پسر سید عبداللہ و عیسیا و اکبر شاد می ایشان در کفویت
 جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف سید پیار و نام دختر سید
 و حید الدین بی بی زهره بود از سید شهاب الدین جوهری علوی نسب
 که خدا شدند یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

دختر بی حفظه از سید ابو محمد یاری کتخدا شدند از بطن این بی بی چهار پسر
 متولد شدند یکی شاه مسیح الدین دومی شاه فصیح الدین هر دو اولاد سومی شاه
 امام الدین اولاد ایشان گشتند بسیار در اردل و علاقه سهار موجود اند و نیز فرزند
 این بزرگوار در اسحجار در مقام بدر ابا و قریب اردل میزاید و حید الدین
 چلکشیست و بمقام سنیر اقرب پلاسی مرقد این بزرگوار است الا
 فرزند چارمی سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکه را که معذور از پائے بودند
 خدام درگاه مخدوم الملک در انجافته در حضرت بهار آورده مسند نشین بجا
 متبرکه نمودند و در رات درگاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد
 حصه دهم یا پیام حصه خود را کردند و خدمات بطور خاصیت بجا آوردند چون
 سلسله اقامت شد اولاد این بزرگ مخدوم زاده معروف شدند در رجوعات
 خلایق در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین را
 دو فرزند یک شاه لعل دومی شاه جلال کلان را اولاد نشد الا
 فرزند شد بشاه جلال سمی شاه خوند پسر ایشان شاه محمد پسر ایشان سید
 شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسرینی
 بر شمر چند از انجمله یک شاه محمد دومی شاه مصطفی سومی شاه بهادر علی
 چارمی شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبد الحمی
 انقصه شاه محمد را یک پسر شاه عبد الحکیم دومی شاه عبد الحکیم هر دو برادر اولاد

شدند و شاه عبدالحمید را یک پسر شدیحی نام اولاد نام تمام و میر سید عبدالقادر
 را اولاد نشد الا دو برادر شدند ذوی اولاد سید عبدالسلام و سید شاه مصطفی محمد
 اندام اجرام مرام مفصلاً نوشته می آید بایر شنید فرزند شاه مصطفی شاه
 قطب علی و پسر ایشان شدند یکی شاه نظام الدین دومی شاه
 حسام الدین ذاکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلانے خواهد نمود و حالا
 ذکر اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی مینمایم که بیان طویل است
 ثمره در بیان اولاد شاه نظام الدین ابن شاه قطب علی
 باید دانست شاه نظام الدین را شدند چهار پسر از انجمله یک شاه علی بخش
 دومی شاه مصطفی ثانی سومی شاه فیض علی چارمی شاه عبدالغفر
 که لا ولد رفتند این خالم از فرزندان شاه علی بخش یک قطب علی ثانی
 دومی شاه اسد علی لا ولد الا شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی لا ولد
 دومی شاه رحمت السعد عرف شاه دهورن ایشان را یک دختر
 روجه منشی کریم بخش و سه پسر یک شاه نور الدین احمد مدعو شاه ببا
 که خدائی ایشان از دختر خود دهری حبیب الدگر دید یک پسر و یک دختر
 ایشان دختر روجه شاه امیر علی ابن منشی سید کریم بخش پسر ایشان شاه
 محبوب حسین و پسر شاه باون شاه خورشید حسین که از دختر عم او وسط
 کتخا شدند دومی شاه کریم الدین و دختر ایشان یک روجه شاه خورشید

مذکورہ بالا دومی زوجہ شاہ فرزند علی سپر خود نشی کریم بخش مذکور الصدا
سومی شاہ نسیر الدین احمد عرف شاہ محمدی در مقام راجگیر در قرا
شد شادی ایشان دو سپر و دو دختر ایشان یکے زوجہ میان جان علی بن
نشی رمضان علی دومی زوجہ شاہ وحید الدین ابن میر قائم علی ساکن
سوه و خلف کلانی شاہ نسیر الدین احمد عرف شاہ محمدی شاہ قمر الدین
دو شادی ایشان از دختر میر امانت علی مرحوم گردید یکے بعد دیگرے
و خلف ثانی شاہ صاحب مدوح مولوی وحید الدین شادی ایشان
نیز یکے بعد دیگرے از صبیہ میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی ولدی ہر
دو صاحب معلوم نیست

شمارہ دوم در ذکر فرزندان شاہ فیض علی ابن شاہ نظام الدین

باید شنید فرزند شاہ فیض علی ابن شاہ نظام الدین چارہ بودند از انچکہ یکے
شاہ حسین علی دومی شاہ غلام شرف الدین سومی شاہ کریم الدین
الغرض این بہر سہ برادران لا ولد رفتند ازین عالم الا ذی ولد فرزند چارہ
شاہ عظیم الدین دو سپر ایشان یکے مظفر علی دومی شاہ کریم الدین
ثانی بایشان نیز دو سپر یکے شاہ امجد علی دومی بدو عرف شاہ
بدھو واحد العین لا ولد سپر شاہ مظفر علی شاہ علی بخش بودند سپر ایشان
شاہ تراب علی سپر ایشان محمد یعقوب عرف دھڑی مفتو و النجر الا شاہ

مصطفیٰ ابن شاه نظام الدین مذکورہ بالا ذمی اولاد شدند یکے شاه
مرتضیٰ بخش دومی شاه جلال الدین سومی شاه یحییٰ علی پس
شاه مرتضیٰ بخش رانیز سہ پسر یکے شاه عیوث علی دومی شاه فتح علی سومی شاه
فیض علی کیفیت ذمی ولدی شاه عیوث علی دریافت نشد الا بہر دو ہرادشاہ
فتح علی و شاہ فیض علی اولاد شدند

شمارہ سوم

پسر شاہ فتح علی یکے شاه حمید الدین دومی شاه فرحت علی سومی شاه امان
عزت منو پسر شاه حمید الدین شاه بخش علی دومی شاه قاسم علی
و شاه محمد سعید ہمہ ذمی اولاد شدہ ازین عالم بی اولاد شدند

شمارہ چہارم در ذکر اولاد شاہ فقیر علی

شاه فقیر علی راد و پسر کی شاه طفت علی اولاد ایشان نشد دومی شاه
افضل علی چہار پسر ایشان ہر یکے عالی تبار ذمی اقتدار یکے از انجل
شاه واجد علی ستوطن موضع سانہ قیام و خسر پورہ کردند چند دختر ایشان
و دو پسر یکے دختر زوجہ شیخ نواز شہ حسین کہ پسر و یک دختر از بطن این بی بی
شیخ محمد اجل و اجل حسین کیفیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است و فصل دوم
در ذکر شیوخ فاروقی نسب الاد و دختر ثانی زوجہ مصاحب علی خان و دختر ثالث
زوجہ میر یار علی ساکن پور نہ پرگنہ ارول ماہراما و حسین ذمی ولد اند

دو پسر کلانی شاه امیر علی داماد شاه علی امجد شیخ پوروی زوی ولد شدند و پسر
 ثانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی عم خود زوی ولد شدند پسر دومی شاه
 افضل علی شاه ذاکر علی داماد خال خود شاه عاشوری یک پسر
 ایشان شاه ابوتراب داماد عم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وجه الدین
 داماد نشی امیر علی سومی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر
 و پنج دختران ایشان یک دختر روجه شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی و دو دختر
 روجه شاه ابوتراب یکی بعد دیگری یک دختر روجه شاه براتی و یک دختر روجه
 شیخ محمد حسین الا فرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود علی پسر ایشان
 شاه محمد جعفر داماد خور و جناب حضرت شاه امیر الدین سجاده نشین و دو پسر
 و یک دختر ایشان ار و اس ایشان خانه اجداد دست آباد و دومی پسر شاه
 ارادت حسین داماد شاه جان علی شیخ پوروی یک دختر ایشان زوجه
 بادی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم زوی ولد پسر سومی شاه
 امید علی داماد سید شاه غلام حسین شلموی دو پسر ایشان یکی شاه وزیر جان
 دومی شاه بنو جان هر دو زوی اولاد اند سومی پسر چهارمی شاه افضل علی
 شاه شرافت علی شادی اول در قصبه شیخ از دختر راجه محمد علی از ان روجه
 یک دختر روجه شیخ ولایت حسین یک پسر شان محمد حسن لا ولد شادی ثانی
 ایشان از دختر شاه ولی سجاده نشین گردید از سماه مرادون یک پسر و

یک دختر ایشان زوجه امیر علی خان ابن همت علی حسان سه پسر و یک دختر
 زوجه چودهری ظهور الحق ابن چودهری واحد علی دو دختر و یک پسر ایشان
 محمد واعظ الدین نام مادر ایشان مسماة قدیرا انسابت مسماة حسينا نام
 پسران وزیر علی خان از دختر خال خود شاه لطیف احمد ابن شاه
 شرافت علی که خدا شدند پسر ایشان داماد چودهری ظهور الحق دو دختر خال
 بوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگر سه پسر سوم فدا علی خان داماد شاه
 بنده علی داماد کلانی جناب حضرت شاه امیر الدین رحمة الله علیه پسر سوم
 اقبال علیخان داماد شاه لطیف احمد خال خود یک دختر و چودهری
 واعظ الدین مذکور و پسر محمد سجی هر یکی ذی لدا اند پسر شاه شرافت علی علیه الرحمة
 شاه لطیف احمد داماد راجه اسد الدیک پسر ایشان بهر محمد خلیل بعم
 چهار سالگی رحلت نمود الا پنج دختران ایشان مذکور سه دختر کرد و متوسط و دختر
 زوجه شاه محمد تقی ابن شاه امیر الدین رحمة الله علیه ذی ولد و یک دختر
 در انجوار که خدا شد در اقران ان جوار

شماره پنجم در ذکر اولاد شاه غوث علی ابن شاه مرفعی انجش ابن
 شاه مصطفی

مذکوره بالا باید دانست بشاه غوث علی چند دختران الا یک پسر شاه احمد علی
 بایشان یک دختر و یک پسر شاه واحد علی خواهر ایشان زوجه شاه

مخدوم بخش متخلص وافی یک دختر ایشان زوجه عنایت حسین خان
یک پسر ایشان میر بشارت حسن خان آلاشاه واحد علی سبب رقابت
صاحبان شیخپوره حسین آباد تبدیل مذہب کرده بودند آخر عمر در سفر بیت اللہ
شریف نمودند بعد از ادای حج وزارت مدینہ طیبہ و حالات علالت از مذہب
شیعہ بردست این خاکسار توبہ نمودند و در اینجا تدفین شدند در جنت العالی
بجوار سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ القصہ یک پسر ایشان
شاه علی ارشد کہ از خواہر شاہ جمال علی بلخی کہ خدا یک پسر ایشان شاہ
علی مظہر در شیخپورہ سکونت دارند ذمی اولاد ہستند

شمرہ ششم در بیان اولاد شاہ سحی علی ابن شاہ مصطفی از نام
ایشان محلہ مشہور مصطفی

باید شنید پسر شاہ سحی علی ابن شاہ مصطفی مذکور یکی شاہ رکن الدین لا ولد
دومی شاہ نور الہداسومی شاہ تاج الدین الا اولاد دختر شاہ رکن الدین
ماند سکونت در بہار ہست و پسر شاہ نور الہداساہ رحیم بخش بودند اولاد دختر
ایشان نیز ماند الا شاہ تاج الدین را بودند پسر چار یکی شاہ صادق علی دومی
شاہ خیر الہداسومی شاہ لعل محمد چارمی شاہ بخش الہد کیفیت اولادشان
بعد این دریافت نشد کہ میزشت انہما در اک از کتاب تصنیف شاہ مخدوم بخش
شمرہ ہفتم در بیان اولاد شاہ حسام الدین برادر شاہ نظام الدین

ابن قطب علی ابن شاه مصطفی اولی

ابن شاه علی ابن شاه احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین
 این شاه علیم الدین بزرگ عرت شاه بهیکه واضح باد شاه حسام الدین
 دو فرزند نام یکی شاه بدل و نام دومی شاه بولایک پسر ایشان شاه
 وحید الدین و سه خواهر ایشان جابجا منسوب و شاه بدل را چند دختران
 از انجمل یک دختر زوجه برادرزاده شان شاه وحید الدین ایشان را یک پسر
 بنام شاه مهر علی و چند دختر یکی از ان زوجه شاه علی بخش و عو نخبشا
 پدر شاه تراب علی و پسر شاه امیر علی شاه و جبهه الدین عرت شاه و جا
 شادی ایشان در شیخپوره شد از خواهر شاه علی امجد شعبی شاه و جبهه الدین را
 نیز یک پسر شاه فرزند علی عرت شاه فیضا و چند خواهران ایشان که
 زوجه شاه تراب علی مذکور ماد محمد یعقوب یکی زوجه شاه جانعلی پدر مهدی حسن
 سومی زوجه قاضی مبارک علی پدر قاضی سلامت علی و نیز شاه فرزند علی را
 یک پسر شاه الطاف حسین با ایشان نیز یک پسر و چند دختر و شاه فرزند علی
 صاحب نیز دختران یکی زوجه شاه احمد حسین چند پسران ایشان و دومی زوجه
 قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی
 زوجه میر ابن حسین چارمی منسوب بود از پسر شیخ ویدار علی لاولد شد اینقدر
 اولاد بود شاه بدل و شاه بولاست

شجره در بیان اولاد شاه عبد السلام ابن شاه علی ابن شاه
احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن
شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اندک محله شاه علی معروف از نام این بزرگ است
الغرض شاه عبد السلام را دو فرزند رتبه بلند یکی ذکی الدین و دیگری شاه
وصی الدین چهار پسر ایشان یکی شاه محمد بخش و دیگری شاه آید بخش سومی شاه مام بخش
چهارمی شاه غلام فردوس اینده دریافت نشد کیفیت اولاد ایشان آلا
شاه محمد اول پسر شاه غلام فردوس بودند

شماره اول شجره اولی

شاه ذکی الدین را یک فرزند رتبه بلند شاه وجهه الدین که بعد از گوار
سجاده نشین شدند از محل اولی بودند ذکر بطویل است بعد بیان دیگر پسران
تحریر خواهند نمود آلا از محل ثانیه دو پسر یکی شاه عنایت علی و دیگری شاه
فیض علی الغرض شاه حبیب الله ملقب محمد دوم ثانی خلف شاه عنایت علی
بودند پسر ایشان منعم همان بودند پسر ایشان شاه اصف علی زین بده حکومت
آلا پسر شاه فیض علی شاه قاض علی ایشان را دو پسر یکی شاه موسی علی
و دیگری شاه عنایت علی و پسر ایشان

شماره دوم شجره اولی در بیان اولاد شاه وجهه الدین

واضح باد شاه وجه الدین کثیر الاولاد شدند وقت سجادگی ایشان رونق بسیار
 شد از جانب بادشاه عصر معاش شد حصول البغیة و التمتع و نیاز و گاه ^{الملک} محمد
 گویا بتکلف تمام امارت میکردند القصه شاه وجه الدین را دوزوجه
 بودند در کفویت از هر دو چهارپسر شدند و علاوه اینها چند زوجه بودند از بطن هر
 زوجه دو پسر شدند که از ده پسر گویا یعقوب ثانی شدند منکار و تفصیل وار
 باید شنید شاه محمد بزرگ و شاه علی بزرگ از یک بطن بودند و شاه
 علام الدین نقدا لقب و شاه بدیع الدین این هر دو برادر از یک
 بطن بودند حاصل چهار برادر متفق المزارج شده سجادگی به برادر کلانی شاه
 محمد بزرگ رواداشند الا تقسیم صرف معاش معروف به چهار سرکار به ششم و هدم
 اوقات داشتند الا شاه علام الدین نقدا بدین وجه مشهور شدند نخواه
 ماهواری نمی دادند یومیه بعد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاده نشین
 شدند گو که دو پسر شاه محمد بزرگ بودند یکی را نام شهنشاه دیگری را شاه
 رستم نام بود از هر دو برادر اولاد نماند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد بعد
 ایشان سجاده نشین شاه علام الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد
 بعد انتقال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شد بد سجاده نشین
 خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود گشتند سجاده نشین کیفیت
 بعد ازین خواهد نوشت

ثمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجه الدین مع ذکر اولادشان
 از یک بطن که نام بود بی بی گلاب دو پسر شاه غلام بدر و شاه غلام حیدر
 شاه غلام بدر زوی اولاد شدند کیفیت اولادشان بعد ازین خواهد گشت
 چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجه الدین دو پسر یک شاه حامد
 و دومی شاه محمود و از محل خامس دو پسر یک ساه سرور و دومی شاه صفدر و
 از زوجه ششم نیز دو پسر شدند یک شاه غلام رسول و دومی شاه محمد باشم آلا
 ازینها دو دوبرادر اولاد یک برادر شد ثانی لا ولد خیا نچه اولاد شاه حامد
 شد و شاه محمود لا ولد ثمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی ایشان را
 سه دختران یک والد شاه سخاوت حسین و دومی روجه میر سومی علی
 خاله و خوشدامن شاه سخاوت حسین و سومی رانیز یک دختر شد و دومی
 فرزند شاه حامد شاه محمد و هم بخش متخلص وافی ذکر ایشان شد و در سالی
 ثمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه باشم لا ولد ذکر شارحمت علی
 این شاه واحد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه
 وجه الدین مذکور الصدر شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه
 عباس علی عرف شاه جبین و دومی شاه احمد علی سومی را نام بود چچو
 چارمی شاه اسید علی اند شاه سرور و شاه صفدر هر دو دوبرادر اولاد نشدند
 که بیان کنم

ثمره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را دو زوجه بودند در آقران کفویت
 یکی بی بی بختن که از بطن ایشان اولاد نشد و دیگری والده بی بی مریم
 که از شاه احمد علی خواهرزاده شاه مظفر حسین که خدا شدند یک پسر
 ایشان شاه محمد حسین که از سماء وحید النساء دختر کلان شاه ولی الله
 که خدا شدند اولاد نشد الا سر دختران بشاه احمد علی مرحوم یک سماء خیماش
 عرف محسن زوجه میر حسین بخش کورجی و دو دختر ایشان شد یکی زوجه میر حاجی
 دومی زوجه میر ممتاز علی پسر دو دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه
 اطر حسین که زیب سجاده جد مادری شدند که خدائی ایشان از دختر
 میر اسمعیل علی ساکن محل مدگر پزند گردید اولاد نشد نماند دختر دومی شاه
 احمد علی زوجه میر امید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی
 میر سعادت علی از خواهر خالاتی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم
 دختر سومی شاه احمد علی از میر کریمت حسین ابن میر سید حامد حسین
 نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دو دختران یکی
 زوجه سید مهدی حسن ذی اولاد اند و دیگری زوجه سید شاه عبدالحسین ابن سید
 لطافت علی شیخپوروی و دو دختر اند و یک پسر سید معین بفضله همه ذی اولاد
 هستند منسوب جابجا

شماره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی السجاده نشین حضرت مخدوم الملک

احمد سید حضرت سید شاه ولی السجاده مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمودند
ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند از بزرگان
چهارم کثوت فقر شاه ولی السجاده نایش بود بتکلفات کرد و فرگوشه ۱
کلاه و لباس شاهانه خرقة رنگ ملاگیری و چیره زعفرانی بیعت ایشانرا
از یک از انعام خود شاه رحمته السجاده فردوسی بیعت ایشان از حضرت
شاه نجیب الله قادری پهلوار دی و کسب باطن و تربیت از حضرت
مولوی سید حسن رضا معنی را به پور دی الحاصل که خدائی حضرت
شاه ولی السجاده دختر شاه محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم بدر الدین
بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند نمحلات حضرت بهار و دیگر اقران
و اخوان نیز آنجا سکونت دارند

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم فرار در بهار است
واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک خست
بی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر
میر سید احمد که فرارشان بموضع ندره مشهور و فرار سید محمد قدس سره بموضع
معافا گفت اولاد سید محمد ولی بی ابدال زین پشتر نوشته شد حاجت مکرر تضرع

الاذکر اولاد پیری حضرت مخدوم بابر دانست خلف الرسید و سجادہ نشین مخدوم
 بدر عالم قدس سرہ حضرت سید شاہ سلطان بودند اولاد مخدوم سید
 سلطان نشد الا یکے از فرزندان برادر را بفرزندگی گرفته کردند جانشین معروف
 بمخدوم احمد بڑی سید احمد بڑی جگن معروف پسر ایشان شاہ محمد عرف جگن
 بعد این بزرگوار بیعت این سلسلہ را ہدیہ و خلفا را ماند الا بیعت در خاندان
 فرزندان مانند یکی از اولاد ایشان حضرت شاہ محمد بنجد وسطہ شاہ عبدالمد عرف شاہ محمد عوض
 بودند سیرہ ایشان شاہ محمد فیاض را ہدیہ نسب و سلسلہ ساکن محلہ سود
 منہمکات بہار یک پسر ایشان دو دختر نام پسر را ذمیت الادامادشان
 حاجی نصیر الدین شیخ پوری شعی نسب اند اولاد دختر کمانہ حضرت شاہ محمد فیاض
 زوجہ حضرت شاہ ولی السہد بزرگوار حضرت شاہ امیر الدین فردوسی دختر ثانی
 شاہ بہادر علی شعی شیخ پوری دو دختر ایشان یکے زوجہ شاہ محمد علی
 کہ برادرزادہ نیز خسر خود اند شاہ محمد علی مرحوم چند دختران دو و پسر یکے
 شاہ بھوجو کہ ربطا محبت میداشتند ازین خاکسار بسیار نوجوان و قنبد بکافتا
 ثانی شاہ عبدالعلی داماد وسط جناب شاہ امیر الدین فردوسی سجادہ
 و یک دختر شاہ صاحب مرحوم زوجہ حکیم ارشد علی کہ خواہن برادرہ نیز اند کہ
 دویمی زوجہ مولوی تصدق حسین ساکن نگر نو سہ دو فرزندان ایشان
 شاہ وعظ الدین دویمی مولوی علیم الدین باقی کیفیت دریافت نیست ثانی

دختر شاه بهادر علی علیه الرحمته روجه جناب حضرت شاه امیرالدین قدس سره
 که از دختر خاله کد خدا شدند جناب شاه امیرالدین فردوسی را و دختر
 رتبه بلند و سه دختر از انجمله یکی روجه شاه بنده علی عرف شاه بدلا پسر
 شاه حسین علی یک دختر ایشان روجه فدای علی خان و دختر ثانی روجه
 شاه عبدالعلی که دختر ایشان روجه سیر عبداللطیف خلع مولوی کبیرالدین احمد
 آینده معلوم نیست الا دختر ثالث از شاه محمد جعفر ابن شاه ولایت علی کنه
 هستند و دو پسر و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلان جناب حضرت
 شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند روجه چهارم هر یک ذی ولد و
 پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد ابن شاه شرافت علی کنه
 شد ذی ولد اند و خواهر جناب شاه امیرالدین فردوسی یکی مسماه وحید^{الغیا}
 روجه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النساء روجه
 شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت
 شاه امیرالدین اددو پسر از محل دیگر اند یک رحلت نمود محمد اسمعیل نام ثانی
 محمد ولی ست و از محل ثانی حضرت شاه ولی الله قدس سره یک پسر سمی
 شاه بنده علی و دو خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال
 دیگر دریافت نشد الا شادی شاه بنده علی بوضع پراگسی از خواهر شیخ
 فضل حسین و دو پسر ایشان شدند یک شاه عبدالعلی و دیگری اولاد علی

نوجوان رفتند از جهان اولاد باقی نماند

شجره نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجه الدین ابن شاه ذکی الدین
 رانج بادشاه غلام بدر الدین و غلام حیدر و برادر بودند این شاه وجه الدین
 کتخا هر دو برادر یکجا گردیدند از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد
 سهروردی زیدی نسب بودند و وجه شاه غلام حیدر را نام مسماة باجو
 و وجه شاه غلام بدر را نام مسماة نجیبیا عرف نا جوا القصة شاه غلام حیدر
 اولاد نشد ب عالم شباب رحلت نمودند و نیز وجه شاه غلام بدر یک پسر و یک
 دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند خاله پسر و دختر مسماة باجو پسر و دختر
 نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد و اصل بودند و نام دختر پسر
 بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره درسی اولاد سید فضل الله
 بودند که خدا شد نزدیک دختر سببی بی دهمین وجه شام فتح علی عرف
 شاه مجور یک دختر ایشان مسماة لطیفه و وجه شاه علی بخش ابن شاه
 محمد و اصل زوی اولاد شده بے اولاد شده بکمه مغظمه رحلت کردند و نام پسر
 سید خیر الدین حسین که در مقام متهرا بغزو جاه نام پیدا کرده در آنجا رحلت
 کردند و اولاد نماند الا که خدائی شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر از بنت
 البنت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاند پوری گردید
 از مسماة میحا دختر بی بی صحیحہ شاه محمد و اصل را از لطین این زوج شش

پسر و یک دختر از همه برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی خور و مسماة
 ذاکره روجه شاه انور علی ابن شاه فتح علی و سه پسر و سه دختر ایشان
 پسر کلان حضرت شاه محمد و اصل شاه کریم بخش عرت چپو ما که خدا
 ایشان از دختر شاه غلام مخدوم که یکی از فرزندان حضرت سید محمد
 سرور دی زیدی نسب بودند نسب نامه بالا مذکور شد نام دختر شاه
 غلام مخدوم بود بی بی اظیہ عرت بی بی اتوار و یک پسر ایشان شاه
 امیر علی که از دختر عمه خور و مسماة ذاکره دختر شاه محمد و اصل روجه
 شاه انور علی کنه داشتند ذی اولاد شدند و پسر دوم شاه محمد و اصل
 شاه علی بخش زوج مسماة لطیفه یک دختر و یک پسر شد نام پسر انور
 نوجوان فوت شد و دختر را نام بود بی بی مراد النساء زوج میر محمد
 ابن مولوی ابراهیم علی کابری ذی اولاد شده بی اولاد بمردند و پسر
 سوم شاه اشرف علی که خدائی ایشان بموضع مدح پور شد از مسماة
 بی بی مریم اولاد نامد چارمی پسر شاه قادر بخش شادی ایشان بیکه
 خور و نمحلات بهار شد از مسماة عبدا لاولد رحلت کرد و پنجمی شاه راجلی
 ذی اولاد شده لاولد رفتند ششمی پسر شاه محمد و اصل شاه لطف علی
 که در ایام جوانی عمده هاسے بلیل کردند حصول که خدا شد بموضع باره
 از دختر میر سید محمد از مسماة کبیر النساء یک دختر مسماة مقیم النساء

زوج شیخ محمد علی ابن شیخ مظفر علی ذی اولاد اند و نام پسر شاه لطف علی
 مرحوم شاه محمد مقبول ذی اولاد استند بمسماة ذاکره دختر شاه محمد و اصل
 ابن شاه غلام بدر سه پسر شدند یکی سید عابد حسین چهارده ساله بمردند
 و دیگر واجد حسین و سیوم برادر کنه نام یا ونیست بعالم طفولیت رحلت
 کردند الا دختر کلان مسماة حیات النساء زوج سید رضا علی ابن
 میر یوسف علی یک پسر ایشان سید فدا علی که از دختر عم خورد و خود کتخدا
 یک دختر گذاشته رحلت کردند و دختر منسوب است از نواب نصیر علی
 و یک خواهر سید فدا علی زوج سید امید علی یعنی مسماة سکینه و دختر
 گذاشته رحلت کردند و خواهر ثانی زوج شاه وزیر علی ابن شاه امیر علی
 و خواهر سوم زوج سید وحید الدین ذی اولاد اند چارمی بصغر سن
 نمود و قضا و دختر ثانی مسماة فاطمة بخش عرفت بخشا زوج شاه امیر علی
 یک پسر و سه دختر ایشان دختر سوم مسماة براتن النساء زوج شاه علی احمد
 ابن شاه موسی علی ابن سید غلام محمد و م یک پسر ایشان سید شاه
 علیجان رحلت کردند و نوجوان و دو خواهر ایشان نیز بودند باندا
 پسر شاه امیر علی شاه وزیر علی که از مسماة کل سوم خواهر خالا
 شدند منسوب چند اولاد شد الا یک پسر تحمل حسین نام موجود
 و یک دختر نیز فاطمه زوج سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر است عطاء نظام الدین باقی سته خواهران شاه وزیر علی مرعوم
 از انجمله کلائی روجه اولی میر سید حسین و انا پوری برادر عمر داد
 خللاتی ابن خاکسار نام بود بی بی محذورمه بعد شادی چند سال
 حیات ماند آخر لا ولد از نهمان رفتند و دختر ثانی شاه امیر علی
 مرعوم زوجه این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمه خواهد نوشت الا دختر ثانی
 جناب شاه صاحب مدوح مسماة و افن زوجه سید شیاعت حسین
 ابن سید شاه فخر الدین حسین علیه الرحمة با ایشان دو دختر که هنوز ناکته الا اولاد
 پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاه بادشاه بنگاله

ذی ولد بماند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاه حسین
 ابن سید احمد شاه که به نسب سیادت جعفری اند الا نسب نامه تا بالا
 معلوم نشد از تحریر مقصر ماند چونکه مصاهرت از خاندان این فقیر واقع
 کیفیت کلیه مینویسمی آرند در تحریر که چون نصیب شاه بادشاه بنگاله
 وفات یافت پسر صلبی نداشت امرایان و ندایان حسب وصیت
 بادشاه نواسه بادشاه را یعنی حسین شاه ابن احمد شاه را
 تخت نشین سلطنت ملک بنگاله نمودند هر گاه جلال الدین اکبر
 بادشاه از تخت گاه دہلی نهفت نمودند بسوی دیار شرقی بهر حکمرانی

داود شاه بادشاه تخت نشین حاجی پوخر سنیده تاج مقابلہ نیادرو
 فرار وزید بسوے بنگالہ ملکہ کردہ سلطنت حسین شاہ بادشاہ بگرفت
 حسین شاہ بادشاہ بنگالہ باخود ہانا پسند دیدہ صورت جنگ جلال
 و بندگان خدائے اقبال قصد ترک سلطنت کردہ قصد سیاحت نمود
 و سلطان اکبر بادشاہ بر سپرداود شاہ رحم آورده قلم بر عفو جبرائیم کشیدہ
 تاج بخشی نمود بمعینہ خراج کہ سابق نبود مسعود شاہ ابن داود شاہ
 بحاجی بو تخت نشین ماند و حسین شاہ سیاحت کردہ در صحرائے
 ضلع تربٹ جائے عزلت نشین شد و مشغول بعبادت الہی مدتی
 برین سپری شد ان صحرائے علاقہ مظفر پور پر نام ستعالا شتر
 رہوہ درگاہ آخر ہجوم خلایق پیدا شد و کیفیت و کرامات از شاہ
 حسین بادشاہ ہویدا شد خلق اللہ مققد شد نوشتہ اند موزین گرویدگی
 خلق چون ناپسند اقا و سپر خود سید علی ابدال را جانشین سجادہ خور
 کردہ از چشم خلایق نہان شد ندا حاصل سید علی ابدال در انجا بعد از
 و ریاضت بو طیرہ اسلاف پیدا کرد و ندکسب و کمال تا مدت چیل سال
 بعدہ متاہل شد و کئیائی از دختر محمد دوم شاہ دانیال کہ یکے از اولاد
 حضرت محمد دوم محمد تاج فقیہ اند گردید یعنی در اولاد محمد دوم شاہ حسین
 دہو کر پوش کہ واقع فرار این بر رک است در پوزنیہ ابن بی بی

کمال کا کوئی و مزار خندوم شاه دانیال است در موضع تاجیوہ بزرگ
 حالاً آنجا کے ہم زیارت گاہ است بمانندی بمعصومہ بود نام دختر خندوم
 شاه دانیال از بطن آن بی بی فرزند کے بوجود آمدند سی جاہ و دینی ^{جلال}
 مسمیٰ خندوم سید احمد ابدال بالکمال از شاہیر شایخین صاحب کرات
 و حال کنجائی ایشان از مسماۃ مریم دختر سیرہ خندوم محمد مصطفیٰ ^{سید}
 کہ خندوم شاه مصطفیٰ عم آن بی بی بودند حصول از بطن شریفہ این بی بی
 سے فرزند تربہ بلندی پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سید محی نام سوم
 سید قلب کہ کیفیت زریست و در ابدان دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ صوت
 مصاہرت وقع شد از پایان مزار فایض الانوار آید وقع است بر ہوہ در گاہ
 کہ پر کیفیت است الامیر سید قطب کہ شادی ایشان دو بار از دود ^{نیل}
 میر سید عبدالرسول قادری دانا پوری کہ امام میر سید قاضی عمار الدین
 ابن میر سید عبدالفتاح عرف قاضی میر سید بڑی کہ خدا شدند نام آن
 ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسے بی بی ابدال ^{نصہ}
 از ہر دو دختران میر سید عبدالرسول میر سید قطب را دو دختر نام یکے
 بی بی قطبیہ عرف بی بی گھانسی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید
 جلال الدین ابن میر سید قاضی عمار الدین بودند یک دختر شد از ان نام
 بی بی لطیفہ از سید وجہ الدین عرف سید بولن کہ خدا شدند دختر ثانی

نام بود بی بی کریمه اولاد نمائند هرگاه بی بی طلیفه بی اولاد ازین جهان ^{مقتدر}
 بی بی قطبیه عرف بی بی گمانسی داماد خود سید وجهه الدین عرف بولن را
 مثل پسر خود دانستند بهر آبادی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی امیمه
 دختر میر سید محمد ولی ابن میر سید جهانگیر داماد پوری بودند از بطن این زوجه
 میر سید محمد احسن متولد شدند نو اسم میر سید محمد ولی چون بجز میر سید محمد احسن
 بی بی قطبیه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالک قابض بزرگتر که خود و نیز در
 ایمر و اناپور حصه خود نمودند چنانچه اولاد میر سید محمد احسن بران قابض
 و آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در ریه و درگاه است
 و مزار سید احمد ابدال در شهر پینه بجمعه مغلیه با تکلف است با حریره بود
 حالا مفتوح و نشان هم شد کثرت بران آباد شد لطیفیل اولاد مامراد و اخراج باز
 دختر سید احمد ابدال بودند بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکی از اولاد
 محمدم شاه صفی که خدا شدند از بطن این بی بی یک پسر متولد شد سید هدایت ^{الیه}
 شادی ایشان از دختر میر سید قطب از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند
 رتبه بلند سید احمد کبیر شدند ایشان بر و طیره اسلاف تجردی کرده احتیاج
 و عبادت پروردگار شغولی شدند الا خواهر سید هدایت السید ابن سید مسعود
 بی بی عابدیه از میر سید حسن زیدی منسوب شدند یعنی بی بی عابدیه
 والده میر سید وجهه الدین عرف سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

مالک و قابض بر کل مبرکه که علاقه درگاه و غیره شدند ابن میر سید و جلالین
 عرف سید بولن میر محمد حسن بودند شادی میر سید محمد حسن از بی بی تقیا
 عرف بی بی بجلو دختر خجسته اختر حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره داماد پو
 شد که جدا سجد این خاکسار را قلم التحریر بود چهار پسر میر سید محمد حسن شدند
 یکی میر مظفر علی و دومی معین طر علی که داماد حضرت سید شاه ولی الله ابن
 سید شاه محمد حسین بودند نام آن بی بی رشیده بود مدعو بود هنر لاوله
 رفتند ازین عالم هر دوی حسین علی نوجوان رفتند ازین جهان چارمی میر سید
 قطب علی که از دختر میر سید مگو که خدا شدند یک دختر شدند موسوم بی بی
 واجن که از محمد حسن خان ابن برهان علیخان که خدا شدند محمد حسن خان
 نواسه میر معین صاحب بودند پسر محمد حسن مهدی علی خان پسر ایشان دیوان خان
 الا شادی ادلی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت
 ان بزرگ بجلو چاند پوره یکی از شمخلات حضرت بهار که از فرزندان حضرت
 سید فرید طویلیم بخش بودند از بطن این بی بی حصه دو دختر و یک پسر یک دختر را
 نام بی بی امالی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحم علی که خدا شدند کسی که
 از اولاد حضرت مخدوم شاه بڑمی بودند ساکن چک رگاه ضلع تربت بودند
 نام فرزندان ایشان شاه امام علی بودند آینه کیفیت ذریت ایشان دریافت
 اولاد حضرتانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد بخش

ابن شاه احسان الدمدوح که خدا شدند از بطن این بی بی و دوسری که
 سید شاه محمد باقر که شادی ادلی از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر شاران
 بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین توآبادی
 گردید چهار پسر یک سید شاه محمود که نوجوان رفتند از اینجهان و دومی
 سید محمد محمود سومی سید مقصود چارمی سید مودود مع اهل و عیال بیهم
 اند موجود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسمعیل که شادی نشان
 از خواهر دیوان سولان بخش رئیس شهر گردید یک پسر ایشان سید علی حسن نام
 از دختر مولوی سید شمس فعلی شد که خدا یک پسر گذاشته سید حسن و بزرگ
 پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه
 یتیم الدکا کومی شد الاخاف الرشید میر مظفر علی سید شاه یحیی علی که از دختر
 شاه ضار الحق توآبادی منسوب شد ند نام ان بی بی مخدومه بوده آنحضرت را
 و دوسر دمه دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد یک از شیخ فاضل حسین شد که خدا
 لا ولد رفت دومی از شاه مظفر الحق سومی از شاه غفور الحق منسوب شدند
 ذی اولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی مجذوب صفت بودند اولاد ذریعت
 الا پسر کلان مولوی سید شاه اشرف علی کاشف روز خفی و جلی
 که خدا شدند از دختر حسین بخش کور جوئی اولاد شد دختران و پسران پسر
 کلان سید شاه حسین علی که از دختر مولوی فرحت علی که خدا شدند یک دختر

دو پسران بی بی مریم گذاشته وفات یافتند دختر از میر و اجد حسین ابن
 میر اسمعیل علی که خدا نام پسر کلان شاه محمد قاسم از دختر شاه عبدالحسین که خدا
 پسر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاه محمد و اجد و شادی ایشان
 یک از دختر شاه امیرالدین شد و شادی ثانی از دختر شاه نظام الدین
 ابن شاه غفور الحق گردید الله تعالی ذی اولاد کند چون شادی دوم کردند
 میر مظفر علی و دو پسر و یک دختر و جو دادند همه که خداوند اولاد نماید نام
 پسر کلان شاه هدایت حسین مدعو خیراتی و شادی کردند اولاد نشد
 ثانی سید عالم علی عرف براتی از دختر شاه سلامت علی و دوسی شادی کردند و قبل
 ازین نیز یک شادی شد از کسی اولاد نشد اسحاق فایض و متصرف بر کل مملو که
 سید مظفر علی و غیره اولاد سید شاه یحیی علی قدس سره اند یعنی شاه
 محمد قاسم ابن شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قیام

بدرگاه رهبر دارندان درگاه زیارت گاه است

شجره نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبد الفتاح عرف قاضی شمس

و انا پوری بیان بر چند نمر

باید دانست که میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید علی اکبر جاجنیری سیادت
 رضوی که نسب نامه ایشان بالا مذکور شد در پشت سیادت رضوی از مقام
 جاجنیر بحضرت بهار آمده در محله گنهره اقامت نمودند وقت غزای بکفار

غازی شد آخر به کید کفار شدند شهید بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان
 سید زین العابدین از بنجا برخاسته خاطر کشته جانب شمال رفتند کردند اقامت
 جائے پسند کرده بموضع بھوماندر پرگنہ مکیر ضلع ترمہٹ مشغول بہ کرج
 و شغل کشتکاری فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بود مذخلف ایشان
 میر سید ابو الفتح پسر ایشان میر سید عالم ابنہ قاضی سید عبدالفتاح
 از دربار شاہی منصب قضا بر گنہ پھلواری کردہ حصول مع اہل و عیال
 از مقام آمدہ بموضع داناپور پرگنہ پھلواری ضلع ٹپتہ اقامت نمود
 شادی قاضی بڑے در وطن خود در اتران شدہ بود و نیز شادی پسر ایشان
 میر سید عماد الدین در انجا شدہ بود کہ بعد والد ماجد منصب قضا و اقامت
 داناپور بحال ماند الا یک دختر بود قاضی سید بڑے سماۃ مجید النساء کہ خدا
 شان منظور بود و شرف از اینچہ از آخر از میر سید جہان ابن میر سید قطب الدین
 باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جہان ممدوح مع کیفیت اولاد و آخر
 بتصریح خواہد کاشت درین اوراق ذکر فرزند ان پسر میر قاضی عبدالفتاح

عرف قاضی بڑے بہت

شجرہ اولاد رضویان ساکن داناپور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد انتقال والد
 ماجد خود سر ششہ قضا بہت سال ماند در عہد بادشاہ نور الدین جہانگیر و زاپا کو

نام والده ایشان نور بی بی بود و نام زوجه ایشان بی بی ایمنه
 چهار پسر ایشان و دو دختران چنانچه بگذر منسوب شد از خواهر زاده
 ایشان یعنی از میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور که
 و کرامت اولاد ایشان نوشته خواهد شد در ضمن ذکر فرزندان میر صدر جهان
 علیه الرحمه دومی دختر منسوب شدند از میر عید عبد الرسول قادر بنی نسب
 که از بغداد شریف بطور سیاحت آمده بودند و در آنجا پور بعد اقامت
 ایشان در محبت حد صورت نجابت و شرافت عیان شد و کیفیت نسب
 بحضرت عوث الثقلیین دختر از جیت ایشان دادند میر سید عبد الرسول
 یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه دختر قاضی سید عماد الدین الّا
 سید اسحاق در عالم جوانی ناکتخا ر حلت کردند باقی چهار خواهر ایشان
 دختران سید عبد الرسول از آنجمله دو دختران یک بعد دیگری بر زوجیت
 میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاه
 بنگالی بادشاه و یاز بنگال نام هر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود و فرزندان
 هر دو در ذریه میر سید قطب تا قبل نکاح شده شد و کیفیت سید جهل الدین
 عوث سید بولن باقی دو دختر که خدا در کفویت شدند بی بی طهینه زوجه
 میر سید جهانگیر ابن میر سید کبیر پسر کلانی قاضی عماد الدین دومی بی بی
 مبینه زوجه میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهر زاده قاضی

عمادالدین بودند کیفیت فرزندان ایشان طویل است آئینه تحریر خواهد شد
 الا چهار پسر بودند سید قاضی عمادالدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر
 اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل است الا پسر ثانی قاضی
 سید ابو الفتح که بعد والد ناجد منصب قضا ماند چند سال شادی ایشان
 از بی بی عصمت النساء بنت شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی گردید بهر هفت میر سید
 اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد وقت حلت منصب قضا
 و ترکه ایمه خود بیکه از برادرزاده میر سید عبدالمقدر دادند هنوز آن ترکه
 در فرزندان او شان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عمادالدین میر
 سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از سماء
 فاضله دختر شاه عبد السلام در اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره
 آن بی بی عمه شاه و جبه الدین ابن شاه ذکی الدین سجاده نشین بودند
 یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدایه
 که خدای ایشان از سماء لطیفه النساء بنت میر سید اکبر شریفی از دختر
 عم خود چونکه لیاقت و جاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را رسوخیت
 تمام در بار سلطنت دہلی از امر اوار اکین بود صاحب خوش تحریر و خوش
 تقریر بودند و علوم همت بودند سداقتا در بار شاهی کردند حصول بوجه شرف
 و نیز و طیره بزرگان سلف در ذکر و عبادت الهی بودند مشغول تا که سلسله شرف

خاندانی نرود یک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید جمال الدین
 عرف سید فضل بود و دختر میر سید محمد باصر ابن محمد میر سید حسین که خدا شند
 نام زوجه بود مسماة سید ایک پسر ایشان از بطن این بی بی بوجود آمدی
 سید غیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعتقاد نماند
 پسر چارمی قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان
 در قصبه منیر در اولاد حضرت مخدوم که دولت شیرینی شد از مسماة سکینه
 بود از بطن آن بی بی یک پسر شدند سیدی میر سید نجم الدین شادی ایشان
 در بنی اعمام یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از مسماة فطیحه یک پسر ایشان
 سید بدر الدین ناگزید و طاعت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید
 جلال از بی بی قطبی عرف گهاسی سید بنت میر سید قطب ابن سید احمد کبیر از آن
 بی بی یک دختر شدند نام بی بی لطیفه زوجه میر سید وجهه الدین عرف سید بولنج لا
 نماند پسر و دختر سیدی میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین
 میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از مسماة ربیعہ دختر مخدوم شاه
 عبد المجید نوآبادی گردید از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر شدند پسر
 کلانی میر سید جلال کبیر شادی ایشان از بی بی مدینه دختر میر سید عبد الرسول شد
 با ایشان یک دختر و سه پسر کلانی پسر میر سید محمد که شادی اول ایشان
 از بی بی رضائی دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد مخدوم شاه صفی

بود مگر دیدار بطن این بی بی یک دختر شمایه رقیه عرف بی بی چشتیا والده
 حضرت شاه محمد سین ابن میر سید محمد باصر که جدا بجد این فقر بود و ندا و ولد
 و اسباط مانند الاشادی ثانی حضرت میر سید محمد از بی بی فاطمه عرف جهاون
 خواهر سید شاه اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود که دیدار ازان بی بی اولاد
 اولاد دختره ماند و پسر دوم میر سید جهانگیر میر سید حامد بودند بی بی
 یقعمه دختر شاه ذکر بافریدی نسب کورجی گردید یک دختر ازان بی بی
 شد سماء نصیر از وجه میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن
 میر سید صدر جهان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جهانگیر
 میر سید ولی بودند شادی ایشان از سماء آمنه دختر عم خود میر سید
 عبدالمقتدر شد یک دختر ایشان سماء امیمه زوجه میر سید وجه الدین
 عرف سید بولن زیدی نسب مذکور الصدردالد میر سید محمد حسن کیفیت و ریت
 ایشان با قبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم که شادی ایشان
 در موضع بی بی پور شد از سماء ضحیه عرف رجو دختر شاه محمد یونس یک دختر
 و یک پسر شد نام دختر بی بی مکارم وجه سید شاه اعظم عرف سید سائونگ
 والده حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم که خدائی ایشان
 از بی بی رشید دختر میر سید جهانگیر گردید ازین بی بی دو پسر و یک دختر سماء
 بنی زوجه میر سید شاکر ابن میر سید مخم نوآبادی و نام پسر میر سید محمد عوث

که از بی بی بی خواهر حضرت شاه محمد مبارک که خدا شدند چونکه آن بی بی لیه
 کامله بودند و در ادا الهی ماند اولاد نشد و پسر ثانی میر سید عیاش الدین شادی
 ایشان نیز در بی اعمام شد اولاد نشد اولاد و دختر ماند به میر سید مکارم
 پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبدالمقتدر شادی ایشان در بار
 در فرزندان حضرت بلخی گردید از بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان
 نام پسر قاضی سید رکن عالم که شادی ایشان از سماه عفو اگر دید دختر نوی
 محمد قائم قائم پوری که فرزند شاه اسمعیل برادر محمد دوم شاه عبدالمجید بود
 یک پسر و یک دختر ایشان مسماة و آنحضرت زوجه شاه بدرالاسلام برادر شاه
 محمد علی کورجوی اولاد نشد الا پسر بودند میر سید عالم در عهد ایشان عمده قضا
 آمد قضا ازین خاندان شد جدا که خدائی ایشان شد از حضرت بهار بجله
 مفتیان از مسماة سکینه دختر میر سید محبوب عالم الحصول و دختر ایشان
 شدند مسماة اقلیه و مسماة و سلیمه سماه اقلیمه زوجه شیخ اله یار ماسنج محمد
 و پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان وزیر علی ساکن
 هرگایان و دختر شاه محمد یار زوجه شاه و عدالد پهلوانی نواسه حضرت
 شاه مجیب الدیک دختر ایشان زوجه مولوی شاه ابوتراب ابن حضرت
 نعمت الدیک پسر شد شاه عبدالکریم اولاد نماند و نام پسر شاه و عدالد شاه
 محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه مولوی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمت الله

اولاد ایشان نیز خواند و نام پسر کلان شاه محمد پسر شاه مراد علی که از دختر شاه
عاشوری انصاری که خدا شدند و دو پسر ایشان شاه داود علی که شادی
ایشان نیز در بهار محله انصاری شد و دو پسر ایشان شاه ممتاز حسین الفتن
الایسر و دوم شاه مراد علی شاه محمد اکبر یک دختر ایشان زوجه شاه ظهور الحق
ابن مولوی ظهور الحق الا دختر دوم میر سید عالم بی بی و سلیم شادی ایشان
در موضع بی بی پور گردید از میر سید احمد علی که پسر خواهر میر سید قاضی کن عالم
بودند یک دختر این بی بی سماء کلیمه عرف بی بی گویند زوجه قلندر علی ابن
شیخ ابوتراب فریدی که جو بی یک دختر و پسر با نام طفلی وفات یافتند الا یک
پسر نام نامی میر سید حسین بخش بودند سیادات باقری یک دختر ایشان
از محل اولی زوجه مولوی سید شرف علی نور آبادی ابن سید شاه سحی علی و از
زوجه ثانی دختر شاه احمد علی داماد شاه علیم الدین سجاده نشین دو دختر و یک پسر

شاه انظر حسین

خاتمه کتاب انساب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیادات
باقری در ذکر اولاد میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین
ابن سید تقی الدین عرف میر سید بو ذهی کالپوسی بیان بریک

اصل و سه فرغ و چند ثمره شجر

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بو ذهی از وطن بدین صو

رفتم به ملاقات او پدر او میرا مجاد حسین بمن گفتند برادر پدر تو هفتم از بنی
 اعیان این گفت آمده بحضرت والد ماجد عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد
 سید حامد هستند چرا که مینا پوری اند و موضع مینا پور و حجه در آن میر سید حامد
 هستند بدین وجه نسب برادری کردند بیان و نیز از میرا مجد علی ساکن حرده
 ملاقات مذہب تشیعہ داشتند خود را اولاد میر سید بودھی میگفتند از فرزندان
 میر قائم و میر داکم القصہ چون جناب حضرت میر سید قطب الدین دہلوی شہر نشین
 شدند مقیم شغل بود شویہ پیری و مریدی طور خاندان قدیم جستجوست میر سید
 صدر جهان در خاندان شرفا جا بجا کردند اتفاق وقت قاضی سید عبدالقادر
 عرف قاضی بڈمی در دانا پور منصب قضا پر گنہ پھلواری بود ندا قامت
 انسیادات رضوی نسبت و تخریب در خاندان شرفا میخواستند عندالادرا
 از جانبین شد قبول کتختائی میر سید صدر جهان از بی بی حمیدہ دختر قاضی
 سید بڑمی شد الا اقامت میر سید صدر جهان در خانہ آبائی ماند و در بار
 شاہی دہلی عمدہ جلیل کردند حصول بخطاب امیر الامراے پسر شاہی میر
 سید قطب الدین بود حضرت شاہ پھول برگزیدہ خدا و رسول مقبول
 اہل کمال حضور مانند و نیز خواہر شان ولیہ کالمہ بی بی انور مدعوبی بی
 چلہ بھی اہم شادی نکردند قبول فاتحہ ہر دو برادر خواہر در خانہ انہم
 در شب برات بطور توشہ می شود مانده و شکر و روغن حلوا بغیر آب میسازند

تیار بجز فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند داشتند فرزندان برادر را گفتند
 فرزندان نیاز تو شه سب و دوا مانمی خورد حتی که نواسه نیز این دختر و دختر
 می بزنایند با احتیاط تمام زوجه فرزند نمی بزنایند بسبب و دان نمی بینند خدا دان
 چه اسرار است بدین گفتار فرار هر دو برادر و خواهر واقع هست و محله
 که بجز رکڑه که چوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین
 برادر حاجی پور پائین فرار پدر بزرگوار دفن نمایند مطابق کلام حدیث است
 البخته تحت الاقدام اما گم چنانچه وصیت فرزندان تعمیل نمودند چنانچه
 فرار حضرت میر سید تقی الدین سید بودهی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است
 و باین مرقم میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بزرگ نیز زیارت
 کرده ام جاس بر فرامی هست اهل حاجت را میشود حاجت برآر حاصل
 چندست سکونت در عظیم آباد و ماند حال دانا پور که آینه کیفیت سکونت گماشته
 شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

بر فرع کیفیت هر یک ایسر

واضح باد میر سید صدر جهان از لطن بی بی مجیره زوجه ایشان سه پسر شدند
 کلان میر سید محمد بست شادی اولادشان مقیم در نوا باده کلان پسر
 ثانی میر سید اولیا فرزند این بزرگ نسب مصاهرت مقیم دانا پور
 پسر سوم میر سید عبدالواحد ذریت ایشان بجای قدیم آبالی شهر مینه

انتقال در آنجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالکرمانی انصاری که
 هنوز در آنجا مزار فاضل الانوار است بمقام خشک بکمره شادی نمودند و اولاد
 شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والدمجد جدا مجد در ایام سیاحت
 از اولادشان نمودند ملاقات و کردند و در اک کفویت نسبی بیان کردند
 با هم سید باقری از فرزندان سید بوذهی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین
 بوذهی واضح باد سید قطب الدین راد و پسر و یک دختر و نیز برادر متوسط
 مانند همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدائی بخانه بشر فار
 ایجا میر سید صدر جهان پسر کلانی سفود کردید مسعود این خبر شنید
 نزد آنجناب فرستاد پیام بهر مصاهرت از دختر خود که بود جمیل و عقیده نجیب
 مامل نمودند در جواب هیچ نفرمودند بار دوم بذریع نامه شد خواستگار جوان
 نوشته فرستادند بدو کلمه بالا خصارای باد شاه دین پناه تو باد شاهی منشر
 سلاطین زبده اولاد افغانته و مغول و این فقیر حقیر خلاصه ذریت از
 سیادات است و نیز بفرقه شعایر میریدی چه طور باشد قبول الحاصل مصاهرت
 تو بمن نمی زید مسعود شاه مضمون نامه دیده چمن بر چمن کسیده گردید و مامل
 جواب نوشت مختصر از بیط طول اگر از من مصاهرت نمی زید بر آنجناب
 صیغه وزارت نیز نمی زید خط دیده رک با تسمی خوش کرد فوراً ترک وزارت
 کردند و عطیه او که بود بوجه معاش برورد کردند از آنجا بر جا خاطر گشتم

مع اهل و عیال غم شهر پخته عظیم آباد نمودند برادر متوسط خود را مجبور شدند
 همراه آوردند میر سید حامد در آمدن بحیث حمله حواله کردند انکشاف شد بانجناب
 تو بطمع وزارت از وسخوای مصاهرت خوب نیست من قطع نموده مصاهرت
 تو رافضی گشتی مغل شدی بطلب مراد هستی خیر خداوند که توننگ خاندان
 شدی القصه را انجا مع اهل عیال عبور گنگ شدند جائے تجویز کرده
 بیرون شهر تکیه مسجد بنا ساخته اقامت کردند میفرمودند جناب حضرت
 جد الامجد انجا سآباد بود و قریب گور غریبان حالا اندر شهر داخل است
 قریب کچوری کلی محاکمه کجور کثرت و حال اولاد میر سید حامد بسبب دعا بد برادر
 همان شد که از دختر مسعود شاه شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد
 ان منصب دخترش نیز بمرد اولاد آن بزرگ مذہب رافضی دارند و
 مصاهرت در میان افغان و مغول جاری است باستماع آمده بعد چند وقت
 بین اولاد هر دو برادر مصاهرت گردید نوشته و عروس وقت مراجعت
 بارات در دریا شدند غریق بعد ممتنع مصاهرت شد ما بین هر دو فریق تنگی
 شادی نسب ناسازداری بعبور گنگ نیز نمی سود این امر فقیرست بنظر
 روزی عند الملاقات میر ابراهیم علی مہجری شیعه مذہب گفتند که من اولاد
 سید حامد ابن سید بوڑھے ہستم و ہنگام قیام در قصبہ چہرہ جناب حضرت
 والد ماجد از شخص ازین حقیر رابطہ ملاقات شد پیدا امداد حسین بود نام رور

اجتماع است از حضرت جلال‌المجد بدین طور که مستمع شدند از ابا اجداد خود هرگاه
 داود شاه باو شاه ابن محمود شاه باو شاه کالپی که از مریدان اینخاندان بود
 از وطن خود آمده سلطنت دیار شرقی گرفت و مقام جامی پور عبور گنگ شهر نشین
 تخت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عریفیه به پسر زادگان خود
 نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذور است بس سلطنت اینخوار میخوابد
 اگر از اینجا کسی صاحبزادگان تشریف آرند بدینخوار بردستان عالی تبار بیت
 تمامیم اگر مع اهل تشریف آرند نذر نمایم بد معافی دیات بهر اخراجات و غیره
 منقول است هرگاه بدینطور نامه شاهی شهر کالپی بجمعه محمود و پوره رسید
 با خود یاد احوال اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد
 کالپی شوره گردید بدین معنی که در اینجا هنوز پیری مریدی سلسله بانی جاریست
 و ایامه و نذر درگاه بهر مدد معاش از عطیه سلطانی موجود است بهر کفایت حاجت
 رفتن بدینصوب مناسبست که برویم و این را تبرک نمایم اگر چنین استدعاست
 داود شاه باو شاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودی در انجارتو
 چیز که هم از پامی اندر عذو و صرفت بسیار عیال دار و رقتن ایشان پر ضرر و متوکلانه
 اوقات پائے شکسته نشسته چون صلاح اخوان چنین شد حصول جناب حضرت
 میر سید تقی الدین مع اهل و عیال از کالپی روانه شدند بدین دیار و رسیدند
 بمقام ج جی پور و از شاه کمیم نمود و بیعت کرد و حصول و معین نمود و دیات

بهر کفایت بهر معافی می نگارند چون تشریف آفریده آنحضرت زوجه بودند و سه پسر
 یکی میر سید قطب الدین که شادی این بزرگ در وطن خود از دختر عم بی بی نعمت
 دختر میر سید عبدالحی ابن میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت
 سید تقی الدین سید بوذهی بی بی خدیجه بود و عرف بی بی پچول چنانچه موضع
 پچول و لپور بطور مذکور بهر معافی بی بی صاحب نموده بودند و میر سید سید علی نو جوان
 القصد بعد چند می داد و شاه ییاق جوهر و صفاتی دیده منصب وزارت بحضرت
 میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بهر صرف انجناب نذر نمود
 از محال موضع چیمر موسوم شد بنام قطب پوچیمر هرگاه جلال الدین اکبر شاه
 نهضت از دهللی نمود بهر ملک گیری دیار شرقی داد و شاه خبر آمدن بادشاه
 اکبر شنیده در خود تاب مقابله ندیده سوے دیار شرقی گرد و فرار در اینجا رفته بهر سلطنت
 حسین شاه بادشاه بنگاله مسلط شد آن تاب مقابله نیامده نال هر ران
 جان در شیر زنی شود بر باد خون ناحق بر سرین افتد بافتاد ترک سلطنت کرد
 صحرائشین شد و علت چون بقام جاجی جلال الدین اکبر شاه رسید داد و شاه
 را ندید گفت فرار شنید پس داد و شاه بحضور بادشاه دست بسته بجزد خواهی رسید
 بادشاه قلم عضو جرجم کشید خراج برود مقرر نمود تا ج بخشی کرده روانه سوی دهللی شد
 مسعود شاه بغاغ بانی سلطنت نمود و منقول است همراه لشکر داد و شاه میر سید
 پسر موسوم میر سید بوذهی نیز بدانصوب روانه شد و چو که در راه جد کرده بودند

مانند اولاد ایشان حالا در کورجی اند

فرع اول شجره اصل

واضح گردد که خدائی میرسید محمد پسر کلانی در نوا ماده خورد گردید و اولاد
حضرت خوند شیخ گردید و زنی اعمام حضرت محمد دوم شاه عبد المجید
نوابادی ساکن نواباده کلان از بی بی هدیه از بطن این بی بی پنج پسر شدند
یکی میرسید محمود و دومی میرسید عبد الرزاق سومی میرسید عبد الوهاب
چهارمی میرسید تاج الدین پنجمی میرسید نظام الدین شادی این برادر
هم چنان گردید و در اطراف جوار بکفایت شرفا رنما دارا لاکفایت ذریت ایشان
هر یک دریافت نشد که درین اوراق تحریر می نمود و الاسماع هست از بزرگان
ذریت میرسید نظام الدین در موضع رسوله پور بودند و اولاد بعضی در نظام پور
و اولاد بعضی برادر و در السرنور و الا بفرمود شاه کریم بخش مجذوب ساکن
تنمه از اولاد بن بستگان میرسید عبد الرزاق با میرسید نظام اند می گفتند
نسب مصاهرت دیار دیار بعد پیدا شد الا کتبی میرسید محمود و در نواباده
کلان شد از بی بی تاجا بنت محمد دوم شاه عبد الحمیدی ابن حضرت محمد دوم شاه
عبد المجید که ان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند در خاندانم هست
مشهور از آنوقت اقامت اولاد میرسید محمود و در نواباده شد چرا که دیگر اولاد
پسری نماند باید دانست میرسید محمود را از بطن این بی بی دو دختر و پسر

شدند اول کیفیت دختران بعد ذکر آن که طویل است یک دختر نام بود
 بی بی فاطمه عرت بی بی جهان نون زوجه میر سید محمد ابن میر سید حبیب
 دانا پوری از بطن این زوجه اولاد شد بعد انتقال شوهر در نواباوه شدند
 مقیم دومی بی بی کریمه از شیخ امان الله که خدا شدند سه پسر ایشان یک
 شیخ عظمت الله دومی شیخ احمد الله سومی شیخ عزت الله از جمله شیخ احمد الله
 لا ولد پسر شیخ عظمت الله شیخ شریعت الله اینها از فرزندان مخدوم شاه صفی
 صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قائم بود
 بوده است یک دختر میر شیخ امان الله بودند سماء حیاتن در قرآن که خوا
 شدند و احوال شادی شیخ عظمت الله و شیخ شریعت الله دریافت نشد الا
 شادی اول شیخ عزت الله پسر سوم شیخ امان الله از دختر شیخ اسمعیل ولد
 مولوی محمد قائم پوری شده بود که از یک بندگان مخدوم شاه عبد المجید
 نوابادی بودند از بطن این زوجه یک پسر سیدی شیخ اله یار که از دختر
 میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی دانا پوری شد شادی
 از بطن آن بی بی سماء اقلیما شیخ محمد یار پسر شدند و الله شاه مراد علی و
 شمس الحق کیفیت تبصریح بالا این تحریر شد و شادی دوم شیخ عزت الله
 از بی بی ابدال دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره گردید از بطن
 آن بی بی یک دختر بی بی ملیحه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد دانا پوری

قدس سره و نیز تربیت معنوی عمر شد تمام کمال عزت و جاه و جلال شادی
 اول ایشان گردید از دختر بی بی حبیباً روجه شاه عنایت حسین که داماد
 و خواهرزاده شاه فتح علی شعیبی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی حبیب
 اولاد نشد از آن بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی محمد عزیز
 خواهر سید عابد حسین گردید انهم فوت شدند اولاد شد از عقد ثالث که نام
 بی بی گلاب بود یک صبیحه متولد شدند سماء و حبیباً الفسار سید شاه علی احمد
 ابن سید شاه ولی احمد بلخی که خدا شدند چند دختران از بطن این عقیقه شدند
 هر یک جایگاه در شرف انسابند فرزندان دختر بی بی که پسر نیز تولد شدند
 در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین دو برادر و چهار خواهر
 بودند اولاد یک خواهر بی بی لکھو شاه نور الدین احمد عرف شاه بساکن
 و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی اند کیفیت اولاد
 ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواهران
 هر سه دریافت نشد الا برادر ایشان میرزین الدین یا میر حسین الدین عرف
 میر حسین بودند هنر ف میر برکت علی فرید پوری یک دختر ایشان روجه
 برهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان مهدی علی خان و پسر
 مهدی علی خان موجود اند و دو پسر یکی میرامانت علی اول شادی ایشان
 میر برکت علی فرید پوری یعنی از خواهر مولوی سید امان علی شده بود و دیگر

حضرت
 میرزا
 محمد
 حسین
 الدین
 عرف
 میر
 حسین

شد: وجه شاه قمرالدین احمد ابن شاه منیرالدین احمد عرف محمدی چون آن فوت شد هرگاه شادی ثانی میر محمد مع از دختر مولوی نصیر الحق نمودند یک پسر و دو دختر شد بعالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاه قمرالدین مذکور و یک دختر زوجه میر الفت حسین پسر نواسه میر حسین مذکور و پسر انام علی الحق میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود مادر سید اختر حسین و جده سید الفت حسین مذکور و پسر دیگر منشی سید عبدالعلی خوشنویس داماد حضرت شاه اولیاء

مذکور الصدر در اینجا ترکی تمام شد

شماره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی مسماه بی بی

عابده زوجه شاه فتح علی شعی

واضح بادی بی عابده دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه شعی شعی نسب پنچوری که خدا شد از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر یک بی بی حبیباً که از شاه عنایت حسین پنچوری خواهر زاده شاه فتح علی مرحوم که خدا شدند و دو دختر شدند یک زوجه منشی سید محمد خلیل که اولاد نماند کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان رحیل ملک بقا شدند و می شاه امجد حسین مدعو پیر جی که در عهد نواب احمد علی خان زمی اقتدار بودند اول شادی ایشان از دختر خال خود میر سید نورالدین احمد شد از مسماه مرادون النساء چون از آن بی بی

اولاد دختر شاه بی بی عابده از بطن آن بی بی دختر شاه

سید اکبر و دوسر و دو دختر بود آدم یک دختر زوجه حضرت شاه محمد مبارک
سماء مدینه ثانی سماء زاکیه زوجه شیخ عتیق السمرت شیخ کندهانی ابن
شیخ ولی السمر سماء دهمین گردید نام پسران آنجناب بود سید شاکر و دومی
نام سید رؤف کتختائی هر دو برادر در دانا پور از دختران اعمام شد

اولاد نماند جز اولاد دختر

نهم سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمد و ابن میر سید محمد و
بر اند میر سید محمد مظفر انتحیت و تربیت تعلیم از برادر اعظم بود و شاد می ایشان
از بی بی رحمته دختر میر سید حامد ابن میر سید جهانگیر گردید یک پسر شد از ان
بی بی سسی سید حیدر نوجوان بمرد اعقاب نماند ذکر فرزند ان میر سید محمد ثانی
باز اعاده مینمایم تبصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین
و نام دختران سماء با صهره زوجه اولی حضرت سید شاه ولی السد ابن حضرت
شاه محمد حسین دانا پوری از بطن این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود
غلام نبی بعمر دو سال بمرد الا دختران دختر کلانی سماء با صهره بی بی حمیده
از میر سید احسان الدین رمدی نسب ساکن بالنسب میگیم که خدا شد ناز بطن
این بی بی یک دختر شد و دوسر نام دختر بی بی حمیده که خدا از شیخ
محمد منیر انصاری بهاری که پسر راج عثمان بی بی بودند و صغر سن بود
شدند اولاد نشد پسر کلانی میر احسان الدین سید شاه ابولیا علی بیعت

ایشان را و تربیت بطریقه عالیّه قادریه از حضرت شاه نعمت الله قادری
محبوبی وارثی سجاده نشین پهلوانی و شادی ایشان نیز در قصبه پهلوانی
گردید از خواهر شاه محمد اشرف عرف اچومیان ابن سید شاه رحمته الله
عرف شاه دومین ابن شاه بزرگ عالم ابن سید شاه احمد ابن سید شاه محبوب عالم
ابن سید شاه غزیر الله ابن سید شاه حبیب الله ابن حضرت مخدوم شاه
فرید ابن مخدوم شاه اسمعیل ابن مخدوم شاه محمد جمال ابن سید شاه انور
عرف شاه بیگم ابن مخدوم شاه حاجی ابن سید فضل الله ابن حضرت
شاه هم الله سفید باز تنیم الله گرد که در اولاد حضرت مخدوم ساه هم الله
بودند نواسه حضرت مخدوم شهاب الدین پیر چکچوت نام زوجه بود بی بی صیت
که عمه مولوی محمد جمعه و مولوی محمد یعقوب پدر مولوی رضی الدین مولوی محمد برهم
صدر اعلی بودند ابنان شاه محمد اشرف الغرض از بطن این بی بی یک پسر شدند
نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اتقیا و نیز یک دختر سماء مدیحہ عرف مدو
زوجه نشی سید عبد العلی ابن میر زین الدین عرف جتین برادر میر سید احسان الدین
مذکور القضاة الاما بن بی بی اولاد نشد و پسر ثانی سید احسان الدین رحیل
نشی بعدیل خوشنویس نشی سید محمد خلیل تربیت نظام هر از خال شد سید شاه
شمس الدین حسین و خوشنویسی تلمیذ نواب احمد علیخان بیعت ایشان را
بطریقه عالیّه ابو العسلابه نقشبندیّه از جناب حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات

این جناب حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره الا اولاد نش

شمره اول شجره اول بزرگ فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سه پسر میر سید اعظم عرف سید شاها و بی میر سید
معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شاها پسر کلانی که صاحب
کمالات بودند و تصرف و کرامات بانحضرت بیعت و تربیت باطنه یکی از خوان
دانا پور از میر سید محامد اناپوری بطریقه عالی حشمتیه بود حصول عارفان
بودند صاحب وجد و حال با کمال شاد می آنحضرت در دانا پور شد از بی بی
مکنا دختر میر سید مکارم رضوی دانا پوری از ان بی بی یک دختر ش بی بی
بنی زوجه میر سید محمد عوث از میره میر سید مکارم اولاد نشد الا خلف الرشید
حضرت بودند حضرت شاه محمد مبارک قدس سره شمع بزم مشایخین زمانه
حالات آنحضرت چنین است که در اوائل عمر از وطن بنیت تحصیل علم ظاهر
و باطن ساحت کردند اختیار با معمار و دیار بحیات والد ماجد وجود بیانست
بزرگان بعد تحصیل علم ظاهر از شهر دہلی رفتند بسوی حیدرآباد ملک کن
از عمده الشایخین العرة العارفین ملاومت شد حصول بیعت کردند بطریقه
عالیه قادریم و از تربیت العلم باطنه یافتند رتبه کمال و خدمت مانند
چند سال چون بست سال گذشت در مدت سفر و مفارقت پدر بزرگوار طلب
والد ماجد خود را بنجاسوی سوطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

حاضری صحبت و قائق باطنه انکشاف شد چنانچه والد ماجد نیز از طرف خود
بسلامت خاندانی مجاز کرده و بر وسع خود سجاده نشین خود نمودند چنانکه
استعداد وافر داشتند بطلب فیض باطنه بعد انتقال والد ماجد در عظم آداب
رفته بصحبت حاجی تاتار ماندند انجناب را طریقه تربیت و تعلیم سرسینه
مجدوبه بود و رشت ظاهراً شد بسیار فیضیاب شدند مردمان اطراف و دیار
در زمان نواب علی درو خان مهابت جنگ و عمر شریف نیز فریب نود سالگی
رسیده بود که رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی میسر
دختر میر سید محمد عظم و دختر و یک پسر شدند با آنحضرت نام دختر بی بی
ابدال زوجه شیخ عزت الدنکوره بالا دختر ثانی بی بی دولت جهان
که یکی از عارفه کامله بودند زوجه حضرت سید شاه محمد حسین و انا پوری آن
میر سید محمد باصر و پسر انا نام بود میر سید محمد الشان را نیز بیعت و تربیت
از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیاتن دختر ابن شیخ
امان الدنکوره دید می اولاد شدند و پسر و چهار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمد و خواهر نگاشت چرا که ذکر طول است

شمره دوم در بیان کیفیت میر سید محمد عظم پسر میر سید محمد

واضح باد میر سید محمد عظم را بیعت و تربیت و تعلیم عنوی از برادر اعظم خود شادمان
ایشان در وانا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبدالقادر ابن میر

بی بی زوجه شاه لطافت علی شیخپوری والدہ میر عبدالحسین کہ ذکر اولاد
 ایشان نموده شد پس دوم بی بی عابدہ زوجه شافع فتح علی مذکور سید
 شاه ابراہیم حسین عرف شاه بھجو کہ ایشان را بیعت بطریقہ فرود
 از جناب حضرت مولوی سید شاه حسن رضا قادری منعمی شد حصول
 و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید و دو دختر شدند
 یکے سما بیکن زوجه مولوی فرحت علی کورجوی یک دختر ایشان بی بی
 مریم زوجه شاحسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکورہ بالا ذمی ملا
 شدند دختر ثانی سماہ رحمن زوجه سید معظم ابن میر مظفر حسین عرف
 میر کلویک پس و یک دختر ایشان پس سید امیر الدین و دختر انا مسماء
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن
 بہہو یک دختر ایشان مسماء براتن زوجه میر لطافت حسین والدہ سید شامین
 و شاه ابراہیم حسین را از بطن منکوحہ و دو دختر بودند نیز ذی ولد اند و یک
 شامعت حسین و دختر ثانی شاه فتح علی و بی بی عابدہ مسماء اما مالہا
 زوجه شاہ خادم حسین عرف شاه بھجو سجادہ نشین آستانہ حضرت
 سید محمد پیر و مٹیا چون اولاد نشد مگرہ معاش از جانب زوج خود ہیک
 بنت البنت ہرادر مذکور الصدروادند مالک ملکیت نمودن آن معاش
 بقبضہ میر لطافت حسین و اما میر شجاعت حسین مرحوم بہت میر لطافت

ازین بی بی چهار دختر نیز از علاوه پسر سید حامد حسین شادی سید شاه حسین
 ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید و احدین
 شد وی اولاد اندامد شاه السدان نور دید لیاقت هر گونه دارند بعر بی وفای
 حیثیت تمام السد تعالی اولاد یعنی پسر با عطا فرماید شمره سوم در ذکر دختر
 سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم که خدائی ایشان بقصبة منیر ارشاه
 کرامت الشان شاه نجابت الشکر گردید اولاد نشد شمره چهارم در ذکر دختر
 چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی علوی نسب ساکن
 نظام پوره که خدا شدند از لطن این عقیقه یک دختر و یک پسر شد میر
 غلام محمدانی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی که خدا شدند اولاد نشد دختر
 بی بی عارفه مسماة معرفه بادشاه جنگلی که از دختر شاه شمس الحق ابن شیخ محمد
 که خدا شدند و اما دشاه جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصبه بجا ره رضا

انصاری نسب راقان مولود اعط الحق

شمره اول شجر اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد میر سید محمد ثانی

انور باد پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید حامد محمود که زیب سجاده مجد بزرگوار
 بودند وی اقتدار صوبه اس شادی ایشان از مسماة ترکیبا دختر مولوی
 شاه احمد نوآباده خور و شد یک دختر ایشان مسماة یحیی که شادی ایشان
 از شاه ضیاء الحق اس شاه نور الحق ساکن نوآباده خور و گردید دختر ایشان

سماءه مخدومه زوجه جناب حضرت شاه یحیی علی که ذکر ذریت ایشان بالا گفته شد
 دومی سماءه مستقیمه اولاد نشد با ایشان سومی سماءه سکینه زوجه شاه محمد یعقوب
 حسین البحر بنوکر اولاد ایشان در نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر نکردیم
 ثمره دوم شجره اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد فرزندان
 میر سید نورالدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پسر
 باید دانست میر سید نورالدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلان محیط و
 قابض بر معاش پدری و جدی شدند تا قبل در حیات برادر خویش مطیع ماند
 هر برادر کلان ثانی هر چهار خواهران را از ترک آبائی محروم ساختند و کار خود
 پیروا ختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الدار ابن حضرت شاه محمد حسین
 که زوجه خود سماءه ناصره دادند در انهم شریک شدند شادی میر سید نورالدین
 یک بعد دیگر ازدود دختر شیخ شریعت الدار ابن شیخ عظمت الدار و دختر شیخ
 امان الدار کردید از هر دوی بی دود و پسر شدند نام زوجه دلی بی فاضله
 بی بی فاضله از بطن این بی بی دود و پسر و یک دختر زوجه ثانی نام بود بی بی

حکیم دلیپیر از ایشان

نسب اول ثمره دوم

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عرف شاه کلن نیزه سید محمد ثانی
 بیعت ایشان اجداد مجید از پدیزر گوار بود صاحب سجاده شادی اول

ایشان در موضع هاسه ازدختر میر ولی الله محمد میر سید عظیم الدین رضوی
 شده بود نام زوجه ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجه میر سید معظم
 و اما شاه ابراهیم حسین ابن شاه فتحعلی زوج مسماة رحمن یک دختر مسماة
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین مذکور الصدر پسر سید شاه امیر الدین که ازدختر
 میر اسمعیل علی ابن سید فرزند علی ساکن بدگلی عظیم آباد که خدا شد یک دختر
 و یک پسر ایشان دختر مسماة علیمه زوجه سید محمد و اجد ابن شاه حسین علی
 لا ولد در مکه معظمه وفات یافت و نام پسر سید مظفر حسین که ازدختر میر محمد
 بهاری و اما و میر سلام علی ساکن جویری کتخداست الله تعالی ذی ولد نام
 و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر که ازد و پسر مولانا مسافر حمه الله علیه
 کردند الله کیفیت ذریت دریافت نشد الا پسر عا لبقدر میر مظفر حسین سید
 هدایت حسین دعو جلوا دل شادی ایشان از بی بی حسینا دختر شاه
 محمد یعقوب علیه الرحمه شده بود اولانش از شادی ثانی که ازد خواهر شاه
 محمد علی شیخپوری شد و پسر نام یک سید سخاوت حسین نام دومی یا نصرت
 از خواهر این هر دو برادر زوجه شاه امین الدین احمد ابن شاه امیر الدین
 علیه الرحمه سجاد نشین بهار و خواهر شاه مظفر حسین مسماة مرادن زوجه

شاه امجد حسین عرف پیر می مذکور الصدر اولاد نشد

نسبت دوم ثمره دوم و تیره اولی فرع اول اصل اولی در بیان

در رسیدن شاه فرحت حسین عرف جان ابن ثانی میر سید نورالدین

چو شیده مباد میر سید فرحت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نورالدین
 بیاقت ظاهری کرده بسیار داشتند که خدائی ایشان از دختر نشی علی حید
 که یکی از فرزندان مخدوم شاه صفی صفی پوری بودند که دید عمر خود بلیا بمعشت
 بکرد و فرزند را نیند از منشه تقدیری کسی اولاد نشد برادرزاده کلانی میر سید
 محمد معظم پسر میر مظفر حسین پسر متمنه ساختند و حصه تر که معاش خود بان
 فرزند دادند مالک قابض آن ترک پسرشان سید شاه امیر الدین گشته حالا پسرشان

نسب سوم شمره دوم شجر فرع و اصل اولی در ذکر اولاد میر سید محمد حسین

پسر سوم میر سید نورالدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نورالدین احمد میر سید احمد حسین بودند که بیاقت
 وحییت ظاهر و باطنی بسیار داشته در مزاج امدت و ترک بود کمال شادی
 ایشان از مسماة لطیفه بنت حضرت سید شاه اطیب الله اولاد و
 سجاد نشین میر سید محمد قادری امچهری گشتند از بطن این بی بی دو دختر
 و یک پسر شدند دختر اول روجه میر محمد حسین ابن میر حامد حسین و دو دختر و
 یک پسر ایشان یک دختر روجه سید افضل حسین دو پسرشان دوم دختر
 شاه فرید الحق ابن شاه ظهیر الحق و نام پسر سید امجد حسین و نام
 و الله شیر سید شاه فضل حسین قادری ایشانرا بیعت از جبا کفتر

جد ماجد من حضرت سید شاه غلام حسین دانا پوری و تربیت باطنیه از حضرت
 سید ساهنجی علی رحمته ایشه علیه بفضلہ تعالی ہر گونه بیاعت و حیثیت ظاہر
 و باطنی دارند صاحب سیقہ شادی اولین ایشان از دختر خال شدہ بود
 یعنی از سماء و حیدر و دختر سید شاہ عبدالرشید عمی عرف شاہ جمی ابن حضرت
 سید شاہ الطیب اللہ رحمۃ اللہ علیہ پھر می چون از ان یک دختر شد
 انہم نماند و بعد عرصہ کردہ زوجہ انتقال جناب بموضع نیاوان برگزیدہ
 او کری کہ معاش جانب حصہ مادری و خسر پورہ ہست تکلف بسیار با عزا
 حال خود نماید سر سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر فقیر اللہ ساکن ساکن پورہ
 شادی ثانی کردہ اند بفضلہ تعالی یک دختر تولد یافتہ شد نام عوث بانہی
 نہادہ اند بجزمت حضرت پیر و سنگیر عوث الثقلین ترقی حیات کشید و

خواہر خور و سید شاہ فضل حسین زوجہ شاہ محمد باقر مرحوم ذی اولاد شد

شمرہ چہارم از شجر اولی فرع اول اصل در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوادی

مہر من باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بہنکو ساکن مادہ گڑ
 و بیعت ایشان را نیز از حضرت جد ماجد این فقیرست کہ تقریب جدی
 برادر بودہ اند صاحب توقیر و ذی تدبیر بود میر حامد حسین صاحب اندک
 سہ پسر دود و نتر با ایشان بخشید و آنہا نیز ہری از اولاد ہستند پسر کلان میر سید

حامد حسین مذکور الصدر داماد میر احمد حسین عم خود دختر کلمانی ایشان از سید
 افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سلوی که خدا شد و پسر
 یکی از ان سید الفت حسین که شادی اول از دختر شاه مظهر الحق گردید چون آن
 زوجه اولاد گذاشته رحلت کردند شادی ثانی از خواهر شاه فرید الحق این
 شاه ظهیر الحق گردید دختر دوم سید محمد حسین که از شاه فرید الحق منسوب است
 ذی اولاد نیست و نام پسر سید امجد حسین شادی این عزیز بجای بهترین
 و صاحب ذی ثروت بود فضا نموده یعنی از دختر پسر میر مقصود علی ساکن
 لکھو حلاهور شادی نکرد و اند الله تعالی توفیق بخشد پسر ثانی میر سید حامد حسین
 میر سید کریمت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند که خدائی ایشان
 از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسر و دو دختر ایشان شد پسر سید
 ولایت حسین مقصود الحجت و دختران منسوب بخانما سبتر مذکور الصدر
 ذی اولاد اند پسر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شد اند الحجت
 چهارم میر سید کفایت حسین که انیس همسر ان فقیر اند صاحب بقیه و
 تدبیر شادی ایشان از دختر میر امجد علی ساکن کراے پسر اے گردید و
 چون بی بی قضا کردند باز بطرف شادی نشد اقضا اولاد ندرد بخیر برادر
 بیعت این هر دو برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلمات
 بیعت از جناب سید شاه محیی علی قدس سره بطریق عالیہ حقیقیہ گردید چرا که

اسلاف مایان همه چشمتی طریقه سید داشتند و خواهر ثانی ایشان زوجه

میر اسمعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد شد از ان بی بی

فرع دوم اصل محل اولاد سوم میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین
 باقری نسب در بیان اولاد میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان
 واضح باد حضرت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان که هر سر رشته
 پیری و مریدی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند و نسبت ایشان از والد ماجد خود بود
 چندے نیابت قضا خسر و خال خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انهم
 ترک نمودند ثانی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی
 عبدالفتاح قاضی سید پڑے دانا پوری که خال ایشان بودند گردید از بی بی
 و اصله عرف و صلا دختر قاضی سید عماد الدین از رطبن این عقیقه کشت
 و دو پسر شدند نام دختر بی بی صدرا شادی در بنی اعوام شنو نام پسر کلان
 میر سید محمد فضل و ثانی را نام محمد اجل که در عین سباب جوان ناگه
 رحیل ملک بقاشدند اعتقاب نماز الا شادی سید محمد افضل از بی بی
 میمنه دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از رطبن
 زوجه دختر خال یک پسر و یک دختر تولد گردید دختر ناگه ازدافات یافت
 نام پسر میر سید عبدالشکور که جوهر ذاتی و صفاتی پنداشتند بسیار پست و حقیر
 و انشمنده و هوشیار در اقران مخیر و ممتاز در بار خاھی بمده جلیل القدر سرور از

شادی ایشان گردید از بی بی ربیعہ دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین
 ولد میر سید محمد اولی در بی اعمام خود الله تعالی بایشان یک دختر و یک پسر بخشید
 و حضرت خدا رحلت نمود و الا پس نام پسر میر سید ارشد که لیاقت صوری و معنوی
 پیدا شد نسبت آن بزرگوار در خاندان خود از ابا اجداد بطریقہ حشمتیہ نصریہ بود
 شادی میر سید محمد ارشد از بی بی علیمہ دختر خرد میر سید محمد باصر ابن میر حسین
 ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از بطن این بی بی یک پسر
 و دو دختر بوجود آمد نام یک دختر سماء نعیمہ و عو بجیلن سادی ایشان
 و اقرا ن شده بود اولاد و نام دختر ثانی سماء لیل اعرف سماء لالین
 زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لسان که ازین بی بی اولاد ماند بعد ذکر
 پسر عالیقدر تبصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلاح که بر دهن
 خاندانی ابا اجداد خود مدت العمر ماندند تبکیه خانه آبائی که جو رکڑه محله کچوری
 الاسه شادی نمودند یکے بعد دیگرے از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول
 از سماء ملیحہ خواهر محمد حسن ابن سید و جبه الدین عرف سید بولن و عقد
 نکاح وفات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از سماء عاشورگر دختر
 سید محمد مهدی یکے از سکنا ی علما بہار از انہم فرزند پسر نشد چون وفات
 یافتند شادی ثالث نمودند موضع مذکور بخانہ یکے از شرفا امدیار تاجیات
 آنجناب زمرہ بودند مگر اولاد نشد برادر زوجه ثالثہ بعد رحلت شان آنخانہ را

آباد داشتند هرگاه مایان بهر زیارت بزرگان میر تقم دران احاطه چند مزار اجداد
پیشین ست حضرت میر سید صدر جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر
سید محمد ناصر و میر سلیم اجداد این فقیر حقیر و احوال اجداد الا اولاد و دختر
ماند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساوند و دایه ایشان یک
محمد عوث عرف منشی دوم شادی ایشان از مسماة نعیمه دختر شاه وحید الاسلام
گردید یک دختر شد ایشان را که برادر عمزاد منشی امیر ابد ابن مولوی غریز الله
که خدا شد مسماة سوپن لاولد رحلت نمودند برادر ایشان مولوی فرحت علی
ابن منشی محمد عوث که به لیاقت صوری و معنوی معمور بودند در علم بیت صرف
و فقه و فارسی شادی ایشان از مسماة بیگم دختر شاه ابراهیم حسین فوآباد
یک دختر شد بی بی مریم زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دو پسر گذشتند رحلت نمودند
نام فرزندان محمد قاسم ست محمد و احمد ذی ولد و یک منکوحه منشی محمد عوث
عرف دوم بود مسماة وزیرا پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بسا
مولوی غریز الله رحمة الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و عبارت علم فارسی
و یار لاثانی و خوشنویس و پسر ذی جود بیت ایشان را بطریق عالی از والد خود بود
الا طریقه معنوی از برادر زاده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت
سید شاه قمر الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب ابوبصیر
استادی و دفنون بودند و جاهت ظاهر در سن پیری و ضعیفی نیز بود بسیار

شادی آنجناب شد از مسماة بی بی جمین دختر بی بی ناطقه زوجه شاهی بن
نوا بادی بفضله ازین بی بی چهار پسر شدند وی علم و پر جوهر را بجمله کیسه نشانی میر
نذکر الصدردومی مولوی محمد اکبر شدند بایشان دو پسر آخر نام نماند سومی شاه
محمد اصغر و جیه وی علم پر هنر شادی ایشان در قصبه نسیر گردید از دختر شاهی
لطف علی ابن شاه محمود بفضله ولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل بعید
شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر
منسوب است از شاه مقصود پسر عالیقدر مولوی احتشام حیدر را سید
بخشد مزید حیات و نام پسر چارمی شاه خیرات علی در خویش راتی که ستنی
اندر جوهر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد از منکوحه خود
اولاد دارند دختر و پسر و معاشرت نمود از اولاد منکوحه پدر که بودند ازین
منکوحه نیز دو دختر و پسران چهار دوتا کتخار حلت کردند یک میان رضو
که تحصیل علم ظاهر شده بود از تربیت پدر بزرگوار نوجوان قضا کرد و وی را
نام بود سیسی ذمی هنر هر دو دقات یافتند یک بعد دیگر اولاد موجود اند
ذمی اولاد یک نام ادا و دومی میان محمدی که پیشه تجارت مینمایند دلالی
میکنند دختران نیز منسوب با پچا اند ذمی اولاد اند در اینجا ضم شد و نسبت

حضرت میر سید عبدالواحد رحمۃ اللہ علیہ

فرع سوم اصل نخل اولی در بیان ذکر اولاد دوم میر سید اولیا ابن

میر سید صدر جهان

چون از بیان کیفیت کفویت صاحبان نوآباده کلان اولاد میر سید محمد اولی
 و صاحبان کورجی ذریت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان فراغت
 یافت مینویسد ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه دانا پور و افصح گرد و پسر
 سید اولیا بودند تارک دنیا بحر صوفی مشغول و یاد خدا گاه به روزگار دنیا
 نکردند بارشاهی عمده افتا یا قضا بخانه نشیند شکسته پا والد ماجد ایشان را
 بحضرت میر سید صدر جهان ابن حضرت میر سید قطب الدین باقری نسب منصب
 بودید بارشاهی امیر الامراء بن خطاب یحیی الملک وقت آخر ترک نمودند
 مانعند بیا و خدا بعت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریق عالیستغیبه نصیب
 الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاهست
 نام ان چشتی پور عنایت الدار مسماة محکم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ ذکر
 فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الدار فرزندان حضرت بابا شیخ
 فرید الدین شکر گنج القصبه از لطن این بی بی شدند و دو فرزند به بلند کلان
 نام بود میر سید حسین عزت سید حسینی و اما میر سید عبدالرسول قادری
 که داماد قاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم که خدائی
 ایشان از دختر خال خود شدند نام زوجه شان بی بی نصیبیه بود و دختر شیخ
 معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجی از لطن زوجه شان یک دختر

و پسر شدند متولد نام دختر بی بی و اسمی که از شیخ محمد درویش که خدا شدند
یکی از صاحبان کورجی نانامی شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرف
شاه بساوند بودند خزان ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید
محمد علیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند اعقاب مانند خرفرزدان میر سید حسین
عم شان بایستید شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید عبدالرسول
شاد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد باصر نام دختر بی بی
رقیبه که از برادر عمزاد میر سید محمد الحکیم که خدا شده بودند هر دو نوجوان
شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد باصر این میر سید حسین ابن

میر سید اولیا این میر سید صدر جهان

واقع باد سال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد باصر گردید کیفیت ایشان
برین مختصات ایشان را بود از پدر بزرگوار بطریقه عالییه فصریه حصول و نیز
تعلیم معنویه ضبط مراقبه و مشغول و نیز حیثیت و لیاقت ظاهری تحصیل کتاب
عربی و فارسی و فقه اصول با این همه بودند و فزون بر لیاقت اقرون و در
فن تیر اندازی کمال در عهد خود بمشال چنانچه رساله تالیف کرده بودند
یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود و در داین خاکسار بجز بستان سالی
رسید بودند از قضای الهی والده ماجده ایشان گردن استمال چون ان خدا
مخدومه گشتند فارغ البال و والده ماجده خود را بمسغولی ذکر حضرت ذوالجلال

نوبت ترویج نهاده بود زمانه مختتم گماشته قصد سفر کردند بمر بست و پنج سال
 واضح باد زمان ولادت آنحضرت در عهد اخیر جلال الدین اکبر بادشاه
 و در عهد سلطنت معظم شاه کردند انتقال چهار سلطنت دیدند و معاودت
 نمودند بمر شصت و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار آخر ماندند بمبئی
 و مصاحب محمد معظم بهادر شاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر و ما که جهانگیر نگر
 چندے ماندند بعدد چکله داری و محافظت کو تو ال شاهزاده رفاقت ایشان
 پسند نمود و بخوش تبیری برین امضا شد چند سال هرگاه خطاب بانتهاب سیر
 بشاهزاده موصوف از شاه او رنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جامه
 تیلوانی در بر و چیره و عفرانی بر سرین شریف رسید بچهل شوش تف برین ریش
 و فش مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون همدشینان قدیمی
 شاهزاده شدند معزول آنحضرت رفاقت شاهزاده نکردند قبول هر چند شاهزاده
 بهادر شاه بهر رفاقت کرد اصرار بسیار اقبال کردند زینها زینها ترک عهده
 جلیله کردند قصد مراجعت وطن اختیار هرگاه بوطن تشریف آوردند چند سال
 گذشته بود که والد ماجد آنجناب کرده بودند انتقال پیدا شد حزن و دلال کمال
 و شهر پلنه سنان آبی کسی را نیافتند جز یک برادر عمزاد میر عبد الشکور
 ملاقات کرده آمدند بسوی دانا پور و در اینجا یافتند از بزرگان و برادران بستانا
 میر شهاب الدین و میر رکن عالم ابن میر سید عبد القادر و میر سید مکارم و دیگر

عزیزان در اقراران یو دند ملاقات ساختند و صحبت ایشان چند س اقامت
 و رقصیه و انانپور پر دختند از دل قصد ترک سفر کردند روزی از روزها
 عند الملاقات از میرسید محامد رضوی که بر اخالاتی حقیقه بودند و از عمر انجناب
 نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بهر متاهل انجناب چنین تذکره افتاد و جواب
 فرمودند ای برادر عمر من رسید قریب هفتاد و قصد متاهلی چکنم اگر واقعی باشد ترجیح
 نسبت حصول اولاد که ام کس دختر خود باین ضعیف خواهد بیان متبسم شده
 میرسید محامد فرمودند ای جناب علی القاب از شادی اولی دختر عیست محو
 تا که خدا الحمد له خیال کفویت بود برآمد مقصود بزویت شما میدهم اگر نصیب
 اولاد فهو المراد اولاد هر دو برابر و واحد باشد بفضل حضرت باری سلسله اولاد
 بود جاری با صراحت تمام آخر کردند قبول واضح باد شادی اول میرسید محامد
 ابن میرسید جهانگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی
 رمضان و دختر شاه موسی صفی پوری که زیده اولاد محمد و عم شاه صفی بودند
 گردیده بود از بطن این بی بی دختر تولد شده بود بد بی بی رقیه نام مدعو
 بی بی حقیقتا خورد سال ایشان را گذاشته والده ایشان بودند بخانه پدر
 پدرش یافتند بصورت خانه تقریری شادی ثانی از دختر میرسید محمود
 نوآبادی کرده بودند از ان بی بی کسی اولاد نشد و عمر بی بی رقیه در ان زمان
 نوزده ساله بود و سن جدا علی میرسید محمد با صر بود بلا شصت سال یا هفتاد

آخرش بروز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجیت درآمدند شادمانی بجا
 رسید گریخی خالق که در آن سن و سال بزوجی الله تعالی شش اولاد بخشید
 دو پسر و چهار دختر هر یک چون شمس و قمر سعید اختر بیان اولاد آنجناب در تیره
 کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت هرگاه آنجناب محلی القاب ترک جلیل عمده کرده
 به اقامت آماده شدند توکل علی الله تکیه خانقاه آبابی شهر پشته شد بدقیق
 بمشغول یاد او تعالی بصراط استقیم پیر از رفتن شکسته سلسله ملاقات اهل دنیا
 گسته متوقع فضل خداوند کریم بقیه عمر خود را در چلپکشی و گوشه گیری بسر نهان
 هر دم دمی بزرگ یاد او تعالی می پرداختند طایبان حق را ضرور است از لذایذ دنیا
 ترکش و جوب لازم آنحضرت در شایده حق تیر قامت را کمان ساخته بسیار
 و برگ آب و نان توکل بقیضه آورده هدیه مراد خود نشانه کرده آخر بنام
 حق بزرگ حق که بودند باین ستم حق روزی قربان جان خود ساختند ز به
 استهانی که سهم سهم رضا الهی گشته خیر کار خاک توده گرد و طائر و وحش بهال
 محبت آمده وصال حق یابد و کار از لب سو فار در گذرد چونکه آنحضرت در قرن بزرگ
 داشتند کمال رعایت عبارت تحریر کرد برین منوال دو پسر و چهار دختر در
 دنیا گذاشته بمر یک صد و سانزده سال کردند انتقال در سنه یک هزار و
 دو هجری سفر فرمودند جناب حضرت جدا مجد چون بسال یک هزار و یکصد و سیصد
 شاه او رنگ زیب عالمگیره مادشاه نمود انتقال و با خود با برادران اعظم شاه

و عالیقدر و معظم شاه ملقب بهادر شاه که تخت نشین بمقام دہلی شدند بر
 تخت نشینی سلطنت و پیش آمد منازعت واقع شد جنگ جہال آنہا ختمیت
 یافتہ کردند انتقال و تخت نشینی بر شاہزادہ معظم ملقب بہادر شاہ با
 بحال در آنوقت بہادر شاہ از رفاقت آنحضرت آمد خیال از آنجا فرمان رسید
 بنام آنحضرت بہر وزارت طلب نمود بادشاہ ابوالناصر حضرت میر سید محمد صاحب
 جناب اقدس و اعلیٰ تکریم فرمان شاہی نمودند نہادند بر سر و بر پشت فرمان
 تحریر نمودند عذر عبارت بہتر اول این بیت نوشتند مقولہ حضرت سعدی
 علیہ الرحمۃ عفو فرماید تقصیر بدین تحریر اگر طالبی کاین زمین طو کنی
 نخست اسپ باز آمدن پی کنی بدغیب نواز عالی جاہ دین پناہ ہر گاہ لائق
 خدمت شاہی نماید بسبب رسیدن سن کبیر چون ہوش و حواس بجا نامد کہ
 کہ آرد بجا اداب شاہی توفیر مینویسد کہ می دارم خون میشود کہ سنہ میخور اندہنگ
 میشود من بر ہنہ می پوشاند باقی نماید باین ضعیفی خبر حرص و ہوس اللہ
 باقیست و بس این عذر کردہ خلعت شاہی منصب وزارت واپس داد
 ہر چند اہل ان ترغینا للینصحت گفتند اگر خود نمی آری شرط خدمت بجا دہی رو
 بدلہ خود یکے از فرزندان خود را بفرسی این معنی نیز پسد خاطر نیا فتاد فرمود
 فقیر دارد دو پسر یکے اہل جذب ست نموند و زور آورد از طریق خدمت شاہ
 بخبر دومی مصروف بیا د الہی بچہ جوانی مشغول بمشاہدہ ذات ربانی کی بود

در حرم ملوک و کی باشد لذت دنیا را شائق بهر دو کی نیست بهر فرستادن لائق
 کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها چه دانند و اب شاہی میفرمودند بعد
 انهم عذرا از جانب بادشاہ و دوبارہ رسید بطلب فرمان شاہی بدین معنوی
 اگر چه در جواب تحریر ساختند بایجاب عہدہ وزارت جواب صاف مکرر بنویسم آن بخت
 ستاہ تمانہ شوم رو بر حق تعالی و عہدہ خلافت از کسے فرزندان خود را فرسیند تقصیر
 معاف آخر کار آنحضرت از ہر دو پسر کردند استفسار از طلب شاہ نامہ را پسر کلانی
 میر سید عبدالقادر بخوش حوالی سرت از بادہ ذکر سکر بانی گفتند بادشاہ
 مرا خوراندن نمی تواند ہستم بسیار خوار تہ وزارت بیج نیست نزد فقر خاک
 چون پرسیدند از پسر ثانی از میر سید محمد حسین مقبول ربانی حد ما در می شان
 میر سید محمد ایشا نرا مکر گفتند در کتابہ گفتند بخوابی کہ فرزند تہ بلند مرا نماند
 بدربادشاہ مجرائی انشاء اللہ تعالی یقین قلبی ام عیان است چنان بایہ حضرت باری
 جہہ سانی کہ بادشاہ وقت شود و بدین پسر مجرائی سبحان اللہان بزرگوار
 چنان بودند بیا دحق مشغول کہ داشتند فی پروائی بچہ طور غماض کردند از طلب دنیا
 بے اعتنائی بار سوم کسے نامہ را از جانب ہادشاہ بادشاہ از اسجا کہ ناک نشنان
 کو تے فعات را بطلب مرگ طبیعی غایت ازہ نشی ست کمال کہ روزی خود را
 سپردن است بجا کہ گوزی جالی لباس ابریشمی خوشتر نامہ و خدمت شاہی آخر
 چون کمان خم شد نست از قوت و زور حق کیکہ بیکہ و قدم نامہ ماتہ قوس

عرصه فلکی طی نماید و در آنکه اشهب اندیشه دنیا را آخری کردن پیش آمد میفرمودند
 هرگاه زوجه آنحضرت در دنیا پور و دوبر و آنحضرت کردند انتقال که دوام نجان آبا
 ماند و سرور حال فرزندان خود را نیز بدامن جدا داری ایشان گذاشته بخاتن
 آبائی شهر پخته اقامت کردند و عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در آنجا است
 فرار پائین پدر و جد بزرگوار بجله که چو کمره کجوری کلی بعد چند سال اولاد و حشر را
 که خدا کرده حضرت میر سید محمد رحمة الله علیه یافتند بد است احدیت وصال

شماره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد باصر را بودند دختر کلائی بی بی صبیحی بتوکل خدا عمر
 بسر کردند در چله عزت خانه نشینی از آنجا که عارفه کامله بودند و می شعور بودند از هر
 پایه معذور که خدائی پسند نام در یاد الهی بسر شد عمر بمشغولی حق که بمجور و روی
 بودند مستحق بالا از صد سال شد که دند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلائی

فرار آستانده و درگاه است

شماره دوم شجره اصل

در ذکر دخترانی مسماة بی بی سیدا بودند نام آنمخند و مه که خدا شدند در بنی اعمام
 و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلوا بن میر سید عبدالدین بسر
 بوجود آمده بودند بنام سید صدر الدین دوازده ساله بمرد و شماره بیاب بر و اعتقاد

ایشان نماند

	شجره سوم شجره اصل	
--	-------------------	--

بذکر دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبدالشکور
شدند کتخاد و دختر و یک پسر بنام میر سید محمد اصلح کیفیت ذریت ایشان

	بالا شد بخوبی مذکور	
--	---------------------	--

	شمره چهارم شجره اصل	
--	---------------------	--

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد باصنام بود بی بی واحده که خدا شدند از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجوی فریدی نسب متولد شدند الطین
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی کورجوی شدند که خدا که دو
دختر ایشان یکی بی بی و اصله روجه شاه وحید الاسلام دومی بی بی
ناظمه روجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکوره بالا حال دختر ثانی که خدائی دریا
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جکوری
نام پسر دوم شیخ علام حیدر عرف میان گهسیا که مستثنی بود در اقران بودند
و زور مثل کشت زنی پهلوان نقل مینایند که ده منی توپ شاهی را یک بر تاب
از دست باز و انداختند درین باره هیچ تامل نداشتند و زنی یکی از برادران
براه کورچی رسیدند بر اسب سوار ازین نمودند بلاقات شد چشم دو چار
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اشب نهاده تا ویر نمودند کلام بجهت تفریر

قصه فتن کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از گم زورش در فتن نتوانست کشت
 به پست او زدند فوراً شد رهوار بدین ملوک قصه شهنواری است بسیار شادی در
 اقران اخوان شده بود اولاً نشد الا شیخ غلام حیدر دوم نیز بودند بنومند
 حاجب قوت و قوت اگر هر دو برادر یک جانب میشدند جانب دیگر نیز کافی
 بودند این تنومندی از عنایات الهیت الا علم ظاهر نمیداشتند هر دو
 برادر مگر پسر سید غلام حیدر منشی مبدل نام بود منشی تقی الدین بودند شاعر

ذی فنون بهر امور مدبری ماند

شماره پنجم شجر اصل نخل اولی

در بیان حالات پسر کلان میر سید عبدالقادر این حضرت میر سید محمد با
 انجناب سرست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار میخوردند بست آثار و در علم
 فاقه چند روز هم نمی خوردند ایام ولادت اصحاب بسال یک هزار و هشتاد و هجری تا عمر
 چهل سال ماند ذی حیات در پایه ثبات از نزد جی هیچ نبود سر و کار بی شعوری
 بود مستایه دار و در دانا پور زیر درخت سپستان ست منار برپایین قبر انجناب

ابله و زرش و زرش مینمایند

شماره ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد حسین خلف

ثانی حضرت میر سید محمد باصر

استماع است از حضرت جد لا محمد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد حسین قدس

در سنه یک هزار و نو د هفت گردیده بود این پنج پنجم شهر ربيع الاول عمر شریف ببالا از
سال هفتاد و پنج یا شش سید عمر بنیزده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد از آن
بشش سال گردید انتقال بر بزرگوار آن عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشد
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشتغال بیعت و تربیت و تعلیم طبعی
شد از جدادری حضرت میر سید محمد ضوی هرگاه رسیدن شریف بخدمت
سی سال بفرمان جدادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی و دخترها
و دختر خجسته حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نور آباد
آن عصمت ماب عارفه کامله بودند با وجودیکه در زوجیت شوهر آمدند با اینهمه بودند
مشغول بذکر حق ذات خدا از لطف آن بی بی سید المجدوبین شاه محمد مبارک
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال ثمره شجره لثانی
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریق عالییه حقیقه
نصیریه بود حصول از والد ماجد خود شادی ایشان گردید از دختر خاله خود یعنی
از بی بی ملیحه دختر بی ابدال بنت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد
کس نشد در موضع مقام کانپور رفته کردند انتقال بالا بمرحل سال در آنجا

بودند مردان اجنباب

ثمره دوم شجره در ذکر دختر خجسته دختر بی بی اقیبا دعوی بی جوبلو
که خدا شد نماز میر سید محمد حسن ابن میر سید وجه الدین سید بولن رمدی بنفیل

بوجود آمدند پس آن چهار بر یک عالی تبار یک از آن کلائے میر سید مظفر علی والد
 ماجد حضرت سید شاه یحیی علی دومی سید غنظفر علی زوج بی بی رشید اعرف بودند
 سومی سید حسن علی چارمی سید قطب علی از دوسیران اولاد شدند و هنوز موجود فرزندان^{شان}

شماره سوم اصل نخل در بیان حالات سید شاه ولی الله پسر کلائی حضرت

شاه محمد حسین

واضح باد پس کلائے از سید سالکین سید الخدیوین حضرت سید شاه محمد حسین بودند
 از سر حقیقت و معرفت اله آگاه حضرت سید شاه ولی الله ولادت ایشان
 در سنه یک هزار سی و چهار در دامن فیض بیاض پدری و مادری پرورش یافتند
 تربیت ظاهری از پدر بزرگوار بهجت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت
 سید شاه محمد مبارک قدس سره بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر
 خال خود از بی بی باصره دختر میر سید محمد ثانی از لطن آن زوجه و دو دختر
 تولد شدند و در آن زمان هنوز باقیست کیفیت این تبصریح بالا مذکور شد الا از
 زوجه ثانی سه اولاد یک دختر و دو پسر انجناب معلی القاب رابطار امرار اکین
 سلاطین داشتند بسیار مردان کثیر سیاح امصار و دیار بجلالته مرشد آباد بودند
 مردان بسیار هر گاه والد ماجده انجناب محذومه زمان بی بی دولت جهان
 عمر چهل سالگی بعارضه لاحقہ دفعتاً کردند انتقال والد ماجد آنحضرت را پنداشد
 لعل حزن و ملال آخر از بزرگی رسید صدای کلمه الحق در گوش برفت ظاهری

حواس و هوش تا چهارده سال ماند در حیات کیفیت جذبه بود طاری کشف و کرات
 آنجناب اکثر بمشهوریت بطبوشین گوئی و بعد سه سال جداوری آنحضرت نیز
 کردند انتقال ویرانگی خانه شد بصورت نو عدد گریه برادر دوم میرسید نصیرالدین را
 نبود هیچ دختر و پسر از آنجا که با خود مازن و شو بودند تند مزاج بصورت بد مزاجی
 ناموافق بود فروع آمد قصد سفر کردند می آرند مرزا خان بیگ نواب
 مرشد آباد را بودند یک از اراکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و سترشین
 روزی عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت هرج واقع میشود بسیار خوب
 در اینجا طلب فرمایند ایل و عیال حضرت عالی تبار چونکه مزاج تند بود آمده بر سر
 جلال فرمودند همه با کردند انتقال که اسامی طلب درین حال شده بودند سکوت
 واقعی امر بر دل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند درینجا و فرمودند
 همچنین اراده دارم جاس تجویز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بخانه
 قاضی زادگان که از مریدان آنحضرت بودند بمقام شن نگر گهگره چنانچه
 قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب و نسب مادری اینها
 از انصار قرابت یکی از مریدان و ائمه الاعتقاد بودند دختر خود را دادن بخواست
 کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد و نکاح نام آن زوجه سماء ماهی بی بی بود
 دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت الله ابن قاضی
 سلامت الله ابن قاضی محمد علی ابن شیخ محمد سح ابن شیخ محمد فصیح ابفت

کرسی یافتیم آسانی تحریر نمود این بزرگوار اهل معاش زمیندار بودند کاشتکارا الحاصل
 در نجابت آن بزرگوار هیچ شک و شبهه نیست از صورت و میراثشکار گرفته تعین
 چه اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شدند نام بود بی بی سعید
 بعد و سال شان بسال یک هزار و یکصد شصت و هشت شهر محرم الحرام بتاریخ دهم
 تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاه غلام حسین بخانه جد مادری بیبا
 شرقی در داتا پور آمده تولد شدند فرزند دوم سید شاه شمس الدین حضرت
 جد الامجد سه ساله عمر داشتند حسب طلب برادران نجابت سواری کشتی آوردند و در کشتی
 مع اهل و عیال بسوی وطن در روز گان کشتی در قصبه نوآباده شدند و درآمد
 از کشتی به ملاقات اخوان سید دعوت از خانه اخوان الا محل اولی زنده بودند
 باستماع شدند پریشان کلمه کلام جاری شد بر زبان اشاره باین و آن ناقص
 الاصلان را در نجابت و شرافت آن زوجه حجت باشد و تکرار الا نزد عقل نیست
 هیچ حجت چه شرق نمی ماند بشرقی دیار اکند مصاهرت مایان واقع شد
 بخانه فقرا که نجابت و شرافت بهترین و متعین را واقع شد مصاهرت در
 ابر الشرافت کترین بهر حسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور
 بخانه فرو درآمد کرده از دریا عبور حضرت سید المجد وین سید شاه محمد حسین وید
 فرزند پور کمال شدند سرور از آن روز خانه ویرانه کردند آباد و دستان شاد و شمنان
 بیبا و بسال یک هزار و یکصد هفتاد و دو آخر ذی حجه بنا حضرت سید شاه شمس الدین

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید السخردین سه چهار ماه جبراین داده بودند آنحضرت بطوریشین گوئی احمد شد و المنه هر برادر بودند آفتاب و ماهتاب ذمی اعتبار صاحب اقبال یکے جدا مجد دومی جد مادی این خاکسار از هر دو فرزندان شدند و انجمنند و بهوشیار ذمی اسرار و دختر بی بی سعیده جوان شد مکه خدائی شد از میر مراد علی ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کا کوسی آلا بے اولاد وقتند

از نیعالم و ذکر فرزندان فرزندان بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نخل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الوصالین
سید شاه غلام حسین قدس سره ابن جناب سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشتن مگر بخانه جد مادی شد بسال یک هزار و یکصد شصت و هشت و هم شهر محرم الحرام ازین روشندانم آنحضرت سید غلام حسین والد ماجد آنحضرت از ظهور آنحضرت شد نکمال سرور اگر چه از محل اولی بودند دختران ذمی شعور میفرمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب مکتب جمع نمودند اقربان و اخوان وقت مکتب هر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت مکتب بهیره حضورت در پیش تشریف در انجا برندا آغاز بسم الله از و نمایند الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم فرمودند بگورب یسر و تمم و بالخیر تعمیل آنهم نموده قدری شیرینی ازان در دهن این فقیر نهادند و نیز بدین تشریف دادند والد ماجد سن عرض نمودند پیش این گویانند

فرمود پیش درس است ترقی ذهن و دوا م بس معنی بسیم الله و تمجید با تحمیر
میفرمودند بدولت آن حافظه و ذهن شد حصول و زبان خود برآورده چنانچه
هر چند که حضرت ظاهر تحصیل چندان نبود الا مقدر کر که از آنحضرت بحث و
تقریر نمود در تراویح حفاظت القمه میدادند حال آنکه ناظره خوان بودند میفرمودند هر
دختران محل اولی را اگر تک خدا و شرف اقران که مذکور بالا شد و فرمان بادشاهی
بطور التمهید و معاش مال پور و غیره کرده حصول بحال اولی حواله کردند که صرف رکافت
خود سازند ازین شدن نمیتواند اجرا نمودن فرمان شاهی برادران شما صوبه
ریش اندر آن شریک نصفان نصف نمایند بحق محنت و قرابت محبت بدانطور
تعمیل بعده در زمان بادشاه عالمگیر ثانی رفته حصول ملاقات کرده که
زمان سلطنت پیرانگنده شده بود چند فرامین دهیات یکجا کرده فرمان آوردند
و پیش نظر پیر بزرگوار دست بسته گذارینده هرگاه معانته نمودند فرمودند ای ولی
درین فرمان ضا و ضا نوشته است بسیار عرض ساختند ضا و ضا چه معنی دارد
ای پیر بزرگوار فرمودند حاکم وقت آخر فریق دیگر خواهد شد این معافی بار اضبط
خواهد کرد این کلمه گفته از دست خود کردند آن فرمان چاک حیر که اهل جذب بودند
مستانه بپاک فرمودند ای ولی مشو طول روزی بر آستانه تو برسد بادشاه
دین پناه بطلب این فقیر خواهد دید مرا هست وقت آخر کرم مناس و دعوت
کنی و هر چه دهی بگیری را ندانم پذیری تا فرزندان تو این نیا نشوند و دست مبارک بزدان

نهاد که لغزش می شود و یک دندان بر آوردند و فرمود این را بگیر بپادشاه
 بهر خزان تحفه فقیر میفرمودند شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
 ذوالجلال که تالکیر ثانی کردند انتقال شهید شدند از دست افغان سوزنی بکمال
 بنییره ایشان غایب پادشاهی مقرر شد و پادشاه عالم شاه در آن زمان
 بسفر بود و در شرقی دیار اینجوار نقل میکنند در قصبه سهرام بودند که بر سر ایشان
 چتر شاهی چنانیدند از اینجا رسیده در حضرت بهار بوسیده آستانه فرار نمودند
 ملاقات مشایخان اینجوار روزی خبر رسید که پادشاه با فوج دارا کین می آیند
 به ملاقات حضرت سید شاه محمد حسین در قصبه دانا پور حضرت سید شاه علی الله
 قدس سره قریب فرار و الداجد زیر درخت کهنه فرو شطرنجی گسترانیدند و بهر عوت
 محضر بر آمد چون پادشاه شاه عالم رسید بشاه راه قریب فرار پسیند
 دایره حضرت سید شاه محمد حسین کدام جاست عرض ساختند دایره نیست
 شکسته و بیست و کمینه مسجد و این ست فرار فرود آمده بوسه فرار داده فاتحه
 خواندند پسیند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود بپایه التماس رسانیدند هر دو
 برادر بعفت هر یکی کلانی آنحضرت هستند و ثانی است این فقیر بغلگیر شدند و شد
 مصافحه از هر دو داشتند میفرمودند عمر من در آنوقت هفت ساله بود و برادر من
 شمس الدین دو سال داشتند عمر والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر نمودند
 بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سر هر چه دستار نهاد بهر تعویذ استند عا

ما حضرة کردند انهم کردند قبول و مرادیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند
 این فقیر زاده است فوراً از دست خود مرا گرفته برزافو خود نشانند و پرسیدند
 نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند سرور لاریب جمله سیادت
 اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه بخوانی گفتم پند نامه سعدی
 کریم فرمودند بیشکیه یا دآمد بخوانی خواندم حسب حال تو وضع ز
 گردن فرازان نیکوست + گد اگر تو وضع کند خوی اوست + باستماع این
 مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مرد معاش فرمان بصیغه التمغه شد تخریر
 و سفره گسترانیده شد ما حضری چه بود وقت تناول از قسم طعام نانجوین
 و تره چولائی دال کساری می نخود آمیز و سرکه اچار پیل و اچار اول درست کردند
 و تیل خوردند آفرینها کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ایم
 لذیذ طعام سلیمس هرگز ندیده طور نخورده ایم بیا یا التماس رسانیدند طعام
 چیست طرفه طعام این قسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین نیست
 چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه تبکلفانه انتخاب هرگز نخواهد
 بعد طلب شدند قانون گویان و چو دهریان منصب دار هر موافق فرمان
 شد اگر چه بادشاه وقت در مدعا فی بطور ایمه و تار و رگه انتخاب کرد
 در پیکنه بجلو آرمی میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نماید این
 خاکسار چنانچه زمین معاش او بودی غالی پیمایش با نفدوسی و بهشت بیکه است

بقبض و دخل و در مدعانی موجود وقت دایر ضبطی هم واکداشت شد و صرف
 فرزندان آنحضرت است حالا صرف وارد صادر کمتر صرف دیگر دیگر میفرمود
 بعد رفتن بادشاه بسوی دہلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پرگندگی کار مطلب
 انصوبه وقت اجرا نمایند در انوقت قاسم علیخان بودند صوبه شهر پٹنہ عظیم آباد
 و بد به صولت او بسیار بود روزی به اجرا فرمان حاضر در بار صوبه شدند
 در انوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر پٹنہ عظیم آباد بودند بسبب نواب
 جعفر علیخان مالک هر سه صوبه پٹنہ و اولیسه و صوبه بنگ بود و از
 طرف شان نواب قاسم علیخان نائب که داماد شان بودند در بطور رابطه
 از هر دو صاحبان بود بسیار بلاتامل و عرض عرض بیگی داخل در بار شدند
 مغلیان و افغانان تیغ برهنه و در دربار می بودند گز کس میشد بشو آتما
 چنین بود در اینجا اتهام میفرمودند در ان زمان نواب قاسم علیخان از خسر
 و انگریز روگردان بودند بعد در بار شاهی بحضور عالی که شاه عالم بادشاه
 رفته معذرت کرده بحال بر صوبه پٹنہ ماندند و خطاب عالی جاہ یافتند بعد چند
 از بادشاه روگردان شدند بآمینرش کامکار خان تسلط بر ملک یافته صدا
 مطابق آئیه الیوم لمن الملک و احد القهار بر داشتند میفرمودند نواب
 قاسم علیخان اول والد ماجد را نشان خدمت چون السلام علیک کرده و
 نشیند نواب را بنشیند عمده جلیل این جرات تکلفی نامی پسندید نامت پست

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سورسین از جابر خا
 و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا شناختم درین عرصه عروج
 من نه یاد گرفتم امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی است
 بیس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گاهی
 نسر فر از ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر دارد عیال بسبب آن از لطف
 فقیر بگذشته بدر بار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند و دیده بگفت
 نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی از من بگو
 در علاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد ماجد
 من جدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند بجز بسته ای قاسم علی ترا چه شد
 استکبار پیدا کردی استکبار صورت او بارست که بادشاه وقت که سایه چهل
 اولیا بر سر دارد او را گیدی گفتی شاید معتبوب الهی شدی این فرمان
 شه شاهان آنست که از خطاب عالی جاہ یافتی وارور و تیر یافتی مرا چه
 خواهی داد آنچه که دهی در زیر ران پرستاران خود دهی این کلمه بے باکانه
 گفته از اینجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند بنشینیم مرا کافی است
 سوره یسین حکم بچو بداران نمود بر گیر بر گیر در باران متحیر شدند بر جرات
 کلام فقیر بعد لمحہ از اینجا از چشم خلایق شدند پنهان که گیر و در گیر و فوراً
 از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد نواب چشم نم شده کشید آه سرد

گیدی

میفرمودند والدین صدر کرده شد بخانه نشین از گردش فلکی بر نواب علم خان
 افتخار رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو و اما
 چند روز بصیغه طالب علمی بودند تلمیذ جد امجد من آخر کار برهم شد نواب علم خان
 از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط انگیزان نواب قاسم علیخان بر کرد
 خود پشیمان شده بذریعہ اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت
 بالاحاح و زاری و سفیر نمود آنحضرت را بر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
 که خیمه گاه او بمقام یکسر ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پاکه
 بالا از سی کرده بود در اینجا میفرستد بر فردگیر تشریف می آوردند چنین بود
 طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند نجواب حضرت والد ماجد خود سی
 شاه محمد حسین را و چنین ارشاد نمودند امی ولی تو او را مغضوب گفستی
 عالا مغضوب شد من التذیس چرا بنامه و پیامی او میکنی و دم بفقیر میریزی
 آنحضرت متنبه شده شدند خانه نشین باز برگردند از ملاقات آخر کشتی علم
 و حکومت شد غریق کد ام را بهر گرد و بدیدی طریق میفرمودند بعد برهی
 تسلط نواب قاسم علیخان از امر شد آباد و خود نواب جعفر علیخان آمدند
 بکمال و بدیه و صولت در عظیم آباد و چو بار فرستاده جناب والد ماجد را
 کردند و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
 جعفر علیخان شنید منقص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود جاک

بعد تصحیح و باز و رخصت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب جوهر علی خان
 عازم مرشد آباد شدند آمدند به ملاقات بغیرخانه در دانا پور و در روز دعوت خورد
 بسواری بکره ار راه دریا عازم شدند سومی مرشد آباد و فرمودند جناب صاحب
 بسبب تنهایی پریشانم بهر وبستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت صواب است
 بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند بر باز و رویه بنام امام ضامن علیه السلام
 میفرمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثبات راه نواب مرا بسیار نواختند
 و سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن مشایخانه از نواب بهادر آموخته ام یک
 روز دست خاص و دستار بندی نمودند آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفارقت
 نیاورده خود رسیدند بغیر مرشد آباد مکانی خالی کرده شد قریب تر در اینجا همراه ولد
 ماجد میماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز
 وقت در بار همراه والد ماجد خود میرفتم والد ماجد من بجای بهترین میلسند و مرانواب
 از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر برز نوازش ته می ماند و کلمه کلام میکردند
 خبرهای پرسیدند بدین نوال حاضریم میشد و در بار عمر من در آن زمان ده سال
 میفرمودند روزی در جلسه در بار حسب عادت رستم در آنوقت حضرت والد ماجد
 نبودند موافق معیا و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعد از نوازش ته و نوا
 کس از مقررین از نواب صاحب پرسیدند که مذہب محلی القاب معلوم شیعه مذاق
 و از سنیان چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند مشایخین

سنت جماعت چنان و چنین چه سبب است برای بهبودترین فرمود نواب
 معالی القاب در جواب که انصاحب در زمان طالب علمی نجانده این عمده اشخاصین
 و سیادت بهترین مرابود جاگیر حالا مرانبر بدل بست منقوش که برای این صاحبزاده
 تجویز نمایم عمده جلیل یا منصب و جاگیر میفرمودند از انتفات نواب مرچین
 میسر معلوم که صوبه عظیم آباد و تفویض نماید چونکه بودم خورد سال آخر چنین نوشت
 ناقد و بعد و سال والد ماجد من در انجا نمودند انتقال بمبود مقصود بهر دنیا بهبود
 حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال حزن و دلال مرزا خان بیگ
 که یک از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در انجا نمایند مرار الا گفتیم مرار است
 که نقش بر م بوطن و فن نمایم در جوار جد بزرگوار آخره بصلاح بهر شش ماه
 نقش را سپرد کردند مع خدمتکار و اهلکار نواب آدم و انا پور صندوق ساخته
 بهر آوردن نقش پاک بسواری کشتی رتتم در انجا رسیده از زمین تفویض نقش
 بر آورده با ضیاط در صندوق کرده از انجا آوردم در جوار جد مسجد دفن نمودم
 از انوقت باز قصد مرشد آباد نمودم میفرمودند در مرشد آباد وقت انتقال
 از حضرت والد ماجد عرض کردم که بادشاه بهر کفان معاش میاد بسیار حضور
 قناعت کردند بر احتصار فرمودند اینقدر میرسد در برابر کفانی است عرض کردم
 من که دو برابر خواهم ماند چه نخواهد شد افزایش اولاد فرمودند اگر رضا الهی چنین است
 افزایش جمع بندی آن نیز خواهد شد الحاح در زمان والد ماجد من محاصل پالصد

بیکه چیز سے زائد پانصد روپیہ سالانہ می آمد بزبانہ من ہر دو برادران را ہزار
 ہزار و پندرہ اعمام شامیداشدند درامہ شال کشت یک ہزار و پانصد شد سنیوید
 این فقیر حقیر در زمانہ مایان جمع بندی سالیانہ شد دو ہزار شکر خدا بول بالا
 حالا از نیم ہست جمع بالا اگر فرزند انم راہ قناعت برین گزینند بخوبی گذرد
 اوقات مشایخانہ و اگر خواہسد کہ ہر دکہ امارت نشیند مال قارون نیز نکند کفایت
 درین زمانہ میفرمودند عمر کے سیزده سالمہ بود کہ وفات یافتند پدر بزرگوار بمبر
 چل و شش سال یک ہزار و یکصد و ہشتاد و ہجری بعد دو سال در تحصیل علم ضرور
 چون فرصت یافتم عمر بزرگوار مرا نبود و کسے فرزند بصلاح والدہ ماجدہ قصد
 نشادی نمودند و نیز بجرہ من سادی ہمیشہ گردید میرا و علی ابن میر حسن رضا
 دلہ میر محمد رضا یک دختر شد خواہرم را نام شد حمیدہ دختر سعیدہ در زمان
 طفلی آن دختر ببرد و نیز مادرشان وفات یافتند و سادی من در موضع گورگان
 از دختر میر یوسف علی عرت میر سوین ابن میر یوسف علی گردید نام نہ وجہ بود
 بی بی عصمت النساء از بطن آن بی بی یک فرزند نیز شد موسوم غلام حسین بہر یک
 سالمہ بود مع مادر خود در خانہ چیک ہر دو وفات یافتند باز قصد تاجلی نہ ساختم عمر من
 شانزده سالمہ بود جب دنیا از دل من حق بر برد قصد بیعت و تربیت نمودم چنانکہ
 اتفاق بیعت از والد ماجد نشدہ بود شرفیاضی حضرت قطب العالم شاہ
 محمد معتمد سہر با سماع در آمد ہزارم الحقم حضرت شاہ قطب الدین عر

شاه و بسا و آن که آنهم مرید و خلیفه آنحضرت بودند حاضر شده بیعت بطریقه
 عالیہ چشتیہ خضریه کرم حصول و تربیت و تعلیم یافتہ بطریقه عالیہ ابوالفضل
 چند حاضر ماند به دستور و معمول بنمایند و کیفیت ذکر و اشتغال مشغول و دویم سال
 چون گذشت که حضرت نمودند بسال یک هزار و یکصد و شصت و پنج هجری سیزده شهریور
 انتقال فرمودند از آنجا که وقت انتقال حضرت عم من عرض ساحتند
 که مجاز فرمایند باین فرزند هست پس یکی از مشایخین بحواب فرمودند مجازت
 بعد از بیعت ایشان همان روز داده ام کافی است ان اجازت مرا زبانی است
 به از تحریر خلافت و مثال چند کسان تا فہم نمایند درین قیل و قال ازین فقیر
 حقیر چه که مراتب بیعت از جدا جدا پیروستگیا حصول بعد چند سال که سن
 مبارک حضرت جدا مجد رسید بہ بیست و سه سال ثانی شادی شد و در عظیم آباء
 از دختر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبداللطیف ابن حافظ محمد یوسف کہ نسب
 آنجناب بالا نوشته ام بانساب علوی حافظ صاحب خوش باش از وطن دینجوا
 آمدہ در عظیم آباد بخانہ شیخ فرشی نسب شادی کردند و دختران پیدا شدند یک
 جدہ من ثانی خواہر خورد جدہ من کہ از شیخ برکت اللہ ابن شیخ اہل الدین شہر
 کتخا شد تدار بطن آن بی بی اولاد شد آلا شیخ صاحب ازد و شادی از یک
 دو پسران از یک دختر کہ شد دو پسر نامی می فرمودند بعد شادی من عم
 می پرسید نصیر الدین احمد بجانب مغرب کہ میدان نشان بودند بسیار در مقام

کانپور کردند انتقال برادر م سید شاه شمس الدین حسین را پذیرفتند بجای
 پسر والده من شادی آن برادر نیز رو بردی کردید بعد کردند انتقال استماع
 از زبانی جده ماجده که نام جداوری من بود شیخ محمد ابن شیخ احمد ابن شیخ
 عبدالصمد ابن شیخ امجد اقامت داشتند در شهر پٹنه بطور کاشتکار ز نام جده
 ماوری من بود مسماه سلطان بی بی بنت شیخ اما نعلی ابن شیخ سلطان علی
 ابن شیخ رمضان نعلی درین شهر بودند از تجار در هر دو مصاهره واقع شدند نام
 مادر من بود آمنه بی بی و نام هر دو امون من بود شیخ عاشور علی و شیخ مهر علی
 این نوجوان فوت شدند الا کلان نامیون مرادیده باشی شیخ عاشور علی کبر سن
 شده بودند در اینجا کردند انتقال بحاضره اسما و نام خلاصه من بود فاطمه
 بی بی از شیخ محمد میر انصاری بودند کنه شیخ محمد میر ابن شیخ محمد هاشم
 و صوفی محمد و اعظم ابن شیخ محمد اعظم هر دو برادر عماد بودند ساکن شهر دهاک
 پسر محمد میر شیخ کرم علی برادر خالائی من به ملاقات میان بسواری کشتی
 از انجمن اهل و عیال در نیامی آمدند بجای کشتی رسید در تباهی زوجه و
 پسر ایشان شدند در دریا غریق رحمت از انجمن تنهادر اینجا رسید بر است
 صعوبت و آفت بعد ملاقات در اینجا ماندند خواستم که در شرف شادی شان
 نمایم قبول نکردند آخر کنیز سنویار نکاح کرده در خدمت شان و ادم از دور
 پسر و یک دختر شد یک نام بود عید و در میر از دختر شیخ عابد علی که خدا

یک پسر شد واحد علی نام و دیگر پسر اصغر مجرب ماند بعارضه ناقصه شد آخر کار
 تمام و دختر مسماة سکرن از میر عباس علی ابن میر دوست علی که خدا شد ذوی
 شد و هرگاه در اینجا سکونت کردند برادرش شیخ کرم علی در اینجا به شهادت فیض نمود
 باو نشان کار و بیات را انتظام بخوبی بکردند انجام و حرم نشان نیز کارخانه دار
 من میدید پسر بود با دخاته داری اهتمام دیده باشی هرگاه ذکر آمد حضرت
 صوفی محمد دایم قدس سره ضمیمه احوال شان نیز بنویسید یعنی حضرت صوفی محمد دایم
 ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اول مرید و مستر شد بودند صوفی
 امانت الله رحمه الله علیه طریقه شان قادریه و سهررده مجددیه بود بعد از ان
 با جازت شان آمدند بشهر طینه بر استفاده باطنیه طریقه ابوالعلایه بحضور حضرت
 قطب العالم شاه محمد معتمد قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت
 ماندند آخر خلافت این طریقه یافته حسب اجازت جانب وطن تشریف بردند آنحضرت
 و دیگر یک دختر زوجه صوفی شاه روشنعلی که مرید و مستر شد و خلیفه و داماد
 بودند و نام پسر کلائے صوفی احمد الله است پسر ایشان صوفی وجه الله که بعد انتقال
 صوفی شاه روشنعلی زب سجادہ نشان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد
 بابایم حج شریک بودند ما ان زمان کسی اولاد نشده بود و پسر او سلطان نام صوفی
 قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود و چند سال درین دیار ماندند در
 ایام جوانی بهمین این خاکسار بودند بسیار موانست از من بود نسبت رابطه

و رابطه قرابت بعد مراجعت از سفر حین رسیدیم ندیم بسوی وطن رفتند
 و خلعت دوم صوفی محمد دایم صوفی شاه تقیه الدب بودند بعد انتقال برادر
 کلاسه سجاد نشین شدند و برادر ایمی حج نیز رفته بودند از حضرت جد امی بکاتبان
 اکثر بود لیس ایشان صوفی ولی الله واضح با خواهر جده این خاکسار بی
 است الرسول زوجه شیخ برکت الله این شیخ اهل الله از زمان حیثیت شوهر خود
 در عظیم آباد مقیم ماندند و دام بعد از آن بوقت اخیر بحسب عزیزان دنا پور اقامت
 شهر مدینا پنجه قبر ایشان و والده جده من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در مدینا
 الا والده شان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت الله قادری بودند
 در قصبه پهلوانی مدفون اند و نواسگان شیخ برکت الله شاه محمد قاسم پدر
 شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد واجد یک دفتر ایشان برادر زاده شاه
 محمد عاصم که خداوند اینها سجاد نشین مولاناگر بودند اهل معاش و دین
 شیخ برکت الله شیخ سلامت الله زوجه شان غلامی مولوی اکرم الحق و
 مولوی دین الحق بودند و اولاد نماند و پسر دوم را نام شیخ امان الله بود
 زوجه شان نیز بودند و اولاد رفتند هر دو ازین جهان از آنجا که سلسله قرابت
 بود بدین تصریح نکاشت باید دانست حضرت جد امجد من فرزندان فرزند خود
 دیده کردند بعد از شاد و شوش ساگی انتقال بسال پنجاه و چهار هجری بستم یکم
 شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و در آنجا جده من بعد سیزده سال همان

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت هر دو بود از دیگر فرزندان
 وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سر فرزند در وقت رحلت پدر بزرگوار
 خود ده ساله بودم منوچهر پسر ناوابستگان ترتیب فرار جانب شمال احاطه مقبره
 مزار است حضرت میر سید جهانگیر قدس سره و زوجه شان بعد هم پهلوی جانب
 مغرب مزار است پسر شان حضرت میر سید محمد قدس سره و جانب جنوب پائین
 شان پخته مزار حضرت سید شاه میر سید محمد حسین قدس سره نواسه شان
 و در پهلوی زوجه شان بی بی دولت جهان اهل مزار اند این همه عوام
 نیاز و فاتحه مینمایند خصوصاً وقت انجام شادی و در پهلوی حضرت میر سید محمد
 مزار است والده من حضرت سید شاه ولی الله و در بجنوب جانب مغرب
 قبر والده جد الامجد من است و جانب مغرب پهلوی شان مزار است والده من
 حضرت سید شاه سلطان احمد و در پهلوی آن قبر است والده این خاکسار
 بعد مزار است حضرت جد الامجد پیر دستگیر بعد بعد ماجد من بعد خالای من
 زوجه عم الاوسط بعد قبر عم الاوسط زان بعد قبر عم الخرم سید شاه مراد علی
 در پهلوی شان زوجه انتخاب اند بعد همین بسیار و خواهران من و دیگر
 عزیزان این بهر ناواقفان تحریر نمود و دیگر غرض از نمایش تحریر نمود
 ثمره اول شجر اولی اصل اول خاتمه در احوال عم کلائی سید شاه

واضح باد فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند ولادت
 ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود
 بر ذریکته تحصیل علم ظاهر و معیت بطریقه عالیّه قادریه از مولانا شاه ظهور الحق
 قادری نمودند و بعد از ده سالگی در علم قریب فراغ بودند و تربیت و تعلیم باطنیه
 بطریقه عالیّه ابوالعلاویه از جانب حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
 بودند و نبوت خلافت رسید و صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی معهود
 به هفت جلیله حاکم وقت بودند سرشته دارد شهر آباء و امارت ده سال آخر ترک
 روزگار نمودند و بعد از بیجده سالگی شادی شد از بی بی مسماة امین النساء دختر
 نقشبندی سید محمد حسین ابن نقشبندی سید محمد علی الله تعالی بخش اولاد چهار پسر
 و چهار دختر سه پسر بطولیت مردند و دختران از خواهرزاده و برادرزادگان که خوا
 شدند و ذی اولاد در پسر چهارم سید عثمانیت الله انچه که از زوجه عم کلانی
 دریافت شد اصل نسب بالا در اینجا بنویسد چرا که تحریر بر صحت نسب مصابرت است
 میر سید عالم علی زیدی نسب ساکن یاره بودند پسرشان سید امجد علی پسر ایشان
 سید احمد علی از دطن مفارقت کرده به حصول مد و معاش روانه و دایه شرتی
 شدند خلاصه شهر نیکاله بمقام سوکاپه در آنجا سکونت کردند تا بیار پیداشد
 جلیله صورت روزگار پسر ایشان نقشبندی سید محمد علی جلیل القدر حکام بودند
 استاد حاکمان وقت و دو پسر ایشان کلانی نقشبندی سید محمد شاه با وجود خفا بر

علی بسیار صنعت داشتند سه پسر ایشان یک دختر و منشی محمد حسین را سه دختر و یک
 پسر منشی سید ولایت حسین بطور ایشان سر رشته دار کورٹ اپیل بودند
 و جلسه ستر حاکم صاحب بهادر و نیز استاد بودند مقرب و ممتاز ز رفقا برادر
 بعد انتقال والد خود حاکم وقت این عمده به پسرشان بحال داشت تا حیات
 با وج جلیله مانند پسر کلانی منشی محمد شاه سید دلاور علی و ثانی سید اعظم علی
 هر دو داماد عم خود بی کریم النساء زوجة کلانی و بی بی ولی النساء زوجة برادر
 ثانی هر دو و فی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی
 میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از مسماة عمه بیگم دختر منشی محمد شاه شش
 دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شرفا و مجاور و دختر در
 اکبر آباد از هر دو برادر عیانی که خدا از قاضی باقر علی مسماة و حلا و از حکیم
 دارث علی مسماة صدر اکلان مسماة فیمما در موضع کرانی پسرهای و مسماة فضل
 از میر فرحت حسین و مسماة مجیباً از میر مظفر حسین هر دو برادر عیانی ساکن قصبه
 چهره و یک دختر را نام معلوم نیست در ضلع علیکڈہ گول در خانه شرفا که خدا و
 یک پسر نام سید اصف حسین شادی اول از دختر سید میر نجان در اکبر آباد
 شد ثانی بعد وفات زوجة اولی از دختر اخینا عمه زاده شاه محمد سجاد شد
 از هر دو اولاد نشدند و پسران قاضی باقر علی اولاد علی و حاجی باسط علی
 و پسر حکیم دارث علی نظام علی خان صدر وکیل یا مسماة هنوز آنها موجودند

دو دختر میر فرحت حسین مسماة سراج النساء و دو پسر میر مظفر حسین امیر حسین
 و نظیر حسین و پسر منشی دلاور علی میر لطف علی و یک خواهر شان که از میر اصالت^{علی}
 که خدایه میر اعظم علی را و پسر سید لطف علی و مولوی سید احمد علی آئینه معلوم^{نفسست}
 حالا ذکر اولاد عم الاعظم مینمایم که که خدائی شد واضح باد دختر کلان مسماة
 بخشا النساء زوجة دانی اخنی الاعظم شاه محمد قاسم دو فرزند از لطن این
 زوجة شدند هر دو در حلت کردند بصغر سنی بعد از آن مادر شان فوت شدند
 دختر ثانی عم کلان مسماة عبید النساء زوجة سید شاه فدا حسین ابن سید شاه
 فرید الدین ایشانرا از لطن این بی بی یک دختر شد جمیله نام بعمر بست سالگی
 شد عمر تمام و نام پسر امیر حسن آنهم بعد وفات مادر بمرد اولاد نماند و دختر سوم
 عم کلانی را نام بی بی ام البنول عرفت ببول از برادر سید هدایت حسین شدند
 که خدا یک دختر شد نام نظیر النساء که خدا شده از سید شاه حسین ابن
 امیر بین امام ابن سید شاه دارت علی بهاری ذی اولاد شده بے اولاد است
 ازین عالم و نام پسر آن برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد
 دختر نیز شدند هر دو فوت شدند از پسر دوم سید علیم الدین از دختر میر محمد حسین
 این میر علی سجاد پهلوار می که خداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر
 ایشان و دختر چهارم عم کلانی نام تلج بی بی و است الرسول عرفت رسولاً
 از برادر کلانی بیانی این خاکسار که خدا یعنی از سید شاه علی حسین که خدا

شدند ذی اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الدار خواهر خورد این فقیر
 که خدا شدند یک دختر شد بصغر سنی بمرد بعد اولاد نشد الا از حرم چند پسر و
 دختر اند و کیفیت اولاد برادر خود آئیده تبصره سراج خواهد گاشت
 ثمره دوم در بیان اولاد دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حفیظا النساء زوجه شاه تراب الحق

باید دانست نام عمه آنحضرت مسماة حفیظا النساء که از برادر کلان خور و بودند
 و از سه برادر کلان زوجه شاه تراب الحق ابن شاه طیب الدار ابن مولوی مین الدار
 حضرت شاه طیب الدار و اسه شاه سیف الدار و مژدی بودند و ذکر نسب بالا
 تحریر شد الحصول این بی بی در زمانه خود راجه بودند و عبادت الهی پر سلیقه
 و سخیه و مطیع والدین تا عمر خود در دنیا پدید بر بزرگوار ماندند خانه نوساز
 بسبب کثرت اهل و عیال الدار عالی پنج پسر و چهار دختر بنشیند بمحل سالکی
 رو برد والدین کردند انتقال چهار پسر و دو دختر گذاشته فرزند کلانی سید
 شاه محمد قاسم تربیت علم ظاهر از خال الاعظم یافتند ذی استعداد و نشی
 بنظیر بودند و اکثر انوکری جلید پیش حاکم وقت بودند بیعت ایشان را از حضرت
 سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بطریقه عالی نقشبندی و تربیت طایفه
 از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت خلافت ارشاد
 و بیعت از سهر و جاز از ابتدا و تا انتها تربیت و تعلم فیوض باطنی بیارایان

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند و وطن آمده زین سجاوه شدند بارشاد
 مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ذات با برکات ایشان شدند بسیار ثبوت
 و پنج سالگی کردند انتقال اباان یک هزار و دویست و هشتاد و یک هجری بروز
 پنجشنبه هزار واقع است در حضرت منیر باستان حضرت مخدوم یحیی میر
 قدس سره شادی اولی که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده مادر پسر
 هر دو کردند انتقال اولاد نماند شادی ثانی از مسماة امیر النساء دختر میر حیدر
 شد در بهار محله باره دری از ایشان نیز شدند دو پسر و یک دختر بصغر سن
 وفات نمود الا پسر آن جوان شده رحلت کردند اولاد صلبی نماند بجز فرزندان
 برادران و فرزندان معنوی اگر چه او استاد این فقیر بودند الا در صحبت نیز
 مرا حصول شد با وجود این تعظیم این خاکسار میفرمودند بهر آنکه زوجه ایشان
 مرید این فقیر حقیر اندر سببان العجیب مراتبات با برکات بودند
 شمره دوم یک خواهر ایشان از همه برادر بزرگ و ایشان خورد مسماة اولاد
 عرف امون از سید مرتضی علی ابن میران علی ابن میر شرف علی ساکن
 رهروی که خدا شدند یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه بصغر سن بروز
 بیعت ایشان از زوج عمه خود از شاه فخر الدین حسین بطریقه عالی
 چشتیه مودودیه بود الا تربیت و تعلیم معنوی بطریقه عالی ابوالسلانی از
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره یافتند بطریقه یک از

اهلکمالان بودند نسبت عالیه ماده جذبه در آخر عمر در جذب الهی بودند و صاحب
 کلمه الحق افسوس زندگی و فایده نگرایی و چهار سالگی رحلت کردند بسیار مردان
 و مستر شدگان ایشان می شدند بسال یک هزار و دویست و پنجاه و سه هجری وفات
 یافتند شمرده سوم پسر ثانی عمه این فقیر سید شاه محمد و اجداد بن شاه تراحق
 رحمة الله علیه که مردم ذی فنون و پیرهن بودند و استعداد فارسی بود بسیار
 و تربیت و تعلیم معنوی بطریقه ابوالعلائیة ایشان را نیز از حضرت قطب العصر
 سید شاه قمرالدین حسین قدس سره بود و فکر و سامعنی خیر طبیعت بود و صاحب
 وارده در و حال صاحب اثر و تاثیر که بر حاضرین اثر مینمود و در شعر و سخن درک
 خوش مذاق بودند و پیشه تجارت کردند با انتمه عفت از کار خود نبود وقت اخیر
 بیعت از حضرت شاه مظفر حسین ابن و غلیقه حضرت حکیم شاه فرحت الله
 قدس الله سرار هم کردند و اجازت پیرو مریدی از خال کلانی یافتند میر
 و مستر شدگان ایشان نیز بودند و بمرصفت سالگی رحیل ملک بقا شدند بسال یک هزار
 و دویست و هشتاد و چهار ولادت ایشان بسال یک هزار و دویست و چهار هجری
 به ماه ذی قعدة ازین حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیزی ایشان ارد
 این حقیر شادوی ایشان بعلاقه بهادر در اقران شد بموضع نور پور از مسامه
 تحفه النساء دختر شیخ بهادر علی و دختر و یک پسر از بطن این زوجه شدند
 ذی اولاد اندام پسر منشی سید محمد وزیر که در فارسی حسیت دارد و فی نظم

و شاعر است متخلص عطا تربیت باطنه یافت از عم خود حضرت سید شاه
 مبارک حسین قدس سره این حضرت قطب العصر حضرت سید شاه قمر الدین
 قدس سره و بیعت ایشانرا از حضرت عم کلان شاه محمد قاسم قدس سره
 اوقات بر زرگار حاکم وقت چندمی بسر کردند حالاً در تجارت مشغول اند که خدا
 ایشان از خواهرزادی ام یعنی از دختر سید شاه امیر السدان میر فقیر الله
 از مسماة است الصغری اولاد پسران شدند حالاً سه پسر اند موجود کلان پسر
 مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی و کسب و کرسی حکام زمانه در انگریزی
 نیز فوقیت دارد و بهر کار در برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت
 جد کلانی مدوح و تربیت معنوی از جد اصغر سید شاه محمد سجاد حاجی المحسن
 احمد در کسب بطون نیز دارد و کمال در شاعری به جلیل که خدائی از دست
 خلاقی مسماة همین النساء دختر سید محمد و م پنجش ابن میر شجاعت علی مرحوم
 زمی اولاد است یک پسر و دو دختر موجود اند پسر ثانی شاه محمد وزیر محمد ظهیر
 حصول بیعت ایشانرا نیز از جد اصغر است که خدائی نیز شد پسر نیز هست
 موسوم محمدیحی و پسر سوم را نام محمد صفیر است در تحصیل علم مشغول است
 و دختر کلانی محمد و جد مسماة بخت النساء که خدا از سید ابوالبرکات معروف
 بشاه برکت ساکن موضع مدن پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیم الدین
 بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین

قدس سره بفصله ذی اولاد و دختران و پسران دارند دختران در اقران که خدا
 اند بعضی ذی اولاد اند الا پسران صغیر اند محمد خلیل و محمد حلیل الله تعالی خوشنود
 دارد و دختر دوم شاه محمد و اجد علیهم الرحمه از هنر لغت زاد و ایشان سید فضیلت
 ابن سید شاه تصدق حسین که خدا شد یک پسر گذاشته بنام محمد ظهور نوجوان رحلت
 کردند و فرزندی تیم است الله تعالی عمر طبعی کشد و ذی علم مانند باقی از محل ثانیه دو
 دختران اند یکی که خدا از شاه و اجد حسین شہسرای ذی اولاد نام پسر ایشان
 محمد رضا و ثانی دختر جاس که خدا و نام شاه محمد و اجد محمد امین بیعت از والد خود
 نموده است ذی اولاد است بنام محمد معین و حسین و متین خیر باد ثمره
 چهارم پسر سوم حضرت شاه تراب الحق مرحوم شاه محمد یوسف مرحوم
 از طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کرده کمال صلاحیت طبع بودند گویا عارف بالله
 کا دنیا کسے نکردند خوشنویس بودند بجز بفتده سالگی قضا کردند ازین فقیر کمال محبت
 و انس پیدا شدند مہر و دوشیر

ثمره پنجم در بیان کیفیت حضرت شاه محمد سجاد حاجی حیرین

ام و آبا را نور العین و ارض بادشاہ محمد سجاد ذی ارشاد ابن عمہ خاکسار مولش
 و ہمہ درد و ہم عمر این فقیر حقیر اند از خورد و سالی در تحصیل علم ہم سبق چندی اوقات
 سر در نواری حاکم وقت نمودند ہمراہ اخی کلانے بیعت ایشان را نیز از حضرت
 قطب الشایخین سید شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ در تربیت و تعلیم

سنوی از حضرت قطب العصر شیخه فخر الدین حسین خال الاعظم قدس سره و مجاز بیعت
 از حضرت اخوی کلانی و بعد ترک روزگار پنج بار حجت زیارات بسوی حجاز تشریف
 بردند حج نمودند زیارات حرمین شریفین ذات بابرکات اند و در فن شاعری
 دارند کمال در اردو فارسی ساجد تخلص است فیضیاباز ایشان اند بسیار
 و مریدان کثیر از وقت ترک نوکری چنانچه پیرگان مرشد زاده ایشان بیعت کردند
 و تربیت یافتند خوش اوقات اند فیضیاباز صاحب وجد و حال برایه کمال اند
 شادی ایشان گردید از مسماة البصیر النساء بدعو براتن دختر میر محمد عاظم
 برادر عمه زاده ایشان بودند بفضل اولاد شد کثیر حید شدند رحیل بملک بقا و خیر
 پسر لا موجود اند چهار دختر همه با کتبی را جای که از میر آصف حسین که بیوه است
 اولاد ندارد دیگر از سید عبدالحکیم ذمی اولاد نام پسران محمد عظیم و محمد علیم سومی
 که خدا از حکیم امیر اکثر ذمی اولاد چارمی از محمد غزال ذمی اولاد است بعضی را
 بیعت و ارشاد است بعضی را فقط ارشاد و الا پسرها بقدر را نام سید محمد شاکر
 مولد حسین قیام اکبر اباد شد ذمی لیاقت اند و حسبیت نظامی بفرسی خوب
 شاعرانند بی نظیر بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و نیز تربیت و اجازت
 شادی ایشان از مسماة نعیمه دختر سید ولایت حسین گردیده است ذمی دل
 اند دخترانند موجود بسیار طبع ذکا و فهم رسا اند و شغل کتاب بنی بسیار
 و مجاز اند از هر اعظام به نسبت تربیت و احد بیعت و محبت این فقیر حقیر نیز بوده اند حاضر

شماره ششم

در ذکر دختر ثانی عمه این فقیر مسماة بی بی کلسوم که از میر عیوث علی شدند که خدا
بیعت دارند از خال الاعظم خود خواهر عزیزه صاحب عفت و عصمت از بطن
این بی بی دو پسر شدند یکی عمر در آنکه خدا شد عمر در آن زمان ثانی پسر مزید پسر شاه
فطیم حسن سلمه موجود است بپایه ثبات و تعلیم و ذمی شعور در علم عربیت
بے نظیر و عبارات فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار و طبیعت دارد صلاحیت بیعت
و تربیت ایشان از خال خود یعنی از حیات انخی سید شاه محمد سی و هشتمین

ارشاد که خدائی شد از دختر سید ابوالبرکات ذی اولاد است

شماره شجره فرع ثالث اصل اولی در محابده حضرت سید شاه فرید الدین احمد
رحمة الله علیه مرید و خلیفه و ابن حضرت سید الواصلین سید شاه
غلام حسین و ذکر فرزندان ایشان تصحیح

باید دانست ولادت حضرت عم الاوسط عمده المشایخین سید شاه فرید الدین احمد
در سال یک هزار و دویست و دویست و هجری بمه ماه رمضان بدینوجه رمضان علی نام شد
مرد عشا بر مضبوط و بیعت ایشان را از والد ماجد خود بطریقه عالیه قالدیه
و تربیت معنوی بطریقه ابوالعسلاویه از جابجا از بزرگان این سلسله نیز
حیثیت عربی و فارسی بود کمال الالبخر اخذ بیعت تدریس دادند و نه زبان
ارشاد شد خبر گیری معاش مقبوضه دایم می نمودند شادی ابن حضرت

اردو دختر کلانے غم خود کردند از مسماة فصیح النسابت حضرت سید شاه
 شمس الدین حسین اقدس سره زوی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال
 رحلت کردند بعد پنجاه و شش سال سر سال یک هزار و دودصد و پنجاه و نه شهر محرم الحرام
 پانزدہم تاریخ بود از اولاد سہ پسر ماند و دو دختر ان قضا کردند یکے مخدومہ
 نام نام پسر کلانے سید شاه فدا حسین بیت ایشان را از جد بزرگوار خود
 بطریقہ عالیہ چشتیہ و تربیت باطنہ از انخی الا عظم شاه محمد قاسم علیہ الرحمۃ بعد
 والد خود جانشین شدند بتولیت نہایت پر سلیقہ بودند و خلیق و مسافر سپرد
 نام آوری کردند خاندان ہمہ روسا شهر در گرد و اخلاق بودند شہرہ آفاق
 با وجودیکہ از تحصیل علم ظاہر بودند سحر سال ولادت آنجناب در اوائل شهر
 ربیع الاول در سن یک هزار و دودصد و سنی ہجری بمصر شصت و سہ سال
 کردند انتقال بسال یک هزار و دودصد و ہشتاد و پنج ہجری مرقد ایشان در
 قصبہ منیر ہم پہلوی انجی کلانے وفات شهر رمضان شریف تاریخ
 پانزدہم حصہ ترکہ خود بوارثان صلیبی بہ ہم شرعی اوند و دو برادر زادہ خود را نیز
 تعلیم و تربیت نموده از وارثان گردانیدہ بہر کہ حصہ دادند سوائے آنکہ برادر
 خود بودند موجود ندادند بسے ہمہ وارثان ترکہ را خوردنوش نمودند با وجودیکہ
 موجود اند شادی آنجناب از دختر ثانی عم کلانے شدہ بود یک پسر و دختر
 متولد شد با یام صفر سنی فوت شدند مذکور العبد رالا ارحم سہ پسر و سہ دختر

یک دختر که خدا سده رحلت نمود نام حرمت بود لاریب صاحب عفت بود
 و دو دختر معشوه بران خود اند موجود و پسر کلانے نیز اند موجود سہمی رجب علی بل
 مقصود والد تعالی اینہم را بخشید صورت بہیہ و توفیق عبادت بخود سید شاہ
 ہدایت حسین ولد ثانی حضرت سید شاہ فرید الدین احمد علم ظاہری موافق ضرورت
 داشتند و ہمیشہ بصیغہ مختاری حاضری و بار داشتند الا منکسر طبیعت ذوی جو
 کہ بہر خود بیچ نہ داشتند اتفاق بہت ایسان نشد الا تربیت یافته بطریق معنوی
 از خال الاعظم حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ بطریقہ عالیہ
 ابوالعلا یہ بود کہ خدائی ایشان نیز از دختر سوم عم کلانے گردید از مسماۃ امت التبتل
 و پسری کہ دختر متولد شدند دختر از ہمہ کلانی ذی اولاد شدہ مع اولاد و فات
 یافت الا پسران موجود کہ خدا اند جا بجا کلانی سید نصیر الدین احمد ثانی سید
 علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پھلوا ری کہ خدا چن
 دختران الا ایک پسر سہمی ابو سعید رحیم الدین بستر شد و مرید جناب اخی المعظم
 سید شاہ علی حسین بہت و سید نصیر الدین را کہ خدائی دھبہ نیز شد یک دختر شد
 بمرد و زوجہ نیز شادی ثانی نیز نمود و انہم فوت شد و سنگوفہ این فقیر ست و ثانی
 مرید عم کلانے خود دختر ہر برادر مرید ہر گز نہ دارین میر سید حسین پسر سوم حضرت
 عم الا وسط میر سید فرید الدین احمد ضروری علم ظاہری دارند محتاج تحریر از کسی
 نیستند کہ رو بد و آزد بیست ایشان را از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابوالبرکات

قدس سره و تربیت مغویه از حضرت پیر مرشد سید شاه قمرالدین حسین
 قدس سره بطریقه عالیہ ابوالعلائیہ و مجاز نیز از انجی کلانی اندشادی اولی ایشان
 از مسماة محمد و مہ دختر شاه امیر علی مرحوم گردیده بود و ہمزلف بودند این فقیر
 چون زوجه کردند انتقال و اولاد نیز نشد شادی ثانی از دختر میرا بمش رئیس شہر

ہنوز اند زوجه موجود آلا از اولاد نیز اند بمقصود

شمرہ چہارم شجرہ فرج سوم اصل اولی در بیان حالات و اولاد سید
 السالکین حضرت میر سید سلطان احمد پیر سوم حضرت سید کو اہل
 سید شاہ غلام حسین قدس سرہ

و انج باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک ہزار و صد و شش ہجری
 بمہ شعبان المعظم روز چہار شنبہ یانچ دوازدم این حضرت در فرزندان والد
 اجل و اکمل و ذی اقبال بودہ اند و خوب صورت جوان بسیرت لائق تحسین سر عرفان
 تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی انچہ کہ بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل
 ظاہری حبیت افزون نمود چون پہلوان صاحب قوت و زور بیت آنحضرت
 بود بطریقه عالیہ قادیر از حضرت تاج العارفین محمد و م شاہ حسن علی
 کہ یکے از خلفائے مکملین حضرت قطب العالم محمد و م شاہ محمد نعم قدس سرہ بود
 و تربیت مغوی بطریقه ابوالعلائیہ منعمہ و خلافت از آنحضرت بود در جوانی حسب
 ارشاد شدن مریدان بسیار و حسب خواہش کہ بسعی بازوے خود اوقات

همیشه بود و شغل جلیله روزگار حکام بودند بسیار راحتی و خوشنود و گاهی خانه نشین
 شده کردند شغل کتاب گاهانی کردند تجارت الغرض بشدند گاهی کسی اقران و دوستان
 محتاج و عالی همت و ذی مروت صاحب جود کرم و سخاوت همیشه مانند نذیر جا
 و ششم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از سماء قاوره میگیم مدعو افت النساء
 بنت حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و غیر
 اولاد شد پنج دو دختر و سه پسر و سید علی حسن سه ساله وفات یافت
 رو برو مادر و پسر و جد و جد و جد و جد و پسر مانند بعد رحلت والدین سال
 یک هزار و دویست و چهل و دو هجری بمشیش سالگی سیموم شده کردند انتقال ششم
 شهر ذیحجه روز دوشنبه رو برو والدین خود همه باغریزان و بزرگان محزون
 و غمگین شدند بر طلال دختر کلانی آنحضرت سماء ولایت النساء که خدا شدند از
 سید امیر آمد بن میر فقیر الله بودند صاحب عفت و حیا بیعت ایشان را بطریق
 عالی نقشبندی از خضر خود حضرت سید شاه غلام حسن مشهدی بود و بیت با
 نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره ذی مراقبه و
 مشغول بذكر الهی با وجود اعمه الله تعالی اولاد پنج سید و دختر و سه پسر یک پسر
 در صغر سنی بمرد الا کلانی که خدا شده نوجوان ذی اولاد شد نام بود و وجهه الله
 مدعو بنی حسن ثانی پسر سید لطف الله عرف ابو الحسن نوجوان هر دو وفات یافتند
 الا دختران ذی اولاد شد کلانی دختر سماء زهره از سید محمد و منبش ابن سید

شجاعت علی ساکن سامن که خدا یک پسر و دو دختر کی دختر زوجه محمد کبیر و
 زوجه سید فضل امام و نام پسر سید ظهیر الحسن که خدا از دختر برادر حم سکیم
 سید محمد کاظم یک دختر ست موسوم عظیمه فاطمه و ثانی شادی نیز در اوان
 خود نمود و دختر ثانی است الصغیر از وجه نشی محمد وزیر ابن سید شاه محمد واحد
 مذکور الصدر ذکر اولاد نموده شد و دختر سوم سماته ولی النساء که خدا از سید کمال الدین
 نواسه حضرت سید شاه جمال الدین حسین و دو دختر و دو پسر گذاشته کمال الدین
 وفات کردند یکی دختر که خدا از سید حامد رسول نبیره میر علی سجاد پهلوانی فرزند
 داود و دومی هنوز ناکه خدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعوب است آن پسر
 و نام ثانی تبارک حسین هر دو هنوز ناکه خدا الاشغل تحصیل علم و روزگار اند دختر
 ثانی حضرت میر سید سلطان احمد سماته شمس النساء که در عمر ازین فقیر نخواهد
 خورد بود بیعت بطریق عالییه قاوریه نمود از حضرت جد ماجد سید الواسلین و
 مشغولی باطنیه بودند که خدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت الدیک دختر
 شده بود سه ساله بمر نام بودم النساء بعد کس اولاد نشد بعمر پنجاه و شصت
 سال رحلت نمود مثل عارفه زمانه بدر تسبیح الهی بیست و دوم شهر ربیع الثانی شعبه
 بسال یک هزار و صد و پنجاه و پنج هجری رحلت کردند تین هم پهلوی خواهر کلانی خور
 پسر کلانی حضرت میر سید سلطان احمد قدس سره اخوی کلانی ابن فانی جنا
 معالی القاب سید شاه علی حسین برگزیده دارین سال ولادت آنحضرت

بسال یک هزار و دصد و سبشت شش هجری دهم شهر ذی قعدة روز یکشنبه فوت
 خلعت والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از
 هر یک اعظام خود نمودند و زمره فارسی درست است بعبارت مربوطه نوکری
 چند بار نزد حکام زمانه کرده اند که خدائی ایشان از دختر خود عم کلان گردید از سما
 است الرسول عزت رسولا از بطین این بی بی بعد چند سال شادی اولاد شد
 و دو دختر و یک پسر در ازل تربیت و تعلیم طریقه ابوالعلاء از حضرت خال لا غظم
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین یافتند تا حیات آنحضرت ذکر اشغال
 تعلیم میبرد و اخذ جوی از آنجا کشود و فایده مترتب نگشت بعد انتقال آنحضرت
 بیعت بطریقه نقشبندیه ابوالعلاء به شهر آله اباد رفته از جناب حضرت قطب ^{شقیق}
 مظهر کرامات حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره ساختند بعد
 در صحبت بایرکت حاضر شده جناب حضرت شیخ المحققین حکیم شاه مظهر حسین
 قدس سره جانشین و خلف الرشید حضرت واصل بالله حضرت شاه
 فرحت الله قدس سره مخاطب به حس و دست فیض طریقه مذکور گرفتند
 بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرار باطنه مادی و بخلاف شدند و نیز خلافت
 از جناب حضرت عمده العارفین سید شاه خواجه ابوالحسین قدس سره
 ابن و خلف الرشید حضرت قطب العاشقین مادی و مجازت اخذ بیعت بطریقه
 گردیدند بفضل از هر دو جانمات یافته سجاده ارشاد و ترشد بپوشته پیری ببردند

رسیدند اکثر باریان قیضیاب انداز نعمت سینه گنجینه ایشان چنانچه خلف الرشید
ایشان را بیعت و تربیت از ایشان است و نیز بنیره برادر خالائی مرید و مستر شده
بعد از تحال اخوی سید شاه فدا حسین علیه الرحمة بمنصب تولیت آمدنی دیهات
نشینند با نظام سرداری و زمینداری از عرصه سه سال بعارضه مجبور اند اندک
صحت بخشید یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله در گذشت ثانی یک پسر
موجود بنام سید رکن الدین حسین که از دختر عم سید شاه کاظم حسین کدخدائی
گردید ذمی اولاد است و دست موجود بنام زین الدین حسین طال عمر
و دو فرزند کلانی و ثانی در گذشت و دختر ثانی اخوی اعانی بی بی ظهور و فاطمه
و عوا محمد النساء از صاحبزاده خود جناب حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره
که خداست یعنی از سید شاه رضی الدین حسین ذمی اولاد اند بعد فوت
دختر و لدی موجود است الله تعالی ترقی عمر کند و حالا سن شریف اخوی کلانی از هفتاد
بالا الا هنوز باین حالت بمشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کمترین ایشان است

این حقیر سکین عطا حسین فانی کیفیت خود در خاتمه تحریر خواهد ساخت

نمره پنجم شجره بخت فرع سوم اصل اولی در ذکر محامد حضرت سید شاه
مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین
قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگر چه میر سید محمد الدین احمد عرف سید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

الا باوصاف جمیده از همه برادران مکرم به نسبت جوهر ذاتی و صفاتی سبحان اسد
 ولادت آنحضرت بسال یک هزار و دویصد و نود و هجری باه سوال المکرم تاریخ
 یازدهم روز پنجشنبه واقع از بیان حضرت پیر و سنگیر جدا مجد قدس سره کی
 کمالیت و علم عربی و فارسی و نظم و شعر و بسیار و در حکمت حکیم صادق صاحب
 دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم و در رقم نجفی و حلی و هر خط تحریر
 می نمودند بیت حضرت را بطریقه عالیّه نقشبندیّه ابوالاسلام از جناب حضرت
 قطب العاشقین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره و نیز اجازت
 و خلافت یافتند از آنحضرت مانند در صحبت تربیت الا کشود فیض باطنه طریقه
 مذکور از جناب انخی الاعظم خود حضرت سید قمرالدین حسین قدس سره که او سنان
 و همرفت نیز بود انداختی عماد و قلمینری نجویش رقمی از انخی عمده انوشی سید محمد حلیل
 برادر حلیل بعد تحصیل ظاهری و باطنه بمطرب گشتند در حکمت شاگرد رشید حافظ
 غلام نبی خان بودند و استاد حاکم وقت و نیز عمده که توالی نمودند و بمرتب
 سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النسابت سید شاه ولی احمد بلخی
 علیه الرحمه گردید و اولاد شد و دو پسر و چند دختران پسر خورد مسمی سید اشرف حسین
 بصغر سنی رحلت نمود و نیز چند دختران الایک دختر کلانی مسماه میریم النسا که خدا
 شدند از سید شاه مبارک حسین قدس سره از بطن این عقیقه شدند و دختران
 وفات شدند به کم سنی بعد از آن انهم رحلت کردند و فرزندان را بمندوبه بلند را نام

سید کاظم حسین سلمه که در تحصیل کتاب عربی و فارسی از همه خوان دارند
 فوقیت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطب نشسته علاج بیماران مینمایند
 دست شفا هست و هر یک غریزان در کتب درسی نیز شاگردانند حصول جمعیت
 ایشان بطریق عالیہ چشتیہ از جد امجد حضرت سید ابو اعلیٰ سید
 شاه غلام حسین قدس سره و سینه از نعمت باطنه نیز خالی نیست
 اگر چه ارشاد ظاہری از کسی جان نیست که خدائی ایشان از دختر خال خورد
 سید شاه حسن احمد ابن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام ان بی بی
 مسماة فریدان النساء از بطن این عقیقه پیدا و شد و سه پسر و یک دختر
 به کم عمری رحلت کردند حالا دو دختر و یک فرزند موجود که خداوند دختر کلانی
 منسوب از سید ظہور الحسن ابن سید محمد و من بخش و ثانی منسوب از سید کریم الله
 مسماة امت النساء ذی اولاد هر دو آند مذکور الصدر الاپسر که نام سید
 عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاہری
 عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از استاد
 دیگر به عیثیت است الا ذکاوت کثیر جمعیت از پدر بزرگوار خود حصول است
 بفرزندمی این فقیر مقبول است الله تعالی ترقی نماید و توفیق حس تدبیری
 و هدزاید که خدائی از دختر خاله این گردیده است هنوز اولاد نیست الله تعالی
 عطا فرماید و طور آبا و اجداد بنشد و بنشد عمر تراید بسال یکین از و صد و شصت

هجری نهم شهر ربیع المرجب بعمر پنجاه و یک جناب علم المحترم استاد محی مولائی
 حضرت سید شاه مراد علی کردند انتقال فرارست در جوار والد ماجد خود
 عالی تبار بایا می که سفر حج بود این خاکسار بسال یک هزار و دویصد و شصت
 هجری اله تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاه کاظم حسین را و اولاد
 ایشان را نیز اید عمر بخش که بالفعل زیب سجادگی جدا مجد نیز خود اند اگر چه چاک
 ذکر حمید سید شاه شمس الدین حسین جدا دری درینجا موقع بود چونکه ذکر مصابرت
 آنحضرت است ما قبل آن ذکر میان حضرت سید شاه عبدالمنان قدس سره ^{ینا}
 مقدمه شجره طیبه قادریه نسب حضرت سید شاه مظفر حسین ^{عظم} جلال
 و پیر و تکیه حضرت سید شاه عبدالمنان قادری مع ذکر اولاد ایشان
 واضح باد ذکر نسب ابا اجداد حضرت سید شاه مظفر حسین قادری و حضرت
 سید شاه عبدالمنان قادری بالا نوسه است درین کتاب به نسبت دوم باب
 اولی ذکر فرزندان حضرت محبوب بجانی عوٹ الاعظم محی الدین سید عبدالقادر
 جیلانی رحمه الله علیه الایان کیفیت که یک کرسی نسب ضرورتا معلوم گردد
 بنما معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد
 حضرت سیدی سیف الدین عبدالوہاب ابن حضرت عوٹ الثقیین از
 ملتان تشریف آورده در شهر دہلی بزبان سلطنت بادشاہ عالمگیر خانقاہ خود
 بیرون دہلی دروازه شاہ جهان آباد یعنی در دہلی قدیم بپاسا خند و بارشاد

مرشد یاران و مریدان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلایق گردید باز دو حامی در
 حصول فیض عام بادشاه و اراکین شاهی معتقد گردید این بزرگ را با اجازت
 از بغداد شریف آمده چند پشت و رانجا اقامت پذیر شدند در ملتان
 یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میر ابن سید شاه علی ابن
 سید شاه مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن
 حضرت سید الدین عبدالوهاب خلف الرشید کلانی حضرت عوث الاعظم سید
 عبدالقادر جیلانی محبوب سبحانی رضی الله عنه و خلف حضرت سید شمس الدین
 قادری سید محمد قادری و ابنه سید عبدالقادر ثانی یکبار در دہلی آمده چند اقامت
 کرده باز بسوی ملتان کہ وطن جدید شد از برگان تشریف بردند پس ایشان
 سید عبدالزراق ثانی ابنه سید حامد قادری ابنه سید موسی قادری صاحب
 اشراف قادریہ باز تشریف آوردند در دہلی و زمان سلاطین پیشین چند سال
 بسبب مجوزی مردمان معتقدین دین شریعت مقیم زمان بعد تشریف بردند سو
 ملتان ابنه محمد کحلی ابنه سید او و فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر
 ملتانی ملقب بسید عیاش الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده باز تشریف
 بردند نیز بمعیت ایشان یکے از فرزندان حضرت سیدنا عید الغریر کہ فرزند
 سومی عوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجاده نشین بغداد شریف
 جائے عزالت نشین شدند و سالہا در صحرا و بیابان اوقات بسر نمودند

و فرزند ایشان بودند بحضرت سید شاه عبدالعزیز یانی خلف ایشان
 سید محمد سر فر از لقب با استیاز جانے و در مدرسه مخفی حال شهر بودند و واضح با
 ولادت جناب حضرت سید شاه مظفر حسین ابن سید احمد کبیر ملتانی درین شهر
 دہلی در سال یکہزار و ہفتاد و ہجری بسن شعوبیت و تربیت تعلیم باطنہ طریقہ
 قادریہ از والد ماجد و حصول ساختند و وقت انتقال والد ماجد سی سالہ بودند
 انتقال انجناب بسال یکہزار و نودہ و نہم ہجری کار معاینہ آمد فتوحات مذرانہ
 روزانہ بیشتر بود از مردان و متقصدین امر اسلاطین بسیار کسان بر سفرہ
 ہمنوال طعام علاوہ لنگر خانہ بودند بعد انتقال والد ماجد خود تا حیات ایشان
 بدستور کار خانہ ماند اگرچہ راجہ اندیا متعقد خجین بودند مثل مردان یکے ازان
 راجہ خیالی رام و پسر شان راجہ سادہ و رام ببرکت دعا برین حضرت بمطلب
 رسید انتہای عمر گردید کسی فرزند بوجود نداشتی در عالم خواب مشرف ارجال حضرت
 محبوب جانی شدند از انجا ارشاد شد ای فرزند مظفر حیرامیانی پر ملائیل و چہ
 واری خیال اولاد در نصیب تو نیست این امر محال خواہر خورد را کہ اورا مثل
 دختر پروردی و میدانی در نصیب او اولاد ہست اورا کتھ کن از یکے فرزند ام
 کہ دار نام محمد سر فر از لاریب ہست با استیاز ہر گاہ از خواب شد بیدار
 و کشتہ ہوشیار شدند و تجسس و تلاش ان نامدارا خیر ملاقات شد پتہ و نشان
 در یافتند بخانہ آوردند خواہر خود بی بی پارسا را بساعت سعید در زوجیت

او شان دادند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند سال یکم
 و یکصد و بیست و یک هجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه
 عبد المنان تاجیات خود بعد اخذ بیت تربیت و تعلیم بطریقه عالیہ قادریہ
 کردند و بجای فرزند صلبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد سال یکم از رو
 و هفتاد و هجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور اراکین شهر و متقین
 و مسترشدین شدند سجادہ نشین ترکہ دستور نیازات و اعراس بود و بجا آوردند
 از دورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرد بودند کہ خدای تموده بودند روزی حین
 وضو دست خود بر روی مالیدند و بر زبان آوردند درین سن اللہ تعالی و عده
 اولاد میفرماید کہ ام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد و آنوقت سید محمد مهدی
 ابن سید عسکری کہ از فرزندان حضرت سیدنا عید الزراق خلف ثانی حضرت
 محبوب بجانی رضی اللہ عنہ بودند و اراکین سلطنت بادشاہی مخاطب بہ پیدایند
 از مریدان محضین حضرت سید شاه عبد المنان قدس سرہ بودند و نسبتہ
 عرض ساختند یا پیر دستگیر برین خاکسار عجب معاملہ گذشتہ است چند دختران
 شدند و دوسہ سالہ شدہ بعارضہ واحد فوت شدند حالا این دختر بودہ است
 دہ سالہ نیست کردہ بودم کہ بکنیزی حضور دہم و ربیت چنین کلمہ ارشاد شد
 نہ ہی نصیب کہ آن رتبہ و شرف بر وجیت حضور یا بد آخر از ان حضرت عقد
 نکاح واقع شد نہ وجیت درآمد نہ نام آن مخدومہ بی بی اشرف النساء بود

عرف فرزانہ بیگم و سن سرین حضرت سید شاہ عبد المنان نجاہ و بہت
 سال بود باید دانست نام والدہ حضرت سید شاہ مظہر حسین بود بی بی
 زبیدہ و نام زوجہ آنحضرت بود بی بی قویمہ مدعو بی بی صاحبہ و نام والدہ
 حضرت سید شاہ عبد المنان بی بی پارسا و نام والدہ حضرت سید محمد محمد
 بود بی بی رسیدہ و نام زوجہ آنجناب بی بی سیدہ بود اینقدر در نیاز شہادت
 از زبان محترمہ شنیدہ یادداشت بہر علم عزیزان گاشت القصہ بطریق
 زوجہ آنحضرت اول دختر متولد شدند نام محمدی بیگم و دہلی پیام صغری
 رحلت یافتند بسال یکہزار و یک صد و ہفتاد و نہ ہجری فرزند سی در عالم وجود
 آمدند در دہلی موسوم شدند بسید علام عبد القادر اعزان و مریدان را
 از ظہور ایشان سرت شد کمال ہر گاہ حضرت سید شاہ عبد القادر بمجر جا رسالہ
 شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جناب حضرت سید شاہ عبد المنان
 قدس سرہ تشریف دیار یعنی شہر عظیم آباد بیش آن گردید کہ یکے از مغر متعقد
 راجہ سادہ و رام حکم بادشاہ وقت تبدیلی منصب از انجا بدینصوب شد
 و علاقجات محال و ہیات این جوار بدلاہجوار عطا شد چون راجہ مذکور آمد
 اقامت چند سال درین شہر نمود و خواستگار تشریف آوری آنحضرت شدند
 عریضہ نوشتند کہ آب و ہوا اینجوار بر سر اعتدال و از زانی غلہ بہ نسبت انجا کمال
 حضوری سرفراز فرمایند بر تہریر راجہ مذکور حضورتہما بہ تضریح تشریف آوردند

چندے استقامت کرده بعرض راجه مذکور از شهر دہلی متعلقان خود را مع اہل
 و عیال و مریدان با کمال طلب و تہمت وقت تشریف آوری بیگم صاحبہ اکثر مریدان
 و معتقدین اینخامدان آمدند ہمراہ یعنی شیخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلامت
 از قرقہ کبکبہ و نیز حکیم فاروق والد حکیم محمد حسین و حکیم قادری جد حکیم ابوالحسن
 و مریدان متہم کار خاص میر و رگاہی و میر جمعیّت علی عرف میر ہنگام و غیرہ مع
 پرستاران بجمعیّت و رنجیا آمدند راجہ مذکور ہر یکے حسب لیاقت بنواخت
 کہ بعد برہمی کار و بار ہم ازین شہر نرفتند در اینجا رحلت ساختند سواری زرنانی
 بگردون رتہ شاہی آمدہ بود آن نرگاوان بر اسپان فوق داشتند عمر
 حضرت سید شاہ عبدالقادر چار سال چند ماہ بود در اینجا آمدہ بعد یکسال
 دختر کلانی تولد یافتند از آنجا کہ در شہر عظیم آباد متولد شدند نام عظیم الشان
 نہادہ شدند از بعد عمارت مکان بہر اقامت و خلوت طیار شد بارہ دری و
 خانقاہ بہر عرص بزرگان انہمہ استماع است از نررگان و بہر عمارت از زمین
 کہ کل می برآوردند خندق شدہ بود مشہور گرہی شاہ عبدالمنان خالا انرا دیدہ
 جاے حیرتینما دآن بطور افسانہ ماند کجا شد آن کارخانہ کا شانہ نمی نماید
 جامی گر کیفیت ویرانی آرند چون بسال یکہزار و یک صد و ستاد و سہ تولد یافتند
 دختر کلانی بعد سہ سال تولد شدند دختر ثانی سماء فہیم الشان و بسال یکہزار
 و یک صد و نود و ہجری متولد شدند دختر ثالثہ یعنی حرہ مادری این خاکسارہ

بی بی لطف النساء این محذومه بودند چندانکه انتقال جناب حضرت شاه عبدالمنان
 قدس سره شده بود بعمر هفتاد و هفت سال و چهاردهم شهر ذی قعدة بسال
 یک هزار و یک صد و نوده و یک هجری بمرد دوازده سالگی بودند حضرت سید شاه
 غلام محمد القادر اجازت سلاسل خاندان خود رو بر کوه دادند و فرمودند عالم
 صبی است شما بیعت کسی از مشایخ زبان نمائی بروز چهارم حاضرین معتقدین
 ایشان را زیب عجاذه نمودند بعد دو سال بطریقه عالیة قادریه بیعت حصول
 ساختند ازینجا بحضرت مولانا حسن رضا قدس سره که جانشین او میرد
 و خلیفه حضرت قطب العالم محذوم شاه محمد محم قدس سره بودند زبان بید
 از ایشان سلسله بیعت اجرا شد و خواهر گلان خود را در زوجیت دادند بمیر سید
 محمد جعفر خان منصبدار ابن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان
 و خواهر شمس طراز بن زوجیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند که ایشان
 از شرفا و رئیس این شهر بودند میر فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی
 بصغر سنی وفات یافت بعده والده شان و از بطن خواهر گلان یک دختر متولد
 شدند اول سماة امیر النساء امانی بیگم ذی اولاد شدند و یک پسر نیز
 شده بود سمنی غلام رسول آنهم بعد رحلت والده بگذشت ازین عالم راحه
 مذکور به صرف خانقاه معین کرده از سرکار سارن و چنپارن و در و سیه روز پیش
 ولوبارگان و چون دیهات همه ریاد شد دیهات که خدا را امامی بیگم از سیه خواست

ابن میر بهادر علی ساکن شیخپوره گردید یک دختر متولد عبد النساء جوان شده
 ناکتخدا رحلت کردند الا پسره که نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال
 یافتند از حال اعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و شادی از دست
 سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان هستند موجود چونکه حضرت سید شاه
 غلام قادر را از جدمادری سید شاه شمس الدین حسین بسیار ربط و محبت بود
 که هر دو بزرگ مرید یک مبر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی
 انحضرت کردند از خواهر ثالث انجناب مسماة لطف النساء که مایان از دریا
 ایشان هتم و مشهور بود درین شهر این شعر بطور ناسه یک طرف کفر
 ایک طرف اسلام پیرو ملتان مرید ساد هورام در صحبت بابرکت آخر اسلام
 قبول نمود مومن شد یک رئیس همدرد سال بیکبار در دو صد و دوازده یا زده
 شوال المکرم رحلت کردند حضرت سید شاه غلام عبد القادر عمر بست و سه
 سال بعد رحلت والد ماجد یازده سال بقیه حیات بوده تعلیم تربیت باطنه
 بمردان کردند نام آبا و اجداد را نمودند بلند آلا شادی نکرده بودند حضور وقت
 انتقال چنین کردند مقال که فرزندان من عین فرزند خواهر خورده است
 والد ماجد نیز همین فرمودند بودند آخر همان شد تا حیات انحضرت و بعد
 وفات کا رخانه مشایخی و دیگر انبر بکر و فر بود چون جده ماجده والده این فقیر
 و نیز جناب جدمادری راه بسجاوت داده ثروت از دست بیاردا و نده بهر

پیچ نهادند بجز زورینه از سر کار انهم تاحیات حضرت جدادری ماندند آن
نزد این خاکسار موجود است یادگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اولی و کیفیت حالات جناب حضرت
سید شاه شمس الدین حسین جدادری این خاکسار تنمذکر فرزند آن

و اولاد عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین این حضرت
سید شاه ولی الدجنت آرامگاه ولد حضرت سید المحدثین حضرت سید شاه محمد حسین
قدس سره نسب باقری برادر اعیالی و ثانی حضرت جد امجد این فقیر یعنی سید
شاه غلام حسین قدس سره ولادت یافتند در سال یک هزار و یکصد و هشتاد
و دو دوم ما یکم شهر جمادی الاول بعد انتقال جد امجد خود تربیت و تعلیم علم ظاهر
آنچه که شد بحضرت ایشان از اخوی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی از مفتی
مسیح الدخواند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف که مفتی صاحب بودند خوشنویس
باید دانست آنحضرت بودند هیچ کمال پاکیزه صورت جمال فکر و ذهن رسا
در علم جفر از انجمه طلب کیا هم بود و با شان و شوکت ملاقات راجه های
ویار و بادشاه در و بی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی بکمال
اعزاز و توقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت ولق شایانه یافتند آنرمان
بادشاه در ملک سلطنت پنج حکومت نبود باقی که تعداد مواضع از معانی

بجز نام شاهی و از حضرت مولانا سید شاه حسن رضا قدس سره که خلیف
 و جانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره کردند
 بیعت بطریقه عالیّه قاوریه کردند حصول و از تربیت و تعلیم باطنه مستفید
 مشرف بخلافت شدند باصرار حضرت انجی کلانی خود والد ماجد متاهل شد سال
 یک هزار و دویصد و شصت و شش شهر محرم الحرام آخر یعنی از جناب مسماة لطیف النساء بنت
 حضرت سید عبدالمنان صاحب قدس سره اگر در زمانه خود بسبب پیری و
 ضعیفی و معذوری پایی بود و جد و حال الا بر رخ عالی عیان بود کیفیت
 مراقبه و مشاهد حق و ذمی قوت دشواری کمالیت داشتند در فن
 سپاهکری دخل کمال طلب دنیا بهر اندوخت نبود الا بر کفایت اهل و عیال
 الا مردم سخی حوصله بلند داشتند چند سال برفاقت و پهنشینی نواب شیخ الدوله
 و نواب اصف الدوله تا زمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی
 شد خانه نشین تبوکل خدا چون انجام شادی شد عمر سی سالگی در آن سال
 آخر در چهاردهم ذی قعده بروز عرس حضرت شاه عبدالمنان قدس سره تولد
 یافتند فرزند کلانی رتبه بلند حضرت سید شاه قمرالدین حسین قدس سره
 ولادت از لفظ ظهور محمدی برآمد الله تعالی سه پسر و چهار دختر بانحضرت
 عنایت فرمودند دختر کلانی مسماة بی بی فصیح النساء که از سید شاه فریدالدین احمد
 که خدا شدند ذکر فرزندان ما قبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النساء

که از والد ماجد حضرت سید شاه سلطان احمد که خدا شدند هر دو از برادران
 عمزادند کور شدند که اولاد دختر خورده که از نیمه برادر خواهر بودند خورده مسماة مسیح
 فاطمه یکم که خدا شدند از میر سید نسیم الدین سید رحیم الدین ولد سید فهمیم الدین
 اهل سکونت دریا پارکشن پور کیشود ضلع تربت الاسبب مانعت خاندانی
 گاهی نرفتند بخمس پوره در خانه داری و آبائی مانند در حلت کردند چون در تقدیر
 تفضا اولاد نشد برادر زاده خود سید شاه مبارک حسین را و این خاکسار عطا
 پدرش کردند مانند پسران خود بسال یک هزار و دوصد هفتاد و نه هجری حلت نمودند
 و یک پسر سید برکت حسین و دختر مسماة قدیر النساء ازین خواهر خورده کلانی و از هر
 برادر خواهر خورده یا چهار ساله شده وفات یافتند الا پسر ثانی ذی ولد شد
 سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره
 ولادت شد ایشان یک هزار و دوصد و ده هجری بقدر ضرورت تحصیل و علم بود
 که محتاج از تحریر نبودند الا در سپاه گیری دخل داشتند بسیار چندی بر فاق
 ماند بر اجه گویا بسبب اقامت حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید
 شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره هر حال در علم موسیقی نیرداشته
 بسیار دخل شادی آنجناب بخانه رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد
 شد از مسماة حیات النساء یک دختر شد از بطن ابن بی بی مسماة عفو
 از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی که خدا شدند الد تعالی اولاد بخشید

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطغولیت و جوانی الایسر کلانی سید
 کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی این خاکسار و دوسر و
 دو دختر اند یک که خدا و دومی تا که خدا نام پسران خیر الدین حسین و تبارک حسین
 مذکور الصدر الایسر ثانی سید ظهور الدین حسین که خدا از دختر کلانی این
 فقیر حقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین که خداست از دختر حکیم قمر بانعلی
 در اقران جدی خود یک دختر شده بود مرد هنوز دیگر فرزندش الا دختر بی بی
 نعیما النساء کنیز اش از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد در مد ظله

شجره طیبه لاثانی در حالات فرزند کلانی یعنی حضرت قطب العصر
 سلطان السالکین عمدة العارفین سید شاه قمر الدین حسین قدس سره
 سر معالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس سره

برکت جان من بود سر جو نیم بیای تو
 خلد برین ست جای تو بخت حق رضای تو

فرحت دل شود مرا از مدح شنای تو
 مرشد پاک مقتدا زنده آل مصطفی

چونکه تویی خدا نثار عاشق شد خدای تو
 منکه بحق رسیده ام از سبب لای تو
 فیض چو شند ز من ظهور بود همه عطای تو
 سر همه چشم خود کنم خاک در سرائی تو
 میکشد اندرین محن از دی نقای تو

مظهر ذات کبریا مصدر فیض مرتضی
 سر خدا سفید ام جلوه پاک دیده ام
 خاکدست سگ حضور سیر نمود و دور تو
 از ولایت در دلم تابدت اگر رسم
 کرد فراق تو بمن بهوش نماند جان تن

فیض نگاہ شایین کرد اثر برین چنین گشتم اراں طرب گرین چون نشوم قدرا تو

هستی ای شاه قمر دین هست مرا بدل یقین
هست غلام کترین فانی خاکپای تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدوة الکاملین ارشاد السالکین سید
شاه قمر الدین حسین فرزند کلانی جد مادری این خاکسار یعنی حضرت سید شاه شمس الدین
نواسه جناب حضرت سید شاه عبدالمنان قادری خواهرزاده حضرت سید شاه
غلام عبدالقادر قادری که مفقود بود بوجود این اکمل المحققین به پدر و پسر
این فرزند عالی گهر ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دصد و سه هجری
ظهور محمد چهاردهم و یقیناً روز دوشنبه بروز عرس جد مادری خود حضرت
سید شاه عبدالمنان قادری لاریب از ظهور حضرت نام آبا و اجداد روشن تر
مثل شمس و قمر

عین در صورت قمر دیکھا

سر بر تھے وہ لائق تعریف

جلوہ حق جو بھر نظر دیکھا

ہی نہ ممکن جو ہو سکے توصیف

متور کردند جانب جد مادری سجادہ براحق مستعد و بفیض بخشی خلایق امادہ معلوم
باو آنحضرت در عمر ہفت سالگی نمودند ختم قرآن از تعلیم قرار زبان و مادہ
چهارده سالگی تحصیل علم ظاہر بہ کتاب فارسی و عربی و منطق صرف نحو کردند
تمام از درس استاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین ذمی فنون خل
 در علم موسیقی کمال بر قلب پیوندا سر و جد و حال اگر چه کتاب حکمت و طب بخواند
 الا علاج مرصیان باستانه میگردد و دید بیمار بصحت میرسید در سن بیست و دو
 سالگی اول فیضیاب از جناب حضرت سید شاه یحیی علی انخی شدند بعد به نجات
 قدوده ایشا یحیی جناب حضرت اسرار منجلی مخدوم شاه حسن علی قدس سره
 و تربیت صحبت یکماه چون در الوقت فائده تریب نگشت زان بعد حاضر شده
 و خدمت بابرکت مظهر اسرار حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس
 حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوختند درین
 بسبب غیبت آنحضرت خانه نشین غرت گزین گشتند حسب اتفاق شریف آفر
 جناب حضرت واصل بالله حکیم شاه و رحمت الله المخاطب حسن دوست
 از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چمپه بردند در اقامت شش ماه
 در اینجا در تربیت و صحبت مانند نسبت طریقه بخود می و استغراق دست داد
 و فکر که درین طریقه مثل جان است تا آنوقت صورت نه بسته بود حصول گشت
 در آن فرصه انتقال آنحضرت بهم گردید باز بر رابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت
 حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسید از نکات این طریقه و اسرار
 آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آخر صاحب ارشاد چنان شد
 که اظهر من الشمس است حالات آنحضرت و فیض طریقه سهروردیه از دوز بزرگ

حصول شد یکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریقه سدا سها گیه که
 می پیوند از حضرت موسی سهاگ کبر و به بشاقتی ان شغل شغال و ذکر از فیض
 معبر گشتند که یاران را در وقت و جد حال طور رقصیه میشود قوی تر نسبت شد بدگر جلی
 بعد از مرزا جان سرور بی بخرقه بدل ذکر قمری گرفتند و آن بدگیره یاران تعلیم
 نفرمودند بخیر مرزا الف بیگ مرحوم میفرمودند آنچه که از مرزا صاحب گرفته هم بر زاد
 علاوه ازین ادرسیه بود بغیضان روحی از مرزا فیض آثار حضرت مخدوم
 شهاب الدین سیر جگوت قدس سره و فیض روحی حضرت نور الدین
 عبدالرحمن جامی و حضرت مخدوم شیخ مصلح الدین سعدی و حضرت امیر
 رحمه الله علیه بدان وسیله و رتقی بود کمال شده بدین فیضان مالا مال
 گشتند اهل کمال هر گاه همه فیضان بر قلب شد طاری فیضان ارشد و ترشید
 شد جاری خلافت نیز از هر جا شد حصول که در شهر عظیم آبا و مشهور و فیضان رسید
 و در و راتفاق بیعت تا اندم نشده بود بعمر اخیر و شهر آبا و رفته از سیر و سنگی
 حضرت سید شاه ابوالبرکات حصول نمودند و اجازت بیعت نیز یافتند
 الا که ر امریدن ساختند خبر تربیت و تعلیم یاران و یاران را نیز لیاقت یافتند
 بعض بعض را مشرف بخلافت ساختند و در زمره عزیزان خود خلافت بخشیدند
 یکی باخی الاعظم حضرت سید شاه محمد قاسم برادر عمه زاد این فقیر و هم
 مشرف ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر هر چند بهرا خدا بیعت خلقت شد

دامنگیر ندره با فرمودند بقوله خواجگان پیشین در شعی بنده نموداری یکشانی بعد
 حصول سعیت چند ماه ماندند بقید حیات سبحان فتوح نذرانه از کسی نکرده و نپذیرفتند
 و نه ادا می عرس بزمه خاص نبود معمول الا بهر مجالس که تشریف می بردند مجلس
 بودند نمایان و بغیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سعد عثمان نه ترکه از معاش
 پدر می گرفتند بوجه معاش می فرمودند من تاب نداریم این قماش بخیر تو کسب
 تجارت آنهم نه و دوکان باراری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس
 اول وقت معاملات دنیاوی بود و خرید و فروخت ثالی وغیره و کیفیت غذای
 آنحضرت چه نویسد کیوت و ال خشکه و بوقت شب نان دست پزی به روغن گاهی
 بدرقه تبرکاری وغیره هر چند ترک حیوانات در غذا نبود بر آن عادی نمی شدند
 للبحر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید حیران غذا را و لباس لباس پتکلفت
 می پوشیدند بطور بادشاهانه که بدانطور کسی را نمی شد میسر و نه عادت بود
 خوردن طعام رسمیه و عزت و یک وقت معمول بود بدرست مدرس غریزان
 و از نصف روز تا شام وقت شب یک پاس بیاران در حلقه مراقبه بود و بریت
 و تعلیم و رزمان والدین مجوز می بسیار و اصرار اول شادی در قصبه بهمار گردید
 بمحمد بلخی از سماته لی بی ریاضا النساء دختر خجسته اختر سید شاه ولی احمد
 بلخی از بطن آنخودمه تولد شدند یک فرزند از جیند ربه بلند سید شاه
 مبارک حسین بعد یک سال آن زوجه کردند انتقال خود گذاشته نونهال

و در امان جده ماجده و عمه پرورش یافتند زان بعد بجهت کثیر حسب اتفاق
 وقت شادی ثانی کردند قبول از سماء بی بی با دشا به یکم دختر خواجه محمد یوسف
 رحمه الله علیه احرا ری از لطن آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید
 سلامت حسین نام شد بعد یک سال بصغر سن شد ارتحال بعد یک سال والد
 ماجده نیز آن نونال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بحساب بخردی بگذشت
 از یک فرزند شدند فرزندان که هنوز موجود اند بهر نام و نشان قره العین مایان
 بسال یکا زار و دوصد و چهل هجری والد ماجده آنحضرت کردند انتقال بسال یکا زار
 و دوصد و چهل و نه آغاز سال هجری با هضر کردند والد ماجده آنحضرت
 انتقال اشعار تاریخ وصال آنحضرت از دستاوی بلغ الشعر مولوی اگر علی
 صاحب بنارسی یا دست نوشته می آید که ما و ما بنظرین

قطعه

عالمی معمور شد از شور و شین	قطب عصر چون از نی عالم گذشت
شد بواهب شاه شمس الدین حسین	با تفسیر دیده دل ارشاد کرد

و نیز این خاکسار گفت بزبان اردو و صوری و معنوی چبسته حسب حال

قطعه

دوسری تا پنج تھی ماه صفر	جب کیا نانانی میرے انتقال
روز جمعه اور تھا وقت عصر	بارہ سو ہجرت پر تھا اونچاس سال

جب کیا فانی نے اس میں فکر و غور مادۂ تاریخ یوں لایا نکال
 شمس دنیا دین جب ہوگی غروب پائے ذات احدیت کا وہ وصال
 انقض بعد ہفت سال انتقال حضرت عداوری آنحضرت پر و مرشد نیز یافتند
 وصال بسال یکہزار و دصد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت
 صبح صادق روز چہار شنبہ تاریخ تالیف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برگزیدہ
 از کلام مینماید درین اوراق رقم

قطع

روز ہجرت است یا شب تاری	شمس یاد رہا بس ماتم ہست
چرخ میگوید از سر زاری	قمر دین بنور حق پیوست

توصیف چند آنکہ گنم زبانم از بیان و تقریر قاصر و از تحریر قلم ظہور محمد سال
 ظہور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ حمد مے بر آید لی آخرت
 سال رحلت تعمیہ است از سر حریت مزار فیض آثار در احاطہ مسجد
 در جوار حضرت قطب العالم حضرت مخدوم شاہ محمد منعم عالی تبار فیض

از بصرت نماید بہار

عشر تمام

جس لوہ حق جو بھر نظر دیکھا	عین در صورت قمر دیکھا
مرتبہ فقر و شان شاہی میں	ایسا کوئی نہیں بشر دیکھا

اونکے در کی کئے گدا ئے جو جسکے اوپر پڑی نگاہِ فیض فرحت افزا نہوئے کیونکر دل اونہیں برکات کی ہوں پاتا بو شععی بنی تین تین ہین کہتے لوگ وہ نہ آئینگے میری جاے تن	بخشتے اذکوسیم وزر دیکھا اوسکو مدہوش و بیخبر دیکھا آپکو جب چشم تر دیکھا باعث عشق یہ اثر دیکھا اوسا منعم نکوئی بشر دیکھا اسکو ہر بار غور کر دیکھا
---	--

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی
غیر کو پھر نہ آنکھ بھر دیکھا

شمرہ شجرہ طیبہ فرع سوم اصل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ
مبارک حسین خلف الریدرتبہ مجید حضرت قطب العصر مع
ذکر اولاد امجاد سان

انور باداخی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشد زادہ سید شاہ
مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دوصد و سی و دو
ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذمی قعدہ چار دہم مادہ تاریخ ولد آنجناب
منظور بدل بخانہ فیض کاشانہ بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جاے
نولد واحد ست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق مقبول
فقہ اصول از والد ماجد خود انچہ کہ نمودند حصول و تربیت و تعلیم بذکر و

شغل و بیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیہ نقشبند را بواسطه
 یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و خلافت
 و جانشینی سجاده از پدر و بزرگوار جد امجد والد عالی تبار مزاج منکسر بود
 و وفنون عمارت پسند اخلاق منذ تعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت
 حسب معمول برادر خال زاد و رضاعی بودند این خاکسار هم در و دهم بر بنیوم
 زائد انس موافقت بود خوش رقم تحریر عمارت نیز در برجه معقول و شاعر بنظیر
 شادی اولی روز و حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر عی
 سید شاه مراد علی نام آن زوجه بود بی بی هر یکم دو دختر شدند از آن بی
 بعد چندی هر سه یافتند و قات زان بعد شادی ثانی از دختر مامون شان
 کردند از مسماة براتن النساء و دختر سید شاه حسین احمد ابن سید شاه ولی احمد
 یک دختر از آن زوجه نیز شد هر دو بمردن شادی سوم گردید در خواجه زادگان
 از دختر خواجه محمد ذاکر علیه الرحمة اولاد شدند در عالم حیات یک بعد مات
 بصغر سنی و فرزند وفات یافتند الا گذشتند چهار هر یک ذی علم و همیشیا
 یک سید منیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتخدا شدند بیعت بود
 ایشان را از عم الا عظم سید شاه محمد قاسم رحمه الله عالیہ بطریقه عالیہ
 ابو العلاء و تربیت و تعلیم غیر مغنوبه الا در اصل ادیب بود و ناجد ما خود
 دزین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اهل کمال حافظ قرآن

شده در غم بخت و پنج سالگی نوجوان کردند انتقال بسال یک هزار و دودصد
 و هشتاد و هفت هجری جاے حسرت است و غم و الم دومی سید شاه
 عزیز الدین حسین که این نیز و علم عربی و فارسی حیثیت دارند و از بیعت
 ایشانرا هست از غم الا صغر سید شاه محمد سجاد و مسند نشین ارشاد و برادر
 عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بد نظر بقیه ست سومی سید
 شاه شرف الدین حسین این نیز ذی علم اند پر شعور و عربی و فارسی
 شاعر بیعت ایشان نیز از حضرت عم الا عظم ممدوح شادی این هر دو برادر
 کردند بمقام سیوان از دختران شیخ غلام محمدانی شیوخ عثمانی و دختر
 دومی کردند انتقال فرزندان اند سپر چارمی سید رضی الدین حسن
 که در دانا پور از دختر سید شاه علی حسین صاحب که خداست ذی اولاد
 بیعت ایشان نیز و تربیت از غم الا صغر بارتبه و منزلت برتر حضرت سید
 شاه محمد سجاد و الد تعالی ذریت ایشان را دارد و ایما شاد و مبارک با و بجز مشایخ
 بقیه شجره شجره و کیفیت حال خود مینویسد خاکسار مسکین سید عطاء حسین

ابن سید سلطان احمد

مخفی مباد سنه ولادت خاکسار در سال یک هزار و دودصد و سی و دو شهر رمضان
 شریف روز پنجشنبه فرموده تا پنج جناب حضرت جد ماری به بد است نشسته
 طفل نیکو سیر عطار حسین بزم سانه سعید گشت ظهور

بست و سه بود از مه رمضان	بود یوم النخیس وقت فطور
سال تولید صاحب اقبال	چونکه شد گفتنش بدل متطور
شدند اهر ضمیمه شمس الدین	بنیظیر اولیا و بود این پور

فرستاده یک از مشایخین عالی تبار بزرگ از مریدان آنجناب در عقربا یام
ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر دادند بعد تولد نام عطا الله
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بدینطور خدا حسین و علی حسین آخر کار
عطا حسین شد مشهور بسبب تسمیه بلفظ قاضی اینکه قاضی عطا الله
یک از اجداد بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبد الزیر
بدین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح با ده ماهفت سال
عمر بعلاّت گذشت از عمر نفث ساکلی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی
نمود از عم محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمة الله علیه که ده ساله
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مرا پرویدند از علم بهره اندوختند
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی غزیه الدین حیدر لکهنو
و کتاب طلب از مختصرات خواند از جناب حکیم محمدی ساکن دشت علاقه حضرت بهار
و عربیت چندان خل ندارد و تالیف کافیه خوانده است فصل الهی در کاست و تفسیر
قرآن مجید تا پانزده پاره کلام عربیت کلام از سبب حاضری حرمین شریفین شجره بعبارت درو
پیر پنج طریقه تالیف کرده اند و نیز در و چند تالیف است مختصر و طول و خطبه عید فینیب ده

خطبه نیز عید الفطر و عید الفصحی و خطبه هر جمعه با سال تمام قریب پنجاه کتاب تصنیف
 دوازده مجلس مولود آنحضرت سردر کائنات از لفظ تالیف نبی سن تالیف می برآید و
 مولود بهار نسیم نظم و مولود جدید و مولود مجید و مولود حمید و جز باشد و مولود قادر به بنام
 کرامات عوثنیه و مولود معینه و انوار قطبیه و لمعات فریده و فیض نظامیه اسرار نقشبندیه
 و مولود شرفی و مولود علایمه هر یکی در احوال هر بزرگان نامی و چهار ملفوظ بزرگان
 و چهار شنوی سرق و گنجینه اولیا و افسانه و پذیر و سر عطا یک دیوان فارسی و یک
 دیوان اردو و اسرار اشغال معمولات اشرف و کتاب دقیقه السالکین سی جز و کتاب
 کیفیت العارفين و چهل جز تمام و کتاب دقیقه السالکین چهل جز و کتاب
 حقیقت العارفين و چهار مولود و صد دقیقه و فاروقیه و عثمانیه و مولود مرثیوی تذکر الشهاب
 و فوائد کبیریه در معالجات چندان نوید البته لائق طبع است از کتب با فواید
 عوام این بیان نمایش حیثیت و استعداد و خردمست از معائنہ دریافت
 خواهد شد شعر فضل حق در کار هر در کار هر کیا ببری السکی سرکار ہے
 القصہ عبر شانزده سالگی بعبت بطریقه عالیہ چشتیه حضرتیه منعمہ از جناب
 سید شاه غلام حسین سید الواصلین جدا مجد خود نمود و پنج سال
 حاضر الخدمت شدہ تربیت و تعلیم بطریقه ابوالعلائیہ از حضرت پیر مرشد
 سید شاه قمر الدین حسین خال الاعظم استاد المحترم گردید از هر دو جا
 بخلاف شرف یافته علاوه ازین فیضان اولیہ در بست و یک سالگی

تا هفت سال بروزگار ناپائدار برفاقت حاکم وقت بسر نمود و بمر بست و دو
 سالگی ستایل شد شادی گردید و در قصبه بهار از دختر شاه امیر علی صاحب
 فردوسی که از اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره اند بمر بست هشت سالگی
 ترک روزگار کرده سفر اختیار کرد پنج سال در سفر ماند و یار و یار تا ملک حجاز بهر
 زیارت حرمین شریعین مکّه معظمه و مدینه منوره و زیارات بزرگان بعد
 پنج سال معاودت نمود و حاصل بسال یکمزار و دو صد شصت و پنج هجری بمر
 سی و سه سالگی درین قصبه صاحب گنج رسیده اقامت پذیر شد بمر تعلیم مریدان و مشتقان
 هنوز بدان مشغول است زیاده کیفیت تحریر طول است حالا مع اهل و عیال
 اقامت گزین در قصبه شد از اسی و سه سال گذشت عمر نیز بانجام رسیده
 به شصت و شش مدعا چنانچه بالنحیر بدعا خیر از عزیزان دارد و از اولاد انیفقیه
 حقیر یک پسر و دو دختر شد نام فرزند سید عطا قطب الدین که از دختر
 خال خود شاه وزیر علی مرحوم که خداست و دو فرزند و بصغر سن فوت شدند حالا
 یک پسر موسوم است سید عطا نظام الدین نوجوان به تحصیل علم
 مشغول است و دختر کلانی از سید ظهیر الدین حسین کتخداوی اولاد است
 دو دختر و دو پسر موجود اند دختر کلانی شان عنایت فاطمه عت مجید النساء که
 از سید ظفر الدین ابن سید وحید الدین بهاری و ثانی خورد سال است و پسر کلانی
 شان را نام نور الدین حسین و ثانی را نام عطا شمس الدین حسین باقی چهار

دو دختران و دو پسر بصغر سنی رحلت کردند و دختر ثانی این فقیر حقیر از سید
 شاه میرالدین حسین که خدا شده بود بنوه است اولاد ندارد و الله تعالی
 آنمه را خورسند دارد زیاده چه بزرگوار و مریدان تابش همیشگی و اینجا درین دیار
 بسیار چند بر آلا اکثر و بر دے این فقیر کردند که تمام باقی نذگان مانند
 نذکره در بیان حالات سیادت رضوی نسب که در موضع انجمنه مذکور
 واضح باد یکی از بزرگان از مشایخان قدیم که آنرا بالا از دو صد سال گذشته
 از سیادت مشهدی تشریف آوردند درین دیار بدان موضع کردند که
 اختیار هنوز اولادشان در آن موضع هستند موجود سابقین بودند نامور
 قضا و اتفاقا حالا از پسرزاده ملکی اندز میندار قرابت از آنها بمصاهرت رفت
 در شرفار اینجوار و نیز از خاکسار باید دانست نام آن بزرگ بود حضرت
 مینا مشهدی رضوی نسب بچند نسب نسبت از حضرت امام علی موسی
 علیه السلام می پیوند و سامی بزرگان بالا دریافت نشد پسر حضرت
 سید مینا مشهدی حضرت سید عارف مشهدی ابنه سید معروف
 فرزندان شان سید بره ابنه سید محمد اسحاق ابنه سید محمد صالح سید
 ایشان یکی سید نور علی پسر شان حکیم امجد علی ابنه حکیم احمد علی ابنه حکیم
 محمد افاق پسر شان حکیم محمد اسحاق که از دختر خور و سید احمد علی دیوردی
 که خدا شدند اولاد از تیمهان رفتند پسر دومی سید محمد صالح سید کریم الله ابنه

سید اطیب الدانہ سید یوسف علی ابنہ ناظر سید احسان علی پسر ایشان سید
 آل نبی کہ موجود اندیک پسر ایشان سید اولاد حسین و چند دختران و پسر خواہر
 سید احسان علی منشی اقبال علی ابن شیخ واجد علی برادر قاضی جواد علی
 بمنشی اقبال علی صاحب دو پسر یکے قاضی افضل علی دویم شیخ عبد الوہاب
 کلانی را دو پسر یکے را امام مقبول حسین و نام ثانی محمد لطیف و خواہر زاده
 منشی اقبال علی سید فرحت حسین ابن سید احمد حسین موجود اند و نام پسر ثانی
 سید احمد حسین سید محمد تقی اند کیفیت ایشان معلوم نشد الا پسر سوم سید محمد صاحب
 کہ بودند از ہمہ برادر کلانی قاضی سید بڑے ثانی ایشان را پنج فرزند یکی قاضی
 سید احمد علی کہ تا فرزند ایشان منصب قضا باقی ماند و می سید امجد علی سوم
 سید فرو علی چارمی سید اسد علی پنجمی مولوی سید اشہد علی قاضی سید
 احمد علی را یک محل یک پسر و از محل ثانی سہ پسر شدند پسر کلانی قاضی احمد علی
 مفتی سید ارشد علی یک پسر و یک دختر فرزند دو یکی سید ریاض علی دویم
 سید امیر حسین دو پسر ایشان از دختر اسد علی یکے مظہر حسین دویم از مظہر حسین
 و نام پسر سید ارشد علی سید شہاد علی عرف میر چند و و شادی ایشان شد
 از شادی اول دختر شد و ثانی شادی از دختر شاہ عبدالکریم مان پوری شد اولاد
 اولاد نامند و پسر ثانی قاضی سید احمد علی قاضی ارشد علی یک دختر ایشان زوجہ
 میر غلام امام این سید گدا علی سہ پسر ایشان احمد امام و محمد امام و اصغر امام ہر یک

ذمی ولد و پسر سومی قاضی سید احمد علی سید امجد علی چارمی سید بشارت علی
 بهرد و لا ولد و پسر اسند علی سید امجد حسین ذمی ولد اندک خدائی ایشان در
 پهلوانی از دختر میر علی سجاد گردید پسرت بنام احمد حسین و سید امجد علی را
 یک پسر و دو دختر کلانی از دهم شاه رحیم بخش یک پسر بهاری شاه
 عبدالکریم نبیره ایشان موجود دختر ثانی زوجه میر مصاحب علی چند دختران و دو
 پسر سید اله بخش دومی سید عبدالسبحان ذمی اولاد هستند و خلف سید امجد علی
 میر ولایت حسین پسر ایشان میر حمایت حسین سه خواهر ایشان یک زوجه شاه
 رحیم بخش دومی زوجه میر مصاحب سومی زوجه ادلی شاه عبدالحکیم شادی ایشان
 دیشین پوره گردید از خواهر میر عباس علی یک دختر شد زوجه سید اله بخش بخشی
 ذمی اولاد اند و پسر سید افر علی سید اسد علی و سید خورشید امام سومی را نامند
 یا دنام ذمی اولاد هر یک اند و کیفیت اولاد مولوی اسد علی دریافت نشد الا
 مولوی مشهدی ابن مولانا احمد علی احمدی پهلوانی داماد انجناب اند باقی
 یعنی از حالات این سیادت فرصت شد و نیز از مجبان این دیار مینویسد حال
 ارشیوخ اکا بجواری شایان خان عظام قصبه پهلوانی که معروف اند در هر امصار
 و دیار بعد ذکر اولاد و فرزندان مخدوم بدرالدین شهباز پوری

تمت کتاب بزرگ شایان خان قصبه پهلوانی جواری اولاد حضرت

جعفر طیار

یزدانست در مقدمه کتاب هذا ذکر آمده است از اولاد حضرت جعفر طیار از انجی
 که بزرگان آمدند بزرگی مسمی امیر عظامه الدار اولاد بسیار حضرت جعفر طیار
 درین دیار تفصیل شان می نمایم در اولاد آن عالی تبار در قصبه چهلواری
 بودند یکی از شایخین کبار شاه ظهور الدار والد ماجد حضرت شاه مجیب الدار
 قادری یکی از خاصان اهل الله در اینجا شدند غزلت نشین ایشانرا بیت
 و تبریت معنوی بطریقه قادریه قلندریه شد از حضرت شاه عماد الدین قلندر
 که برادر بزرگ خسران حضرت بودند و نیز استفاده باطنه و ارشاد از حضرت مولانا
 محمد وارث رسول نما قادری درین قصبه شدند متوکلانه غزلت گزین و نیز
 خانقاه پیریم بود درین قصبه و میگویند تا دوازده سال قریب تربیه پیرین یا ضمت
 مجاهده کردند زیر درخت تمبرهندی رجوعات خلألق شدید کیفیت و کرامات
 شد هویدا آخر از دحام خلقت شد از مردان خانقاه لباشد عمارات بلند القصه
 از برادرزادی پیران حضرت نیز تولد یافتند با حضرت یکد ضرود و سپر یکی را نام شاه
 عبدالحق پسر ایشان شاه نورالحق و خواهر ایشان پسر ایشان مولوی
 شاه ظهورالحق ابن شاه نورالحق ابن شاه ظهورالحق نو اسه شاه غلام نقشبند
 ابن شاه عماد الدین قلندر اندا حاصل مولوی شاه ظهورالحق را پنج پسر و دو دختر
 یکی از نسوب از مولوی منظر نبی شاهباز پوری دویمی کذجا از مولوی عیسی
 ابن مولوی عبدالحق و نام فرزندان مولوی شاه نصیرالحق و مولوی شاه

ظهیر الحق داماد مولوی نواز شمس علی ابن مولوی عبدالعلی سوم مولوی شاه
 امیر الحق که هنوز سجاده ابائی خویش آند پسر ایشان شاه ارشد الحق چارمی
 مولوی صفیر الحق داماد قاضی مخدوم عالم پنجبی مولوی فقیر الحق بعضی دختران
 مولوی نصیر الحق را نیز فرزند نیست و دخترانیت قدر دانست که نکاشت فرزند
 دومی حضرت شاه مجیب الدین شاه عبدالحی یک دختر ایشان زوجه مولوی علی
 والد ماجد قاضی علی اشرف ذی اولاد شده از جهان لا ولد رفتند و پسر شاه
 عبدالحق شاه شمس الدین چهار پسر ایشان یک مولوی محمد علی چهار پسر ایشان
 یک مولوی قلندر والد شاه غلام دستگیر دومی مولوی قطبی دورانام یادند از
 الا پسر دومی شاه شمس الدین را شاه ابو الفضل بودند یک دختر ایشان
 زوجه اول مولوی محمد سجاد قادری این حضرت شاه نعمت الدین قادری سمر
 یک دختر و یک پسر شد بایشان از آن محل شاه محمد مصطفی بهمیر بودند این حقیر این
 کبیر مفقود آن خبر دنام پسران شاه ابو الفضل نام کلانے میان شاه حسین
 دنام ثانی شاه احمد حسین که بهمیر و شفیق قلبی این خاکسار بودند بعد سفر حج
 مشرف زیارت آستانه حضرت غوث پاک شده در بغداد بد آنجوار رحلت کردند
 و پسر سوم حضرت شاه شمس الدین ابن شاه عبدالحی شاه ابوالقاسم بود
 از دختر صفیر و حضرت شاه نعمت الدین قادری از سیه شمس الدین که خداست زنده
 یک پسر ایشان مولوی شاه محمد صبی که پریاقت دومی اخلاق بودند که بنگار

ایشان از دختر غم خور و شاه مجتبیٰ ابن شاه شمس الدین چارمی گردید الا اولاد
 نشد اولاد دختر محل اولی حضرت شاه مجیب الله قادری شاه نور ابو دند یک دختر
 ایشان زوجه مولوی محمد قادری ابن حضرت شاه نعمت الله رحمه الله علیه فتح
 باد از شادی ثانی حضرت شاه مجیب الله قادری دو دختر و یک پسر شدند پسر
 یک دختر شاه و بعد الله که جد صحیح و جد مادر ایشان هر دو بمنزله بودند نام جد
 و پدر ایشان یادماند شادی اول شاه و بعد الله در نو اباده شد از خواهر شاه
 مراد علی مرحوم از بطن ان عقیقه یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر شاه
 محمد یوسف و دختر شاه و بعد الله زوجه مولوی ابوتراب رحمه الله علیه و از شادی
 ثانی که در جوار سهار شد بخوبی دریافت نیست الا یک صاحبزاده شاه محمد مصطفی
 که شادی ایشان از دختر جناب استاد مولوی محمد امام شادیک دختر و سه پسر
 ایشان شاه نعمت مجیب و شاه صفت الله و سوم شاه اشرف مجیب و دختر
 شاه محمد مصطفی زوجه ثانی قاضی علی اشرف ابن مولوی علی اکبر باید دانست
 دختر دیگر حضرت شاه مجیب الله قادری از مولوی شاه وحید الحق که خدا
 شدند و پسر ایشان و کیفیت دختر دریافت نشد یعنی پسر کلانی نام نامی
 بمرتبه عظامی مولانا احمدی رحمه الله علیه و ثانی مولوی علی اکبر رحمه الله علیه
 یاد دارم ایشان را بجز یک پسر مولوی علی اشرف دیگر بود و برایم طفولیت
 رفته باشد الغرض شادی اول مولوی علی اشرف مرحوم از دختر عم کلان خود

مولانا احمدی شکیک پسر متولد شد مولوی احمد کبیر نوجوان بعالم غفوان رحلت کردند
 بعد مدت شادی دیگر از دختر شاه محمد اصطفی تزیج شد یک پسر شد از بصارت
 معذورده ساله شده بمرد و یک دختر هست بیوه بی اولاد شادی در قرابت شده
 و مولانا احمدی رحمه الله علیه از شادی اولی سه دختر و دو پسر دختر کلانی زوجه
 مولوی محمد امام رحمه الله علیه و ثانی زوجه مولوی ابوالحیات رحمه الله علیه
 و ثالث زوجه قاضی علی اشرف مذکور و خلف کلانی مولوی بادی علیه رحمه
 که از دختر صغیره جناب حضرت شاه نعمت الله قادری قدس سره کد خدا شدند
 از سماء بی بی شرفا از بطن آن بی بی دو پسر شدند یکی مولوی فضل الله ثانی
 مولوی شرف الدین والد شاه بدر الدین الا دیگر شادی نمودند مولوی هادی
 صاحب از آن نیز یک پسر شد شاه فضل حسین و فرزند ثانی مولانا حاجی محمد برهم
 مورد رضا و تسلیم ذی اولاد شدند الا از کیفیت مصاهرت و ذریت
 ایشان مطلع نیست و از شادی ثانی مولانا مدوح یک دختر زوجه دوم
 مولوی محمد قادری و پسر مولوی محمد مهدی شادی ایشان در شهر پنهان شد
 از دختر مولوی اشمه علی یک پسر و یک دختر بوجود آمدند و اما دو پسر و بر و
 ایشان بملک بقا چیل بعد عرصه تیر که سماء جمیله دختر مولوی اسمعیل یافتند
 و از شادی سوم مولانا مدوح یک پسر سیمی مولوی محمد عارف و چند خواهران ایشان
 با بجا که خدا شدند ذی اولاد هستند و مولوی اسمعیل از محل ثانی پسر مولوی

شاه و جید الحق بودند و پسر ایشان مولوی محمد اسحاق و مولوی حسن و یک دختر
 سماه جمیله هرگاه از ذکر اولاد هر دو خواهر آن حضرت شاه نعمت الله قدس سره ^{یافت} و
 احوال آنجناب مشیخت آید بینوید و اوضاع بادشاهی جناب حضرت شاه نعمت الله
 رحمه الله علیه در قصبه چیمه موضع گنگنه از قصبه حکیم باسو علیه الرحمة یعنی اتی
 از بطن آن بی بی اولاد شدند غیر آن که بطولیت رفتند هفت پسر موجود و دو
 دختر خلف کلانی مولوی شاه ابوالحسن قدس سره متخلص به فردلاریب بهمه
 کمالات بودند و فرزندشادی اولی ایشان از دختر مولوی عبدالمغنی یعنی از خواهر
 مولوی شاه عبد الغنی گردید یک پسر شدند مولوی شاه علی حسن عرف ابویسان
 جوان شده بکمالات صوری و معنوی رسیده شادی شد از سماه بی بی بتول دختر
 کلانی مولوی محمد امام قادری نو جوان رحیل ملک بقاشدند اولاد نماند و شادی ثانی
 مولوی فرد رحمه الله علیه از قصبه مولوی عبد العلی گردید از بطن ابن زوجه
 اولاد شدند اکثر اولاد و پسر و یک دختر که خدا شده و فاته یافتند کلانی مولوی
 شاه نور العین که سجاده نشین بعد پدر بزرگوار شدند شادی ایشان از دختر
 عم خورد مولوی محمد حسین صاحب شده بود وقت رحلت ایشان فرزندی بود
 خورد سال فضا کرد بعد ایشان سجاده نشین برادر ثانی شدند مولوی شاه علی
 حبیب الله علیه و زوجه ایشان هر دو از دختران مولوی رعایت حسین
 ابن مولوی ولایت حسین ابن مولوی عبد العلی از هر دو بطن اولاد دادند و دختر

و پسر دینجا مناسب افتاده که ذکر ذریت مولوی عبدالعلی مرحوم نمایم باید دانست
 بمولوی شاه عبدالغنی سه دختران یکی زوجه مولوی محمد اشرف والد مولوی محمد و جبه
 و ثانی زوجه مولوی شاه ابوالحسن فرد ثالث زوجه مولوی عبدالعلی یک دختر ایشان
 زوجه ثانیه مولوی فرد مرحوم و پنج پسر یکی مولوی ولایت حسین پدر بزرگوار مولوی
 رعایت حسین دومی مولوی نواز ش علی یک دختر ایشان بود زوجه مولوی ظمیر الحق
 ابن مولانا ظمیر الحق سومی پسر مولوی عیسی که از دختر مولانا ظمیر الحق که خدا شد
 یک پسر ایشان داماد جناب مولوی فرد مرحوم و چارمی مولوی کمال شود و
 بعد جلیله شد مالا مال لا ولد کردند انتقال پنجمی مولوی محمد یونس نوجوان
 بمردند و مولوی عبدالغنی خلف الرشید مولوی عبدالغنی با وجود علم شریعت
 و طریقت که داشتند بی بی حافظ قرآن نیز آنحضرت ذی شان ازین عالم
 لا ولد رفتند جانشین شان پسر خواهر زاده شان شاه و جید الحق ابن مولوی
 محمد و جبه اندشادی ایشان نیز از دختر مولوی رعایت حسین شد خاتم ثانی
 جناب حضرت شاه نعمت الله قدس سره مولوی شاه ابوتراب رحمه الله علیه
 آنجناب بے نظیر منشی در علم صوری و معنوی بودند نشادی ایشان از دختر
 شاه و عد الله شده بود رحمه الله علیه یک پسر ایشان بودند ذی علم
 و ارسته حال صاحب سلیم مولوی عبدالکریم در سن نهم رسیده رحلت کردند اولاد
 و نه بانجناب دیگر اولاد شد فرزند سوم بودند جناب استاد مولوی محمد امام

عالی مقام بر تبه شادوت شدند اختتام از دختر کلانیه مولانا احمدی رحمة الله علیه
 که خدا کردند و دو پسر و سه دختر تولد شدند دختر کلانی زوجه ابو میان ثانی
 زوجه شاه اصفی مذکور دختر خور دلا ولد بمبرد پسر کلانی مولوی آل احمد محدث
 حدیث و حاجی عمر پسر بمبر کردند متاهل شدند فرزند ثانی مولوی نور احمد که از دختر
 برادر عمزاد و خالاتی مولوی محمد تکی که خدا شد نزدیک پسر ایشان را نام معلوم
 مولوی منظور احمد داماد کلانی شاه علی حبیب مرحوم بانی کیفیت اولادشان
 دریافت نیست فرزند چهارم جناب محلی القاب و ستادی مولوی شاه
 ابو الحیوة که از دختر ثانیه مولانا احمدی علیه الرحمة که خدا شدند و دو پسر
 کلانی مولوی محمد یحیی که از دختر عم که خدا شده وی اولاد اند و پسر ثانی شاه محمد
 بعارضه طحال اند جوانی رحلت کردند فرزند پنجم آنجناب شیخ مات حضرت
 شاه نعمت الله قادری جناب محلی القاب مولوی محمد قادری که مجمع صفات
 بودند موصوف از دختر شاه نور یک دختر شد پیدا که زوجه مولوی محمد یحیی شدند
 از بطن آن عقیقه دو پسر و یک دختر شدند کلانی مسمی غلام دستگیر اند جوانی
 رقتند بلکه بقائانی مولوی عنایت رسول مقبول اهل قبول نوجوان فتنه
 الا اولاد گذشتند و خواهر ایشان زوجه مولوی نور احمد مرحوم زیاده نامیم مرقوم
 فرزند ششم آنحضرت مولوی محمد سجاد و یا مولوی علی سجاد که با وجود تحصیل
 علم ظاهری بر طریق فقر غلبه داشتند که خدائی اول ایشان از دختر مولوی

ابو الفضل شده بودند ثانی شادی از دختر خال خورد ایشان گردید یعنی
از دختر حکیم مظفر پسر اندموجود یک مولوی عمر در از نام دیگران
ندارم یاد فرزند هفتم مولوی محمد حسین بودند شادی اول ایشان
از دختر خال کلانی حکیم واعظ الله شده بود و فرزند آن موجود و خلف کلانی
مولوی ید الله یا مولوی مولائی شدند رحیل ملک بقا کیفیت اولاد
در یافت نشد الا دختر مولوی صاحب زوجه شاه نور العین بودند با خبر
عمر به زیارت حرمین شریفین رفتیم حج ادا ساخته در آنجا کردند

انتقال ان الله وانا الیه راجعون

ذکر اولاد حضرت مخدوم شاه بدر الدین شیار پوری قدس
باید دانست این بزرگ از سیادات عظمیٰ سلوی نسب بوده اند نظریه
فردوسیه میداشتند بچند واسطه خلف و خلفا حضرت مخدوم الملک
قدس سره از آنجا که بودند حواری این خاک از ذکر و ریت نگاشت
آنچه یافت که نسب نامه علی التسلل الایافت که من نگاشت
باید شنید فرزندان ایشان یک بصیغه آل اند و ثانی اولاد در فرزند
آل آنجناب یک شاه مظفر احمد پدر بزرگوار شاه اقبال حسین حسر
شاه میان حان مکه سوی بلکه هر دو برادر و فرزند ثانی مولوی
مظفر نبی یک دختر ایشان زوجه ثانیه مولوی محمد سخی باقی کیفیت

فریت ایشان نامعلوم آلامی آرند بیره بنده محمّد دوم بر پشت
 پنجم بودند میر محمد سعید ابن سید محمد حبیب زائد دریافت میت
 ذی اقبال که خدائی ایشان در قصبه دانا پور شد در قرامت
 ملکیان دانا پور کے شیخ زادہ در انخانه چند زنان بودند سیوہ
 و فرزندان صغیر سن چونکہ صاحب شعور و تمیز بودند فرامین
 بادشاهی در آنجا یافتند برگرفتند و رسوخیت صوبہ یافتہ
 حضوری در دربار بادشاهی گردید منصب جاگیر یافتہ بخطاب
 چودھری شدند معروف چودھری محمد سعید خان
 گردند صیفہ زمین داری حصول سکونت نیز گردید و قصبہ
 دانا پور کہ معروف محلہ چودھرانہ است الغرض یک پر
 ایشان چودھری غلام وارث نام بایشان پسران
 شدند چارہر یک نامدار یک چودھری غلام شرف دومی
 چودھری غلام حسین سومی چودھری غلام حیدر چارمی
 چودھری غلام امین ہر دو برادر سوم و چارم عم یافتہ
 لا ولد فرستاد زنی عالم الا پسر چودھری غلام حسین
 بودند چودھری دوست علی اولاد ایشان شدند از محل شانہ
 الا از ہمہ کلامی بودند چودھری غلام شرف

یک پسر ایشان چو دهر می غلام نجف و سه خواهر
 ایشان دختران چو دهر می غلام شرف یکی جان بی بی
 عرف بی بی جنوا شادی ایشان در موضع کرائی بر سر ای آینه
 حال اولاد ایشان دریافت نشد و می بی بی منون شادی
 ایشان در قصبه چپره بجله بیان وان بود از میر سلامت علی
 گردید در انا پور شدند مقیم یک پسر ایشان میر مقصود علی
 و خواهر ایشان بی بی نمودن زوجه ادنی میر عابد علی صاحب
 لا ولد بمردن مسماة مغفوره و دو پسر و یک دختر بودند بمیر
 مقصود علی یکی سید فقیر علی دومی سید امیر علی که خدا شده لا ولد
 بمردن و خواهر ایشان نیز در ایام صغر سن فوت شد باید دانست
 دختر چو دهر می غلام شرف از همه کلا نی مسماة زیب النساء
 و دختر ایشان یکی بی بی زینب دومی بی بی رحمت زوجه چو دهر
 میر دوست علی ابن چو دهر می میر غلام حسین و بی بی زینت زوجه مفتی برکت الله
 یک دختر ایشان مسماة قدیر النساء که مولوی سید منور علی صدر اعظمی ابن میر شاد علی
 ساکن موضع شیخ پوره که خدا شدند و پسر ایشان میر نور علی قاضی یک پسر ایشان
 عمیر در امانا و مولوی سید شاد حسین ابن مولوی سید
 واجد حسین ابن میر قادر بخش مرحوم و پسر دوم مولوی منور علی

سید اظہر علی والد میر شمس المہدی شادی اولی ایشان بموضع
کاندھے گردید از دختر میرا محمد علی ذمی اولاد اند و خواہم
ایشان زوجہ سید محمد کلیم ابن سید قمر علی برادر میر نور علی

ذکر اولاد چودہری غلام نجف

با پدشید شادی چودہری غلام نجف عرت چودہری
ڈوما از دختر ہمزلف شیخ عبد المجید پہلواری گردید کہ شیخ
عبد المجید ہمزلف شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہاے
بودند الحصول چہارہ سپرویک دختر از بطن این عقیقہ
بچودہری غلام نجف شد فرزند کلانے سید عابد علی
کہ کمال عنبر و شان صنیعہ زمین داری انجام کردند و نیز دادند
رونق بہ تجارت شادی اولے ایشان از خواہر میر مقصود علی
شدہ بود شادی ثانی از مسماۃ وجہا عرف مسماۃ وجود دختر
شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہامی گردید یعنی از خواہر
مفتی غلام قادر مرحوم اولاد این بی بی نشہ چنانچہ میر
عابد علی صاحب باین ثروت و اقبال ازین عالم لاولد فرستند
المنہ عن پیر ثانی چودہری غلام نجف میر خورشید علی
کہ مدام عمر سلسلہ روزگار بسر کار حکام بسر ساختند

شادی ایشان بموضع پهلواوری شد از مسماة سکران دختر مولوی بدیع الزمان
 ابن شیخ عبد المجید و مولوی بدیع الزمان داتا بودند شیخ غلام حیدر از مسماة
 حیسان که خدا الحصول از بطن مسماة سکران یک دختر شد مسماة رحمن که از سید
 محمد عظیم ابن میر قمر علی که خدا شد ذی اولاد اند یک پسر ایشان سید نصر الدین
 خواهر این زوجه مولوی وحید الدین صدر اعلی و پسر سوم چودھری غلام نجف
 سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبد المجید که خدا شد ذی اولاد شد و پسر
 چهارم سید وصی احمد عرف سید محمد ولی سه شادی ایشان کردند از بطن کس
 اولاد نشد بالکل مالک تر که زوجه ثالث شد بدو دختر چودھری غلام نجف مسماة
 طاہرہ زوجه میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان و سه پسر یکی سید
 محمد عظیم مذکور الصدر داتا میر خورشید علی مرحوم دومی سید محمد کلیم داتا سید ظہیر
 ابن مولوی منور علی سومی پسر محمد کلیم و خواہر کلانی ایشان زوجه سید حاج حسین
 مسماة حمیدہ یک پسر شدہ بود و خواہر ثانی ایشان زوجه سید نور الحسن خواہر
 ناظر سید فد اعلی در اینجا کیفیت ذریت چودھری محمد سعید خان انجام یافت
 چیزی ذکر صاحبان موضع نیچورہ کہ قرابتیان ایشان اند می نگار و وہم
 با و یکی از سیادت نامی کہ نام یا و نادر از اولاد حضرت حسین صغیر ابن حضرت امام
 زین العابدین رضی اللہ عنہ کہ سلسلہ مسلسل بالادریافت نشد چو کہ اولادشان
 ذمی اقبال شدند و قرابت داری شد واقع حسب یاد مینو سید یعنی ان بزرگ

رئیس بود چهار پسر بودند ذریت دو پسر مولوی منور علی و سید قمر علی یعنی شادی میر
 روشن علی از دو دختر عم اوسط شد از یک بطن مولوی سید منور علی و از دیگرے
 میر قمر علی که کیفیت اولاد بالا تخریر شد و از نیرگان پسر چهارم میر انور علی و نیز
 فقیر بخش هر یک ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یک میر بهادر علی و دومی میر حیدر علی
 ابنان میر نور علی پسر میر حیدر علی منشی سید عبدالعلی و نیز بهادر علی صاحب راسه پسر
 شدند و سه دختر پسر کلانے میر سخاوت علی که از دختر سید محمد جعفر خان که خدا شدند
 یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید
 کمال الدین حسین و سید ظهیر الدین حسین و سید صغیر الدین حسین در قرابت خواهر زاد
 این خاکساران پسر دوم میر بهادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از موکو
 علی حسن عرف حسن ابن مولوی افضل علی که خدا شد از و سید نور الحسن موجود اند و
 پسر سوم میر مقصود علی کیفیت ذریت شان دریافت نشد الا پسر یک خواهر هر سه
 برادر سید حامد حسین و اما دکلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن تنیهو برادر
 میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه خال این هر سه برادر ذی اقبال بودند
 و میر فرحت حسین راسه پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاعت حسین
 اولاد دختر می هر سه برادران موجود اند

ذکر آبا اجداد سید حسین علی

یکی از اجاب منشی سید فضل الدین احمد که از سیادت رضوی اند کیفیت نسب ذریت

آنچه که معلوم هست اینست که انجا که فرزند از چندی پیش مرحوم میر سید حسین علی که از
یاران قدیم جناب حضرت انجی الاعظم ولی محترم جناب حضرت سید شاه محمد قاسم
قدس سره اند و نیز کامیاب صحبت جناب حضرت پیر مرشد قطب العصر سید شاه
قمر الدین حسین قدس سره اند و نیز مشرف از زیارت جناب مظهر السرائر
سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره اند علت غائی تحریر بدین مختصر که یکم خلاصه
قدیم محبصیم این فقیر حقیر نیز اند و نیز بفضل اکثر برادران ایشان را حصول شرف
بیعت از جناب حضرت انجی الاعظم قدس سره و هم دیگر عزیزان ایشان حقیقت
سلسله بیعت از جناب انجی سرمنشئه اتحاد و جلیس اند که ارشاد سید شاه محمد عباد
دام فیضه و برکاته هست درین کتاب ذکر نسب و اولاد و شأن ضروری واجب شد حالا
تحریر بنماید

در اینجا ذکر نسب میکند تحریر حسب سلسله توقیر

جد البجد میر سید حسین علی سید فیض الدین شیخی میان از سیادات رضوی مطهرین
مقام مالک گرام نو دارد بقصه بجد و بی ضلع مرزا پور خلف الرشید ایشان سید باب
خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چهارم یکی ذی لیاقت و اقدار از ان
سکونت شان بقصه داوود و دیگر ضلع بهار گردید پس کلانی ناظر سید فضل محمد
پسر ایشان یکی سید و ارث علی که از دختر عم سید فضل احمد که خدا شده ذی اولاد
شدند پسر ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر و اصل علی که بطریق مذکور و الدخود

مانند ثالث سید فضل حسین و وپسر ایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و
نام پسر سید وارت علی سید وارت حسین خلف ثانی سید محمد زمان سید فضل الدین
پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدر و وپسر ایشان یکی سید محمد صدیق دومی
سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الدین پسر ایشان
سید طفیل علی و خواهر ایشان یکی منسوب از سید حسین علی دومی منسوب از سید
رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول
شش پسر سید فضل امام شدند یکی سید رکن الدین مرحوم مذکور الصدر دومی
سید امیر الدین سه پسر ایشان سید ضمیر الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت الدین
سر سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز دومی اولاد نیستند چارمی سید
فتح الدین لا ولد پنجمی سید جلال الدین پسر ششم سید فضل امام سید میر الدین حیدر
بنه سید سجاد حسین نواسه سید حسین علی باقی پسر پنجم سید محمد زمان سید
فضل حسین که در عروج ماند بسیار پیش حاکم وقت در شهر بریلی الا بشیعه مذنب
در مذنب تعصب و برادر کلانی و خود را احمد گفته دریات این برادران خفی المذهب
و ابو العلامی مشرب شدند الغرض و وپسر شدند سید فضل حسین سید محمد حسین
پسران این دو یکی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان
از جمله فرزندان یک دختر سید قربان حسین که بیعت ایشان را از بزرگی بطریق قادریه
بود و ارسته حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند دختر دیگر

شیخ ذوالفقار علی که مؤنس این فقیر بودند و فیضیاب درین طریقه از حضرت
پیر مرشد قطب العصر بودند و او را یک دختر سید محمد زمان زوجه شاه بند هولا هوری
که از خلفا حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره بودند و ولد رحلت کردند حالا
بتفصیل ذکر ذریت شان نمایم آنچه که معلوم و شادی ایشان اکثر ذرعی اعمام است
که تفصیلاً معلوم نیست سید احمد حسین ولد میر طفیل علی و سید جنت حسین و لایت حسین
و سید ضمیر الدین و پسران سید امیر الدین حیدر مرحوم موجود اند و سید علی بخش
ولد سید ضمیر الدین و پسران سید تفصل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

تمت

خاتمه الطبع از قلم شکسته قلم بهیچدان کجی زبان شیخ امیر الدین احمد
چشتی صاحب گنجی خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی ابن الاصح
شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پائنده پور گنه شاهجهان پور
ضلع پٹنہ یکی از فرزندان جناب حضرت خواجہ معین الدین چشتی قدس سره العزیزین

بعد حمد خالق کون مکان نعت پیغمبر آخر الزمان و منقبت ایام طهار حیدر کریم
و ثناء اصحاب کبار احمد مختار بر جمله حضرات گل گلشن بیادات گوهر آبدار
دریای نجابت اختر تابنده بهرج شرافت عالی حسب و الانساب
واضح باد که درین زمان حمید و وقت سعید نسخه نایاب مذکور انساب

حضرت سادات رفیع الدرجات لایق پسند متقدمین و سودمند
متاخرین از تالیفات واقف رموز اسرار عرفان کاشف و قایق
ایقان باده کش میخانه و وحدت جرعه نوش جام محبت مقبول بارگاه پذیرد
جناب حضرت سید شاه عطا حسین صاحب تخلص فانی عزلت گزین
محلہ رام ساگر منحلات قصبہ صاحب گنج ضلع گیا حسب یک مبلغ شیخ
محمد کاظم صاحب تخلص کوکب رئیس قصبہ صاحب گنج خلف الصدق شیخ
شجاع علی صاحب باہتمام معدن لطف و کرم منہل جود و ہبم جناب
شیخ نور الدین بن جیوا خان صاحب مالک مطبع حیدری
وصفندی مطبع نامی و گرامی صفدری واقع بندہ بمبئی بتاریخ
۲۴ رمضان المبارک ۱۲۳۰ ہجری نبوی مطابق ۶ اگست ۱۸۱۳ء عیسوی
بصحت تمام از روی طبع فرین شدہ او نیزہ گوش روزگار گشت خداوند
مقبول و مطبوع اہل عالم نماید بمنہ و کرمہ فقط

قطعه تاریخ طبع طبغزاد شیخ محمد کاظم صنا کوکب ابن شیخ شجاعت علی
صاحب ساکن قصبه صاحب گنج ضلع گکلیا تلیند شید سید میرالدین احمد
صاحب کیفی و میر خوشید علی صاحب نفیس

بودتاقیامت نسب راتسل
بحام بلورین رخ شاد مل
چو سنبل پسرین فروشته کامل
همانا تو گوئی که شد دسته گل
بگو شمعند اگر گشت تسل

چه خوش طبع شد کنز الانساب کنزوی
بهر لفظ او جلوه گر روی معنی
سواد سطورش بصفح بیاضش
چهارونق آب و گرش برآمد
ز هاتف چو پدید کوکب سن او

ایضا

لباس طبع در بر کرد امروز
رسم کردم گل تر رونق افروز

محمد افند کوکب کنز الانساب
بسال اختتام انطباعش

ایضا

بتالیفات فانی خوش اوقات
چمپا اب مخزن نسب سیادت

هوئی مطبوع جبیه کنز الانساب
لکها کوکب فی سال از روی ایجاد

ایضا

بزنگ شمس طالع گشت هرگاه
نو شتم قدوه سادایت نویجاه

ز برج طبع کوکب کنز الانساب
بتایخ شیوع انطباعش

قطعه تاریخ طبع از طبع شیرین ان سخن سیم شاملا حسین علی سیم

باطبع مطبوع آمده و کشف نخل صفیا
ما تفت بمن گفتا بگو تا سنج حال او یاب

صد شکر حق جل و علا کاین سخن از فردا صفا
طبع لبال طبع او چون شد بفکر سیم فرو

اشتهار

چونکه حاجی سید عطا حسین
معروف بعبد الرزاق صاحب مصنف
کتاب مذاحق تصنیف را بر اقم همه فرموده اند
لنذا مید که کسی بدین اجازت را قم قصد طبع
این کتاب نکند ورنه از روی خنده

فانون بجرم از کتاب طبع کتاب
موهوب صورت نقصان بظهور آید
المشیر
نور الدین بن جیوا خان

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعمل
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آئینہ دیرانہ لیا جائے گا۔

۱۔ اگر ایک شخص ایک کتاب لکھتا ہے تو اس کا حق ہے کہ اس کی کتاب کو دنیا میں پھیلے۔
 ۲۔ اگر ایک شخص ایک کتاب لکھتا ہے تو اس کا حق ہے کہ اس کی کتاب کو دنیا میں پھیلے۔
 ۳۔ اگر ایک شخص ایک کتاب لکھتا ہے تو اس کا حق ہے کہ اس کی کتاب کو دنیا میں پھیلے۔
 ۴۔ اگر ایک شخص ایک کتاب لکھتا ہے تو اس کا حق ہے کہ اس کی کتاب کو دنیا میں پھیلے۔
 ۵۔ اگر ایک شخص ایک کتاب لکھتا ہے تو اس کا حق ہے کہ اس کی کتاب کو دنیا میں پھیلے۔
 ۶۔ اگر ایک شخص ایک کتاب لکھتا ہے تو اس کا حق ہے کہ اس کی کتاب کو دنیا میں پھیلے۔

